

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان

دفتر سوم

تدوین:
گروه واژه‌گزینی



Islamic Republic of Iran

Academy of Persian Language & Literature

A Collection of Terms

Approved by:
The Academy

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

ISBN 964-7531-50-8

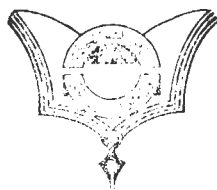
فرنگ
موسم بہار

تدوین:
گروہ
واژه‌گزینی

۲۵	۱۱
----	----

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان

دفتر سوم



تأسیس ۱۳۷۶
کتابخانه تخصصی ادبیات

فرهنگ واژه‌های
مصوب فرهنگستان

دفتر سوم

گروه واژه‌گزینی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

گروه نشر آثار / تهران ۱۳۸۵

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر سوم

تدوین و ویرایش و حروف‌چینی: گروه واژه‌گزینی

مدیر فنی چاپ: حسین ایوبی‌زاده

چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۸۵

طراحی جلد و صفحات: کارگاه گرافیک سپهر

چاپ و صحافی: فرشیه

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر، نیش کوچه سوم،

شماره ۸، صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

وب‌گاه (وب‌سایت): www.persianacademy.ir

پیام‌نگار (ایمیل): terminology@persianacademy.ir

شابک: ۹۶۴-۷۵۳۱-۵۰-۸

ISBN: 964-7531-50-8

شابک دوره: ۹۶۴-۷۵۳۱-۳۱-۲

ISBN: 964-7531-31-2

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی ایران؛

گروه واژه‌گزینی،

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر سوم / تدوین و ویرایش

و حروف‌نگاری: گروه واژه‌گزینی. - تهران: فرهنگستان زبان و ادب

فارسی، ۱۳۸۵، ۲۴۷ ص، ج ۳ (چاپ ۱۳۸۵)

ISBN 964-7531-50-8

ISBN 964-7531-31-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

ص.ع. به انگلیسی: The Academy of Persian Language and Literature. A Collection of Terms.

۱. فارسی -- واژه‌سازی. ۲. فارسی -- واژه‌های جدید الف. فرهنگستان

زبان و ادب فارسی ب. عنوان.

۴ ف ۴ / PIR ۲۹۶۴ ۳/۱ فا ۴

۸۵-۳۵۱۰ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

هفت	پیشگفتار
یازده	مقدمهٔ چاپ اول
بیست و یک	همکاران علمی
بیست و چهار	نشانه‌های اختصاری
۱ - ۱۳۰	فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان به ترتیب الفبای فارسی
3 - 48	فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی
51 - 93	فهرست واژه‌ها بر اساس حوزه به ترتیب الفبای لاتینی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

پیشگفتار

گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سال ۱۳۸۴ گامی فراتر نهاد و موفق شد دفتر سوم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را به پیشگاه استادان گرانقدر و مردم عزیز ایران، که بی‌شک همگی علاقه‌مند به زبان و ادب فارسی هستند، پیشکش کند. در پیشگفتار دفتر دوم آنچه را در سال ۱۳۸۴ آهنگ به انجام رساندش را داشتیم باز گفتیم و اکنون با خرسندی می‌گوییم که نه تنها به وعده خود تا آنجا که قرار گذاشته بودیم و ممکن بود وفا کرده‌ایم، بلکه شاید گامی بیش و کم درخور، فراتر نهاده‌ایم.

۱. گفته بودیم بنا داریم بر سرعت کار بیفزاییم و گمان داریم که با توجه به ماده‌ای که به اساسنامه فرهنگستان افزوده شد، این نتیجه تحقق یافته است.

۲. قرار گذاشته بودیم راهکارهایی برای بهره‌گیری از همکاری بیش از پیش دانشمندان و علاقه‌مندان کارشناس در امر واژه‌گزینی بیندیشیم؛ با برنامه‌ای که از این پس به اختصار بدان اشارت خواهیم کرد این قرار نیز، البته به شرط همکاری استادان و پژوهشگران خارج از فرهنگستان، عملی خواهد شد.

۳. در دفتر دوم خواستار اظهار نظر استادان و خواهان پیشنهادهای تازه شدیم و اکنون به انتظار اظهار نظر و راهنمایی این بزرگواران در خصوص واژه‌های مصوب آزمایشی دفتر دوم (که امکان تجدید نظر در مورد آنها در سه چهار سال آینده وجود دارد) هستیم.

۴. گفته بودیم که می‌خواهیم اصول و قواعد و ضوابط واژه‌گزینی را کامل و سامان‌مندتر و واضح‌تر کنیم. با تشکیل جلسه‌های متعدد و طولانی مقدمات کار را فراهم ساخته‌ایم، پیش‌نویس اصول و ضوابط را آماده کرده‌ایم و در ماه‌های آینده، به یاری خداوند علیم و قدیر، با برگزاری یک یا دو هم‌اندیشی این پیش‌نویس را در

معروض بحث و گفتگوی استادان صاحب نظر قرار خواهیم داد و پس از طرح نتایج در شورای فرهنگستان اصول و ضوابط تجدیدنظرشده و کامل شده را در دسترس عموم دانشمندان و دانشگاهیان و صاحب نظران و نیز انجمن‌های علمی قرار خواهیم داد.

۵. گفته بودیم که با عرضه این ضوابط و اصول از همه استادان خارج از فرهنگستان با فروتنی و به جد تقاضا خواهیم کرد ترتیبی بدهند که با توجه به این ضوابط و اصول معادل‌هایی برای واژه‌های علمی حوزه تخصصی خود پیشنهاد کنند.

در مورد بند آخر ما گامی فراییش نهاده‌ایم و برای این پیشنهاد راه و رسم و روش منسجم و منظمی را تدوین کرده و برای تصویب به هیئت امنای فرهنگستان‌ها داده‌ایم و این امید هست که هم‌زمان با انتشار این دفتر تکلیف آن در هیئت امنا معلوم شده و امکان اجرای آن نیز فراهم آمده باشد. خلاصه‌ای از این برنامه که یکی دو بار در همین مختصر بدان اشاره شده است به شرح زیر است:

بارها گفته‌ایم و باز می‌گوییم و خواهیم گفت که وظیفه اصلی و اولی فرهنگستان‌ها و در خصوص مورد، وظیفه فرهنگستان زبان و ادب فارسی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی زبان و ادب فارسی است و اگر به کار پژوهشی می‌پردازد، این پژوهش از نوع پژوهش‌های پشتیبان یا مقدمه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی است. هم‌چنین اگر گام در میدان برخی امور اجرایی، برای تحقق سیاست‌ها و برنامه‌ها می‌گذارد، از باب الگوسازی و عرضه نمونه‌های مرجع است؛ و نیز گفته‌ایم و می‌گوییم که زبان یکی از پدیدارهای اجتماعی تام یا جامع و کامل است و به عنوان یک امر اجتماعی از آن همه مردم است؛ واژه‌گزینی نیز چون ربط مستقیم با این امر اجتماعی دارد، همه مردم در کار و بار آن دخیل‌اند و چون چنین است وظیفه فرهنگستان آن است که به عنوان سیاستگذار و برنامه‌ریز زبان، ضوابط و اصول لازم را تدوین کند تا جامعه زبانی در طاس لغزنده آشفتگی در این امر مهم و دقیق نیفتد و علاقه‌مندانی هم که می‌خواهند در کار واژه‌گزینی وارد شوند و در عین حال مایل‌اند به قاعده و به سامان گام بردارند، راهنمای روشن و اندیشیده‌ای در اختیار داشته باشند. بر این اساس فرهنگستان با پیشنهادی که به هیئت امنای فرهنگستان‌ها داده است، کوشش خواهد کرد برنامه گسترش فعالیت واژه‌گزینی به روش جدید را، که خلاصه‌ای از آن ذیلاً خواهد آمد، پس از تصویب به مرحله اجرا درآورد. گسترش فعالیت واژه‌گزینی به روش جدید، بر اساس سیاستگذاری فرهنگستان خواهد بود، که باید با شرکت کل جامعه علاقه‌مند به زبان فارسی و صاحب نظر در امر واژه‌گزینی سرانجام یابد. این روش هم از جهت سرعت بخشیدن به فرایند واژه‌گزینی و هم از نظر رواج معادل‌های انتخاب شده

ضرورت قطعی دارد. روش اجرای این برنامه بدین شرح است:

۱. اعلام یا ابلاغ ضوابط و اصول کامل و تجدیدنظرشده، پس از تصویب شورای فرهنگستان، به دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های علمی.

۲. درخواست از مقامات مسئول دانشگاهی و پژوهشگاه‌ها که تعدادی از ساعات خدمت موظف دانشگاهیان و پژوهشگران را، با اعلام داوطلبی آنان، در اختیار امر واژه‌گزینی علمی تخصصی قرار دهند تا اعضای هیئت علمی داوطلب بتوانند به تشکیل گروه‌های تخصصی واژه‌گزینی بپردازند.

۳. از انجمن‌های علمی غیردولتی نیز، به ترتیبی که در بند ۵ آمد، دعوت خواهد شد که در صورت تمایل در امر واژه‌گزینی شرکت فعال داشته باشند.

۴. علاوه بر اصول و ضوابط، چنانچه فرهنگستان در سال ۸۵ بتواند بخشی از پیکره واژگانی موضوع واژه‌گزینی را تهیه کند، آن را نیز در اختیار کلیه گروه‌های تخصصی واژه‌گزینی فرهنگستان، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، انجمن‌های علمی و... قرار خواهد داد.

۵. نظر به اینکه لازم است واژه‌هایی که در خارج از فرهنگستان برای آنها، بر اساس اصول و ضوابط فرهنگستان، معادل‌یابی می‌شود از لحاظ مطابقت یا عدم مطابقت با اصول و ضوابط مصوب در فرهنگستان بررسی و سپس تصویب شوند، ضروری است سامانه‌ای برای تعامل فرهنگستان، در این امر، با گروه‌های واژه‌گزین پیش‌بینی شود تا واژه‌های پیشنهادی کاملاً با اصول و ضوابط همخوانی داشته باشند و تصویبشان در فرهنگستان به سرعت تحقق یابد.

۶. علاوه بر این فرهنگستان در صدد است که در همین ایام با فعال‌تر کردن شوراهای هماهنگی و هیئت فنی، بر اساس تدبیرهایی که اندیشیده است، حاصل کار واژه‌گزینی در درون فرهنگستان را هم به چند برابر افزایش دهد و امید است دفتر چهارم فرهنگ واژه‌های مصوب در سال آینده، چند برابر دفتر سوم باشد. انشاءا... .

استادان و صاحب‌نظران، با توجه به آنچه گذشت، عنایت می‌کنند که روش جدید تعاملی جدی و مشارکتی پرمعنا و دوسویه را طلب می‌کند. بدون رودربایستی باید گفت که گروه واژه‌گزینی از یکسو بدون مساعدت و حمایت فعال شورای فرهنگستان و همه اعضای هیئت علمی و پژوهشگران فرهنگستان و از سوی دیگر تمامی فرهنگستان بدون یاری و همکاری فعال همکاران دانشمند واژه‌گزین دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و انجمن‌های علمی نمی‌تواند برنامه جدید را به نتیجه برساند.

به نظر می‌رسد خواننده گرامی بتواند بر کوشش مختصری که در پیش بردن

برنامه‌های واژه‌گزینی به انجام رسیده است و نیز بر وفای به عهد و پیمان و قول و قرار سال گذشته به عین‌الرضا نظر کند.

فرهنگستان از همه دست‌اندرکاران واژه‌گزینی: گروه‌های تخصصی حوزه‌های شش‌گانه که همواره یار و مددکارش بوده‌اند، اعضای شوراهای هماهنگی، هیئت فنی که در تجدید نظر و تهیه و تدوین پیش‌نویس اصول و ضوابط واژه‌گزینی کوشش کرده‌اند، شورای واژه‌گزینی و دیگر پژوهشگرانی که کارهای واژه‌گزینی را به سامان رسانده‌اند و موجب شده‌اند این دفتر در مدتی اندک به علاقه‌مندان زبان و ادب فارسی تقدیم شود سپاسگزاری می‌کند. اینجانب نیز به سهم خود از زحمات شبانه‌روزی همه همکاران گروه واژه‌گزینی و نیز از سرکار خانم نسرین پرویزی که در تنظیم امور و ترتیب و تدوین نهایی کوشش نموده‌اند سپاسگزارم.

فرهنگستان برای به سامان رساندن امور مربوط به زبان و ادب فارسی گام در راهی دشوار نهاده است؛ معادل‌یابی و واژه‌گزینی نیز با پیچ‌وخم‌های فراوان روبروست. آن گروه از علاقه‌مندان به زبان فارسی که در فرهنگستان گرد آمده‌اند، با همه توان در این راه گام برمی‌دارند و از افتادن‌ها و برخاستن‌ها رنجه‌خاطر و دل‌آزرده نمی‌شوند. با این همه همگان، یعنی همه علاقه‌مندان به زبان و ادب فارسی و استادان دانشمندی که به حق با همت بلند خویش چراغ پرفروغ این زبان بی‌همتا را نگاهبانی می‌کنند باید بیش از پیش فرهنگستانی‌ها را یاری دهند تا بتوان دست در دست هم با گام‌های استوار این راه پرثیب و فراز را پیمود و آنچنان سرعتی به کار بخشید که در ظرف چند سال دل‌مشغولی‌های کنونی جای خود را به آنچنان شادی و دل‌آسودگی واگذارد که شایسته زبان و ادب مردمی خردمند و عاشق و دل‌داده زبانی شیوا و رسا و عاری از واژه‌های بیگانه و ناآشناست.

حسن حبیبی

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

و

مدیر گروه واژه‌گزینی

اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵

مقدمه چاپ اول

گروه واژه‌گزینی از جمله گروه‌هایی است که از بدو تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی تشکیل شد. واژه‌گزینی در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و عمر آن به بیش از صد سال می‌رسد و فرهنگستان زبان و ادب فارسی سومین فرهنگستانی است که در طول این مدت به عنوان سازمانی دولتی به این امر همت گماشته است. با وجود این سابقه، در ابتدای کار نیاز به تدوین اصول و ضوابطی برای واژه‌گزینی ضروری می‌نمود. از این‌رو، گروه واژه‌گزینی در آغاز کار اصولی را در نه ماده تدوین کرد و به تصویب شورای فرهنگستان رساند تا راهنمای کار واژه‌گزینان و پژوهشگران گروه باشد. گروه واژه‌گزینی با تعداد انگشت‌شماری پژوهشگر، فعالیت جدی خود را برای یافتن معادل‌های فارسی در مقابل واژه‌های بیگانه در اوایل سال ۱۳۷۴ آغاز کرد. معادل‌گزینی برای واژه‌های بیگانه رایج در میان مردم اولین دستور کار این گروه بود. که حاصل آن در دو جزوه واژه‌های عمومی به تأیید رئیس جمهور وقت رسید و به تمام مؤسسات دولتی ابلاغ شد.

در اواخر سال ۱۳۷۵ تلاش گروه برای راه‌اندازی گروه‌های واژه‌گزینی تخصصی از طریق همکاری با فرهنگستان علوم و سپس فرهنگستان علوم پزشکی و در سال‌های اخیر فرهنگستان هنر و مراکز تحقیقاتی و علمی فعال آغاز شد و گروه‌های واژه‌گزینی تخصصی متشکل از استادان و صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون با نظارت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و حضور پژوهشگران گروه واژه‌گزینی فرهنگستان به واژه‌گزینی برای واژه‌های تخصصی پرداختند.

در حال حاضر چهل و شش گروه و شورای هماهنگی واژه‌گزینی تخصصی در گروه واژه‌گزینی فرهنگستان فعالیت دارند و کار چند گروه نیز به پایان رسیده است. بیش از دویست استاد دانشگاه و متخصص در رشته‌های مختلف عضو این گروه‌ها هستند. طبیعی است که به دلیل سلیقه‌ها و تجربه‌های متفاوت این استادان و نبود شیوه کار مدون واژه‌گزینی، کار ما با کاستی‌هایی همراه بوده است که در طی این سال‌ها در رفع آنها کوشیده‌ایم. از این‌رو، واژه‌هایی که در سال‌های آغازین کار به تصویب رسیده و منتشر شده است ممکن است با آنچه در سال‌های اخیر تصویب شده، در برخی موارد، هماهنگ نباشد. گردش کار در گروه‌های مختلف واژه‌گزینی در حال حاضر بر اساس نمودار صفحه بعد چهارده مرحله دارد. مراحل کار گروه تغییراتی کرده که در این دفتر آمده است و با مراحل گردش کار در دفتر اول تفاوت دارد.

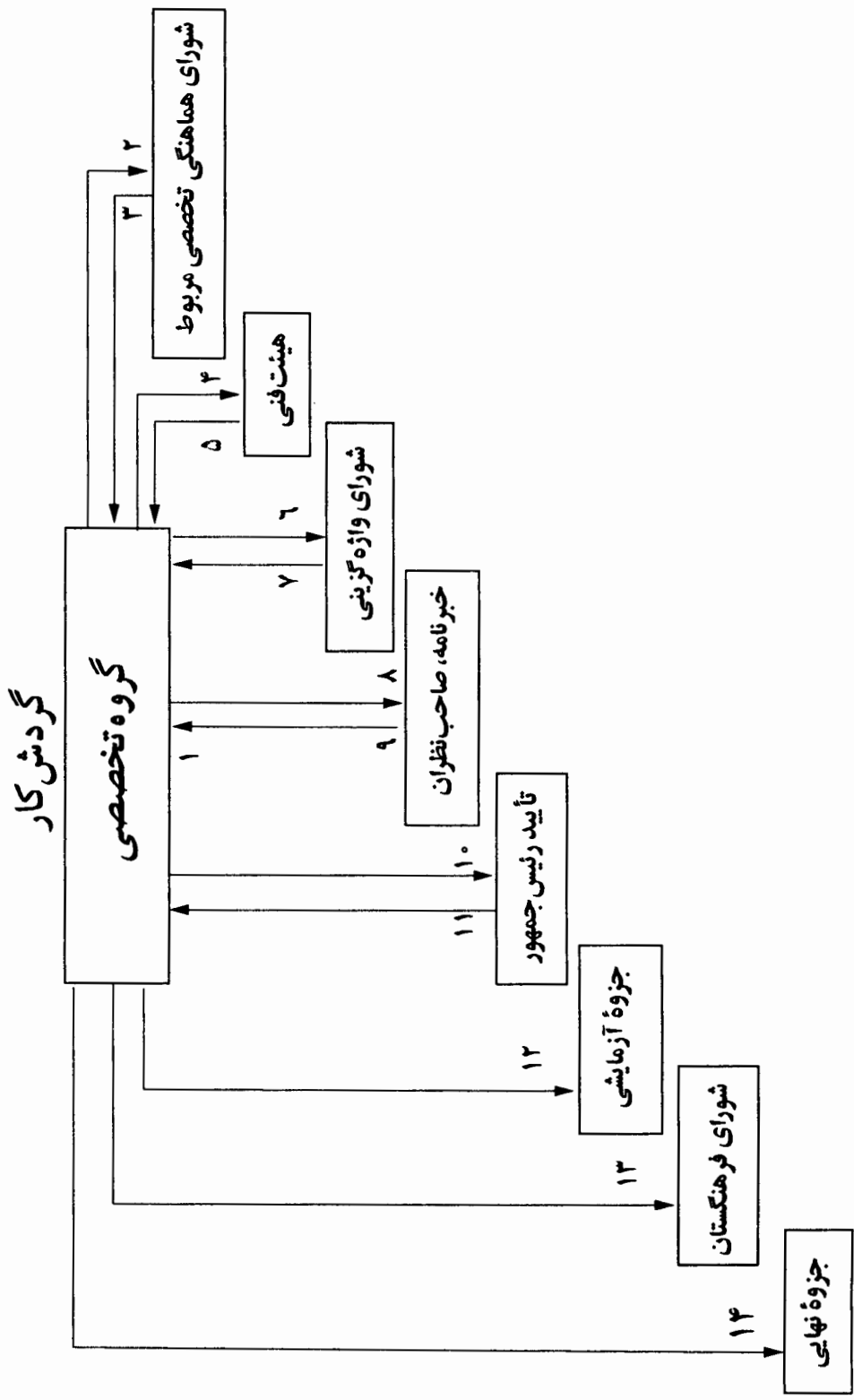
در اینجا برای آشنایی با نحوه انتخاب واژه‌های فرهنگ حاضر هر یک از این مراحل توضیح داده می‌شود:

مرحله اول: این مرحله شامل تشکیل گروه تخصصی و سپس تهیه پیکره واژگانی رشته تخصصی است. واژه‌ها از منابعی همچون واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌ها و کتاب‌های درسی و نشریات تخصصی استخراج می‌شود. سپس اعضای گروه واژه‌ها را دسته‌بندی می‌کنند و با توجه به اولویت‌های مورد نظر فرهنگستان به بررسی و معادل‌گزینی برای آنها می‌پردازند.

گروه تخصصی از میان واژه‌های گردآوری شده، ابتدا واژه‌هایی را که معادلی برای آنها در زبان فارسی رایج است و متخصصان در مورد آنها توافق نظر دارند بررسی می‌کند. سپس به بررسی واژه‌هایی می‌پردازد که چندین معادل در زبان فارسی دارند و زبان علم در مورد آنها دچار تشتت است و در نهایت واژه‌هایی که معادل فارسی ندارند در دستور کار قرار می‌گیرد.

این واژه‌ها دسته‌بندی و برای افزودن اطلاعات تکمیلی انتخاب می‌شوند. هر واژه پرونده‌ای دارد که خلاصه اطلاعات گردآمده در این پرونده در برگه‌ای به نام "کاربرگه" درج می‌شود. نمونه‌ای از کاربرگه تکمیل شده در صفحه پانزده آمده است.

مبنای کار گروه‌ها بررسی واژه‌های برگرفته از زبان انگلیسی است که زبان علم و



فناوری روز دنیا شده و زبان فارسی نیز در سال‌های اخیر در معرض هجوم واژه‌های این زبان قرار گرفته است. در این کاربرگ‌ها ابتدا واژه بیگانه و معادل‌های آن در زبان‌های غیرانگلیسی، اطلاعات ریشه‌شناختی و مترادف‌ها و خوشه‌واژه‌های آن که شامل مشتقات و ترکیبات و واژه‌های مرتبط واژگانی و مفهومی است، مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ مقوله دستوری واژه مشخص می‌شود؛ تعریف آن از فرهنگ‌های معتبر یا پایگاه‌های داده در اینترنت استخراج می‌شود و در نهایت تعریف مورد قبول اعضا در کاربرگه درج می‌گردد. واژه‌هایی نیز که در زبان فارسی در مقابل این واژه به کار رفته است، از گنج‌واژه فرهنگستان و دیگر فرهنگ‌های تخصصی دو زبانه انگلیسی به فارسی استخراج و ثبت می‌شود.

کاربرگه تکمیل شده که حاصل تلاش پژوهشگران و اعضای گروه تخصصی است، آماده طرح در جلسات گروه تخصصی برای معادل‌گزینی است. اعضای گروه پس از بحث‌های مفصل و، در صورت لزوم، مراجعه مجدد به منابع گوناگون معادلی را در مقابل واژه بیگانه انتخاب می‌کنند. واژه‌هایی که به این ترتیب معادل‌گزینی شده است به شورای هماهنگی تخصصی مربوط ارسال می‌شود.

مرحله دوم: واژه‌ها به ترتیبی که در نوبت طرح در شورای واژه‌گزینی قرار دارند در شوراهای هماهنگی مربوط مطرح می‌شوند. اعضای این شورا رؤسا یا یکی از اعضای گروه‌های تخصصی هستند و معمولاً فهرست واژه‌ها پیش از تشکیل جلسات در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا با فرصت کافی آنها را مطالعه کند. در جلسه شورای هماهنگی چنانچه واژه‌ای صرفاً مربوط به رشته گروه پیشنهاددهنده باشد، اعضای شورا در مورد آن به بحث نمی‌پردازند و اگر توصیه‌ای برای بهبود کار داشته باشند ارائه می‌دهند. در صورتی که واژه‌ای در رشته یا رشته‌های دیگر نیز کاربرد داشته باشد، چنانچه با مفاهیم متفاوت به کار رود، اعضا می‌پذیرند که در صورت تمایل گروه‌ها، معادل‌های متفاوتی نیز داشته باشد. لیکن اگر واژه‌ای با مفهوم یکسان در چند رشته به کار رود، تلاش می‌شود که در مورد معادل آن اتفاق نظر حاصل شود و یک معادل در مقابل یک مفهوم به تأیید برسد. البته گاه سابقه کاربرد واژه‌ها در حوزه‌های مختلف یا ترکیباتی که از این واژه‌ها در آن حوزه‌ها ساخته شده است، مانع از هماهنگ شدن معادل خواهد شد. در شورای هماهنگی سعی می‌شود واژه‌ها بر اساس تعلق

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

کاربرگه گروه سینما و تلویزیون

شمارهٔ بازیابی:

<p>term: (en.) master (fr.) master, interpositive (de.) Originalband (ar.) الفيلم العكسي الأصلي (tr.) ana, ana çekim</p> <p>abbreviation: trade name: scientific name: vulgar name:</p>	<p>معادل پیشنهادی گروه تخصصی: نسخهٔ اصلی</p> <p>برگزیده <input checked="" type="checkbox"/> نوگزیده <input type="checkbox"/> نو ساخته <input type="checkbox"/></p> <p>ساخت واژه: ساختمان: اسم (نسخه) + صفت (اصلی) فرایند: وصف</p> <p>شاهد: نسخهٔ ویژه</p>
<p>grammatical category: noun</p> <p>etymology: mid.en., from old en. <i>māgister</i>, and old fr. maistre, master, high official.</p> <p>synonyms: original, master negative</p> <p>derivations: submaster (نسخهٔ اصلی دوم)</p> <p>compounds: master positive (نسخهٔ اصلی دوم) master shot (نمای مادر)</p> <p>related terms: cut 1 برش editing تدوین composite print نسخهٔ ناطق rough cut نسخهٔ اولیه release print نسخهٔ پخش workprint/cutting copy نسخهٔ کار dupe نسخهٔ دوم answer print نسخهٔ پیش‌پخش reversal فیلم مثبت دوربین</p> <p>نوبت اول: تاریخ: نظر شورای فرهنگستان: نوبت دوم: تاریخ:</p> <p>برگزیده <input type="checkbox"/> نوگزیده <input type="checkbox"/> نو ساخته <input type="checkbox"/></p>	<p>تعریف: نسخه‌ای که از روی آن نسخه‌های بعدی تهیه می‌شود</p> <p>مثال: برای حفظ فیلم نسخهٔ اصلی آن را در بایگانی نگهداری می‌کنند.</p> <p>مراجع:</p> <p>معادل‌های موجود در زبان فارسی: نسخهٔ اصلی، فیلم اصلی، (نسخه / فیلم) مادر</p> <p>معادل‌های مطرح شده در گروه: نسخهٔ اصلی، نسخهٔ اصلی منفی، نسخهٔ نخستین</p> <p>واژه رایج در زبان فارسی: مستر، نسخهٔ اصلی</p> <p>ملاحظات:</p> <p>نوبت اول: نسخهٔ اصلی تاریخ: ۸۳/۹/۱۶ نظر شورای واژه‌گزینی: نوبت دوم: تاریخ:</p> <p>برگزیده <input type="checkbox"/> نوگزیده <input type="checkbox"/> نو ساخته <input type="checkbox"/></p>

آنها به هر رشته، طبق فرهنگ‌های معتبر تفکیک شود و با توجه به نظر سایر رشته‌های مربوط، از طرف رشته اصلی به شورای واژه‌گزینی ارائه گردد. پس از اظهار نظر شورای هماهنگی واژه‌ها برای بررسی مجدد به گروه ارسال می‌شود.

مرحله سوم: اعضای گروه مجدداً واژه‌ها را بررسی می‌کنند و تا حد امکان با نظر شورای هماهنگی تطبیق می‌دهند. چنانچه در مورد برخی واژه‌ها با شورا توافق نداشته باشند، موقتاً آن را از دسته واژه‌ها خارج می‌کنند تا بررسی‌های دقیق‌تر در مورد آن انجام شود. سپس واژه‌ها به هیئت فنی ارسال می‌شود.

مرحله چهارم: هیئت فنی متشکل از معاون و مشاوران گروه است. این هیئت کاربرگ‌ها را از جهات مختلف مطالعه می‌کند. چنانچه در مطالب کاربرگه، ساختار آنها و معادل پیشنهادی اشکال دستوری وجود داشته باشد، از گروه تقاضا می‌کند که واژه دوباره بررسی و اشکالات آن رفع شود. این دسته واژه‌ها با حضور نماینده فرهنگستان بررسی می‌شود و تذاکرات لازم از طریق نماینده به اطلاع گروه می‌رسد.

مرحله پنجم: گروه مجدداً نظر هیئت فنی را بررسی می‌کند و پس از انجام اصلاحات لازم، واژه‌ها در دفترچه‌ای به شورای واژه‌گزینی عرضه می‌گردد.

مرحله ششم: شورای واژه‌گزینی به طور معمول حدود صد کاربرگه را در طی چهار هفته با حضور چند تن از متخصصان گروه و نماینده فرهنگستان در آن گروه بررسی می‌کند. این شورا به مفهوم و ساخت واژه مورد نظر توجه دارد و با تذکرات اصلاحی خود گروه را راهنمایی می‌نماید. چنانچه واژه پیشنهادی گروه به لحاظی متناسب با مفهوم مورد نظر نباشد، شورا پیشنهاد یا پیشنهادهایی ارائه می‌کند و به گروه فرصت داده می‌شود تا آنها را در جلسات خود مطرح کند و نظر اعضای گروه را در جلسات بعد اعلام نماید. این شورا پس از تصویب مقدماتی واژه‌ها، آنها را به گروه ارجاع می‌دهد تا برای مراحل بعدی آماده شود.

مرحله هفتم: گروه نظرات و اصلاحات شورای واژه‌گزینی را بررسی و اعمال می‌کند و تعریف‌ها را بازبینی می‌نماید و برای درج در خبرنامه و کسب نظر صاحب نظران و مراکز مربوط آماده می‌کند.

مرحله هشتم: در خبرنامه فرهنگستان که ماهانه منتشر می‌شود، به طور معمول یک یا دو دسته واژه مربوط به یک یا دو گروه تخصصی همراه با تعریف و معادل پیشنهادی شورای واژه‌گزینی درج می‌شود. در ضمن با نظر استادان گروه‌های تخصصی، اسامی افراد و سازمان‌ها و مراکز مرتبط با رشته مورد نظر فهرست می‌شود و در اختیار دفتر واژه‌گزینی قرار می‌گیرد تا هر بار که واژه‌های آن گروه در شورای واژه‌گزینی مطرح شد، بلافاصله علاوه بر درج در خبرنامه، برای افراد ذیصلاح و سازمان‌ها و انجمن‌ها و کانون‌ها و دانشکده‌ها و مراکز پژوهشی ارسال گردد. مهلت

اظهار نظر در مورد این واژه‌ها به طور معمول بین سه تا شش ماه است. نظرهای رسیده برای بررسی به نماینده گروه تحویل داده می‌شود.

مرحله نهم: اظهار نظرهایی که در مدت تعیین شده به دفتر واژه‌گزینی می‌رسد، در گروه مطرح می‌شود. چنانچه در بین معادل‌های ارسالی، معادلی مناسب‌تر از معادل پیشنهادی گروه تخصصی وجود داشته باشد، گروه در پیشنهاد خود تجدید نظر می‌کند و پیشنهاد جدید را می‌پذیرد. اگر معادل پیشنهاد شده نوساخته باشد و تاکنون در مرجعی ضبط نشده باشد و گروه و شورای واژه‌گزینی آن را بپذیرند، نام فرد پیشنهاددهنده در جزوه مصوب ذکر خواهد شد.

همانگونه که در پیشگفتار آمده است، در اواخر سال ۸۳، مرحله بررسی واژه‌ها در شورای فرهنگستان از مراحل چهارده گانه گردش کار گروه حذف شد و صرفاً به تأیید واژه‌ها پس از طی دوران آزمایشی موکول شد. حذف این مرحله از این لحاظ اهمیت دارد که تصمیم‌گیری در مورد واژه‌ها تنها بخشی از مباحث مطرح در جلسات شورای فرهنگستان را تشکیل می‌داد و در نتیجه، کار بررسی نهایی واژه‌ها به کندی انجام می‌شد. به این ترتیب، به پیشنهاد فرهنگستان و با موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی، اختیار تصویب آزمایشی واژه‌ها به شورای واژه‌گزینی واگذار و مقرر شد واژه‌های تأیید شده در شورای واژه‌گزینی، به رئیس جمهور تقدیم شود.

مرحله دهم: شورای فرهنگستان مدت زمان آزمایشی بودن واژه‌ها را تعیین می‌کند. این واژه‌ها برای رئیس جمهور که ریاست عالی فرهنگستان‌ها را به عهده دارد ارسال می‌شود تا پس از تأیید رئیس جمهور صورت قانونی به خود گیرد.

مرحله یازدهم: رئیس جمهور نظر خود را در مورد واژه‌ها به فرهنگستان اعلام می‌کند.

مرحله دوازدهم: چنانچه جزوه به تأیید رئیس جمهور رسیده باشد، بلافاصله صحافی می‌شود و به تعداد لازم در اختیار دفتر معاون اول ریاست جمهوری قرار می‌گیرد تا با بخشنامه‌ای برای مدت زمان تعیین شده به تمام مؤسسات دولتی ابلاغ شود. گروه واژه‌گزینی جزوه‌ها را برای اطلاع مراکز مربوط جداگانه نیز ارسال و در فروشگاه کتاب خود به عموم عرضه می‌دارد.

مرحله سیزدهم: در طول مدتی که برای کاربرد آزمایشی این واژه‌ها تعیین شده است، نظرهای متخصصان و اهل علم و ادب گردآوری می‌شود و در صورت نیاز به تجدید نظر، واژه‌ها مجدداً در گروه واژه‌گزینی بررسی می‌گردد و پس از طرح در شورای فرهنگستان به تصویب نهایی می‌رسد.

مرحله چهاردهم: واژه‌های تصویب شده به صورت جزوه مصوب منتشر می‌شود.

تاکنون نود و نه جزوه در زمینه‌های گوناگون تخصصی و عمومی به تصویب فرهنگستان رسیده و هر کدام جداگانه منتشر شده است. سی و هشت جزوه در دفتر اول فرهنگ واژه‌های مصوب آمده و چهل و یک جزوه در مجموعه دوم و نوزده جزوه دیگر در مجموعه حاضر ارائه شده است. بر اساس تصمیم‌گیری شورای فرهنگستان مدت تعیین شده برای به کار بردن واژه‌های این دفتر پنج سال است.

هر چند با انتشار این دفتر، آمار کار فرهنگستان به حدود هفت هزار واژه مصوب رسیده، با وجود هزارها واژه‌ای که هنوز به تصویب نرسیده است و صدها واژه‌ای که با پیشرفت علوم و فنون جدید به واژگان علمی راه می‌یابند، سرعت کار فرهنگستان مطلوب نیست. از این رو در سال ۸۴ جلسات متعددی برگزار و تمهیداتی برای سرعت بخشیدن به روند کارها اندیشیده شد و در صدد شدیم با برنامه‌ریزی دقیق و کار فشرده تمامی واژه‌هایی را که در طی سال‌های گذشته در گروه‌های تخصصی به تأیید رسیده است، در ظرف سه یا چهار سال آینده به تصویب فرهنگستان و تأیید رئیس جمهور برسانیم. امیدواریم دفتر چهارم در سال آینده حاصل این فعالیت و تلاش فرهنگستان باشد.

نکاتی درباره این فرهنگ

کتاب حاضر سومین مجموعه از جزوه‌های مصوبی است که تعداد اندکی از آنها در سال ۸۳ و مابقی تا پایان ۸۴ در شورای واژه‌گزینی به تصویب رسیده است. این مجموعه دارای یک بخش اصلی و دو فهرست است. در بخش اصلی، که بر اساس الفبای فارسی تنظیم شده، واژه بیگانه و معادل مصوب و تعریف و حوزه کاربرد واژه آمده است. از آنجا که این فرهنگ مجموعه‌ای از مصوبات فرهنگستان را دربردارد و در تصویب واژه‌ها ملاحظات در نظر گرفته شده که در تدوین این کتاب رعایت آنها ضروری بوده است، ساختار این کتاب با فرهنگ‌های معمول تفاوت‌هایی دارد که لازم است در مورد شیوه تدوین آن توضیحاتی داده شود.

واژه بیگانه: همانطور که پیشتر ذکر شد، مبنای کار تخصصی در گروه‌ها واژه‌های انگلیسی بوده است. منظور از واژه انگلیسی واژه‌ای است که در فرهنگ‌های انگلیسی‌زبان با مفهوم مورد نظر ما مدخل شده است، هر چند ممکن است از زبان دیگری به زبان انگلیسی راه یافته باشد. گاه بیش از یک واژه بیگانه در مقابل معادل فارسی ذکر شده است. این واژه‌ها با هم مترادف هستند و در ردیف الفبایی جداگانه ذکر شده و به واژه اول ارجاع داده شده‌اند. تفاوت فرهنگ حاضر با فرهنگ‌های رایج در این است که، نظر به مصوب بودن این واژه‌ها، سعی شده است در مدخل اصلی تمام اطلاعات، از جمله تمام واژه‌های بیگانه، ذکر شود تا چنانچه کسی به سایر

مدخل‌ها مراجعه نکرد، این تصور ایجاد نشود که فرهنگستان صرفاً برای یکی از واژه‌های بیگانه مربوط معادل ساخته و واژه‌های دیگر را نادیده گرفته است. در مواردی نیز یک لفظ از اصطلاحی که مدخل شده به صورت ایتالیک درج شده است. منظور از ایتالیک بودن واژه‌ها این است که ذکر این لفظ ضرورت ندارد و در صورت لزوم می‌توان آن را حذف کرد.

معادل مصوب: گاه فرهنگستان در مقابل واژه بیگانه یک معادل را به تصویب رسانده است و گاه بیش از یک معادل تصویب شده که این واژه‌ها در کنار هم ذکر شده است و فرهنگستان واژه اول را نسبت به دیگر معادل‌ها در اولویت می‌داند. در مواردی که بخشی از معادل مصوب به صورت ایرانیک آمده، منظور این است که واژه ایرانیک را می‌توان حذف یا حفظ کرد. همچنین برخی از معادل‌ها برای جلوگیری از بدخوانی اعراب‌گذاری شده است. ذکر این نکته ضروری است که به دلیل رواج صورت نوشتاری برخی از واژه‌ها در علوم مختلف، در مواردی رسم الخط فرهنگستان رعایت نشده است.

حوزه کاربرد: صورت اختصاری نام هر گروه تخصصی در داخل دو قلاب در ابتدای تعریف ذکر شده است. چنانچه واژه‌ای با یک مفهوم و یک معادل در چند حوزه کاربرد داشته، نشانه اختصاری نام گروه‌های تخصصی مربوط به ترتیب الفبایی در کنار یکدیگر در قلاب آمده است. همچنین در فهرست حوزه‌ای واژه‌ها، واژه موردنظر در تمام حوزه‌های مربوط ذکر شده است. در برخی موارد یک لفظ بیگانه چند بار تکرار شده و با شماره از هم متمایز شده‌اند. این بدان معناست که واژه مذکور در حوزه‌های مختلف تعریف‌های متفاوت دارد و برای هر حوزه معادل‌های متفاوتی به کار رفته است. شماره‌گذاری واژه‌های بیگانه و معادل‌ها در فهرست حوزه‌ای با شماره‌گذاری آنها در فهرست الفبای لاتین تفاوت دارد، بدین لحاظ که در فهرست الفبای لاتینی واژه‌های تمام حوزه‌ها آمده است. توجه به این نکته ضروری است که تقسیم‌بندی گروه‌های تخصصی لزوماً مطابق با رشته‌های دانشگاهی نیست و بیشتر به استناد کتاب‌های مرجع و نظر اهل فن تعیین شده است.

برخی واژه‌ها، به دلیل نیاز، در حوزه‌ای به تصویب رسیده که خاستگاه اصلی آنها نبوده است و از آنجا که گروه اصلی تا آن زمان تشکیل نشده یا واژه‌ای را به تصویب فرهنگستان نرسانده، به ناچار تحت عنوان حوزه به کاربرنده آمده است. در مراحل بعدی کار، این گونه واژه‌ها به فهرست واژه‌های حوزه اصلی آنها افزوده خواهد شد. **تعریف:** تعریف‌نگاری کاری بسیار دشوار و با اهمیت در فرهنگ‌نویسی است. همانطور که تأکید شد، گروه واژه‌گزینی بیشتر به اصطلاح‌شناسی و معادل‌گزینی توجه دارد و مسئله استاندارد کردن تعاریف شاید مراحل بعدی کار ما را تشکیل دهد. در کار

واژه‌گزینی، پیش از انتخاب معادل، تعریف واژه مبدأ از یک یا چند فرهنگ معتبر استخراج می‌شود و در نهایت با نظر اهل فن تعریف نهایی عرضه می‌گردد. از آنجا که معادل‌های مصوب گاه نوساخته است، لازم است شیوه ساخت یا مفهوم آنها با توجه به تعریف روشن شود. تعریف‌های ارائه شده تعریف‌هایی است که استادان گروه‌های تخصصی عرضه کرده‌اند و به توصیه فرهنگستان سعی شده است تعریفی داده شود تا معادل مصوب را برای عموم روشن‌تر سازد، یعنی برای افرادی که تا مقطع کارشناسی تحصیل کرده‌اند، قابل درک باشد. ممکن است در مواردی تعریف‌ها دقت علمی مورد نظر در مقاطع تحصیلی بالاتر از کارشناسی را نداشته باشد، اما از آنجا که نگارش فرهنگ تخصصی هدف اصلی نبوده، به مفهوم عمومی اکتفا شده است. در برخی از تعریف‌ها در مقابل واژه‌ای فارسی صورت لاتینی آن داخل دو کمان آمده است. این بدان معناست که این واژه هنوز به تصویب نهایی فرهنگستان نرسیده و صرفاً پیشنهاد گروه تخصصی است. واژه‌هایی نیز در تعریف‌ها وجود دارد که در زمره اصطلاحات معمول در آن رشته خاص است و به دلیل مأنوس بودن آنها از ذکر واژه لاتینی پرهیز شده است. در مواردی که یک واژه فارسی معادل یک واژه لاتین قرار گرفته، ولی در حوزه‌های مختلف تعریف‌های متفاوت داشته است، واژه فارسی و لاتین در یک مدخل و تعریف‌ها به ترتیب در زیر آن با ذکر حوزه در ابتدای تعریف آمده است.

در پایان قدردانی خود را از تمامی کسانی که با پیشنهادهای خود ما را یاری داده‌اند ابراز و اعلام می‌دارد که فرهنگستان آماده دریافت نظرها و پیشنهادهای ایشان است. گردآوری و تدوین این دفتر با یاری و همکاری استادان گروه‌های تخصصی و همکاران گروه واژه‌گزینی انجام شد که از همه آنها که نامشان در فهرست همکاران علمی آمده است سپاسگزاری می‌شود. تنی چند از همکاران گروه زحمت مضاعفی را متحمل شده‌اند که در اینجا از ایشان تشکر می‌نماید. از آقای مهدی حریری که تمام مدخل‌ها و مطالب را با منابع اصلی تطبیق دادند و ویرایش کردند و خانم شکوه‌السادات میرفارسی که با دقت خود در تصحیح نمونه‌ها ما را در ارائه بهتر مطالب یاری کردند و همچنین خانم‌ها اکرم زرمحمدی و مهدیه برآبادی و لیدا محمدی که تلاش دلسوزانه آنها عرضه به موقع این مجموعه را امکان‌پذیر ساخت، قدردانی می‌شود.

گروه واژه‌گزینی

همکاران علمی^(۱)

اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (شورای فرهنگستان):
مرحوم استاد احمد آرام، استاد عبدالمحمد آیتی، دکتر منوچهر امیری*، دکتر قیصر امین‌پور، دکتر حسن انوری، دکتر نصرالله پورجوادی، مرحوم دکتر احمد تفضلی، دکتر یدالله ثمره، دکتر حسن حبیبی (رئیس فرهنگستان)، دکتر غلامعلی حداد عادل، مرحوم دکتر جواد حدیدی، استاد بهاءالدین خرمشاهی، دکتر محمد خوانساری، مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، دکتر علی رواقی، دکتر بهمن سرکاراتی، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر طاهره صفارزاده*، استاد کامران فانی، دکتر حمید فرزام، دکتر بدرالزمان قریب، دکتر فتح‌الله مجتبابی، دکتر مهدی محقق، مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبایی، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، مرحوم دکتر مصطفی مقربی، دکتر محمدعلی موحد، استاد ابوالحسن نجفی، دکتر سلیم نیساری؛ اعضای افغان: فضل‌الله قدسی، دکتر غلام‌سرور همایون، دکتر محمدحسین یمین؛ اعضای تاجیک: دکتر محمدجان شکوری، دکتر عبدالقادر منیازف

۱. افرادی که نام آنها با علامت (*) مشخص شده است، از اعضای پیشین شوراها یا همکاران سابق گروه واژه‌گزینی فرهنگستان هستند.

شورای واژه‌گزینی:

مرحوم استاد احمد آرام، دکتر منوچهر امیری*، دکتر نصرالله پورجوادی*، دکتر یدالله ثمره، دکتر حسن حبیبی، دکتر غلامعلی حداد عادل، مرحوم دکتر جواد حدیدی، استاد بهاءالدین خرمشاهی*، دکتر محمد خوانساری، دکتر علی رواقی*، دکتر حسین سامعی، دکتر بهمن سرکاراتی، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر طاهره صفارزاده*، استاد کامران فانی، دکتر لطیف کاشیگر، مهندس علی کافی، دکتر مهدی محقق*، مرحوم استاد محمد محیط طباطبایی، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، مرحوم دکتر مصطفی مقربی، دکتر رضا منصوری، استاد ابوالحسن نجفی، دکتر شهین نعمت‌زاده

هیئت فنی: سرین پرویزی (معاون گروه)، دکتر سید مهدی سمائی، دکتر علاءالدین طباطبایی، مهندس علی کافی، دکتر شهین نعمت‌زاده (مشاوران گروه) ویراستار: مهدی حریری

پژوهشگران گروه واژه‌گزینی: فاطمه اکبری، مریم توسلی، نغمه جواهری‌فر*، مهدی حریری، سعید رفیعی خضری*، محمدرضا رضوی، فرزانه سخایی، فرشید سمائی، الهام شمسایی*، محمود ظریف، رضا عطاریان، مریم سادات غیاثیان*، مهرآذر فارسی، علی مهرامی، مهنوش نشاط مبینی تهرانی

اعضای گروه‌های تخصصی:

اپتیک: دکتر فرامرز اسماعیلی سراجی، دکتر جلال‌الدین پاشایی راد، دکتر حبیب تجلی، بهرام معلمی، ناصر مقبلی، دکتر عزالدین مهاجرانی

تغذیه و صنایع غذایی: مهندس آزاده امین‌پور، دکتر سیدابوالقاسم جزایری، دکتر محمد شاهدی، دکتر فروغ اعظم طالبان، دکتر سید مسعود کیمیاگر، دکتر حسن لامع حمل و نقل درون‌شهری - جاده‌ای: دکتر حمید بهبهانی، مهندس محمدمهدی رضوی، مهندس حسین‌رضا شهیدزاده اسدی، مهندس اسفندیار صدیقی، دکتر مهدی عظیمی تبریزی، مهندس محمدرضا معدلت، دکتر هاشم مهرآذین

حمل و نقل ریلی: دکتر محمدباقر قهرمانی، دکتر محمدعلی رضوانی، دکتر جبارعلی ذاکری، مهندس محمود خبازنیا، دکتر سعید محمدزاده

رایانه و فناوری اطلاعات: دکتر مصطفی عاصی، مهندس احمد منصوری، دکتر غلامعلی منتظر، دکتر ابراهیم نقیب‌زاده مشایخ، علی مصلحی مصلح‌آبادی (دبیر گروه)

ریاضی: فاطمه بهمنی (دبیر گروه)، دکتر علیرضا جمالی، دکتر مهدی رجبعلی پور، دکتر طاهر قاسمی هنری، سیامک کاظمی، دکتر محمدرضا مشکانی

زبان شناسی: دکتر محمود بی جن خان، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر مصطفی عاصی، دکتر رضا نیلی پور، دکتر لطف الله یارمحمدی

زمین شناسی: دکتر جمشید حسن زاده، دکتر مسیب سبزه ای، مهندس سروش مدبری، دکتر فرید مُر، دکتر عبدالمجید یعقوب پور

زیست شناسی: دکتر حسن ابراهیم زاده، دکتر پروین رستمی، دکتر شایسته سپهر، دکتر علی فرازمند، دکتر وحید نیکنام

سینما و تلویزیون: مسعود اوحدی، نورالدین چیلان*، دکتر مهدی رحیمیان، دکتر احمد ضابطی جهرمی، دکتر محمدباقر قهرمانی، مجید شیخ انصاری*

علوم جو: مهندس حسین اردکانی، مهندس تاج الدین بنی هاشم، مهندس عباس جعفری، مهندس پرویز رضا زاده، دکتر حسن عسکری شیرازی، مهندس احمد عسگری، دکتر لطیف کاشیگر، دکتر هوشنگ قائمی

فیزیک: دکتر فیروز آرش، دکتر محمد ابراهیم ابوکاظمی، محمدرضا بهاری، دکتر جلال الدین پاشایی راد، دکتر حسن عزیزی، ناصر مقبلی

کشاورزی - شاخه زراعت و اصلاح نباتات: مهندس محمدرضا داهی، دکتر عبدالمجید رضایی، دکتر علیرضا کوچکی، دکتر داریوش مظاهری، دکتر پرویز وجدانی، دکتر مصطفی ولیزاده، دکتر بهمن یزدی صمدی

مخابرات: دکتر محمد ابطحی، مهندس عباس پور خصالیان، صفورا روضه خوان، مهندس عباس زندباف، زهره ساعی، مهندس میترا شمالی مقدم، مهندس غلامحسین صادقی، مهندس علی کافی، دکتر محمد اسماعیل کلاتتری، محمدرضا متوسلی، مهندس علی اکبر محسن زاده، لادن مظفرزاده، دکتر محمدشهرام معین، مهندس فرخ مهراد

مهندسی شیمی: دکتر طاهره کاغذچی، دکتر فرامرز افشار طارمی، دکتر محمد سلطانی، دکتر مرتضی سهرابی، دکتر سیامک مرادیان، دکتر ایرج گودرزینا، دکتر علی عباسیان (دبیر گروه)

هنرهای نمایشی: هما جدیکار، دکتر قطب الدین صادقی، دکتر محمدباقر قهرمانی و دکتر احمد کامیابی مسلک، خسرو خورشیدی، دکتر محمود عزیزی، دکتر مصطفی مختاباد

نشانه‌های اختصاری

زیست‌شناسی	[زیست.]	اپتیک	[اپتیک]
سینما و تلویزیون	[سینما و تلو.]	تغذیه و صنایع غذایی	[تغذیه و ص.]
علوم جو	[علوم جو]	حمل و نقل درون شهری - جاده‌ای	[حمل - شهری]
فیزیک	[فیزیک]	حمل و نقل ریلی	[حمل - ریلی]
کشاورزی - شاخهٔ زراعت و اصلاح نباتات	[کشاورزی > زراع.]	رایانه و فناوری اطلاعات	[رایانه و فن.]
مخابرات	[مخابرات]	ریاضی	[ریاضی]
مهندسی شیمی	[م. شیمی]	زبان‌شناسی	[زبان.]
هنرهای نمایشی	[ه. نمایشی]	زمین‌شناسی	[زمین.]

آ، ا

alluviation	آبرفت‌گذاری	whey, lactoserum	آب پنیر
[زمین.] فرایند نهشت در نتیجه جریان رودخانه		[تغذیه و ص.] مایعی که پس از تهیه پنیر از شیر بر جای می‌ماند	
alluvial	آبرفتی	modified whey	آب پنیر تغییر یافته
[زمین.] وابسته یا مربوط به آبرفت		[تغذیه و ص.] محصولی که با کاهش املاح معدنی و لاکتوز از آب پنیر به دست می‌آید	
geyser	آبفشان	whey granules	آب پنیر ریزدانه
[زمین.] چشمه آبگرمی که آب داغ و بخار به تناوب از آن فوران می‌کند		[تغذیه و ص.] آب‌پنیری که به صورت دانه‌های ریز خشک شده باشد	
hydrotropism	آبگریزی	fjord	آبدره
[کشاورزی > زراع.] رشد جهت‌مند گیاه برای رسیدن به رطوبت		[زمین.] دره کشیده و ژرف یخساری که به دریا منتهی می‌شود	
brackish water	آب لب‌شور	discharge	آبدهی
[کشاورزی > زراع.] آبی که کل مواد جامد آن بین ۱۵۰۰ تا ۵۰۰۰ میلی‌گرم در لیتر باشد		[زمین.] ۱. آهنگ جریان آب سطحی در واحد زمان ۲. آهنگ خارج شدن آب زیرزمینی در واحد زمان	
irrigation	آبیاری	alluvium, alluvial deposit	آبرفت
[کشاورزی > زراع.] استفاده سازمان‌یافته از آب در کشاورزی برای تولید گیاه		[زمین.] مواد آواری سستی که در نتیجه جریان آب‌های جاری نهشته می‌شود	
sprinkler irrigation, overhead irrigation	آبیاری بارانی		
[کشاورزی > زراع.] نوعی آبیاری که در آن آب از			

subactive volcano

[زمین]. آتشفشانی که در حال حاضر فوران نمی‌کند، اما احتمال فوران آن در آینده وجود دارد

active volcano**آتشفشان فعال**

[زمین]. آتشفشانی که فوران می‌کند یا در طول تاریخ بشر فوران کرده است

extinct volcano**آتشفشان منقرض**

[زمین]. آتشفشانی که در حال حاضر فوران نمی‌کند و احتمال فوران آن در آینده نیز وجود ندارد

lightning**آذرخش**

[علوم جو] واباری (discharge) شدید الکتریکی نورانی و زودگذر، ناشی از ابر، با طول مسیری بر حسب کیلومتر

beaded lightning**آذرخش دانه‌تسبیچی**

[علوم جو] نمودی ویژه از درخش یک آذرخش معمولی که در آن ناظر، در امتداد دید، بخش‌های درخشانی به شکل دانه‌های تسبیح مشاهده می‌کند

lightning channel**آذرخش‌راه**

[علوم جو] مسیری نامنظم در هوا که واباری آذرخشی در امتداد آن رخ می‌دهد

chain lightning**آذرخش زنجیره‌ای**

← آذرخش دانه‌تسبیچی

pearl lightning**آذرخش مرواریدی**

← آذرخش دانه‌تسبیچی

بالای سطح خاک با آبپاش‌های مخصوص به صورت قطره‌های باران پاشیده می‌شود

supplemental irrigation**آبیاری تکمیلی**

[کشاورزی] زراعت. جبران کمبود باران در دیم‌کاری‌های مناطق خشک و نیمه‌خشک

furrow irrigation**آبیاری جویچه‌ای**

[کشاورزی] زراعت. نوعی آبیاری که در آن آب داخل جوی‌های کوچک باریک حرکت می‌کند

flood irrigation**آبیاری غرقابی**

[کشاورزی] زراعت. روشی در آبیاری که در آن زمین کشاورزی غرق آب می‌شود

drip irrigation, trickle irrigation**آبیاری قطره‌ای**

[کشاورزی] زراعت. نوعی آبیاری که در آن آب با فشار نسبتاً کم و قطره‌قطره در پای گیاه می‌چکد

surge irrigation**آبیاری قطع‌ووصلی**

[کشاورزی] زراعت. نوعی آبیاری جویچه‌ای که در آن، جریان ورودی آب به داخل جویچه بر اساس برنامه زمان‌بندی شده و به صورت ماشینی قطع‌ووصل می‌شود

basin irrigation**آبیاری کرتی**

[کشاورزی] زراعت. نوعی آبیاری غرقابی که در آن زمین را در قطعاتی با پشته محصور می‌کنند و آب را درون آنها رها می‌سازند

dormant volcano,**آتشفشان خاموش**

آشکارساز تشدیدي resonant detector

[فیزیک] نوعی آشکارساز تابش الکترومغناطیسی که فقط بسامدهای خاصی را که منجر به تشدید در آن می‌شوند آشکار می‌کند

آشکارساز سوسوزن scintillation detector

[فیزیک] ابزاری که در آن تابش یوننده تبدیل به فوتون‌های مرئی می‌شود و این فوتون‌ها با تکثیرکن فوتونی به صورت سیگنال‌های قابل شمارش درمی‌آیند

آغازش initiation

[زبان] حرکت تلمبه‌ای اندام‌های آوایی که باعث جریان هوا در مجرای آوایی برای تولید آوا می‌شود

آغازش‌گر initiator

[زبان] هر یک از اندام‌های آوایی که موجب آغازش شود

آغازگر ۱ theme 1

[زبان] در دستور نقش‌گرا، سازه آغازین پیام

آغازگر ۲ primer

[زیست] توالی کوتاهی از ریبونوکلیئیک اسید (رنا) که نقطه شروع همتاسازی دی‌اکسی ریبونوکلیئیک اسید (دنا) را تعیین می‌کند

آغازگر سازی thematization

[زبان] فرایندی که در آن یک سازه در آغاز پیام قرار می‌گیرد

آزمون انطباق conformance testing, conformity testing, conformance test

[مخابرات] آزمون مطابقت عملکرد یک دستگاه با استانداردهای لازم

آزمون یکپارچگی integrity test

[رایانه و فن] آزمون لازم برای تأیید یکپارچه بودن محیط

آژند cement

[زمین] مواد کانی که در فضای میان دانه‌های رسوب سست ته‌نشین می‌شود و با به هم چسباندن دانه‌ها جسمی متراکم به وجود می‌آورد

آژندزدایی decementation

[زمین] حل شدن یا آبشویی آژند سنگ رسوبی

آژندش cementation

[زمین] فرایندی که در آن دانه‌های مجزای کانی به وسیله مواد معدنی به یکدیگر متصل می‌شوند

آژندیده cemented

[زمین] ویژگی سنگ یا ماده حاصل از آژندش

آسیب باریکه beam damage

[اپتیک] دگرگونی در نمونه بر اثر تابش باریکه

آشفستگی disturbance

[علوم جو] هر نوع بی‌نظمی در حالت پایا

آشفته disturbed

[علوم جو] حالت سامانه‌ای که دچار آشفستگی شده باشد

MP3, Motion Picture Experts Group Layer 3 آوا - ۳

[رایانه و فن.] الگوریتم فشرده‌سازی رقمی اصوات که به ضریب فشرده‌سازی ۱۲ می‌رسد و در عین حال کیفیت صدا را حفظ می‌کند

flash forward, flash ahead آینده‌نما

[سینما و تلو.] نما یا صحنه‌ای که نشان‌دهنده رویدادی است که در آینده روایت فیلم اتفاق می‌افتد

cloud ابر

[علوم جو] ۱. انبوه‌ای از قطره‌های ریز آب یا ذرات یخ یا هردو در جو ۲. انبوه‌ای از مواد ذره‌ای در جو که باعث کاهش دید می‌شود

cloudy ابرناک، ابری

[علوم جو] ویژگی وضع هوایی که ابرناکی آن ۷۰ درصد یا بیشتر باشد

cloudiness, cloudage ابرناکی

← پوشش ابر

ابری ← ابرناک

algebraic identity اتحاد جبری

[ریاضی] رابطه‌ای جبری بین چند متغیر که به ازای همه مقادیر ممکن از متغیرها برقرار باشد

atmosphere 1 اتمسفر

[علوم جو] یکای فشار برابر با فشار ستونی از جیوه به ارتفاع ۷۶ سانتیمتر

organotroph آلی پرورد ۱

[زیست.] اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد آلی تأمین می‌کند

organotrophic آلی پرورد ۲

[زیست.] ویژگی اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد آلی تأمین می‌کند

organotrophy آلی پروردگی

[زیست.] فرایندی که در آن اندامگان انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد آلی تأمین می‌کند

ampere-turn, amp-turn آمپر-دور

[فیزیک] یکایی در دستگاه بین‌المللی یکاها برای نیروی محرک مغناطیسی در مدار بسته، برابر با نیروی محرکی که جریان یک آمپر در هر دور حلقه پیچیده رسانا تولید می‌کند

mixotroph آمیزه پرورد ۱

[زیست.] اندامگانی که برای رشد خود به ترکیبی از مواد آلی و معدنی نیاز دارد

mixotrophic آمیزه پرورد ۲

[زیست.] ویژگی اندامگانی که برای رشد خود به ترکیبی از مواد آلی و معدنی نیاز دارد

mixotrophy آمیزه پروردگی

[زیست.] فرایند رشد اندامگان با استفاده از ترکیب مواد آلی و مواد معدنی

shake آن

[فیزیک] بازه زمانی برابر با یک صدم میکروثانیه یا ۱۰^{-۸} ثانیه

نرم افزارهای جدید به جای اجزای سامانه قدیمی،
برای روزآمد کردن آن سامانه

ارتقا دادن upgrade

[رایانه و فن.] عمل جانشین کردن سخت افزارها یا
نرم افزارهای جدید به جای اجزای سامانه قدیمی،
برای روزآمد کردن آن سامانه

ارتقایافته upgraded

[رایانه و فن.] ویژگی اجزا یا کل سامانه ای قدیمی
که با سخت افزارها یا نرم افزارهای جدید روزآمد
شده باشد

ارسال دسته ای batch transmission, batched transmission

[مخابرات] ارسال بی وقفه مجموعه ای از پیام ها از
پایانه مبدأ به پایانه مقصد، بی آنکه در حین ارسال،
پیامی در مسیر برگشت مبادله شود

از بیرون ← شماره گیری مستقیم از بیرون

ازدحام پرهیزی congestion avoidance

[مخابرات] اقدام برای جلوگیری از بروز شلوغی و
کاستن از بار شبکه

ازدحام تردد traffic congestion

[حمل - شهری] ازدحام وسایل نقلیه و عابرپیاده
در معابر به حدی که سرعت حرکت به شدت
کاهش یابد و مانع حرکت روان وسایل نقلیه شود

استانداردهای آکادمی Academy standards

[سینما و تلو.] استانداردهای مخصوص فراتاب و

اتوبوس دوطبقه double deck bus, double decked

[حمل - شهری] اتوبوسی با ظرفیت ۴۰ تا ۸۰
صندلی در دو سطح مجزا و ارتفاع ۴/۴ تا ۵/۴ متر

اثر بی هنجار زمین anomalous Zeeman effect

[فیزیک] شکافته شدن خطوط طیفی اتم ها در
میدان مغناطیسی و تقسیم آنها به بیش از سه
مؤلفه، در حالی که اتم در حالت پایه نباشد

اثر چادویک - گلدهابر

Chadwick-Goldhaber effect

← فروپاشی فوتونی

اثر هابل Hubble effect

← انتقال به سرخ

اخترک aster, cytaster, kinosphere

[زیست.] ساختاری ستاره ای شکل مرکب از ریزلوله ها
که در طی تقسیم رشتمانی، میان تن و اخترگوی را
احاطه می کند

اخترگوی astrosphere, astral sphere

[زیست.] بخش مرکزی ریزاختر به استثنای
رشته های پیرامون آن

ارتباطات داده ها data communications

[مخابرات] نقل و انتقال داده در درون شبکه
داده ورزی

ارتقا upgrading

[رایانه و فن.] فرایند جانشین کردن سخت افزارها یا

[مخابرات] حالتی که در حین آن وسیله ارتباطی نمی‌تواند در اختیار کاربر یا برخوان دیگری قرار گیرد

bug **اشکال**

[رایانه و فن.] خطا یا نقصی در نرم‌افزار یا سخت‌افزار که باعث اختلال در برنامه شود

debugger **اشکال‌زدا**

[رایانه و فن.] برنامه‌ای که برای یافتن و رفع اشکال‌های احتمالی موجود در یک یا چند برنامه دیگر ساخته شده باشد و کارش را به صورت خودکار یا معمولاً با کمک یا نظارت برنامه‌نویس انجام دهد

debugging **اشکال‌زدایی**

[رایانه و فن.] فرایند یافتن اشکال و رفع آن در برنامه

debug **اشکال‌زدایی کردن**

[رایانه و فن.] عمل یافتن و رفع اشکال برنامه

authentication **اصالت‌سنجی**

[مخابرات] اقدامی امنیتی برای حفاظت از سامانه‌های ارتباطی در برابر شبیه‌سازی تقلبی که از طریق تشخیص اعتبار تماس‌گیرنده یا پیام یا سامانه انجام می‌شود

line conditioning, conditioning **اصلاح خط**

[مخابرات] بهسازی فنی عملکرد خطوط انتقال نظیر کاهش اعوجاج و کاهش مدت تأخیر در بسامدهای مختلف

نوار فیلم و دهانه دوربین که آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آنها را تعیین می‌کند

solvent extraction **استخراج با حلال**

[م. شیمی] جداسازی مواد شیمیایی مختلف، با قدرت انحلال متفاوت، به کمک فرایند انحلال انتخابی (selective solvent action)

liquid-liquid extraction **استخراج مایع-مایع**

[م. شیمی] فرایندی که در آن اجزای محلول مایع، در تماس با مایعی نامحلول جدا می‌شود

crosscurrent extraction **استخراج متقاطع**

[م. شیمی] نوعی استخراج مایع-مایع ناپیوسته که در آن، حلال به نمونه موجود در قیف جداساز افزوده و سپس هم زده می‌شود تا فاز استخراجی در یک جا جمع و بیرون کشیده شود

countercurrent extraction, countercurrent separation **استخراج ناهمسو**

[م. شیمی] نوعی استخراج مایع-مایع که در آن حلال و خوراک (feed) مخالف جهت یکدیگر جریان می‌یابند

اسکار ← جوایز اسکار

pointer **اشاره‌گر**

[رایانه و فن.] در میانای نگاره‌ای کاربر، پیکان کوچک یا نمادی که با حرکت دادن موشی، روی پرده نمایش حرکت می‌کند

busy **اشغال، مشغول**

گوینده یا نویسنده برای شنونده یا خواننده
ناآشناست و از آن خبر ندارد

اعداد جادویی magic numbers

[فیزیک] اعداد ۲، ۸، ۲۰، ۲۸، ۵۰، ۸۲، ۱۲۶ که
معرف تعداد پروتون‌ها یا نوترون‌ها یا هر دوی آنها
در پوسته‌های کامل هسته‌ای است

افزاره device

[رایانه و فن.] هر دستگاه یا جزء دیگری که به
رایانه متصل شود

افزاره اشاره pointing device

[رایانه و فن.] افزاره‌ای برای گزینش عناصر روی
پرده نمایش به کمک اشاره‌گر

افزاره‌ران device driver

[رایانه و فن.] جزئی نرم‌افزاری که داده‌رسانی را در
افزاره جانبی یا ارتباطی کنترل می‌کند

افزاره‌گردان device manager

[رایانه و فن.] نرم‌افزاری که امکان کنترل افزاره‌ها و
افزاره‌ران‌ها را در سیستم عامل فراهم می‌سازد

افزایه plug-in, add-on 1

[رایانه و فن.] بخشی سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری که
قابلیتی خاص را به سامانه‌ای بزرگ‌تر می‌افزاید

اقدام به برخوانی call attempt

[مخابرات] درخواست پایانه برخوان از پایانه
برخوانده برای برقراری تماس تلفنی که در
تلفن‌های ثابت با برداشتن گوشی و در تلفن‌های

اصلاح‌کننده خط line conditioner

[مخابرات] مدار یا افزاره‌ای که برای اصلاح خط
استفاده می‌شود

اصل برگشت‌پذیری reversibility principle

← برگشت‌پذیری ریزمقیاس

اصل همخوانی ← اصل همخوانی بور

اصل همخوانی بور، اصل همخوانی

Bohr's correspondence principle, correspondence principle

[فیزیک] اصلی که بر اساس آن، پیش‌بینی‌های
مکانیک کلاسیک به ازای اعداد کوانتومی بزرگ
باید باهم مطابقت داشته باشد

اصلی دوم ← نسخه اصلی دوم

اضافه زمان excess time

[حمل - شهری] فاصله زمانی میان ترک یک سامانه
حمل و نقل و استفاده از سامانه‌ای دیگر

اطلاع کهنه old information

← اطلاع مفروض

اطلاع مفروض given information

[زبان.] در ساخت اطلاع جمله، اطلاعی که از دید
گوینده یا نویسنده برای شنونده یا خواننده
آشناست و از آن خبر دارد

اطلاع نو new information

[زبان.] در ساخت اطلاع جمله، اطلاعی که از دید

انتقال اضطراری مسافر، انتقال اضطراری
emergency transfer

[حمل - شهری] انتقال مسافر در شرایط اضطراری

انتقال با اتصال

connection mode transmission,
connection-oriented mode transmission

[مخابرات] انتقالی که در آن مداری از ابتدا تا
انتهای تماس میان گیرنده و فرستنده برقرار
می‌شود و طرفین ارتباط به طور اختصاصی از آن
استفاده می‌کنند

redshift انتقال به سرخ

[فیزیک] انتقال خطوط طیفی به طول موج‌های
بلندتر، در اثر دور شدن جسم

انتقال بی اتصال

connectionless mode transmission,
connectionless transmission

[مخابرات] انتقالی که در آن پیش از برقراری
ارتباط یا در حین آن هیچ مدار ثابتی میان گیرنده و
فرستنده برقرار نشود

indefinite integral انتگرال نامعین

← پادمشتق

measure اندازه

[ریاضی] تابعی که به هر مجموعه از یک سیگما
جبر (sigma algebra)، عددی نامنفی چنان
نسبت دهد که مقدار مجموعه تهی برابر با صفر و
مقدار اجتماع هر تعداد شمارایی (countable) از
مجموعه‌ها برابر با مجموع مقادیرهای آنها شود

همراه با فشردن دکمه شماره گیر انجام می‌شود

cable franchise امتیاز بافه، امتیاز کابل

[مخابرات] مجوز یا حق تفویض شده به بهره‌بردار
مخابراتی برای کابل‌کشی و ارائه خدمات مربوط
به آن در منطقه‌ای مشخص

امتیاز کابل ← امتیاز بافه

follicle انبانک

[زیست]، حفره کوچک و گرد در میان بافت یا اندام

ovarian follicle, انبانک تخمدان
Graafian follicle, Graafian vesicle

[زیست]، انبانکی در تخمدان که تخمک در آن
رشد می‌کند و آزاد می‌شود

folliculose انبانک‌دار

[زیست]، دارای انبانک

follicular انبانکی

[زیست]، دارای انبانک یا مربوط به انبانک

folliculate انبانکی شده

[زیست]، در انبانک محصور شده

laser tweezers انبرک لیزری

[اپتیک] نوعی تله لیزری که ریزاندامگان‌ها و
اندامک‌های آنها را، بدون آسیب ظاهری، در شیئی
ریزبین (میکروسکوپ) جابه‌جا می‌کند

انتقال اضطراری ← انتقال اضطراری مسافر

اندام‌های آوایی vocal organs, speech organs	اندام، عضو organ
[زبان.] همهٔ اندام‌هایی که در تولید آواهای زبان سهیم هستند، از پردهٔ دیافراگم تا لب‌ها	[زیست.] هر یک از بخش‌های متمایز در پیکر موجود زنده که کار یا کارهای ویژه‌ای انجام می‌دهد
اندامی، عضوی organic 2	اندام تولید، فراگو articulator
[زیست.] مربوط به اندام یا عضو	[زبان.] هر یک از اندام‌های آوایی فعال و تأثیرگذار در تولید آواها
انرژی سکون rest energy	اندام‌زایشی organogenetic, organogenic
[فیزیک] انرژی هم‌ارز با جرم هر ذرهٔ ساکن در چارچوب مرجع لخت که برابر است با حاصل ضرب جرم در مربع سرعت نور	[زیست.] مربوط به اندام‌زایی
انسداد blocking 1	اندام‌زایی organogenesis, organogeny
[مخابرات] عدم امکان برقراری ارتباط یا دریافت خدمات به علت اشغال بودن خطوط و افزاره‌های ارتباطی	[زیست.] تشکیل و نمو اندام‌ها
انسداد برخوانی call blocking	اندام‌سا organoid
[مخابرات] خدماتی که در آن مسدودسازی ارتباط، با یک شماره یا گروهی از شماره‌ها برای مشترک فراهم می‌آید	[زیست.] شبیه به اندام
انطباق conformance	اندامک organelle
[مخابرات] مطابقت دادن مشخصات هر دستگاه مخابراتی با استانداردهای منتشرشده	[زیست.] ساختار ریز و غشادار در درون پاخته‌های هویسته‌ای
انقراض extinction 1	اندامگان organism
[زمین، زیست.] از بین رفتن کامل یک گونه یا آرایهٔ (taxon) بالاتر به شکلی که دیگر در هیچ‌جا یافت نشود	[زیست.] ۱. مجموعهٔ اندام‌های تشکیل دهندهٔ موجود زنده ۲. موجود زنده اعم از گیاه و جانور و میکروب
انقراض جمعی mass extinction	اندامگانی organic 1
	[زیست.] مربوط به اندامگان
	اندام‌نگاری organography
	[زیست.] نمایش ساختمان یا عمل اندام‌ها

[حمل - شهری] برنامه‌ریزی برای سفر از مراکز مختلف برای انجام کارهای گوناگون که اغلب این سفرها از خانه آغاز می‌شود

ایجادکننده تردد **traffic generator**

[حمل - شهری] عاملی که باعث افزایش حجم شدآمد می‌شود

ایستاکردن قاب ← ایستاکردن قاب تصویر

ایستاکردن قاب تصویر، ایستاکردن قاب،
قاب‌ایستانی **freeze frame 1, hold frame, still frame, freezing**

[سینما و تلو.] چاپ مکرر یک قاب تصویر برای به دست آوردن نما یا تصویر ثابت و بی‌حرکت

ایستگاه پایه **base station**

[مخابرات] ایستگاه رادیویی که در ارتباطات سیار به کار می‌رود و سیگنال‌ها را به تلفن همراه یا ایستگاه‌های رادیویی دیگر انتقال می‌دهد

[زمین، زیست.] از بین رفتن کامل یک یا چند خانواده از موجودات زنده

اهرم اپتیکی، اهرم نوری **optical lever**

[اپتیک] ابزاری برای آشکارسازی و اندازه‌گیری چرخش‌های ناچیز یک جسم

اهرمک **joystick**

[رایانه و فن.] افزاره اشاره اهرم‌مانندی که در همه جهت‌ها حرکت می‌کند و هدایت‌کننده اشاره‌گر یا دیگر نشانه‌های نمایشی است

اهرم نوری ← اهرم اپتیکی

ایجاد تردد **traffic generation, traffic generating**

[حمل - شهری] افزایش حجم شدآمد در نتیجه رشد جمعیت و کاربری‌های جدید زمین

ایجاد سفر **trip generation, trip generating**

ب

باد چرخگرد **cyclostrophic wind**
[علوم جو] بادی حاصل از توازن مؤلفه‌های افقی نیروی شیو فشار و نیروی مرکزگریز در حرکت هوا روی مسیر منحنی

باد فروشیب **downslope wind**
[علوم جو] بادی رو به پایین شیب، اغلب در مقیاسی بزرگتر از مقیاس شیب

باد مخالف **headwind, opposing wind**
[علوم جو] بادی در خلاف جهت حرکت جسم متحرک نسبت به زمین

باد موافق **tailwind, following wind**
[علوم جو] بادی در جهت حرکت جسم متحرک نسبت به زمین

بادنگار **anemograph**
[علوم جو] بادسنجی که نگاشتی پیوسته از سرعت باد تهیه می‌کند

بادنگاشت **anemogram**
[علوم جو] نگاشت تهیه‌شده با بادنگار

بار بنیادی **elementary charge**
[فیزیک] بار الکتریکی الکترون؛ یکای بنیادی بار الکتریکی که برابر است با بار الکترون یا پروتون

باد زمینگرد **geostrophic wind**
[علوم جو] بادی حاصل از توازن مؤلفه‌های افقی نیروی شیو فشار و نیروی کوریولیس

باد ژناری **zonal wind**
[علوم جو] باد یا مؤلفه باد در امتداد مدار جغرافیایی، متمایز از باد نصف‌النهاری

باد زهکش **drainage wind**
[علوم جو] بادی ملایم و شب‌هنگام، رو به پایین شیب یا درّه، ناشی از سرمایش و چگالش هوا در نزدیک سطح زمین

بادشناختی **anemological**
[علوم جو] مربوط به بادشناسی

بادشناسی **anemology**
[علوم جو] مطالعه علمی بادها

باد فراشیب **upslope wind**

boom man	بازوبان	small intestine	باریک‌روده
[سینما و تلو.] متصدی بازوی صداتر		[ازبست.] بخشی از لوله‌گوارش پستانداران که بین معده و فراخ‌روده قرار دارد	
player, actor 1, actress 1	بازیگر ۱	small intestinal	باریک‌روده‌ای
[هـ. نمایشی] هنرمندی که نقشی را بر روی صحنه اجرا می‌کند		[ازبست.] مربوط به باریک‌روده	
	بازیگر ۲ ← هنرپیشه	beam combiner	باریکه‌آمیز
comedian 1, شوخ‌بازیگر		[اپتیک] ابزاری اپتیکی برای درهم‌آمیختن دو باریکه نور در یک راستا	
comic actor, comic player		beam splitter	باریکه‌شکاف
[هـ. نمایشی] هنرمندی که در نمایش‌های شوخ‌ناک ایفای نقش می‌کند		[اپتیک] ابزاری اپتیکی برای شکافتن باریکه نور در امتداد دو یا چند مسیر	
acting	بازیگری	beam splitting	باریکه‌شکافی
[هـ. نمایشی] عمل و حرفه بازیگر		[اپتیک] تقسیم باریکه نور به دو یا چند باریکه با باریکه‌شکاف	
wagon weighbridge, باسکول خط		beam expander	باریکه‌گستر
freight car scale, track scale		[اپتیک] سامانه‌ای اپتیکی برای افزایش قطر باریکه لیزر یا باریکه‌های نوری دیگر	
[حمل - ریلی] وسیله‌ای در نقاط مشخصی از طول خط یا بین دو واگن، برای توزین واگن‌ها		reboiler	بازجوش‌آور
aphanitic texture	بافت ناویدا	[م. شیمی] واحد گرمایشی کمکی برج جداسازی که گرمای بخش زیرین برج را تأمین می‌کند	
[زمین.] بافتی در سنگ‌های آذرین با دانه‌های بسیار ریز که با چشم غیرمسلح دیده نمی‌شود		boom	بازو
phaneritic texture	بافت ویدا	[سینما و تلو.] میله‌ای کشویی و قابل حمل که صداتر یا دوربین یا نورافکن بر آن نصب می‌شود و می‌توان جهت و ارتفاع آن را تغییر داد	
[زمین.] بافتی در سنگ‌های آذرین که دانه‌های آن با چشم غیرمسلح دیده می‌شود			
coaxial cable	بافه هم‌محور، کابل هم‌محور		
[مخابرات] ابزار انتقال پهن‌بندی که حساسیت آن			

زایشی-گشتاری، شامل قواعد معنایی جمله

بخش نحوی syntactic component

[زبان.] یکی از بخش‌های تشکیل‌دهنده دستور زایشی-گشتاری، شامل بخش پایه و بخش گشتاری

بخش واجی phonological component

[زبان.] یکی از بخش‌های تشکیل‌دهنده دستور زایشی-گشتاری، شامل قواعد واجی که بر رو ساخت جملات عمل می‌کند

بذر بهین elite seed

[کشاورزی « زراع.】 بذر مادر با خلوص بسیار زیاد

بذر پوشش‌دار coated seed, pelleted seed

[کشاورزی « زراع.】 بذری که با مواد شیمیایی یا باکتری یا مواد رنگی به طور یکنواخت پوشش داده شده باشد

بذر ثبت‌شده registered seed

[کشاورزی « زراع.】 نتاج بذر بهنژادگر (breeder seed) یا مادر یا گزیده که در مراحل تولید، خلوص ژنی و خصوصیات شناسایی آن حفظ شده و به تأیید مراکز گواهی‌کننده رسیده باشد

بذر خراشی scarification, seed scarification

[کشاورزی « زراع.】 فرایندی که در آن پوسته بذر با سایش مکانیکی یا تماس با اسید یا آب داغ یا سایر مواد در مقابل آب نفوذپذیرتر می‌شود و در نتیجه سریع‌تر جوانه می‌زند

به تداخل کم است و دارای غلاف مسی به شکل استوانه و هسته مسی است که از مرکز استوانه عبور می‌کند

بال wing

[هـ. نمایشی] هر یک از فضاهای کنار صحنه که از دید تماشاگر پنهان است

بالابر واگن wagon lift, wagon elevator

[حمل - ریلی] دستگاهی برای بالا بردن واگن از روی خط

بالشتک rail pad, pad 1

[حمل - ریلی] لایه‌ای لاستیکی که بین ریل و زینچه قرار می‌گیرد

بخش component 1

[زبان.] هر یک از قسمت‌های چهارگانه تشکیل‌دهنده دستور زایشی-گشتاری

بخش پایه base component

[زبان.] یکی از بخش‌های تشکیل‌دهنده دستور زایشی-گشتاری که ژرف‌ساخت جمله در آن شکل می‌گیرد

بخش گشتاری transformational component

[زبان.] یکی از بخش‌های تشکیل‌دهنده دستور زایشی-گشتاری، شامل قاعده‌هایی که ژرف‌ساخت را به رو ساخت تبدیل می‌کنند

بخش معنایی semantic component

[زبان.] یکی از بخش‌های تشکیل‌دهنده دستور

add-on 2

برافزا

[ارایانه و فن.] برنامه‌ای که با تغییری کوچک در برنامه‌ای از پیش موجود موجب بهبود آن می‌شود و ویژگی‌هایی تازه به آن می‌بخشد

packed tower, packed column برج آکنده

[م. شیمی] برج مخصوص جذب یا جداسازی مواد، که برای افزایش سطح تماس، با ذرات ریزی پر می‌شود و در آن مایع در حال ریزش و شاره بالارونده (مایع یا بخار) در مجاورت هم قرار می‌گیرند

distillation tower

برج تقطیر

← ستون تقطیر

tray tower

برج سینی‌دار

[م. شیمی] ستونی عمودی شامل تعدادی سینی، برای ایجاد تماس بین مایع پایین‌رونده و بخار بالارونده

call add-on,

برخوان‌افزایی

conference call add-on, add-on conference

[مخابرات] یکی از امکانات مرکز تلفن خودکار داخلی که به مشترک داخلی اجازه می‌دهد علاوه بر ارتباطی که برقرار شده، ارتباط دیگری را بدون مراجعه مجدد به کارور یا درخواست مجدد بوق آزاد برقرار کند

calling party pays, CPP برخوان‌پردازی

[مخابرات] شیوه معمول در پرداخت قبضه‌های مربوط به خدمات مخابراتی که در آن شخص تماس‌گیرنده هزینه تماس را می‌پردازد

scarified seed

بذر خراشیده

[کشاورزی ← زراع.] بذری که بر اثر بذرخراشی آب را سریع‌تر جذب می‌کند

seed stock

بذر ذخیره

[کشاورزی ← زراع.] بذر یا غده یا ریشه‌ای که برای کاشت ذخیره می‌شود و منبعی از ژرم‌پلاسما (germplasm) برای حفظ و تکثیر بذر رقم‌های زراعی یا رگه‌های ژنی است

hard seed

بذر سخت

[کشاورزی ← زراع.] بذری که به علت نفوذناپذیر بودن پوسته خود در مقابل هوا و آب در حالت خفنگی باشد

selected seed

بذر گزیده

[کشاورزی ← زراع.] بذر نتاج درختان دقیقاً انتخاب‌شده یا نتاج پایه‌های والدین انتخابی که به نظر می‌رسد برتری بالقوه دارند

certified seed

بذر گواهی‌شده

[کشاورزی ← زراع.] بذر حاصل از تکثیر یکی از بذرهای مادر یا به‌نژادگر یا گزیده یا ثبت‌شده

foundation seed

بذر مادر

[کشاورزی ← زراع.] نتاج بذر بهین که برای حفظ خصوصیات شناسنامه‌ای و خلوص ژنی خاص به کار می‌رود

orthodox seed

بذر ماندگار

[کشاورزی ← زراع.] بذری که بتوان رطوبت آن را کاهش داد و در دمای زیر صفر نگهداری کرد

صدامیزی و تطبیق تصویرها انجام می‌شود ۲. آخرین نسخه کار تدوین شده و آماده چاپ فیلم

برقراری برخوانی call establishment

[مخابرات] مراحل اولیه انجام برخوانی میان پایانه برخوان و پایانه برخوانده

برگردان ← برگردان برخوانی

برگردان برخوانی، برگردان callback

[مخابرات] فرایندی که در آن پس از اقدام به برخوانی در پایانه برخوان و زنگ خوردن در پایانه برخوانده، سامانه ارتباط قطع می‌شود و بی‌درنگ پایانه برخوانده به پایانه برخوان متصل می‌شود؛ این فرایند یا به دلایل امنیتی انجام می‌شود یا به دلیل اختلاف نرخ محاسبه برخوانی در دو پایانه مبدأ و مقصد

برگشت پذیر reversible

[فیزیک] ویژگی فرایندهایی که می‌توان آنها را با تغییر بسیار کوچک شرایط خارجی وارونه کرد

برگشت پذیری reversibility

[فیزیک] خاصیت فرایندی ترمودینامیکی که قابلیت وارونه شدن داشته باشد و در نتیجه آن سامانه موردنظر به وضعیت اولیه‌اش بازگردد

برگشت پذیری ریزمقیاس

microscopic reversibility

[فیزیک] اصلی که بر اساس آن فرایندهای مولکولی در هر سامانه در حال تعادل آهنگی برابر با فرایندهای معکوس خود دارد

برخوانی کامل completed call

[مخابرات] نوعی برخوانی که مراحل اولیه برقراری ارتباط را بدون برخورد با انسداد و ناسازگامی پشت سر گذاشته و به مرحله پاسخ‌گویی مشترک برخوانده رسیده است

برخوانی هدایت شده redirected call

[مخابرات] تماسی که به علت در دسترس نبودن نشانی اولیه، به نشانی دیگری در شبکه ارسال می‌شود

بردار زمان‌گونه timelike vector

[فیزیک] هر بردار در فضای مینکوفسکی که حاصل ضرب سرعت نور در مؤلفه زمان آن بیشتر از اندازه مؤلفه فضایی باشد

بردار فضاگونه spacelike vector

[فیزیک] هر بردار در فضای مینکوفسکی که مؤلفه‌های فضایی آن از حاصل ضرب مؤلفه زمانی و سرعت نور بیشتر باشد

برش اولیه rough cut

[سینما و تلو.] ۱. اولین مرحله در فرایند تدوین فیلم ۲. نسخه حاصل از اولین مرحله در فرایند تدوین فیلم

برش متقاطع cross-cut

[سینما و تلو.] نوعی تدوین موازی از رویدادهای هم‌زمان در مکان‌های مختلف

برش نهایی final cut, fine cut

[سینما و تلو.] ۱. آخرین مرحله از تدوین که در آن

caption	برنگاشت	irreversible	برگشت ناپذیر
[سینما و تلو.] حروف و کلمات و نقوشی که روی تصویر تلویزیون یا پرده نمایش ظاهر می شود		[فیزیک] ویژگی فرایندهایی که نمی توان آنها را با تغییر بسیار کوچک شرایط خارجی وارونه کرد	
periosteum	برون اُست	ectoplasm, ectosarc	برمیان یاخته
[زیست.] غشایی رشته ای که تنه استخوان های دراز را می پوشاند		[زیست.] بخش پیرامونی ماده زمینه ای میان یاخته در بسیاری از یاخته ها	
periostitis	برون اُست آماس	ectoplasmatic	برمیان یاخته ای
[زیست.] التهاب برون اُست		[زیست.] مربوط به برمیان یاخته	
periosteal, periosteous	برون اُستی		برنامه به زبان همگذاری
[زیست.] مربوط به برون اُست		assembly language program	
extrusion, effusion	برون ریزی		[رایانه و فن.] برنامه ای که به زبان همگذاری نوشته شده باشد
[زمین.] فرایند بیرون ریختن گدازه		assembly program	برنامه همگذاری
extrusive, effusive	برونی		[رایانه و فن.] برنامه ای برای تبدیل زبان همگذاری به زبان ماشین
[زمین.] ۱. مرتبط با فرایند برون ریزی گدازه ۲. ویژگی سنگ های حاصل از برون ریزی		brown rice	برنج سبوس دار
interaction	برهم کنش		[تغذیه و ص.] دانه کامل برنج (شلتوک) که پوسته غیرخوارکی آن گرفته شده باشد
[فیزیک] انتقال و تبادل انرژی میان دو ذره یا بین ذره و موج		wholly milled rice, white rice, polished rice	برنج سفید
fundamental interaction	برهم کنش بنیادی		[تغذیه و ص.] برنجی که سبوس و جوانه آن به طور کامل گرفته شده باشد
[فیزیک] هر یک از نیروهای بنیادی که ذرات بنیادی متقابلاً بر یکدیگر وارد می کنند		semi milled rice	برنج نیم سفید
clipboard	بُریده دان		[تغذیه و ص.] برنجی که سبوس آن کامل گرفته نشده باشد
[رایانه و فن.] پرونده یا بخشی از حافظه که داده ها، پیش از آنکه در محلی دیگر رونوشت شوند،			

موقتاً در آنجا ذخیره می‌شوند
[مخابرات] محدودهٔ بسامدی بین ۳۰۰ تا ۳۰۰۰ مگاهرتز

magnification بزرگنمایی
[اپتیک] نسبت اندازهٔ تصویر به اندازهٔ شیء در ابزار نوری
medium frequency, MF بسامد متوسط
[مخابرات] محدودهٔ بسامدی بین ۳۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلوهرتز

anther بساک
[زیست]. بخشی از پرچم که دانهٔ گرده تولید می‌کند
antheriferous بساک‌بر
[زیست]. پایهٔ حامل بساک
assigned frequency بسامد واگذارشده
[مخابرات] بسامد یا باند بسامدی که برای پخش برنامه‌های رادیویی به ایستگاهی اختصاص می‌یابد

turbulence closure بستار تلاطم
[علوم جو] مسئله‌ای در تحلیل تلاطم که هنگام میانگین‌گیری رینولدز در معادله‌های ناویر-استوکس (معادله‌های حرکت) رخ می‌دهد
superhigh frequency, SHF بسامد اُپربالا
[مخابرات] محدودهٔ بسامدی بین ۳ تا ۳۰ گیگاهرتز

high frequency, HF بسامد بالا
[مخابرات] محدودهٔ بسامدی بین ۳ تا ۳۰ مگاهرتز

veryhigh frequency, VHF بسامد بسیار بالا
[مخابرات] محدودهٔ بسامدی بین ۳۰ تا ۳۰۰ مگاهرتز
بستار جبری ← بستار جبری یک هیأت
بستار جبری یک میدان ← بستار جبری یک هیأت
بستار جبری یک هیأت، بستار جبری یک میدان

algebraic closure of a field,
algebraic closure بستار جبری یک هیأت، بستار جبری یک میدان
[ریاضی] گسترشی جبری از میدانی مفروض، که گسترش جبری دیگری به جز خودش ندارد
very low frequency, VLF بسامد بسیار پایین
[مخابرات] محدودهٔ بسامدی بین ۳ تا ۳۰ کیلوهرتز

seedbed 1 بستر بذر
[کشاورزی] زراعت. زمینی که برای بذرکاری آماده شده باشد
low frequency, LF بسامد پایین
[مخابرات] محدودهٔ بسامدی بین ۳۰ تا ۳۰۰ کیلوهرتز

block بستک
ultrahigh frequency, UHF بسامد فرابالا

یا برخی از خواص دینامیکی و ترمودینامیکی
هوای جو را می‌توان به آن نسبت داد

بلوتوث ← دندان‌آبی

[مخابرات] مجموعه‌ای از بیت‌ها یا گروهی از
نویسه‌ها که به عنوان واحد اطلاعاتی مستقل
مستقل می‌شوند و برای تصحیح خطا یا
هم‌زمان‌سازی به کار می‌روند

sphincter بَنداره

[زیست.] ماهیچه حلقوی شکل گرداگرد یک دهانه
که با انقباض خود سبب بسته یا تنگ شدن آن
می‌شود

sphincteritis بَنداره‌آماس

[زیست.] التهاب بَنداره

sphincteral, sphincteric بَنداره‌ای

[زیست.] مربوط به بَندازه

بَنداره‌بُر ← بَنداره‌شکاف

sphincterectomy بَنداره‌برداری

[زیست.] بریدن و برداشتن بَنداره

بَنداره‌بُری ← بَنداره‌شکافی

sphincteralgia بَنداره‌درد

[زیست.] درد ماهیچه‌های بَنداره

sphincterotome بَنداره‌شکاف، بَنداره‌بُر

[زیست.] ابزار بریدن بَنداره

sphincterotomy بَنداره‌شکافی، بَنداره‌بُری

[زیست.] بریدن بَنداره

blocking 2 بستک‌بندی

[مخابرات] گروه‌بندی داده‌ها در دسته‌های
مختلف برای انتقال هم‌زمان

shrink wrapping, shrink packaging بسته‌بندی چسبان

[تغذیه و ص.] نوعی روش بسته‌بندی که در آن
لایه‌ای از پلاستیک را دور کالا می‌پیچند و حرارت
می‌دهند تا به کالا بچسبد

shrink wrap, shrink pack, shrink film بسته چسبان

[تغذیه و ص.] بسته‌ای که با روش چسبان،
بسته‌بندی شده باشد

application package بسته کاربردی

[رایانه و فن.] برنامه یا مجموعه‌ای از برنامه‌های
رایانه‌ای که برای کاربرد خاصی طراحی شده باشد

software package بسته نرم‌افزاری

[رایانه و فن.] برنامه کاربردی رایانه‌ای که به
صورت کامل و آماده اجرا، شامل همه برنامه‌های
مفید و لازم و همراه با سندهای مربوط به کاربر،
عرضه می‌شود

air parcel بسته‌هوا

[علوم جو] عنصر یا حجمی فرضی از هوا که همه

exonic	بیانه‌ای	point of presence, pop	بودگاه
	[زیست]. مربوط به بیانه		[رایانه و فن]. هر یک از نقاط دسترسی به اینترنت
bit stripping	بیت‌برداری	bogie, truck	بوژی
	[مخابرات] روشی در هم‌تافتگری آماری که در آن بیت‌های آغاز و پایان مربوط به انتقال غیر هم‌زمان از جریان اطلاعات حذف و در نتیجه اطلاعات به شیوه انتقال هم‌زمان پردازش می‌شود		[حمل - ریلی] مجموعه‌ای شامل چهار یا شش چرخ که به صورت جفت در زیر وسیله نقلیه ریلی طویل نصب می‌شود و از طریق لولایی مرکزی حرکت و انعطاف وسیله نقلیه را در پیچ‌ها تسهیل می‌کند
bit masking	بیت‌پوشی	self steering bogie	بوژی خودفرمان
	[مخابرات] نادیده گرفتن ارزش بیت در موقعیت معینی از یک رشته بیت		[حمل - ریلی] نوعی بوژی که از اتصال انعطاف‌پذیر مجموعه چرخ-محورها با قاب بوژی تشکیل می‌شود و جهت محورها را با شعاع انحنای پیچ هماهنگ می‌کند
bit robbing, robbed-bit signaling, in-band signaling	بیت‌ربایی	three piece bogie	بوژی سه تکه
	[مخابرات] نوعی سیگنال‌دهی که در آن کم‌ارزش‌ترین بیت از رشته اطلاعات برداشته می‌شود و برای کنترل ارتباط به کار می‌رود		[حمل - ریلی] نوعی بوژی متشکل از دو قاب کناری و یک تیر عرضی معلق
bit slip	بیت‌لغزی	dial tone	بوق آزاد
	[مخابرات] افزایش یا حذف بیت‌ها به گونه‌ای که موقعیت هر بیت در جریان بیت‌ها تغییر کند؛ این فرایند باعث تغییر زمان‌بندی میان فرستنده و گیرنده می‌شود		[مخابرات] سیگنالی که مرکز تلفن ارسال می‌کند تا آمادگی خود را برای دریافت شماره موردنظر برخوان اعلام کند
overirrigation	بیش‌آبیاری		به بیرون ← شماره‌گیری مستقیم به بیرون
	[کشاورزی] زراعت. آبیاری بیش از مقدار مورد نیاز گیاه	gene expression	بیان ژن
			[زیست]. رونویسی و ترجمه و تظاهر رخ‌نمودی ژن
overnutrition	بیش‌بود تغذیه	exon	بیانه
	[تغذیه و ص.] نوعی سوء تغذیه ناشی از دریافت بیش از حد مواد مغذی		[زیست]. توالی‌های رمزگذار ژن‌های هوهسته‌ای‌ها

[فیزیک] ویژگی جسمی که در شرایط بی‌وزنی
باشد

weightlessness, zero gravity بی‌وزنی

[فیزیک] حالتی که در آن جسم در چارچوب
مرجع خود، بر اثر گرانی یا نیروهای دیگر،
هیچ‌گونه شتاب قابل اندازه‌گیری نداشته باشد

hypertrophic

بیش پرورد

[زیست]. دارای بیش‌پروردگی یا مربوط به آن

hypertrophy, hypertrophia بیش‌پروردگی

[زیست]. رشد بیش از حد یا خنده‌ها در نتیجه تغذیه
زیاد

weightless

بی‌وزن

پ

answerback

پاسخک

[مخابرات] علامتی که دستگاه گیرنده به نشانه آمادگی پذیرش پیام و تکمیل ارتباط در پاسخ به فرستنده ارسال می‌کند

rail fastener, fastener, rail clip پابند

[حمل - ریلی] ابزاری فنری برای محکم کردن پایه ریل روی زینچه یا ریل‌بند

dispersion

پاشش

[فیزیک] تجزیه بسامدهای گوناگون موج مرکب به مؤلفه‌های آن بر اثر سرعت‌های متفاوت موج در محیط انتشار

anticodon

پادرمزه

[زیست.] توالی سه‌نوکلئوتیدی یک رشته رِنای ناقل (tRNA) که رمزه رِنای پیک (mRNA) را کامل می‌کند

پاشش چرخش اپتیکی، پاشش چرخش نوری
optical rotatory dispersion, ORD

[اپتیک] پاشش حاصل از تغییر چرخش نوری بر اثر عبور ماده فعال نوری، به هنگام تغییر طول موج

antiderivative

پادمشتق

[ریاضی] برای هر تابع مفروض، تابعی که مشتق آن برابر تابع مفروض است

پاشش چرخش نوری ← پاشش چرخش اپتیکی

anti-isomorphism

پادیکریختی

[ریاضی] تناظری یک به یک بین دو حلقه یا هیأت یا میدان، به طوری که اگر x' متناظر x و y' متناظر y باشد $x'+y'$ متناظر $x+y$ شود، ولی $x'y'$ با yx در تناظر باشد

dispersive

پاشنده

[فیزیک] ویژگی محیطی که در آن سرعت فاز موج الکترومغناطیسی تابعی از بسامد آن باشد

پاشنه تیغه سوزن، پاشنه سوزن
switch heel, blade heel, heel of point

[حمل - ریلی] انتهای ثابت تیغه سوزن

filter cloth

پارچه صافی

[م. شیمی] پارچه‌ای که با آن عمل صافش انجام می‌شود

contour	پربند	thematic	پذیرنده ۱
[علوم جو] لبه یا خطی که محدوده شکل یا جسمی را معین می‌کند		[زبان.] مربوط به نقش معنایی موضوع‌ها در جمله	
ray	پرتو	theme 2	پذیرنده ۲
[اپتیک] خمی که مماس آن در هر نقطه در امتداد انتشار موج نور قرار داشته باشد		[زبان.] در دستور زایشی، یکی از نقش‌ها یا حالت‌های معنایی گروه‌های اسمی که نشان‌دهنده کنش یا وضعیت یا تملک‌پذیری آن گروه اسمی در جمله است	
principal ray 1	پرتو اصلی	diffraction	پراش
[اپتیک] پرتوی از یک باریکه مایل که از مرکز مردمک ورودی می‌گذرد		[اپتیک] هرگونه تغییر در توزیع شدت موج ناشی از حضور مانع در مسیر انتشار	
principal visual ray, principal ray 2	پرتو دیداری اصلی	diffractometer	پراش‌سنج
[اپتیک] امتداد عمود بر صفحه منظر (perspective plane) از نقطه دید		[اپتیک] ابزاری برای مطالعه ساختار ماده با استفاده از پراش امواج	
anode rays, positive rays	پرتوهای آندی	diffraction	پراش‌سنجی
[فیزیک] باریکه یون‌های مثبتی که بر اثر اعمال ولتاژ از آند لامپ الکترونی گسیل می‌شود		[اپتیک] مطالعه ساختار بلور از طریق پراش موج الکترومغناطیس	
act	پرده	diffractive	پراشنده
[ه. نمایشی] بزرگترین واحد تقسیم نمایشنامه که خود به چند صحنه تقسیم می‌شود		[اپتیک] ویژگی جسمی که پدیده پراش در آن رخ دهد	
screen saver	پرده‌بان	peroxisome	پراکسی‌تن
[رایانه و فن.] برنامه‌ای نرم‌افزاری که عموماً برای حفاظت از اطلاعات کاربر در برابر افراد غیرمجاز به کار می‌رود		[زیست.] ریزتن درون‌یاخته‌ای که دارای تعدادی از زی‌مایه‌های مربوط به دگرگشت هیدروژن پراکسید است	
پرده صماخ ← پرده گوش		peroxisomal	پراکسی‌تنی
		[زیست.] مربوط به پراکسی‌تن	

prostate gland, prostate پروستات

[زیست.] غده‌ای در موجودات نر که در اطراف گردن مثانه و پیشاب‌راه قرار دارد

prostatitis پروستات‌آماس

[زیست.] التهاب غده پروستات

prostatic پروستاتی

[زیست.] مربوط به پروستات

data filing پرونده‌بندی داده‌ها

[رایانه و فن.] دسته‌بندی اطلاعات و تبدیل آنها به پرونده‌های حاوی داده‌هایی معین در قالب متن یا اعداد یا تصاویر نگاره‌ای

perturbation پریشیدگی

[علوم جو] هر نوع انحراف در حالت پایای مفروض یک سامانه

perturbed پریشیده

[علوم جو] حالت سامانه‌ای که دچار پریشیدگی شده باشد

backdrop, drop پس‌اویز

[سینما و تلو.] پس‌زمینه‌ای ساختگی، معمولاً به صورت پرده محاطی (cyclorama)، که بر آن تصاویر مناظر مختلف به صورت نقاشی یا عکس نقش بسته است و طبیعی یا تقریباً طبیعی به نظر می‌رسد

back projection, rear projection, back screen projection پس‌تابش

tympanic membrane, eardrum, tympanum پرده گوش، پرده صماخ

[زیست.] پرده نازکی بین مجرای گوش و حفره صماخی

touch screen, touch display screen پرده لمسی

[رایانه و فن.] پرده نمایشی با صفحه شفاف حساس به تماس که می‌توان از انگشت برای اشاره مستقیم به همه نقاط روی آن استفاده کرد

display screen, screen پرده نمایش

[رایانه و فن.] بخش نمایش‌دهنده نمایشگر

query پُرس‌مان

[رایانه و فن.] درخواست اطلاعات از یک دادگان

query processing پُرس‌مان‌پرداز

[رایانه و فن.] روشی برای فرستادن داده‌ها به مقاصد معین یا مناسب از طریق شبکه بر اساس ارزش داده‌ها

quantum jump پرش کوانتومی

[فیزیک] گذار سامانه کوانتومی از یک حالت مانا به حالت مانای دیگر در اثر جذب یا گسیل انرژی

blocking high پرفشار بندالی

[علوم جو] واچرخندی با حرکت کند یا نزدیک به ساکن، در عرض‌های میانی که در نقشه‌های همدیدی به صورت مانع جلوه می‌کند و راه حرکت غرب به شرق چرخندهای مهاجر را می‌بندد

[زبان.] در مطالعات گفتمانی و کاربردشناختی، فرایندی که به صحنه‌آرایی و ایجاد موارد حاشیه‌ای در کنار پیام اصلی نویسنده یا گوینده مربوط می‌شود

backgrounded **پس زمینه‌سازی شده**
[زبان.] ویژگی آنچه پس زمینه واقع شده است

upstage **پس صحنه**
[ه. نمایشی] قسمت پسین صحنه نمایش

ferroelectric hysteresis, dielectric hysteresis, electric hysteresis
[فیزیک] قطبش برجای مانده از مواد فزوالکتریکی پس از حذف میدان الکتریکی پیشین

back light, separation light **پس نور**
[سینما و تلو.] نوری که از پشت و بالا، در جهت مخالف دوربین، بر موضوع می‌تابد و با جدا کردن آن از زمینه، به تصویر عمق می‌دهد و سه‌بعدی بودن آن را به بیننده القا می‌کند

back lighting **پس نورپردازی**
[سینما و تلو.] تاباندن نور بر موضوع از پشت و در جهت مخالف دوربین

backstage, wings **پشت صحنه**
[ه. نمایشی] محوطه‌ای پشت فضای نمایشی شامل اتاق‌های رختکن و چهره‌پردازی و انبارها که از چشم تماشاگر پنهان است

[سینما و تلو.] نمایش تصاویر پس‌زمینه با قرار دادن فراتاب در پشت پرده نیمه‌شفافی که در پس‌زمینه صحنه قرار دارد

voice mail **پست صوتی**
[مخابرات] سامانه‌ای که به برخوانی‌ها پاسخ می‌دهد و پیام‌ها را ذخیره و پخش می‌کند

پس‌روده ← کولون
پس‌روده افقی ← کولون افقی

پس‌روده‌ای ← کولونی

پس‌روده بالارو ← کولون بالارو

پس‌روده بین ← کولون بین

پس‌روده‌بینی ← کولون‌بینی

پس‌روده پایین‌رو ← کولون پایین‌رو

پس‌روده‌درد ← کولون‌درد

background **پس زمینه**
[زبان.] آنچه به صحنه‌آرایی و ایجاد موارد حاشیه‌ای در کنار پیام اصلی مربوط می‌شود
[سینما و تلو.] معمولاً دورترین سطح نسبت به دوربین در هر نما یا صحنه

backgrounding **پس زمینه‌سازی**

زیستگاه‌های آب‌گرفته	aseismic ridge	پشته بی‌لرزه
saprophage	پوده‌خوار	[زمین.] پشته‌ای زیردریایی که بخشی از پوستهٔ قاره‌ای است و با پشتهٔ میان‌اقیانوسی (mid-ocean ridge) که به لحاظ لرزه‌ای فعال است تفاوت دارد
[زیست.] اندامگانی که از ترکیبات آلی در حال تجزیه تغذیه می‌کند.	marshmallow	پف‌نبات
saprophyte	پوده‌رُست	[تغذیه و ص.] نوعی آب‌نبات نرم که از مخلوط ژلاتین و سفیدهٔ تخم مرغ و شکر یا شیرۀ نشاسته تهیه می‌شود و بافتی اسفنجی دارد
[زیست.] گیاهی که بر بقایای مواد آلی در حال تجزیه سایر موجودات رشد می‌کند.	optical window	پنجرهٔ اپتیکی، پنجرهٔ نوری
saprophytic	پوده‌رُستی	[اپتیک] ۱. قطعه‌ای شیشه‌ای یا از هر مادهٔ شفاف دیگر که از آن برای گذر نور به سامانهٔ اپتیکی استفاده شود. ۲. هر ناحیهٔ مشخصی از طیف الکترومغناطیس که به منظور خاصی انتخاب شود
[زیست.] مربوط به موجود پوده‌رُست	پنجرهٔ نوری ← پنجرهٔ اپتیکی	
پوسته‌پوسته ۱ ← پوسته‌پوسته شدن	rennet	پنیرمایه
پوسته‌پوسته ۲ ← پوسته‌پوسته شده	[تغذیه و ص.] عصاره‌ای حاوی زی‌مایهٔ رنین که از شیردان نشخوارکنندگان در دورهٔ شیرخوارگی استخراج می‌شود و در پنیرسازی برای منعقد کردن شیر به کار می‌رود	
پوسته‌پوسته شدن، پوسته‌پوسته ۱	exfoliation, spalling, scaling, desquamation, sheeting, sheet jointing	پوچساز
[زمین.] فرایندی که در آن پوسته‌ها یا ورق‌های هم‌مرکز از سنگ جدا می‌شود	annihilator, annihilator	[ریاضی] برای یک مجموعهٔ مفروض، ردهٔ همهٔ توابع از نوع خاص که مقدار آنها در هر نقطه از آن مجموعه صفر باشد
پوسته‌پوسته شده، پوسته‌پوسته ۲	exfoliated	پوده
[زمین.] ویژگی سنگ، در نتیجهٔ فرایند پوسته‌پوسته شدن	peat	[زیست.] مجموعه‌ای از مواد گیاهی نیمه تجزیه‌شده در
پوستهٔ بذر	seed coat, testa	
[کشاورزی] لایهٔ بیرونی و سخت بذر که از رویان و سایر محتویات بذر محافظت می‌کند	پوستهٔ گزینا ← پوستهٔ گزینای غشا	

people mover

پیاده‌بر

[حمل - ریلی] وسیله‌ای در پایانه‌ها که مانند یک پیاده‌روی متحرک مسافران را در مسیر ثابت جابه‌جا می‌کند

unified messaging ۱ پیام‌رسانی جامع ۱

[مخابرات] توانایی دستیابی به انواع پیام صوتی، کوتاه‌پیام، دورنگار و پیام‌نگار از طریق افزاره‌های مستقل نظیر تلفن همراه و رایانه همراه و رایانه شخصی که به پرونده صوتی تبدیل و ارائه می‌شود

پیام‌رسانی جامع ۲ ← خدمات پیام‌رسانی جامع

پیام‌رسانی جامع ۳ ← سامانه پیام‌رسانی جامع

spirillum

پیچیزه

[زیست]. نوعی باکتری گرم‌منفی که ساختار یاخته‌ای سخت و مارپیچی دارد

spiral

پیچیزه‌ای

[زیست]. مربوط به پیچیزه

presupposition

پیش‌انگاشت

[زبان]. آنچه گوینده آن را دانش مشترک بین خود و شنونده فرض می‌کند

presupposed

پیش‌انگاشته

[زبان]. ویژگی آنچه گوینده آن را دانش مشترک بین خود و شنونده فرض می‌کند

presuppositional

پیش‌انگاشتی

پوسته‌گزینای غشا، پوسته‌گزینا

selective membrane skin

[م. شیمی] لایه متمایز و نازکی که معمولاً در تماس با جریان ورودی قرار می‌گیرد و تراوایی غشا به آن بستگی دارد

coverage 1

پوشش

[سینما و تلو.] محدوده‌ای که در آن گیرنده‌های رادیویی و تلویزیونی امواج ارسالی از ایستگاه پخش را دریافت می‌کنند

cloud cover

پوشش ابر

[علوم جو] بخشی از آسمان پوشیده از ابر

coverage 2

پوشش تصویری

[سینما و تلو.] فیلمبرداری یا تصویربرداری نماهای نسبتاً بسته یا نزدیک که همراه با نمای مادر دیدی کلی از صحنه به بیننده می‌دهد

coverage 3

پوشش خبری

[سینما و تلو.] ۱. فیلمی که از رویدادهای خبری تهیه شده باشد ۲. فیلمبرداری از رویدادهای خبری

seed dressing, dusting پوشش دادن بذر

[کشاورزی] پوشاندن بذر با مواد شیمیایی برای جلوگیری از هجوم عوامل بیماری‌زا یا حشرات

Doppler broadening پهن‌شدگی دوپلری

[فیزیک] پهن شدن خط طیفی گسیل شده از اتم‌ها یا مولکول‌ها بر اثر گرما

[زبان.] مربوط به پیش‌انگاشت

پیش‌بینی کوتاه‌مدت short-range forecast

[علوم جو] پیش‌بینی وضع هوا تا ۴۸ ساعت آینده

پیش‌بر

promoter

[زیست.] توالی نوکلئوتیدی در ابتدای ورزه که برای شروع رونویسی، زی‌مایه رنساپلیمراز (RNA polymerase) به آن متصل می‌شود

پیش‌بینی مسیر route forecast

[علوم جو] پیش‌بینی وضع هوا برای راه هوایی معین یا بخشی از آن

پیش‌بینی بسیار کوتاه‌مدت

very short-range forecast

[علوم جو] پیش‌بینی وضع هوا تا ۶ ساعت آینده

پیش‌بینی میان‌مدت medium-range forecast

[علوم جو] پیش‌بینی وضع هوا برای یک دوره زمانی سه تا هفت روزه

پیش‌بینی وضع هوا weather forecast, weather prediction

[علوم جو] برآورد حالت آینده جو

پیش‌بینی بلندمدت long-range forecast

[علوم جو] پیش‌بینی وضع هوا برای بیش از هفت روز

پیش‌بینی ریاضی ← پیش‌بینی ریاضی وضع هوا

پیش‌تابش front projection, front-projection process

[سینما و تلو.] نمایش تصاویر پس‌زمینه با قراردادن فزاتاب در جلوی صحنه

پیش‌بینی ریاضی وضع هوا، پیش‌بینی ریاضی mathematical forecasting

← پیش‌بینی عددی وضع هوا

پیش‌رویای proembryo

[زیست.] ساختار رویانی پیش از رویان حقیقی

پیش‌بینی عددی وضع هوا

numerical weather prediction, numerical forecasting, NWP

[علوم جو] پیش‌بینی متغیرهای جوی با حل عددی معادله‌های هیدرودینامیکی حاکم، بر پایه شرایط آغازین

پیش‌رویانی proembryonic

[زیست.] مربوط به پیش‌رویایان

پیش‌ریسه prothallus, prothallium

[زیست.] صفحه مسطح همگنی که در اثر جوانه‌زنی هاگ حاصل می‌شود

پیش‌بینی فیزیکی ← پیش‌بینی فیزیکی وضع هوا

پیش‌ریسه‌ای prothallial

[زیست.] مربوط به پیش‌ریسه

پیش‌بینی فیزیکی وضع هوا، پیش‌بینی فیزیکی physical forecasting

← پیش‌بینی عددی وضع هوا

[سینما و تلو.] نمایش فیلم برای گروهی منتخب از مستقدان و نویسندگان و دیگر دست‌اندرکاران سینما، به منظور ارزیابی واکنش آنها

prothesis پیش‌هشت
[زبان.] افزودن یک آوای اضافی در آغاز واژه

prothetic پیش‌هشتی
[زبان.] مربوط به فرایند پیش‌هشت

umlaut, vowel mutation پیشین‌شدگی
[زبان.] تبدیل واکهٔ پسین به واکهٔ پیشین تحت تأثیر واکهٔ پیشین بعد از آن

minimum configuration پیکربندی کمینه
[رایانه و فن.] نوعی پیکربندی با کمترین امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری

absolute continuity پیوستگی مطلق
[ریاضی] خاصیتی از تابع f با دامنهٔ $[a, b]$ که بر طبق آن، به ازای هر عدد مثبت ε ، یک عدد مثبت δ یافت می‌شود، به طوری که به ازای هر دنبالهٔ جدا از هم (a_k, b_k) ، اگر $\sum_{k=1}^n (b_k - a_k) < \delta$ ، آنگاه $\sum_{k=1}^n |f(b_k) - f(a_k)| < \varepsilon$

prothalliform پیش‌ریسه‌ریخت
[زیست.] به شکل پیش‌ریسه

prothalloid پیش‌ریسه‌سا
[زیست.] مانند پیش‌ریسه

foreground پیش‌زمینه
[زبان.] آنچه به نحوهٔ صورت‌بندی رویداد اصلی اشاره دارد
[سینما و تلو.] نزدیکترین سطح به دوربین در هر نما یا صحنه

foregrounding پیش‌زمینه‌سازی
[زبان.] در مطالعات گفتمانی و کاربردشناختی، فرایندی که به نحوهٔ صورت‌بندی رویداد اصلی اشاره دارد

foregrounded پیش‌زمینه‌سازی شده
[زبان.] ویژگی آنچه پیش‌زمینه واقع شده است

downstage پیش‌صحنه
[هـ.] نمایشی [قسمت پیشین صحنهٔ نمایش

preview پیش‌نمایش

ت ، ث

analytic function

تابع تحلیلی

[ریاضی] تابع مختلط مشتق‌پذیر در یک مجموعه باز

linear function

تابع خطی

← عملگر خطی

functional

تابعک

[ریاضی] تابعی از یک فضای برداری به هیأت
زمینه آن فضا

bounded function

تابع کراندار

[ریاضی] تابعی که برد آن مجموعه‌ای کراندار باشد

functor

تابعگون

[ریاضی] تابعی بین دو رسته (category) که هر
شیء یا ریختی (morphism) از رسته اول را به
ترتیب به شیء یا ریختی از رسته دوم می‌برد

AND function

تابع "و"

[ریاضی] عملی روی دو گزاره در منطق به‌طوری
که حاصل آن عمل وقتی درست است که هر دو
گزاره درست باشند

OR function

تابع "یا"

[ریاضی] عملی روی دو گزاره در منطق به‌طوری

radiation

تابش

[افزینک] گسیل امواج یا ذرات از چشمه و انتشار
آنها در محیط

far-ultraviolet radiation, FUV radiation

[افزینک] نوعی تابش الکترومغناطیسی که طول
موج آن تقریباً در گستره ۵۰ تا ۲۰۰ نانومتر واقع است

تابش فروسرخ میانی

intermediate infrared radiation, mid-infrared radiation

[افزینک] نوعی تابش الکترومغناطیسی که طول
موج آن تقریباً در گستره ۲/۵ تا ۵ میکرومتر واقع است

radiant 1

تابشی

[فیزیک] مربوط به تابش

function

تابع

[ریاضی] رابطه‌ای بین دو مجموعه که به هر عضو
از مجموعه اول عضوی یکتا از مجموعه دوم
نسبت می‌دهد

primitive function

تابع اولیه

← پادمشتق

[زیست.] پوشش کلاه‌مانندی که سر زامه را می‌پوشاند

که حامل آن عمل وقتی نادرست است که هر دو گزاره نادرست باشند

acrosomal

تارک‌تنی

[زیست.] مربوط به تارک‌تن

radiance, steradiancy

تابندگی

[اپتیک] چگالی شار یا انرژی تابشی یک سطح تابشی در واحد سطح

clone

تاگ

[زیست.] ۱. مجموعه‌ای از مولکول‌ها و یاخته‌ها و موجودات همسان که از نیای واحد سرچشمه گرفته باشند ۲. زادگان یک فرد در نتیجه تکثیر رویشی یا بکرزایی

radiative, radiating

تابنده

[اپتیک] ویژگی جسمی که امواج یا ذرات را در محیط می‌تاباند

actinometer

تابه‌سنج

[علوم جو] ابزار سنجش چگالی تابش

cloning

تاگ‌سازی

[زیست.] تولید گروهی از افراد با ژن‌نمود یکسان، از راه زادآوری غیرجنسی

actinometry

تابه‌سنجی

[علوم جو] سنجش چگالی تابش

cloned

تاگ‌سازی‌شده

[زیست.] ویژگی آنچه در فرایند تاگ‌سازی شرکت کرده باشد

radiate

تابیدن

[اپتیک] گسیل پرتوهای نوری یا گرمایی

تاج ریل ← کلاهک ریل

clonal

تاگی

[زیست.] مربوط یا منسوب به تاگ

delay

تاخیر

[سخن‌برایات] بازه زمانی بین دو رویداد در سامانه سخن‌برایاتی

تالار ۱ ← تالار پلکانی

تارآوا ← تارآواها

تالار ۲ ← تالار نمایش

vocal cords, vocal cord

تارآواها، تارآوا

[زبان.] هر یک از دو پرده ماهیچه‌ای واقع در دهانه نای که مهمترین وظیفه آنها واک‌سازی است

amphitheatre ۱

تالار پلکانی، تالار ۱

[اد.] نمایشی مکان نسبتاً بزرگی برای برگزاری جلسات درس گروهی و سخنرانی در مراکز آموزشی

acrosome, perforatorium, apical body

تارک‌تن

معنی دار یا تکواژ و واحدهای فاقد معنی یا واج

تجزیه مؤلفه‌ای componential analysis

[زبان.] روشی در مطالعات زبان‌شناختی به ویژه در معنی‌شناسی که معنی واژه‌ها یا واحدهای زبان را متشکل از مؤلفه‌ها و تجزیه‌پذیر در نظر می‌گیرد

تحول آوایی sound shift

[زبان.] مجموعه تغییرات یا تحولات آوایی یک زبان در یک دوره زمانی مشخص

تخت اپتیکی، تخت نوری optical flat 1

[اپتیک] سطحی که تختی آن از $\frac{1}{\lambda}$ طول موج نور بیشتر نباشد

تخت نوری ← تخت اپتیکی

تختی سنج اپتیکی، تختی سنج نوری

optical flat 2

[اپتیک] قطعه‌ای از شیشه یا کوارتز که یک یا هر دو طرف آن به دقت تخت می‌شود و با آن میزان تختی قطعات اپتیکی را می‌سنجند

تختی سنج نوری ← تختی سنج اپتیکی

تخمک ۱ ← تخمک جانوری

تخمک ۲ ← تخمک گیاهی

تخمک جانوری، تخمک ۱ ovule 1

[زیست.] مامه درون انبانک تخمدان

تالار نمایش، تالار ۲ auditorium, house, theatron 1

[هد. نمایشی] ۱. محوطه استقرار تماشاگران در تماشاخانه ۲. تماشاخانه

تبخیر- تعرق evapotranspiration

[علوم جو] فرایند ترکیبی جدا شدن آب از سطح خاک و آب و گیاه و انتقال آن به جو

تبخیر- تعرق سنج evapotranspirometer

[علوم جو] ابزاری برای سنجش آهنگ تبخیر و تعرق

تبخیر- تعرق سنجی evapotranspirometry

[علوم جو] علم اندازه‌گیری تبخیر و تعرق

تبخیرسنج atmometer, atmidometer, evaporimeter, evaporation gauge

[علوم جو] ابزاری برای سنجش آهنگ تبخیر آب

تبخیرسنجی atmometry, atmidometry

[علوم جو] اندازه‌گیری آهنگ تبخیر آب

تبدیل خطی linear transformation

← عملگر خطی

تبدیل همگر affine transformation

[ریاضی] تابعی از یک فضای برداری به خودش که از ترکیب یک تبدیل خطی و یک انتقال به دست می‌آید

تجزیه دوگانه double articulation 1, duality, duality of structure, duality of patterning

[زبان.] تجزیه عناصر زبان به دو سطح واحدهای

constructive interference تداخل سازنده

[فیزیک] ترکیب دو یا چند موج به نحوی که دامنه موج حاصل، از دامنه هر یک از آنها بیشتر شود

interferometer تداخل سنج

[اپتیک، فیزیک] ابزاری برای تقسیم باریکه نور به دو یا چند باریکه و بازترکیب آنها برای ایجاد تداخل

interferometry تداخل سنجی

[اپتیک، فیزیک] روشی برای اندازه گیری برخی از کمیت های فیزیکی با استفاده از تداخل سنج و پدیده تداخل

interferogram تداخل نگاشت

[فیزیک] نمودار تغییرات سیگنال خروجی تداخل سنج، هنگامی که وضعیت تداخل تغییر می کند

destructive interference تداخل ویرانگر

[فیزیک] ترکیب دو یا چند موج که باعث تشکیل موجی با دامنه ای کمتر از دامنه هر یک از آنها شود

parallel editing تدوین موازی

[سینما و تلو.] نوعی تدوین که در آن رویدادهای متفاوتی که در مکان ها یا زمان های مختلف اتفاق می افتد به دنبال یکدیگر به نمایش درمی آید

تراز چشم ← نمای تراز چشم

regulon ترازه

[زیست.] گروهی از ژن های ساختاری یا ورزه ها که یک مولکول تنظیم کننده مشترک آنها را تنظیم می کند

ovulate 1 تخمگذار

[زیست.] دارای تخمک

oogamous تخمک کام

[زیست.] مربوط به تخمک کامی

oogamete تخمک کامه

[زیست.] یاخته بزرگ جنسی ماده غیرمتحرک

oogamy تخمک کامی

[زیست.] لقاح یاخته بزرگ جنسی ماده غیرمتحرک با یاخته جنسی نر متحرک

ovulation تخمک گذاری

[زیست.] آزاد شدن تخمک پس از رسیدن و پاره شدن انبساط

ovulate 2 تخمک گذاشتن

[زیست.] تولید و آزادسازی تخمک

ovulatory تخمک گذاری

[زیست.] مربوط به تخمک گذاری

ovule 2 تخمک گیاهی، تخمک ۲

[زیست.] مجموعه کیسه رویانی و بافت های اطراف آن

ovular تخمکی

[زیست.] مربوط به تخمک

interference, optical interference, interference of light تداخل

[اپتیک] برهم نهشت اثر دو یا چند موج

converted traffic	تردد تبدیلی	permeation	تراوش
[حمل - شهری] تغییر وسیله نقلیه در اثر رفتار تردد و نبود توقفگاه		[م. شیمی] عبور مولکول‌ها یا اتم‌ها یا یون‌ها از محیط متخلخل یا تراوا	
mixed traffic, mixed flow traffic	تردد مختلط	pervaporation	تراوش تبخیری
[حمل - شهری] ترددی شامل وسایل نقلیه مختلف یا اشکال مختلف حمل و نقل، اعتم از هوایی و دریایی و زمینی		[م. شیمی] نوعی جداسازی غشایی که در آن محلول در تماس با غشای نیمه‌تراوا قرار می‌گیرد و جزء سازنده معینی از محلول بر اثر تبخیر از آن عبور می‌کند.	
hot wind	تشباد	permeator	تراوشگر
[علوم جو] اصطلاحی عمومی برای پادهای بسیار گرم با نم نسبی کم		[م. شیمی] دستگاهی غشایی که عمل تراوش در آن انجام می‌شود	
beam resonator, open resonator	تشدیدگر باریکه	permeance	تراوندگی
[اپتیک] ابزاری برای محصور کردن باریکه لیزر یا هر تابش الکترومغناطیسی در ناحیه مشخصی از فضا		[م. شیمی] شار تراوش بر اساس واحد نیروی محرکه	
composite 1, composite picture	تسمویر ترکیبی	permeate	تراویده
[سینما و تلو.] تسمویری مرکب از دو یا چند عتصر تسمویری که جداگانه عکسبرداری یا فیلمبرداری شده باشند		[م. شیمی] شاره‌ای که در فرایند صافش غشایی (membrane filtration) از غشا خارج می‌شود	
atmospheric attenuation جوی	تضعیف جوی	translation	ترجمه
[علوم جو] کاهش شدت تابش صوتی یا الکترومغناطیسی با افزایش فاصله از چشمه و در اثر برهم‌کنش با اجزای تشکیل‌دهنده جو		[زیست.] تولید یک زنجیره پلی‌پپتیدی که توالی آمینواسیدهای آن از توالی زمزدهای یک مولکول رنای پیک (mRNA) مشتق می‌شود	
recharge, intake, replenishment, increment	تنذیه	translational	ترجمه‌ای
		[زیست.] مربوط به ترجمه	
		induced traffic, induced demand	تردد افزوده
		[حمل - شهری] میزان افزوده‌شده به حجم تردد در پی به وجود آمدن تسهیلات جدید حمل و نقل	

<p>تقاطع هم سطح level crossing, grade crossing, highway-rail grade crossing [حمل - ریلی] محل تلاقی مسیر راه آهن با جاده هم تراز آن</p>	<p>[زمین.] فرایند طبیعی یا مصنوعی افزوده شدن آب به آبخوان‌ها</p>
<p>تقریباً همه جا almost everywhere [ریاضی] خاصیتی که در تمام نقطه‌های یک فضای اندازه (measure space) صدق کند، مگر احتمالاً در مجموعه‌ای با اندازه صفر</p>	<p>تغییر آوایی sound change [زبان.] در زبانشناسی تاریخی، تغییر یک آوا به آوای دیگر در نظام آوایی زبان</p>
<p>تقطیر بخار آبی steam distillation [م. شیمی] نوعی فرایند تقطیر که با افزودن بخار آب انجام می‌شود</p>	<p>تفکیک و سایط سفر modal split, mode split [حمل - شهری] تعیین درصد استفاده افراد از وسایل نقلیه عمومی و شخصی</p>
<p>تقطیر پیوسته continuous distillation [م. شیمی] یکی از روش‌های جداسازی که در آن خوراک به طور پیوسته به ظرف وارد می‌شود و جوش می‌آید تا تقطیر شود</p>	<p>تقاطع crossing, crossover [حمل - ریلی] محل تلاقی دو مسیر راه آهن یا جاده با راه آهن که تغییر مسیر در آن امکان پذیر نباشد</p>
<p>تقطیر جوی atmospheric distillation [م. شیمی] یکی از روش‌های جداسازی که در آن عملیات تقطیر در فشار جو انجام می‌شود</p>	<p>تقاطع چلیپا، چلیپا diamond crossing, track crossing [حمل - ریلی] محل تلاقی دو خط آهن که در آن عبور هم‌زمان قطارها در هر دو مسیر امکان پذیر باشد</p>
<p>تقطیر غشایی membrane distillation [م. شیمی] نوعی فرایند تقطیر که در آن فازهای مایع و گاز با غشای متخلخل از هم جدا می‌شوند</p>	<p>تقاطع دوگانه double crossover, diamond crossover, scissors crossover, universal crossover [حمل - ریلی] اتصال دو خط آهن موازی از طریق دو خط رابط مورب</p>
<p>تقطیر فشاری pressure distillation [م. شیمی] فرایند تقطیری که در فشاری بیشتر از فشار جو انجام شود</p>	<p>تقاطع ناهم سطح grade separated crossing [حمل - ریلی] محل تلاقی جاده با راه آهن که در دو سطح قرار داشته باشد</p>

چون بذرافشانی و قلمه‌زنی و پیوند و خوابانیدن

تکثیرکن فوتونی photomultiplier

[فیزیک] وسیله‌ای که در آن از آشکارساز فوتون برای آشکارسازی تابش الکترومغناطیسی، همراه با تکثیرکننده الکترون برای تقویت جریان استفاده می‌شود

تکثیرگر propagator

[زیست]. ۱. شخصی که عمل تکثیر گیاهان را انجام می‌دهد ۲. دستگاهی که برای تکثیر مورد استفاده قرار می‌گیرد

تکثیری propagative

[زیست]. مربوط به تکثیر؛ ویژگی آنچه تکثیر می‌شود

تک‌کام، تک‌همسر monogamous

[زیست]. مربوط به تک‌کامی و تک‌همسری

تک‌کامی، تک‌همسری monogamy

[زیست]. الگویی از آمیزش که در آن افراد نر و ماده در طی فصل زادآوری تنها با یک فرد آمیزش دارند

تک‌کانی پرورد ۱ prototroph

[زیست]. اندامگانی کانی پرورد که به یکی از ترکیبات معدنی مانند گوگرد و آهن و نیتروژن وابستگی بیشتری دارد

تک‌کانی پرورد ۲ prototrophic

[زیست]. ویژگی اندامگانی کانی پرورد که به یکی از ترکیبات معدنی مانند گوگرد و آهن و نیتروژن

تقطیر مولکولی molecular distillation

[م. شیمی] نوعی فرایند تقطیر که در آن، مواد در خلأ زیاد و دمای کم تقطیر می‌شوند، بی‌آنکه صدمه‌ای به ترکیب آنها وارد شود

تقطیر ناپیوسته batch distillation

[م. شیمی] یکی از روش‌های جداسازی که در آن، بر خلاف تقطیر پیوسته، خوراک از ابتدای عملیات درون ظرف قرار دارد

تک‌آلی پرورد ۱ auxotroph

[زیست]. اندامگانی که برای رشد در محیط حداقل به یک ماده آلی نیاز دارد

تک‌آلی پرورد ۲ auxotrophic

[زیست]. ویژگی اندامگانی که برای رشد در محیط حداقل به یک ماده آلی نیاز دارد

تک‌آلی پروردگی auxotrophy

[زیست]. فرایند رشد اندامگان در محیط با استفاده از حداقل یک ماده آلی

تکثیر ۱ duplication 1

[سینما و تلو]. تهیه نسخه یا نسخه‌های متعدد از نسخه اصلی فیلم یا ویدئو

تکثیر ۲ propagation

[زیست]. ازدیاد گیاهان از راه‌های گوناگون از جمله بذرافشانی و قلمه‌زنی و پیوند و خوابانیدن

تکثیر کردن propagate

[زیست]. افزودن تعداد گیاهان از طریق روش‌هایی

وابستگی بیشتری دارد

تک‌کانی پروردگی prototrophy

[زیست.] فرایند رشد اندامگان کان‌پرورد با استفاده بیشتر از یکی از ترکیبات معدنی مانند گوگرد و آهن و نیتروژن

تکه مرکزی frog

[حمل - ریلی] بخش مرکزی سوزن که عبور چرخ‌های قطار را از خطی به خط دیگر امکان‌پذیر می‌کند

تک‌همسر ← تک‌کام

تک‌همسری ← تک‌کامی

تلاطم turbulence

[علوم جو] آشفتگی شدید در میانگین حرکت هوا یا هر شارۀ دیگر

تلفن پیام‌نما text telephone

[رایانه و فن.] دستگاهی که از ارتباطات نگاره‌ای در ارسال سیگنال‌های کدبندی‌شده در شبکه تلفن استاندارد استفاده می‌کند

تلفیق تلفن و رایانه، یکپارچه‌سازی تلفن و رایانه computer telephony integration, computer telephone integration, computer telephony

[مخابرات] تلفیق سامانه‌های تلفنی و رایانه‌ای برای خودکارسازی مراکز تلفنی و ارائه خدمات جدید

تلماسه dune

[زمین.] تپه یا پشته‌ای کوتاه از مواد سست معمولاً ماسه‌ای که باد آنها را از جایی به جای دیگر حرکت می‌دهد و مجدداً به شکل تپه روی هم انباشته می‌کند

تله لیزری laser trap

[اپتیک] دستگاهی که در آن باریکه لیزر کانونی می‌شود و اتم‌ها و مولکول‌ها یا ذرات کوچکتر از ۱۰ میکرومتر را محبوس می‌کند

تماشاخانه، نمایش سرا theatre 1, playhouse

[هـ. نمایشی] بنایی مرکب از حداقل یک تالار برای اجرا و تماشای انواع نمایش

تماشاخانه رومی amphitheatre 2

[هـ. نمایشی] بنایی بزرگ و مدور و پلکانی و سرباز که گرداگرد یک میدان برای تماشای برخی نمایش‌ها و از جمله نبرد گلاادیاتورها در روم باستان می‌ساختند

تماشاخانه یونانی theatron 2, Greek theatre

[هـ. نمایشی] بنایی تقریباً نیم‌دایره و روباز که معمولاً در پناه تپه یا کوه برای اجرا و تماشای نمایش در یونان باستان می‌ساختند

تمام‌نگاری holography

[اپتیک] روشی برای تشکیل تصاویر سه‌بعدی

تمام‌نگاشت hologram

[اپتیک] صفحه عکاسی خاص که در تمام‌نگاری به کار می‌رود و تحت شرایط خاصی تصویر سه‌بعدی ایجاد می‌کند

[ارایانه و فن.] افزاره اشاره‌ای که در آن برای جابه‌جا کردن اشاره‌گر، یک گوی را با انگشتان یا کف دست می‌چرخانند

intrusion 1 **توده نفوذی**
[زمین.] سنگ حاصل از جایگیری ماگما در سنگ‌های قدیمی‌تر

layover time, recovery time, relay time **توقف ایستگاهی**
[حمل - شهری] زمان توقف مجاز در ایستگاه، از لحظه ورود تا عزیمت، برای تغییر جهت وسیله نقلیه و جبران تأخیر و آمادگی بازگشت

articulation **تولید، فراگویی**
[زبان.] عملکرد اندام‌های آوایی در ایجاد آوا
تولید اصلی ← تولید نخستین

double articulation 2 **تولید دوگانه**
[زبان.] شیوه‌ای در تولید آوا که در آن آوایی به طور هم‌زمان دارای دو جایگاه و یک شیوه تولید باشد

secondary articulation **تولید دومین، تولید فرعی**
[زبان.] شیوه‌ای از تولید در آواهایی با دو گرفتگی، که در آن گرفتگی دوم با میزان کمتری از گرفتگی همراه است

pair production **تولید زوج**
[فیزیک] پدیده نسبیتی تبدیل انرژی به ماده که در آن فوتون‌های پرانرژی، در گذر از محدوده میدان

holographic **تمام‌نگاشتی**
[اپتیک] مربوط به تمام‌نگاشت

rancidity **تندشدگی**
[تغذیه و ص.] فرایندی که در آن مواد غذایی چرب در مجاورت اکسیژن هوا، طعم تند و نامطلوبی پیدا می‌کنند

rancid **تندشده**
[تغذیه و ص.] ویژگی آنچه دچار تندشدگی شده باشد

fast motion, undercranking, accelerated motion **تندنمایی**
[سینما و تلو.] نوعی جلوه که در آن فیلمبرداری با سرعتی کمتر از حد معمول انجام می‌شود و سپس فیلم با سرعت عادی به نمایش درمی‌آید تا حرکات عناصر صحنه روی پرده تند به نظر آید

magnifying power **توان بزرگنمایی**
[اپتیک] نسبت تانژانت زاویه دید یک شیء با دستگاه نوری به تانژانت زاویه دید همان شیء بدون دستگاه نوری

dispersive power **توان پاشش**
[اپتیک، فیزیک] توانایی محیط مادی در تجزیه نور مرکب به رنگ‌های مختلف

resolusion, resolving power **توان تفکیک**
[اپتیک] توانایی سامانه نوری در جداسازی دو نقطه جدا از هم

trackball **توپک**

تولید هماهنگ، نوری ← تولید هماهنگ اپتیکی

تولید هم‌زمان ← هم‌فراگویی

articulatory

تولیدی

[ازبان.] مربوط به اندام تولید

soil aeration

تهویه خاک

[کشاورزی] زراعت. فرایندی که در آن با شکستن و برگرداندن لایه‌های خاک و ایجاد خلل و فرج در آن، هوای بیشتری وارد خاک می‌شود

switch rail, tongue rail,
blade rail

تینۀ سوزن

[حمل - ریلی] ریلی یا مقطع متغیر که در ابتدای سوزن قرار می‌گیرد و امکان تغییر مسیر حرکت قطار را فراهم می‌کند

seed treatment

تیمار بذر

[کشاورزی] ضد عفونی کردن بذر با قارچ‌کش‌ها یا آغشته کردن آن به باکتری‌های مفید

partial decay constant جزئی

[فیزیک] وارون عمر میانگین هر یک از حالت‌های واپاشی هسته

ثبات انواع ← نظریه ثبات انواع

الکترونی قوی، به طور هم‌زمان به یک الکترون منفی و یک الکترون مثبت (پوزیترون) تبدیل می‌شوند

تولید فرعی ← تولید دومین

reproduction

تولیدمثل، زادآوری

[زیست.] سازوکاری که با آن جاندار می‌تواند جاندارهای مشابه خود به وجود آورد

تولیدمثل کردن، زادآوری کردن، زاد آوردن

reproduce

[زیست.] به وجود آمدن جاندار فرزند از جاندار والد به طریق جنسی یا غیرجنسی

reproductive

تولیدمثل، زادآوری

[زیست.] مربوط به تولیدمثل

تولید نخستین، تولید اصلی

primary articulation

[ازبان.] شیوه‌ای از تولید در آواهایی با دو گرفتگی، که در آن گرفتگی اول با میزان بیشتری از گرفتگی همراه است

تولید هماهنگ اپتیکی، تولید هماهنگ نوری

optical harmonic generation

[اپتیک] ایجاد هماهنگ‌های مرتبه بالای هر بسامد نوری در محیطی غیرخطی

ج

جابه جایی

displacement

[فیزیک] هرگونه حرکت ذره یا جسم از یک نقطه فضا به نقطه دیگر

جافیشی

jack

[مخابرات] نوعی مادگی که با اتصال دو شاخه یا چندشاخه به آن اتصال الکتریکی برقرار می شود

جامد

solid

[فیزیک] حالتی از ماده که حجم و شکل آن معین است و در برابر نیروهایی که بنخواهند حجم و شکل آن را تغییر دهند مقاومت می کند

جان ریل

rail web

[حمل - ریلی] بخش عمودی ریل که بین کلاهی و پایه ریل قرار دارد

جایگاه

locus

[زیست]. محل ویژه ژن بر روی فام تن

جایگاه تولید

place of articulation

[زبان]. محلی در مجرای آوایی که با ایجاد گرفتگی در آن، آوا تولید می شود

جبر مجرد

abstract algebra

جبهه ساحلی

coastal front

[علوم جو] منطقه جبهه ای میان مقیاس کم عمق. نوعاً کمتر از یک کیلومتر، همراه با تغییر آشکار راستای چرخندی باد و تباین شدید گرما

جداساز

separator

[م. شیمی] دستگاه جداکننده اجزای مخلوط

جداسازی

separation

[م. شیمی] جدا کردن اجزای جامد و مایع و گاز سازنده مخلوط به کمک روش های مختلف، نظیر تقطیر و استخراج و جذب

جداسازی خدمات

unbundling

[مخابرات] تفکیک خدمات با اعلام تعرفه جداگانه برای هر یک از آنها

جذب سفر

trip attraction

[حمل - شهری] تعداد سفرهای انجام شده به یک منطقه در زمان معین. به دلیل کاربری های مختلف آن

[زمین.] جلای درخشان کانی با ظاهری شبیه الماس	جرثقیل ریلی locomotive crane
جلای چرب greasy luster, greasy	[حمل - ریلی] نوعی جرثقیل با دیرک بلند که برای
[زمین.] جلای کانی‌هایی که چرب به نظر می‌رسند	جابه‌جایی بارهای سنگین استفاده می‌شود و روی
	ریل حرکت می‌کند
جلای رزینی resinous luster	جرم سکون rest mass
[زمین.] جلای کانی‌ها یا سنگ‌هایی که ظاهری	[فیزیک] جرم هر ذره در چارچوب لختی که
شبیه صمغ دارند	نسبت به ذره ساکن باشد
جلای شبه‌فلزی submetallic luster	جریان غالب tidal flow, tidal traffic
[زمین.] جلایی بین جلای فلزی و غیرفلزی	[حمل - شهری] جریان نامتعادل حرکت در خیابان‌های
	منتهی به مرکز شهر، در ساعات اوج
جلای شیشه‌ای vitreous luster	جسم تابشی radiant 2
[زمین.] جلای کانی‌هایی که ظاهری شبیه شیشه دارند	[اپتیک] نقطه، ناحیه، جسم یا آنچه ذرات از آن
	گسیل می‌شود
جلای صدفی pearly luster, nacreous luster	جسم زرد corpus luteum, yellow body of ovary, yellow body
[زمین.] جلای کانی‌هایی که ظاهری شبیه صدف	[زیست.] تودهٔ زردرنگی که پس از پاره شدن
مروارید دارند	انبانک تخمدان و آزاد شدن تخمک ایجاد می‌شود
جلای غیرفلزی nonmetallic luster	جسم سفید corpus albicans, corpus fibrosum
[زمین.] هر جلایی جز جلای فلزی در کانی‌ها	[زیست.] بافت رشته‌ای سفیدرنگی که پس از
	متلاشی شدن یاخته‌های لوتئینی در انبانک
جلای فلزی metallic luster	تخمدان ایجاد می‌شود
[زمین.] جلای کانی‌هایی که ظاهری درخشنده	
شبیه فلز دارند	
جلای مات dull luster, earthy luster, earthy	جلای ابریشمی silky luster
[زمین.] جلای سطح کانی یا سنگ هنگامی که نور	[زمین.] جلای ابریشم‌مانند کانی‌هایی که دارای
را به جای بازتاباندن پاشاند	ساختار رشته‌ای هستند
جلو‌صحنه apron, forestage	جلای الماسی adamantine luster

fetus	جنین، زهسان	[هد. نمایشی] پیش‌آمدگی صحنه از پرده تا لبه صحنه که گاه تا روی چال سازگان (orchestra pit) امتداد دارد
fetoscope	جنین‌بین، زهسان‌بین	جُلینه [زیست.] شبکه‌ای از یاخته‌های رشته‌ای یا نخینه‌ها (hyphae) که ساختار رویشی بسیاری از قارچ‌ها را تشکیل می‌دهد
fetoscopy	جنین‌بینی، زهسان‌بینی	جُلینه‌ای [زیست.] مربوط به جُلینه
	[زیست.] مشاهده زهسان در زهدان به کمک زهسان‌بین	جُلینه‌سا [زیست.] شبیه به جُلینه
fetal	جنینی، زهسانی	جمع [ریاضی] عملی برای ترکیب دو عنصر در مجموعه‌ای با ساختار مشخص که مهمترین خاصیت آن جابه‌جایی است
	[زیست.] مربوط به زهسان	addition
atmosphere 2	جو	algebraic addition
	[علوم جو] پوششی گازی که هر جسم آسمانی را در برمی‌گیرد	جمع جبری [ریاضی] جمع دو یا چند عدد با ملاحظه علامت مثبت یا منفی آنها
	جوایز اسکار، اسکار	جمع‌وند [ریاضی] هر یک از اشیای ریاضی که عمل جمع بر روی آنها انجام شود
Academy Awards, Oscars		summand
	[سینما و تلور.] جوایزی که آکادمی علوم و هنرهای سینمایی هر ساله به نفرات برتر در رشته‌های مختلف سینمایی اهدا می‌کند	جُنبتان [زیست.] اندامکی یاخته‌ای که سبب تشکیل مژه و تاژک می‌شود
homozygote	جور تخم ۱	kinetosome, basal granule, basal body
	[زیست.] موجودی دارای یک جفت دِگِرِه مشابه برای تولید کامه‌های مشابه	
homozygous	جور تخم ۲	
	[زیست.] مربوط به موجود جور تخم	
homozygosis, homozygosity	جور تخمی	

[علوم جو] دستگاه ثبت خودکار داده‌های هواشناسی
در جو

[زیست.] برخورداری از دگره‌های مشابه در یک یا
چند جایگاه از قطعات فام‌تنی همساخت

aerography **جونگاری**

[علوم جو] شاخه‌ای از هواشناسی که بدون توجه
به نظریه‌های هیدرودینامیکی به توصیف کل جو
و پدیده‌های آن می‌پردازد

autosome **جورفام‌تن**

[زیست.] فام‌تن‌های غیرجنسی هر یاخته

aerogram **جونگاشت**

[علوم جو] نوعی نمودار ترمودینامیکی جو

autosomal **جورفام‌تنی**

[زیست.] مربوط به جورفام‌تن

mutation **جهش**

[زیست.] تغییر ماندگار در ماده ژنی

isogamous **جورکام**

[زیست.] مربوط به جورکامی

mutagen **جهش‌زا ۱**

[زیست.] عامل ایجاد جهش

isogamete **جورکامه**

[زیست.] کامه‌ای که از نظر ریخت‌شناسی مشابه
یاخته‌های جنسی نر و ماده است و نمی‌توان آن را
تنها از طریق شکل تشخیص داد

mutagenic **جهش‌زا ۲**

[زیست.] ویژگی عامل ایجاد جهش

isogametic **جورکامه‌ای**

[زیست.] مربوط به جورکامه

mutagenesis **جهش‌زایی**

[زیست.] القای جهش ژنی

isogamy **جورکامی**

[زیست.] تولیدمثل جنسی از طریق ترکیب
کامه‌هایی که از نظر شکل و اندازه همانندند

muton **جهشه**

[زیست.] کوچکترین واحد دنا (DNA) که تغییر
آن موجب جهش می‌شود

aerology **جوشناسی**

[علوم جو] مطالعه جو آزاد در گستره قائم آن

mutant **جهش‌یافته**

[زیست.] فرد یا ژنی که در آن تغییر وراثتی رخ داده
باشد

aerograph **جونگار**

چ

چاکنایی شدن، چاکنایی شدگی glottalization

[زبان.] فرایندی آوایی که در آن بست چاکنایی به صورت تولید دومین به آوا افزوده می‌شود

چاکنایی شده glottalized

[زبان.] ویژگی یک واحد آوایی که در آن بست چاکنایی به صورت تولید دومین به آوا افزوده می‌شود

چای عطری aromatic tea

[تغذیه و ص.] نوعی چای که عطرمایه به آن اضافه شده باشد

چپ صحنه stage left, house right, prompt side, PS

[ه. نمایشی] قسمتی از صحنه که در طرف چپ بازیگر قرار دارد و از دید تماشاگر طرف راست صحنه محسوب می‌شود

چربی، لیپید lipid

[زیست.] گروهی از ترکیبات نامحلول در آب که می‌توان آنها را با حلال‌های آلی از یاخته‌ها و بافت‌ها استخراج کرد

چرخش اپتیکی، چرخش نوری

optical rotation

چاپ دوتایی double printing

[سینما و تلو.] شیوه‌ای در چاپ فیلم که در آن با برهم‌نهادن دو نسخه منفی یا مثبت فیلم، نسخه‌ای ترکیبی به دست می‌آید

چاپ رنگ‌آشام imbibition printing, dye-transfer process, hydrotype process

[سینما و تلو.] روشی قدیمی در چاپ فیلم رنگی که در آن با استفاده از سه لایه رنگی، تصویر رنگی به دست می‌آید

چارقطبی quadrupole

[فیزیک] نوعی پیکربندی که از کنار هم قرار گرفتن دو دوقطبی الکتریکی یا مغناطیسی به دست می‌آید

چاکنای glottis

[زبان.] فاصله میان تارآواها

چاکنایی glottal

[زبان.] ۱. مربوط به چاکنای ۲. مشخصه گروهی از همخوان‌ها که با انسداد یا سایش در چاکنای تولید می‌شوند ۳. همخوانی که با انسداد یا سایش در چاکنای تولید می‌شود

چاکنایی شدگی ← چاکنایی شدن

[زیست.] مربوط به چندکامی و چندهمسری

چندکامی، چندهمسری polygamy

[زیست.] الگویی از آمیزش که در آن افراد نر در طی فصل زادآوری با چند ماده آمیزش دارند

چندگونای جبری algebraic variety

[ریاضی.] مجموعه‌ای از نقاط در یک فضای بُرداری که در آن دسته از معادلات چندجمله‌ای، صدق می‌کند که ضرایب آنها در هیأت نرده‌ای فضای بُرداری باشد

چندهمسر ← چندکام

چندهمسری ← چندکامی

چینش باد wind shear

[علوم جو.] تغییر محلی بردار باد یا هر یک از مؤلفه‌های آن در یک راستای معین

چین ناهمساز discordant fold

[زمین.] چینی که محور آن نسبت به محور طولی چین‌های منطقه مایل است

[اپتیک] چرخش صفحه قطبش نور قطبیده در هنگام عبور از ماده فعال نوری

چرخش نوری ← چرخش اپتیکی

چرخندزایی cyclogenesis

[علوم جو.] ایجاد یا تقویت گردش چرخندی در جو

چرخه تخمدانی ovarian cycle, oogenetic cycle

[زیست.] مجموعه تغییرات تناوبی در تخمدان شامل رشد و پاره شدن انبساط که منجر به آزاد شدن تخمک و تشکیل جسم زرد می‌شود

چرخه سوء تغذیه malnutrition cycle

[تغذیه و ص.] چرخه تواتر سوء تغذیه و عوارض آن که منجر به تشدید سوء تغذیه می‌شود

چگالی تردد traffic density

[حمل - شهری] تراکم وسایل نقلیه در هر کیلومتر معبر در لحظه معین

چلیپا ← تقاطع چلیپا

چندکام، چندهمسر polygamous

ح

حجم گذر
through put
[حمل - شهری] تعداد وسایل نقلیه یا افرادی که با وسایل نقلیه در مدت زمان مشخص از یک یا چند نقطه می‌گذرند

حد سرعت
speed limit
[حمل - شهری] حداکثر یا حداقل سرعت مناسب برای بخشی از راه که قانون آن را تعیین می‌کند

حذف
deletion
[زبان.] قاعده یا فرایندی که بر اثر عملکرد آن، واحد واجی یا نحوی که در زیرساخت وجود دارد، در روساخت از زنجیره گفتار کاسته می‌شود

حذف آوایی
elision
[زبان.] افتادن آواها، اعم از همخوان و واکه از زنجیره گفتار

حذف پایانی
apocope
[زبان.] افتادن یک یا چند آوا از پایان واژه

حذف میانی
syncope
[زبان.] افتادن واکه بی‌تکیه میانی
حذف هجا ← حذف همجای مکرر

حاشیه گرفته
cropped
[سینما و تلو.] ویژگی تصویری که حاشیه‌های آن با استفاده از پوشانه (mask) حذف شده باشد

حاشیه گیری
cropping, crop
[سینما و تلو.] حذف حاشیه‌های تصویر، معمولاً با استفاده از پوشانه (mask)

حباب ساز
sparger, perforated pipe distributor
م. شیمی] نوعی ابزار پخش‌کن، به صورت لوله‌ای با سوراخ‌هایی در فواصل معین، که در خشک‌کن‌های پاششی و تماس‌دهنده‌های مایع-بخار و ستون‌های پاشنده از آن استفاده می‌شود تا بخار را در مایع توزیع کند

حباب سازی
sparging
م. شیمی] فرایند تزریق بخار یا گاز به محلول

حجم افزا ← ماده حجم افزا

حجم طرح
design volume, design hourly volume
[حمل - شهری] حجم تردد قابل پیش‌بینی که در طراحی در نظر گرفته می‌شود

حساب وَرَدش‌ها calculus of variations, variational calculus

[ریاضی] شاخه‌ای از ریاضیات که به مطالعه مسائلی در باب بیشینه‌سازی و کمینه‌سازی انتگرال معین داده‌شده نسبت به متغیرهای وابسته تابع انتگرالده (integrand) می‌پردازد

حفرة حلق، حلق pharyngeal cavity

[زبان] محفظه‌ای در مجرای آوایی که از پایین به حنجره و از بالا به انشعاب حفرة خیشوم و حفرة دهان محدود می‌شود و در تولید آواهای حلقی نقش دارد

حفرة خیشوم، خیشوم nasal cavity

[زبان] محفظه‌ای در پشت حفره‌های بینی که تا حفرة دهان امتداد دارد و هنگام پایین آمدن ملاز، جریان هوا از آن عبور می‌کند و منجر به تولید آواهای خیشومی یا خیشومی‌شده می‌شود

حفرة دهان، دهان oral cavity, oral chamber

[زبان] محفظه‌ای در مجرای آوایی که از جلو به لب‌ها و از عقب به ملاز محدود می‌شود و تعدادی از فراگوها در آن قرار دارند

حفظ شماره number portability

[مخابرات] یکی از انواع خدمات شبکه‌های هوشمند که در آن مشترک می‌تواند مکان یا بهره‌بردار خود را تغییر دهد، بی‌آنکه شماره تلفن تغییر کند

حلق ← حفرة حلق

حلقی pharyngeal

حذف هجای مکرر، حذف هجا haplology

[زبان] در واج‌شناسی، فرایند افتادن و حذف برخی از آواها یا هجاهای تکراری در زنجیره‌ای از آواها و هجاهای پایایی

حرکت بحرانی critical movement

[حمل - شهری] بیشترین حجم تردد، هنگام سبز بودن چراغ در یک مسیر

حرکت راست‌خط rectilinear motion

[فیزیک] ۱. در مورد ذرات، حرکت ذره در امتداد خط راست ۲. در مورد جسم صلب، حرکت جسم صلب که در آن تمام ذرات مسافت‌های مساوی را در امتداد مسیرهای موازی مستقیم می‌پیمایند

حسابان calculus

[ریاضی] شاخه‌ای از ریاضی که به مشتق‌گیری (differentiation) و انتگرال‌گیری و مباحث مربوط به آنها می‌پردازد

حساب انتگرال integral calculus

[ریاضی] قسمتی از حسابان که به موضوع انتگرال و مباحث وابسته به آن می‌پردازد

حساب دیفرانسیل differential calculus

[ریاضی] قسمتی از حسابان که به موضوع مشتق و مباحث وابسته به آن می‌پردازد

حساب مانده‌ها calculus of residues

[ریاضی] مبحثی از نظریه توابع مختلط که به مطالعه مانده‌ها مربوط می‌شود

- module** **حوزه** [زبان.] ویژگی آنچه مربوط به حفره حلق است
[زبان.] در دستور زایشی، هر یک از بخش‌های مستقل و خودمختار ذهن یا زبان
- modular** **حوزه‌ای** **حلقی شدن، حلقی شدگی** **pharyngealization**
[زبان.] فرایند تولید آوایی که با بست در حفره حلق همراه است
- modularity** **حوزه‌ای بودن** **حمل و نقل انبوه** **mass transportation**
[زبان.] برخوردار بودن ذهن یا زبان از بخش‌های مستقل و خودمختار
[حمل - شهری] حمل انبوه مسافر با استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی مانند مترو
- annular domain** **حوزه طوقی** **حمل و نقل همگانی** **public transportation**
[ریاضی] مجموعه نقاط درونی یک طوق
[حمل - شهری] نوعی خدمات حمل و نقل عمومی، با برنامه‌ای مشخص، که در آن بیش از یک مسافر را در یک یا چند مسیر معین از نقطه‌ای به نقطه دیگر جابه‌جا می‌کنند
- speed zone** **حوزه محدودیت سرعت**
[حمل - شهری] بخشی از راه که قانوناً دارای محدوده سرعت است و سرعت در این محدوده ممکن است با سرعت مصوب قانونی تفاوت داشته باشد

خ

خاک آلی

organic soil

[کشاورزی ← زراع.] خاکی که ضخامت لایه‌های حاوی مواد آلی آن بیشتر از ضخامت لایه‌های معدنی آن باشد

خاک باتلاقی

bog soil, bog

[کشاورزی ← زراع.] خاک بسیار مرطوب مناطق باتلاقی که عمدتاً از پوده و بقایای گیاهان به وجود می‌آید

خاکپوش

mulch

[کشاورزی ← زراع.] لایه‌ای از کاه، خاک‌اره، برگ، ورقه پلاستیکی یا خاک سست که سطح خاک را با آن می‌پوشانند تا از خاک و ریشه گیاهان در برابر اثر قطرات باران، سله‌بندی، یخبندان، فرسایش و تبخیر محافظت شود

خاکپوش زنده

living mulch

[کشاورزی ← زراع.] پوشش گیاهی که زیر گیاه دیگر می‌کارند و معمولاً باعث کاهش فرسایش و افزایش مواد آلی خاک می‌شود، بی‌آنکه رقیبی

برای گیاه اصلی باشد

خاکپوش گلشی

stubble mulch

[کشاورزی ← زراع.] پس‌مانده‌های گیاه قبلی که از پیش از عملیات آماده‌سازی بستر بذر و حین این عملیات و تا هنگام رویش گیاه بعدی روی زمین باقی می‌ماند

خاکپوش گردی

dust mulch

[کشاورزی ← زراع.] لایه نازکی از ذرات جدا از هم و گردمانند خاک در سطح زمین

خاکدانه

soil aggregate, aggregate

[کشاورزی ← زراع.] واحدی از توده خاک شامل ذرات خاک منسجم و به هم چسبیده مثل کلوخ و ریزدانه و دانه

خاک‌دهی

earthing up

[کشاورزی ← زراع.] نوعی عملیات داشت که در آن بُن بوته گیاهان را با خاک می‌پوشانند

خاکشناسی ← خاکشناسی زراعی

edaphology خاکشناسی زراعی، خاکشناسی

[کشاورزی ← زراع.] علمی که به رابطه خاک و

comment

خبر

موجودات زنده به ویژه گیاهان می‌پردازد

[زبان.] در ساخت اطلاع جمله، بخشی که حاوی

اطلاعاتی درباره مبتدا است

saline soil

خاک شور

[کشاورزی < زراع.] خاک دارای نمک‌های

انحلال‌پذیر به مقداری که به رشد اکثر گیاهان

زراعی آسیب برساند

basic services

خدمات پایه

[مخابرات] خدماتی که شبکه مخابراتی به همه

مشترکان عرضه می‌کند؛ این خدمات در مقابل خدماتی

تکمیلی است که مشترک بابت آنها باید هزینه اضافی

به صورت ماهیانه به شرکت مخابرات بپردازد

edaphic

خاکی

[کشاورزی < زراع.] مربوط به خاک زراعی

epididymis

خاگ

[زیست.] لوله‌ای پیچیده که گشناب مهره‌داران در

آن ذخیره و بالغ می‌شود

خدمات پیام‌رسانی جامع، پیام‌رسانی جامع ۲

unified messaging service, unified
messaging 2

[مخابرات] خدمات عرضه‌کننده پیام‌رسانی جامع

epididymitis

خاگ‌آماس

[زیست.] التهاب خاگ

خدمات خاص مرکز تلفن، خدمت centrex

[مخابرات] خدماتی که در آن کاربران بدون داشتن مرکز

داخلی، از تمام خدمات مرکز داخلی برخوردار

می‌شوند و به طور معمول به مجتمع‌های صنعتی یا

اداری یا مسکونی قابل واگذاری است

spotlight, follow spotlight

خال‌نور

[سینما و تلو.] نور شدید و متمرکزی که به طور

موضعی برای جلب توجه بیننده قسمتی از صحنه

را روشن می‌کند

bundling

خدمات دهی درهم

[مخابرات] ادغام خدمات مختلف با تعرفه‌ای واحد

extinction 2

خاموشی

[زمین.] تاریکی کم‌وبیش کامل یک کانی در دو

موقعیت، در یک دور چرخش صفحه ریزین

(میکروسکوپ)

خدمات شماره رایگان free-phone service

[مخابرات] یکی از انواع خدمات شبکه هوشمند

که به مشترکان شبکه تلفن امکان می‌دهد به

حساب مخاطب تلفن بزنند

sour cream, acidified cream, ripened cream

خامه ترش

[تغذیه و ص.] خامه‌ای که به وسیله باکتری‌ها

تخمیر شده یا با افزودن اسیدهای خوارکی ترش

شده باشد

خدمات شماره شخصی

personal number service, PNS

خط آهن track

[حمل - ریلی] مجموعه‌ای ثابت که بستر حرکت وسایل نقلیه ریلی است و بارهای وارده را تحمل می‌کند

خط آهن بی‌درز continuous welded track

[حمل - ریلی] خط آهنی که درزهای آن با جوشکاری پر شده باشد

خطای مطلق absolute error

[ریاضی] قدرمطلق اختلاف بین مقدار واقعی و مقدار به‌دست‌آمده یک کمیت

خط پَریند contour line

← پریند

خط پرگذر critical lane

[حمل - شهری] خط عبور دارای حرکت بحرانی

خط خودروی چندسرنشین**high occupancy vehicle lane**

[حمل - شهری] خط عبور واقع در خیابان یا بزرگراه که خاص تردد خودروهای چندسرنشین است

خط دسترسی access line

[مخابرات] مداری که پایانه مشترک را به شبکه عمومی، یعنی به نخستین مرکز تلفن متصل می‌کند

خط قاب frame line, frame bar

[سینما و تلو.] خط واسط بین قاب‌های تصویر روی نوار فیلم

[مخابرات] یکی از قابلیت‌های شبکه هوشمند که در آن به مشترک، یک شماره شخصی تخصیص داده می‌شود که طبق جدول زمان‌بندی شده می‌تواند از آن هم برای تلفن ثابت و هم برای تلفن همراه استفاده کند

خدمات نرخ افزوده premium rate service

[مخابرات] یکی از انواع خدمات شبکه هوشمند برای اتصال به خدمات‌دهنده‌ای دیگر که علاوه بر هزینه‌های جاری خدمات تلفنی، مخارج اضافی آن روی قبض تلفن منعکس می‌شود

خُرْدَتَن microsome

[زیست.] دانه‌های ریز درون میان‌یاخته که از شبکه دُمیان‌یاخته‌ای مشتق می‌شوند و در سنتز پروتئین‌ها شرکت دارند

خُرْدَتَنی microsomal

[زیست.] مربوط به خُرْدَتَن

خزانة seedbed 2

[کشاورزی] زمینی که نشا را قبل از انتقال به محل دائمی خود در آن می‌کارند

خط آرا ← ماشین خط آرا**خط آماده ← خط آماده واگذاری****خط آماده واگذاری، خط آماده available line**

[مخابرات] در ارتباطات داده‌ها، مداری که میان دو نقطه برقرار است، اما هنوز استفاده نمی‌شود

- خط‌گشا** **barrier code**
[مخابرات] دنباله‌ای از ارقام که کاربر، قبل از وارد کردن کد اجازه ورود به مرکز تلفن خودکار داخلی، برای دسترسی به آن مرکز وارد می‌کند
- خودپاسخ** **autoanswer**
[مخابرات] امکانی در پایانه یا تلفن یا مودم برای برقراری ارتباط و درک پرسش و ارسال پاسخ لازم به مبدأ تماس
- خودپخش** **self-diffusion**
[فیزیک] تغییر مکان خودبه‌خودی اتم‌های بلور برای اشغال جایگاه‌های جدید در شبکه
- خودپرورد ۱** **autotroph**
[زیست]. اندامگانی که برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود با استفاده از مواد ساده معدنی مواد آلی پیچیده می‌سازد
- خودپرورد ۲** **autotrophic**
[زیست]. ویژگی اندامگانی که برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود با استفاده از مواد ساده معدنی مواد آلی پیچیده می‌سازد
- خودپروردگی** **autotrophy**
[زیست]. فرایندی که در آن، اندامگان برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود با استفاده از مواد ساده معدنی مواد آلی پیچیده می‌سازد
- خودروی چندسرنشین**
high occupancy vehicle
[حمل - شهری] خودرویی که دارای تعداد مسافر کافی برای استفاده از خط عبور مخصوص خودروهای پرسرنشین باشد
- خودروی طرح** **design vehicle**
[حمل - شهری] وسیله نقلیه موتوری انتخاب‌شده با وزن و عملکرد و ابعاد مشخص که از آن در
- خلأ بالا** **high vacuum**
[فیزیک] نوعی خلأ که فشار آن بین 10^{-2} تا 10^{-6} میلیمتر جیوه باشد
- خلأ پایین** **low vacuum**
[فیزیک] نوعی خلأ که فشار آن بین 10^{-1} تا 10^{-2} میلیمتر جیوه باشد
- خم جبری** **algebraic curve**
[ریاضی] مجموعه نقاطی در صفحه که در یک معادله چندجمله‌ای دو متغیره صدق کنند
- خمیزه** **vibrio**
[زیست]. نوعی باکتری که شکل ظاهری آن هلالی است
- خمیزه‌وار** **vibrioid**
[زیست]. شبیه به خمیزه
- خمینه جبری** **algebraic manifold**
← چندگونای جبری
- خوداتکا** **stand-alone**
[مخابرات] مربوط به سامانه یا افزاره یا تجهیزاتی که مستقل از سامانه یا افزاره یا تجهیزات دیگر کار می‌کند

major street, main street خیابان اصلی

[حمل - شهری] خیابانی که به طور معمول حجم تردد وسایل نقلیه در آن زیاد است

minor street خیابان فرعی

[حمل - شهری] خیابانی که به طور معمول حجم تردد وسایل نقلیه در آن کم است

continental rise, continental apron خیز قاره

[زمین]. بخشی از حاشیه قاره، بین شیب قاره و دشت مغاکی، با شیبی بسیار کم

خیشوم ← حفره خیشوم

طراحی آزادراه‌ها استفاده می‌شود

electric multiple unit, EMU خودکشنند برقی

[حمل - ریلی] وسیله نقلیه حمل مسافر که با نیروی محرکه الکتریکی روی خط آهن حرکت می‌کند

diesel multiple unit, DMU خودکشنند دیزلی

[حمل - ریلی] وسیله نقلیه حمل مسافر که با نیروی محرکه دیزلی روی خط آهن حرکت می‌کند

خودمثبت ← فیلم خودمثبت

tragicomedy خوش‌سوگنامه

[ه. نمایشی] سوگنامه‌ای که پایان خوش داشته باشد

د ، ذ

corridor

دالان

[حمل - شهری] گستره‌ای بین دو پایانه که در آن مسائل حمل‌ونقل، مشخصه‌های هندسی، مسائل زیست‌محیطی و سایر مشخصات در نظر گرفته شده باشد

amplitude

دامنه

[فیزیک] بیشترین میزان جابه‌جایی جسم در حرکت نوسانی از موقعیت تعادل

grain

دانه

[کشاورزی] « زراعت.] میوهٔ غلات و سویا و کتان

kernel 1

دانهٔ غلات

[کشاورزی] « زراعت.] دانهٔ کامل گندم، جو، ذرت و سایر غلات

add-in

دراغزا

[رایانه و فن.] نوعی نرم‌افزار کاربردی یا برنامه‌ای دیگر که بتوان آن را به برنامهٔ پایه افزود

stock rail joint

درز ریل سوزن

[حمل - ریلی] درز ریلی که بین سوزن و خط آهن قرار دارد

enciphered data

دادهٔ پوشیده

[رایانه و فن.] دادهٔ روشنی که تبدیل به رمز شده باشد و معنای آن برای گیرندهٔ غیر مجاز قابل درک نباشد

polling, autopolling

داده‌خواهی

[مخابرات] روشی برای کنترل مراکز چندگانهٔ شبکه که در آن ایستگاه مرکزی نیاز هر مرکز به ارسال داده را بررسی و اجازهٔ انجام آن را به نوبت صادر می‌کند

poll

داده‌خواهی کردن

[مخابرات] کنترل کردن مراکز چندگانهٔ شبکه که در آن ایستگاه مرکزی نیاز هر مرکز به ارسال داده را بررسی و اجازهٔ انجام آن را به نوبت صادر می‌کند

data assimilation

داده‌گواری

[علوم جو] تلفیق داده‌های ناهمگون، نمونه‌برداری شده در زمان‌ها و بازه‌های زمانی متفاوت و در مکان‌های مختلف، برای توصیف یک‌دست و سازگار سامانه‌ای فیزیکی مانند جو

endosteal**درون‌آستی**

[زیست.] مربوط به درون‌آست

macrogamete, megagamete**درشت‌کامه**

[زیست.] کامه درشت

endosome**درون‌تن**

[زیست.] ۱. اندامکی شبه‌هسته‌ای در درون هسته تک‌یاخته‌ای‌های تازک‌دار، محتوی رِنّا (RNA)، که در طی تقسیم رشتمانی باقی می‌ماند ۲. لایه درونی برخی از اسفنج‌ها ۳. نوعی حبابچه درون‌یاخته‌ای که در نتیجه فرورفتگی غشا، در فرایند درون‌بری مواد (endocytosis) تشکیل می‌شود

port**درگاهی**

[رایانه و فن.] ۱. میانایی در رایانه که می‌توان افزاره را از طریق بافه به آن وصل کرد ۲. پایانگاهی (endpoint) برای اتصال منطقی در برخی از شبکه‌های مخابراتی

USB port**درگاهی همه‌گذر**

[رایانه و فن.] درگاهی در افزاره یا رایانه که از استاندارد همه‌گذر برای انتقال داده‌ها استفاده می‌کند

endosomal**درون‌تنی**

[زیست.] مربوط به درون‌تن

endoplasm**درمیان‌یاخته**

[زیست.] بخش نیمه‌مایع و مرکزی میان‌یاخته

quantum entanglement

درهم‌تافتگی کوانتومی
[فیزیک] حالت دو ذره با منشأ یکسان که اندازه‌گیری ویژگی‌های یکی از آنها حالت کوانتومی ذره دیگر را نیز مشخص می‌کند

endoplasmic**درمیان‌یاخته‌ای**

[زیست.] مربوط به درمیان‌یاخته

atmospheric window**دریچه جو**

[علوم جو] گستره‌ای از طول موج‌ها که در آن گازهای جوی به نسبت، کمترین تابش زمینی را جذب می‌کند

gateway**درواره**

[مخابرات] ۱. افزاره‌ای که بین شبکه‌های رایانه‌ای با پروتکل‌های متفاوت ارتباط برقرار می‌کند ۲. در شبکه مخابراتی، افزاره یا نرم‌افزاری که مقصد بسته‌های اطلاعاتی یا پیام‌ها را تعیین می‌کند

access**دسترسی**

[مخابرات] امکان استفاده از خدمات یا مراکزی که در شبکه موجود است

endosteum**درون‌آست**

[زیست.] غشایی که حفره‌های میانی استخوان را می‌پوشاند

local access street, local access**دسترسی محلی**

[حمل - شهری] خیابانی که برای عابران پیاده و

endostitis**درون‌آست‌آماس**

[زیست.] التهاب درون‌آست

وسایل نقلیه امکان دسترسی به اماکن منطقه را فراهم کند

دسترسی مسدود access barred

[مخابرات] در سامانهٔ مخابراتی، شرایط انسداد و رد دسترسی به مرکز تلفن

دسترسی مسدود! access barred!

[مخابرات] عبارت هشداردهندهٔ مربوط به انسداد و رد دسترسی به مرکز تلفن

دستگاه جبری algebraic system

[ریاضی] مجموعه‌ای همراه با رابطه‌ها و عمل‌های تعریف‌شده روی آن

دستور ← دستور زبان

دستور زایشی generative grammar

[زبان]. رویکردی صوری و نحوبنیان به زبان که چامسکی آن را مطرح کرده است و اکنون نظریه‌های گوناگونی را دربرمی‌گیرد

دستور زایشی-گشتاری، دستورگشتاری

generative transformational grammar, transformational grammar, transformational generative grammar

[زبان]. نوعی دستور صوری و نحوبنیان که در آن برای اشتقاق جمله از قاعده‌های ساخت گروهی و قاعده‌های گشتاری استفاده می‌شود

دستور زبان، دستور grammar

[زبان]. ۱. شاخه‌ای از مطالعات زبانی و زبان‌شناختی

شامل صرف و نحو ۲. نظامی که بر اساس آن تکواژها و واژه‌های زبان برای تشکیل جمله سامان می‌یابند ۳. توصیفی از نظام جمله‌ها و سازه‌های آن به شکل مجموعه‌ای از قواعد

دستور ساخت گروهی

phrase structure grammar

[زبان]. دستوری منشکل از قاعده‌های ساخت گروهی که نمودار زیرساختی جمله‌ها را تشکیل می‌دهد

دستور شناختی cognitive grammar

[زبان]. نظریه‌ای زبان‌شناختی که زبان را بخشی از نظام ذهنی و شناختی انسان و وسیله‌ای برای نمادین‌سازی مفاهیم در قالب ساخت‌ها در نظر می‌گیرد

دستورگشتاری ← دستور زایشی-گشتاری

دستور نقش‌گرا functional grammar

[زبان]. نظریه‌ای زبان‌شناختی که زبان را از منظر کارکردهای ارتباطی بررسی می‌کند

دستورنویس ← دستوری ۱

دستوری ۱، دستورنویس grammarian

[زبان]. کسی که تخصص او در حوزهٔ دستور است

دستوری ۲ grammatical

[زبان]. ۱. مربوط به دستور زبان ۲. ویژگی جمله‌ای که با قواعد ارائه‌شده در دستور خاص یک زبان مطابقت دارد

نیازهای غذایی خود از مواد آلی ساخته شده سایر موجودات زنده استفاده می کند

دگرپرورد ۲ heterotrophic

[زیست.] ویژگی اندامگانی که برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود از مواد آلی ساخته شده سایر موجودات زنده استفاده می کند

دگرپروردگی heterotrophy

[زیست.] فرایندی که در آن، اندامگان برای تأمین انرژی و رفع نیازهای غذایی خود از مواد ساخته شده سایر موجودات زنده استفاده می کند

دگرکام allogamous, allogamic

[زیست.] مربوط به دگرکامی

دگرکامی allogamy

[زیست.] لقاح کامه های نر و ماده افراد جمعیتی که از لحاظ ژنی مشابه نیستند

دگرگونی انواع «نظریه دگرگونی انواع»

دَلَمَه curd

[تغذیه و ص.] بخشی از پروتئین های شیر که با افزودن پنیرمایه یا زی مایه های مشابه منعقد شده باشد

دَمَش اپتیکی، دَمَش نوری optical pumping

[اپتیک] فرایندی که با جذب نور با بسامد مناسب موجب تغییر ترازهای انرژی اتم ها یا سامانه های اتمی شود

دَمَش نوری «دَمَش اپتیکی»

دستوری بودن grammaticality

[زبان.] مطابقت یک جمله با قواعد ارائه شده در دستور خاص یک زبان

دستوری شدگی «دستوری شدن»

دستوری شدن، دستوری شدگی grammaticalization

[زبان.] تبدیل واحد واژگانی مستقل به نقش نمای دستوری

دستوری شده grammaticalized

[زبان.] ویژگی واحد واژگانی مستقلی که به نقش نمای دستوری تبدیل شده باشد

دُش پرورد dystrophic

[زیست.] دارای دُش پروردگی یا مربوط به آن

دُش پروردگی dystrophy, dystrophia

[زیست.] هر نوع اختلال رشد در موجودات و بافت ها و اندام های زنده در اثر سوء تغذیه یا نبود مواد غذایی قابل مصرف

دشت سیلابی «سیلاب دشت»

دَغ playa, dry lake, sabkha, kavir 1, takir

[زمین.] ناحیه ای خشک و بی گیاه و هموار که در پایین ترین بخش یک حوضه کویری زهکشی نشده قرار دارد

دگرپرورد ۱ heterotroph

[زیست.] اندامگانی که برای تأمین انرژی و رفع

به هم، با انتقال شدآمد (ترافیک) به نقطه‌ای واسط و دوردست و سپس انتقال آن به مقصد

دورگشته backhauled

[مخابرات] برقراری ارتباط از طریق دورگشت

دورورزی telematics

[رایانه و فن.] استفاده از پردازش رایانه‌ای اطلاعات در ارتباطات و استفاده از مخابرات برای ایجاد امکان انتقال برنامه‌ها و داده‌ها از رایانه‌ای به رایانه دیگر

دوغ کره buttermilk

[تغذیه و ص.] مایعی که پس از کره‌گیری از خامه جدا می‌شود

دوغ کره ترش sour buttermilk

[تغذیه و ص.] دوغ کره‌ای که به صورت طبیعی به وسیله باکتری‌های لاکتیک ترش شده باشد

دوغ کره کشت شده cultured buttermilk

[تغذیه و ص.] دوغ کره‌ای که با اضافه کردن مایع لاکتیک، به وسیله باکتری‌های لاکتیک ترش شده باشد

دهان ← حفره دهان

دهانه استاندارد ← دهانه استاندارد آکادمی

دهانه استاندارد آکادمی، دهانه استاندارد

Academy aperture, Academy mask, Movietone frame

[سینما و تلو.] دهانه دوربین یا فراتاب که ابعاد تصویر را با نسبت ۴ به ۳ یا ۱/۳۳ به ۱ ثبت

دنباله کراندار bounded sequence

[ریاضی] دنباله‌ای که مجموعه همه جملاتش مجموعه‌ای کراندار باشد

دندان آبی، بلوتوث Bluetooth

[رایانه و فن.] استاندارد آزاد برای انتقال یا ارسال کوتاه‌برد آوا و داده‌های رقمی که همراه با دستگاه‌ها و نرم‌افزارهای کاربردی استفاده می‌شود

دوتاشدگی duplication 2, chromosomal duplication, doubling

[زیست.] فرایندی که در آن یک قطعه ژنی در فام‌تن تکرار می‌شود

دوتا شدن duplicate 1

[زیست.] تکرار شدن یک قطعه ژنی در یک فام‌تن

دوتاشده duplicate 2

[زیست.] ویژگی قطعه ژنی که دچار دوتاشدگی شده است

دوربین بی صدا blimped camera, self-blimped camera

[سینما و تلو.] دوربین صداگیر سرخود

دوربین پوش barney

[سینما و تلو.] پوششی که دوربین را در مقابل باد و باران و سرما محافظت می‌کند و گاه به جای صداگیر به کار می‌رود

دورگشت backhauling, backhaul

[مخابرات] برقراری ارتباط میان دو نقطه نزدیک

دید پرنده ← نمای دید پرنده	می‌کند یا نمایش می‌دهد؛ این اندازه را آکادمی علوم و هنرهای سینمایی تعیین کرده است
دید خزنده ← نمای دید خزنده	دهانی oral [زبان.] ویژگی آنچه مربوط به حفره دهان است
دیرش duration [زبان.] در آواشناسی، مدت‌زمان لازم برای تولید یک آوا یا هجا	دیدبان observer [علوم جو] فردی که دیدبانی وضع هوا را انجام می‌دهد
ذره بنیادی elementary particle, fundamental particle [فیزیک] ذره‌ای که بر اساس دانش امروز بخش‌ناپذیر و بدون ساختار است و در نتیجه، یکی از اجزای اصلی سازنده ماده است	دیدبانی observation [علوم جو] برآورد یک یا چند عنصر هواشناختی معرف حالت جو
ذره پرنرزی high-energy particle [فیزیک] ذره‌ای که انرژی آن از انرژی جرم حالت سکونش بسیار بیشتر باشد	دیدبانی شده observed [علوم جو] ویژگی یک یا چند عنصر هواشناختی که مشاهده و ارزیابی شده است
	دیدبانی وضع هوا weather obseration ← دیدبانی



ازیست. [بریدن و برداشتن راست‌روده	رابطهٔ جرم-انرژی mass-energy relation
راست‌روده‌درد rectalgia, proctalgia	[فیزیک] رابطهٔ نسبیتی میان جرم و انرژی که به موجب آن انرژی برابر است با حاصل ضرب جرم در مجذور سرعت نور
ازیست. [درد راست‌روده	
راستِ صحنه stage right, house left, opposite prompt side, OP	رازدار confidant, confidante
[ه. نمایشی] قسمتی از صحنه که در طرف راست بازیگر قرار دارد و از دید تماشاگر طرف چپ صحنه محسوب می‌شود	[ه. نمایشی] شخصیت فرعی نمایش که شخصیت اصلی مقاصد و افکار خود را با او در میان می‌گذارد و به این ترتیب تماشاگر از حوادث و رویدادهای به نمایش درنیامدهٔ داستان آگاه می‌شود
رأس‌های مجاور adjacent vertices	راست‌روده rectum, straight intestine
[ریاضی] دو رأس یک گراف که با یک یال (edge) به هم وصل شده باشند	[زیست.] بخش انتهایی فراخ‌روده
راننده driver	راست‌روده‌آماس rectitis, proctitis
[رایانه و فن.] برنامه‌ای که افزاره را به کار می‌اندازد و هدایت می‌کند	[زیست.] التهاب راست‌روده
رانه drive	راست‌روده‌ای rectal
[رایانه و فن.] دستگاهی که داده‌ها را از روی افزاره ذخیره‌سازی می‌خواند یا به روی آن می‌نویسد	[زیست.] مربوط به راست‌روده
رانهٔ خارجی external drive	راست‌روده‌برداری rectectomy, proctectomy

رده‌بندی ابرها cloud classification

[علوم جو] گروه‌بندی ابرها با توجه به جلوه و ارتفاع و فرایند شکل‌گیری و ترکیب ذره‌ای آنها

رُس clay

[کشاورزی « زراعت»] بخشی از ذرات معدنی خاک که دارای قطر کمتر از ۰/۰۰۲ میلی‌متر است

رسا sonorant

[زبان] در آواشناسی و واج‌شناسی، مشخصه آواهایی مانند واکه‌ها و خیشومی‌ها و کناری‌ها و روان‌ها که در تولید آنها مسیر عبور جریان هوا نسبتاً آزاد است و تارآواها در حال ارتعاش‌اند

رسایی sonority

[زبان] فرایندی که در آن مسیر عبور جریان هوا در هنگام تولید آواها نسبتاً آزاد است و تارآواها در حال ارتعاش هستند

رَمزه codon

[زیست] توالی سه‌نوکلئوتیدی در رِنّا (RNA) که رمز یک آمینواسید ویژه را در زنجیره پلی‌پپتیدی تعیین می‌کند

روان‌پالا cathartic

[هد. نمایی] مربوط به روان‌پالایی

روان‌پالایی catharsis, purification, purgation

[هد. نمایی] تسخلیه و تطهیر هیجانات و احساسات تماشاگر در نتیجه تماشای سوگنامه

روانه dolly

[رایانه و فن.] دیسک‌رانه (disk drive) ای شامل بدنه و منبع تغذیه برق مستقل که به کمک بافه، به رایانه متصل می‌شود

رانه داخلی internal drive

[رایانه و فن.] دیسک‌رانه‌ای که درون سامانه رایانه‌ای قرار می‌گیرد و از بیرون و از طریق درگاه‌های آن متصل نمی‌شود

رانه قاره‌ای continental drift
continental displacement,

[زمین] فرضیه تشکیل قاره‌ها از راه قطعه‌قطعه شدن و حرکت قطعه‌ها بر روی سطح زمین

رانه نوار، نواررانه tape drive

[رایانه و فن.] افزاره‌ای همچون ضبط صوت که داده‌ها را از روی نوار می‌خواند و به روی نوار می‌نویسد

راه اپتیکی، راه نوری optical path,
optical distance, optical length

[اپتیک] حاصل ضرب ضریب شکست در فاصله‌ای که پرتو نور در محیط طی می‌کند

راه‌بند barrier

[حمل - ریلی] ابزاری متحرک برای بستن موقت مسیر، در تقاطع سواره‌رو و راه‌آهن

راه نوری ← راه اپتیکی**رَخ** cleavage

[زمین] شکست کانی در امتداد سطوح بلورشناختی آن

- surface structure** **روساخت**
[سینما و تلو.] نوعی پایه چرخدار که دوربین یا
صدآبر بر آن نصب می‌شود و می‌توان آن را روی
سطحی صاف هدایت کرد
- bulk method** **روش کپه‌ای**
[علوم جو] نوعی بستار تلاطم که در آن شکل
نیمرخ قائم هر متغیر از پیش فرض می‌شود
- bulk method** **روش میدان خودسازگار**
self-consistent field method
[فیزیک] روشی برای پیدا کردن تابع موج تقریبی
برای سامانه‌ای از الکترون‌ها
- Hartree method** **روش هارتری**
← روش میدان خودسازگار
- ghee, butter oil, butterfat** **روغن حیوانی**
[تغذیه و ص.] روغنی که از ذوب و صاف کردن
کره به دست می‌آید
- transcript** **رونوشت**
[زیست.] هر یک از مولکول‌ها رنای (RNA)
ساخته‌شده از دنا (DNA)
- transcriptional** **رونوشتی**
[زیست.] مربوط به رونویسی
- transcription** **رونویسی**
[زیست.] فرایند ساخت رنا (RNA) از دنا (DNA)
- embryo** **رویوان**
[زیست.] ۱. جانور در مراحل اولیه تکوین، از
- dolly pusher** **روانه‌بر**
[سینما و تلو.] متصدی روانه
- topsoil** **روخاک**
[کشاورزی < زراع.] لایه فوقانی خاک که دارای
ماده آلی و ریزاندامگان و رنگ تیره است
- update 1** **روزآمد**
[رایانه و فن.] ویژگی داده‌ای جدید یا تصحیح‌شده
که جانشین همه یا بخشی از یک مجموعه داده شود
- updating** **روزآمدسازی**
[رایانه و فن.] فرایند تعویض همه یا بخشی از یک
مجموعه داده با داده‌های جدید یا تصحیح‌شده
- update 2** **روزآمد کردن**
[رایانه و فن.] تعویض یا جانشین کردن همه یا
بخشی از یک مجموعه داده با داده‌های جدید یا
تصحیح‌شده
- dayglow** **روزدرخش**
[علوم جو] گسیل هوادرخش در روز که به نظر
می‌رسد شدیدتر از شب‌درخش باشد و در
ترازهای پایین جو قابل رؤیت نیست
- average day** **روز عادی**
[حمل - شهری] روز غیرتعطیل هفته که بیانگر
حجم تردد معمول در آن مکان باشد

ریزاندامگانی **microorganic, microorganismal**

[زیست.] مربوط به ریزاندامگان

ریز تکثیری **micropropagation**

[زیست.] ازدیاد گیاهان در شیشه با استفاده از

کشت قطعات بافت یا اندام آنها

ریژتن **microbody**

[زیست.] اندامکی پوشیده از غشا با قطر معمولاً

کمتر از یک میکرون حاوی تعدادی از زی‌مایه‌های

وابسته به یکدیگر

ریزکامه **microgamete**

[زیست.] کامه ریز

ریسه **thallus**

[زیست.] دستگاه رویشی گیاهان پست که فاقد

تمایز کامل بافتی است و در حد ابتدایی باقی مانده

است

ریسه اپتیکی، ریسه نوری **optical train**

[اپتیک] مجموعه‌ای از آینه‌ها و عدسی‌ها و

منشورها در دستگاه نوری که نور از آنها عبور کند

ریسه‌داران **Thallophyta, Thallobionta**

[زیست.] شاخه‌ای از گیاهان پست که فاقد بافت‌ها

یا اندام‌هایی با تمایز کامل بافتی هستند

ریسه‌رُست **thallophyte**

[زیست.] گیاهی که رشد آن ریسه‌ای است و برگ یا

محور مشخص در آن دیده نمی‌شود

زمان تقسیم تخمک بارور تا تولد؛ در انسان، از

چهارمین روز تا پایان هشتمین هفته باروری ۲.

ساختاری در دانه گیاهان، قبل از جوانه‌زنی، که از

تکوین تخم به وجود می‌آید

رویانبَر **embryophore**

[زیست.] پوسته دربرگیرنده رویان

رویان‌زایشی **embryogenetic**

[زیست.] مربوط به رویان‌زایی

رویان‌زایی **embryogenesis**

[زیست.] رشد و تکامل رویان

رویانشناسی **embryology**

[زیست.] علم مطالعه تکوین و نمو رویان

رویانی **embryonic, embryonal**

[زیست.] مربوط به رویان

رویگردانی **churn**

[مخابرات] فرایندی که در آن مشترکان به طور

پیاپی خدمات‌دهندگان را تعویض کنند

رویه جبری **algebraic surface**

[ریاضی] چندگونای جبری دوبعدی

ریزاندامگان **microorganism**

[زیست.] اندامگانی ریز شامل پیش‌زیان،

باکتری‌ها، مخمرها، ویروس‌ها و جلبک‌های

تک‌یاخته‌ای

light rail**ریل سبک**

[حمل - ریلی] ریلی که وزن واحد طول آن از وزن واحد طول ریل خطوط باری کمتر باشد

heavy rail**ریل سنگین**

[حمل - ریلی] ریلی که وزن یک متر از آن بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد

third rail, contact rail, current collector rail, conductor rail **ریل سوم**

[حمل - ریلی] ریلی اضافی به موازات ریل‌های اصلی برای تأمین نیروی برق قطارهای برقی

grooved rail, girder rail **ریل قاشقی**

[حمل - ریلی] ریلی با کلاهک شیاردار که طوقه چرخ‌های خط‌نورد در آن قرار می‌گیرد

short rail**ریل کوتاه**

[حمل - ریلی] ریلی که طول آن از ریل استاندارد کمتر باشد

continuous welded rail, CWR, long welded rail, welded rail, ribbon rail **ریل ممتد**

[حمل - ریلی] ریلی که از جوش دادن چند قطعه ریل استاندارد یا ریل کوتاه به دست می‌آید

guide rail, closure rail, lead rail **ریل هادی**

[حمل - ریلی] قطعه ریلی که بین پاشنه سوزن و تکه مرکزی قرار می‌گیرد

thalloid**ریسه‌سا**

[زیست.] مانند ریسه

ریسه نوری ← ریسه اپتیکی**standard rail****ریل استاندارد**

[حمل - ریلی] ریلی که طول هر شاخه آن معادل یکی از استانداردهای پذیرفته‌شده جهانی باشد

wing rail, binder rail **ریل بالی**

[حمل - ریلی] قطعه ریل کوتاهی با انتهای زاویه‌دار که در تکه مرکزی سوزن برای هدایت چرخ نصب می‌شود

make up rail, shortened rail **ریل بریده**

[حمل - ریلی] ریلی که طول مشخصی از انتهای آن بریده شده است و در سمت داخلی قوس‌های تندکار گذاشته می‌شود

long rail**ریل بلند**

[حمل - ریلی] نوعی ریل که طول آن بیش از طول ریل استاندارد است و در خطوط سریع‌السیر به کار می‌رود

stock rail **ریل پهلویی**

[حمل - ریلی] ریل ممتد و مستقیم سوزن که تیغه سوزن در دو حالت متفاوت با آن جفت می‌شود یا از آن فاصله می‌گیرد

ریل ساب ← ماشین ریل ساب

ز، ژ

زاد آوردن ← تولیدمثل کردن	زاده‌زا	spermatogonium
[زیست.] اولین یاخته‌های مولد یاخته جنسی نر		
زادآوردی ← تولیدمثلی	زاده‌زایشی	spermatogenetic
[زیست.] مربوط به زاده‌زایی		
زادآوری کردن ← تولیدمثل کردن	زاده‌زایی	spermatogenesis
[زیست.] فرایند به وجود آمدن زامه		
زامه ۱	زام یاختک	spermatid
[زیست.] یاخته تک‌لاد غیرمتحرک که در فرایند زامه‌زایی تولید و پس از تمایز به زامه بالغ تبدیل می‌شود		
زامه ۲ ← گیازامه		
زامه‌ای ← گیازامه‌ای	زام یاخته	spermatocyte
[زیست.] یاخته‌ای که از رشد زامه‌زا به وجود می‌آید		
زامه‌دان	زاویه	angle
[زیست.] اندامی در برخی نهان‌زادان (cryptogams) که در آن یاخته‌های جنسی نر تولید می‌شود		
زامه‌دان‌بر	زاویه باز	obtuse angle
[زیست.] پایه حامل زامه‌دان		
زامه‌دانی	زاویه تند	acute angle
[زیست.] مربوط به زامه‌دان		

زمان جبران pad time, make up time,
premium time

[حمل - شهری] مدت زمانی که بابت آن راننده
حتی اگر کار نکرده باشد، دستمزد دریافت می کند

زمان دسترسی access time

[حمل - شهری] مدت زمان سپری شده در سفر، از
لحظه ترک مبدأ تا لحظه سوار شدن به خودرو
[مخابرات] مدت زمانی که از لحظه آغاز تقاضای
دسترسی تا برقراری ارتباط سپری می شود

زمان سفر درون حوزه ای

intrazonal travel time

[حمل - شهری] مدت زمان سفر بین دو نقطه از
یک حوزه، که زمان صرف شده در پایانه ها را هم
شامل می شود

زمان گذر عرضی crossing time

[حمل - شهری] مدت زمان در نظر گرفته شده برای
عبور عابران از عرض خیابان یا رسیدن به میانه آن

زمان مجاز ← زمان مجاز بیکاری

زمان مجاز بیکاری، زمان مجاز

allowance time, bonus time, dead time,
hold time

[حمل - شهری] مدت زمانی که در آن راننده دستمزد
دریافت می کند، بی آنکه کاری کرده باشد

زمان واکنش reaction time

[حمل - شهری] مدت زمان لازم برای درک خطر و

[ریاضی] زاویه کمتر از ۹۰ درجه

زاویه خراش grazing angle

[فیزیک] زاویه میل بسیار کوچک

زاویه محاطی inscribed angle,
angle at a circumference

[ریاضی] زاویه ای که رأس آن بر محیط دایره قرار
دارد و اضلاع آن وترهای دایره هستند

زاویه های مجاور adjacent angles

[ریاضی] دو زاویه با رأس و یک ضلع مشترک که
ضلع های دیگر زوایا در دو طرف این ضلع
مشترک قرار می گیرند

زمان آزاد میانگین mean free time

[فیزیک] فاصله زمانی میانگین بین برخوردهای
پیایی هر ذره با ذرات دیگر

زمان آغاز واک voice onset time

[زبان] فاصله زمانی میان رهش گرفت و شروع
لرزش تارآواها در همخوان های انفجاری

زمان پیاده روی egress time

[حمل - شهری] مدت زمان صرف شده در یک سفر،
از لحظه پیاده شدن از وسیله نقلیه تا رسیدن به مقصد

زمان تاوان penalty time

[حمل - شهری] مدت زمانی فراتر از زمان مقرر کار
که اجباراً صرف خدمت رسانی به سامانه حمل و نقل
شود و سزاوار پرداخت اضافی باشد

نشان دادن عکس‌العمل از سوی راننده

پیام اصلی و حوادث جانبی آن را بیان می‌کند

vagina

زِه‌راه

[زیست.] مجرای ماهیچه‌ای با پوشش مخاطی در پستانداران ماده که زهدان را به خارج متصل می‌کند

rhizome

زمین‌ساقه

[زیست.] ساقه زیرزمینی برخی گیاهان که دارای رشد افقی است و به عنوان اندام تکثیرِ رویشی عمل می‌کند

vaginitis

زِه‌راه‌آماس

[زیست.] التهابِ زِه‌راه

rhizomorph

زمین‌ساقه‌ریخت

[زیست.] به شکل زمین‌ساقه

vaginectomy

زِه‌راه‌برداری

[زیست.] بریدن و برداشتن زِه‌راه

bleeding

زمینه‌برچینی

[زبان.] در واج‌شناسی زایشی، عملکرد ترتیب‌مند قاعده‌های واجی که در آن عملکرد قاعدهٔ الف باعث حذف بافت آوایی لازم برای عملکرد قاعدهٔ ب می‌شود

vaginotomy

زِه‌راه‌بُری، زِه‌راه‌شکافی

[زیست.] بریدن یا شکافتن زِه‌راه

bleed

زمینه‌برچینی کردن

[زبان.] عملکرد یک قاعدهٔ واجی به منظور زمینه‌برچینی برای عملکرد یک قاعدهٔ واجی دیگر

vaginate

زِه‌راه‌دار

[زیست.] دارای زِه‌راه

feeding

زمینه‌چینی

[زبان.] در واج‌شناسی زایشی، عملکرد ترتیب‌مند قاعده‌های واجی که در آن عملکرد قاعدهٔ الف باعث ایجاد بافت آوایی لازم برای عملکرد قاعدهٔ ب می‌شود

vaginal

زِه‌راهی

[زیست.] مربوط به زِه‌راه

feed

زمینه‌چینی کردن

[زبان.] عملکرد یک قاعدهٔ واجی به منظور زمینه‌چینی برای عملکرد یک قاعدهٔ واجی دیگر

زهسان ← جنین

زهسان‌بین ← جنین‌بین

زهسان‌بینی ← جنین‌بینی

grounding

زمینه‌سازی

[زبان.] در مطالعات گفتمانی و کاربردشناختی، سازوکارهایی که گوینده با نویسنده با استفاده از آن

زهسانی ← جنینی

slide chair	زینچه لغزنده	subsoil	زیرخاک
[حمل - ریلی] زینچه‌ای برای اتصال تیغه سوزن به ریل‌بند		[کشاورزی < زراع.] بخشی از خاک که زیر خاک زراعی قرار می‌گیرد	
jabbering	ژاژدهی	subtitle	زیرنویس
[مخابرات] ارسال جریان پیوسته داده‌های تصادفی به شبکه، در نتیجه برخی خرابی‌ها		[سینما و تلو.] نوشته‌ای که معمولاً در قسمت پایین تصویر ظاهر می‌شود و اغلب به گفتگوهای فیلم اختصاص دارد	
jabber	ژاژه	subtitled	زیرنویس‌دار
[مخابرات] جریان پیوسته داده‌های تصادفی که در نتیجه برخی خرابی‌ها به شبکه منتقل می‌شود		[سینما و تلو.] ویژگی تصویری که در قسمت پایین آن معمولاً گفتگوهای فیلم درج می‌شود	
carbonate compensation depth, calcium-carbonate compensation depth, depth of compensation	ژرفای موازنه کربنات، ژمک	biomineral	زیست‌کانی
[زمین.] ژرفایی در اقیانوس که پایین‌تر از آن، ذرات کلسیم کربنات به مقدار ناچیز در رسوبات وجود دارد و آهنگ حل شدن کلسیم کربنات برابر یا بیشتر از آهنگ نشست آن است		[زمین.] هرکانی که منشأ آشکار آلی داشته باشد	
deep structure, underlying structure	ژرف‌ساخت	biomineralization	زیست‌کانی‌سازی
[زبان.] سطح بازنمود بنیادی و انتزاعی ساخت نحوی جمله در دستور زایشی-گشتاری		[زمین.] تشکیل کانیهایی با منشأ آشکار آلی	
	ژمک < ژرفای موازنه کربنات	biomineralogy	زیست‌کانی‌شناسی
		[زمین.] بررسی و مطالعه سامان‌مند زیست‌کانی‌ها	
		rail chair, chair	زینچه
		[حمل - ریلی] صفحه فولادی شکل داده‌شده که بین ریل و ریل‌بند قرار می‌گیرد	

س

unified messaging system, unified messaging 3

[مخابرات] سامانه فراهم آورنده پیامرسانی جامع

سامانه پیامرسانی صوتی

voice messaging system

[مخابرات] سامانه‌ای در پست صوتی که پیامرسانی را امکان‌پذیر می‌سازد

سامانه چالش - پاسخ

challenge and reply system

[مخابرات] سامانه‌ای برای اصالت‌سنجی ارتباط دو سامانه و امکان دسترسی آنها به یکدیگر که در آن پایانه برخواننده با رشته کد ویژه‌ای، شبیه کد به کاررفته در درخواست پایانه برخوان، خود را معرفی می‌کند

transportation system سامانه حمل و نقل

[حمل - شهری] سامانه‌ای که برای حمل و نقل مردم یا کالا یا هر دو فراهم شده باشد

code independent system سامانه کدناسته

[مخابرات] سامانه‌ای که عملکرد صحیح آن وابسته به استفاده از کد خاصی در پایانه‌های متصل نیست

ساختار اطلاع ← ساخت اطلاع

shell structure ساختار پوسته‌ای

[فیزیک] نوعی پیکربندی هسته‌ای که در آن نوکلئون‌های با تراز انرژی تقریباً یکسان را در حالت کوانتومی یکسان در نظر می‌گیرند

ساخت اطلاع، ساختار اطلاع

information structure

[زبان] ساختمان جمله از منظر انتقال اطلاعات به مخاطب

phrase structure ساخت گروهی

[زبان] ساختار درونی و سلسله‌مراتبی گروه‌های نحوی

busy hour ساعت شلوغی

[مخابرات] بازه ۶۰ دقیقه‌ای که در حین آن، کثرت مراجعات تلفنی از هر ساعت دیگری در شبانه‌روز بیشتر است

سامانه پیامرسانی جامع، پیامرسانی جامع ۳

تقطیر عمل می‌کنند و هر سلول غشا در نقش یک مرحله است

hard light سخت‌نور

[سینما و تلو.] نور شدیدی که سایه‌های تیره ایجاد می‌کند

سردساز ← ماده سردساز

refrigeration سردسازی

[فیزیک] فرایند سرد کردن یک جسم یا ناحیه و رساندن دمای آن به دمایی که از دمای محیط اطراف به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر است

85 percentile speed سرعت ۸۵ درصد

[حمل - شهری] سرعتی که ۸۵ درصد خودروها برابر یا پایین‌تر از آن حرکت می‌کنند

posted speed سرعت اعلام‌شده

[حمل - شهری] حداکثر سرعت مجازی که به وسیله تابلوهای محدودیت سرعت مشخص می‌شود

سرعت پیاده ← سرعت عابر پیاده

advisory speed سرعت توصیه‌ای

[حمل - شهری] سرعتی که بر اساس شرایط و کارکرد و مشخصات و طراحی بزرگراه، به وسایل نقلیه عبورکننده از بخشی از آن بزرگراه توصیه می‌شود

crawl speed سرعت خزش

[حمل - شهری] سرعت ثابت خودروی سنگین در

code dependent system سامانه کدوابسته

[مخابرات] سامانه‌ای که عملکرد صحیح آن وابسته به استفاده از کدهای صحیح در پایانه‌های متصل است

سامانه مدیریت داده‌نامه، سامیدان

data dictionary management system, DDMS

[رایانه و فن.] برنامه یا نرم‌افزاری که برای مدیریت داده‌نامه لازم باشد

سامیدان ← سامانه مدیریت داده‌نامه

data sink ستانه داده

[مخابرات] افزاره‌ای که داده‌های ارسالی از منبع را می‌پذیرد و ذخیره می‌کند

calipers ستبراسنج

[تغذیه و ص.] ابزاری برای اندازه‌گیری ضخامت چربی زیر پوست

extraction column ستون استخراج

[م. شیمی] ستونی عمودی برای جداسازی یک یا چند جزء محلول از خوراک

distillation column ستون تقطیر

[م. شیمی] ستون مخصوص جداسازی اجزای محلول

ستون غشادار پیوسته

continuous membrane column

[م. شیمی] غشاها یا اجزای غشاداری که ترتیب چیده شدن آنها به نحوی است که مانند برج

حال بالا رفتن از شیب ثابت

سرعت رفت و برگشت cycle speed, overall trip speed

[حمل - شهری] سرعت متوسط رفت و برگشت در حمل و نقل، بدون احتساب توقف در مبدأ و مقصد و توقف‌های بین راه

[حمل - شهری] سرعتی در قسمت مشخصی از راه که برابر است با مسافت آن قسمت تقسیم بر مدت زمان صرف شده

سرعت معمول modal speed

[حمل - شهری] سرعتی که بیشترین بسامد را در زمان و مکان مشخص در بین رانندگان دارد

سرعت سیر running speed

[حمل - شهری] سرعت میانگینی که از تقسیم مسافت طی شده بر مدت زمان حرکت به دست می‌آید

سرعت مقرر statutory speed

[حمل - شهری] سرعتی که حد آن به وسیله قانونگذار به تصویب رسیده است و معمولاً مناسب بزرگراه‌هایی با طراحی و کارکرد و ویژگی‌های محلی خاص است و لزوماً به وسیله تابلو اعلام نمی‌شود

سرعت طرح design speed

[حمل - شهری] حداکثر سرعتی که در شرایط مناسب، در بخش معینی از راه بتوان با آن سرعت پیوسته و ایمن حرکت کرد

سرعت میانه median speed

[حمل - شهری] سرعتی که نیمی از خودروها بالاتر و نیمی دیگر پایین‌تر از آن حرکت می‌کنند

سرعت عابر پیاده، سرعت پیاده walking speed

[حمل - شهری] سرعت عابران در گذرگاه‌های عرضی عابر پیاده

سرفاصله spacing

[حمل - شهری] حد فاصل جلوی یک خودرو تا جلوی خودروی بعد در صف خودروهای متوالی

سرعت عملی operating speed

[حمل - شهری] بیشترین سرعت رانندگی در طول مسیر، بدون احتساب توقف‌ها، در صورتی که از سرعت طرح فراتر نرود

سرمایش لیزری laser cooling

[فیزیک] شیوه‌ای برای کند کردن حرکت اتم‌ها در باریکه اتمی، با تاباندن باریکه لیزر کوک شده (tuned) در جهت مخالف

سرعت فرار escape velocity

[فیزیک] کمترین سرعتی که جسم باید کسب کند تا بتواند برای همیشه از حوزه ربایش گرانشی جسم مادر بگریزد

سری ← متوالی

سری مطلقاً همگرا

absolutely convergent series

سرعت کلی overall travel speed, journey speed

مسافر نباشد	[ریاضی] سری‌ای که دارای همگرایی مطلق باشد
home based trip	سفر یکرمنزل
[حمل - شهری] سفری که مبدأ یا مقصد آن منزل مسافر باشد	سری یکنواخت همگرا
carbonate platform	سکوی کربناتی
[زمین] محیط رسوب‌گذاری سنگ آهک‌های آب‌های کم عمق دریا	uniformly convergent series
insectigation	سم‌آبیاری
[کشاورزی < زراع] وارد کردن سموم کشاورزی به آب آبیاری در روش‌های آبیاری قطره‌ای یا بازاری	[ریاضی] سری‌ای که دنباله مجموع‌های جزئی آن یکنواخت همگرا باشد
synchrotron	سنکروترون
[فیزیک] ابزاری برای شتاب دادن ذرات باردار در مسیرهای دایره‌ای	سطح کارایی
alternating-gradient synchrotron	سنکروترون با شیب متفاوت
[فیزیک] شتاب دهنده‌ای که در آن پروتون‌ها نخست با شتاب‌دهنده کوکرافت - والتون و سپس با شتاب‌دهنده خطی شتاب می‌گیرند و بعد به حلقه اصلی فرستاده می‌شوند؛ در آنجا تعداد زیادی آهنربا قرار دارد که میدان هر یک از آنها شیب شعاعی دارد و جهت شیب نیز در آهنرباهای مجاور به طور متناوب عوض می‌شود	[حمل - شهری] درجه‌بندی بزرگراه از نظر میزان مؤثر بودن آن در تردد، در شرایط عملی
extrusive rock	سنگ بیرونی
[زمین] سنگ آذرینی که حاصل انجماد مواد	trip
	سفر
	[حمل - شهری] حرکت یکطرفه شخص یا وسیله نقلیه به منظور معین، به نقطه‌ای خاص
	interzonal trip
	سفر بین حوزه‌ای
	[حمل - شهری] سفری که مبدأ و مقصد آن در دو حوزه مختلف باشد
	commute
	سفر حومه-شهری
	[حمل - شهری] سفر برای مراجعه به منزل یا رفتن به محل کار از حومه به داخل شهر یا برعکس
	intrazonal trip
	سفر درون حوزه‌ای
	[حمل - شهری] سفری که مبدأ و مقصد آن در حوزه‌ای واحد قرار داشته باشد
	vehicular trip
	سفر سواره
	[حمل - شهری] سفری که با وسیله نقلیه انجام شود
	non-home based trip
	سفر غیر یکرمنزل
	[حمل - شهری] سفری که مبدأ و مقصد آن منزل

مذاب بیرون ریخته بر سطح زمین است

فوتون یا ذره حامل انرژی به آن

سنگ چخماق flint, firestone

[زمین.] کانی بسیار سخت و توده‌ای، اغلب سیاه‌رنگ، با شکست صدفی که در برخورد با فولاد یا سنگ‌های دیگر جرقه می‌زند

سوسونج scintillometer

← آشکارساز سوسون

سوغ‌بازیگر tragedian 1

[ه. نمایشی] هنرمندی که در نمایش‌های سوگناک یا درام ایفای نقش می‌کند

سنگ درونی ← سنگ نفوذی

سنگ نفوذی، سنگ درونی intrusive rock

[زمین.] سنگ آذرینی که در سنگ‌های قدیمی‌تر از خود نفوذ کرده باشد

سوگناک ← سوگنامه‌ای

سوگنامه tragedy

[ه. نمایشی] ۱. در اساس، اثر نمایشی منظومی که با به تصویر کشیدن تیره‌روزی و نگون‌بختی شخصیت‌های نامدار تاریخی یا اسطوره‌ای در طی رویدادی کامل و مهم و جدی و بدفرجام در بیننده ترس و ترحم ایجاد کند ۲. نمایشی که بر اساس اثر فوق به اجرا درآید

سواری passenger car 1

[حمل - شهری] وسیله نقلیه موتوری، غیر از موتورسیکلت، با گنجایش حداکثر ۱۰ نفر، برای جابه‌جایی مسافر

سوء تغذیه malnutrition, malnourishment

[تغذیه و ص.] وضعیتی ناشی از تغذیه ناکافی یا نامتعادل

سوگنامه‌ای، سوگناک tragic

[ه. نمایشی] مربوط به سوگنامه

سوزن switch, point

[حمل - ریلی] دستگاهی برای تغییر مسیر قطار در شبکه خطوط راه‌آهن

سوگنامه‌نویس tragedian 2

[ه. نمایشی] نویسنده سوگنامه

سیگنال اشغال، نشانک اشغال busy signal

[مخابرات] علامتی شنیداری یا دیداری که برای برخوان یا مبدأ شماره‌گیری ارسال می‌شود و نشان‌دهنده در دسترس نبودن خط است

سوسوزن scintillator

[فیزیک] ماده‌ای که در واکنش به تابش یونشی، فوتون‌های نوری گسیل می‌کند

سیگنال انسداد، نشانک انسداد blocking signal

[مخابرات] ۱. علامتی که برای جلوگیری از

سوسوزنی scintillation

[فیزیک] تولید نور در ماده فسفری در اثر برخورد

proluvium**سیلرُفت**

[زمین.] رسوبی غیریکنواخت که بر اثر شستشوی مواد خردشده با سیلاب، در پای دامنه‌ها انباشته می‌شود

تصرف خط برای سایر کاربرانی که به سمت محل انسداد در حرکت‌اند، ارسال می‌شود ۲. علامتی که مرکز تلفن برای مشترک معینی ارسال می‌کند و نشان‌دهنده این است که خط، تنها برای دریافت برخوانی ورودی آزاد است و برای برخوانی‌های خروجی مسدود شده است

proluvial**سیلرُفتی**

[زمین.] وابسته یا مربوط به سیلرُفت

sieve plate, sieve tray, perforated plate**سینی غربالی**

[م. شیمی] نوعی سینی برج تقطیر، با سوراخ‌های متعدد، که بخار به صورت عمودی از آن عبور می‌کند و از مایع روی سینی رد می‌شود

سیلاب دشت، دشت سیلابی**flood plain, floodland**

[زمین.] خشکی همواری در کنار رود که هنگام طغیان از آب پوشیده می‌شود

شب

شب‌درخش

nightglow

[علوم جو] نوعی هوا درخش به صورت کورسویی مرئی در آسمان شب، جدای از نور ماه و ستارگان

شبکه بلور

crystal lattice

[فیزیک] آرایش دوره‌ای منظم نقطه‌ها در فضای سه‌بعدی که معرف ساختار بلوری است

شبکه پردیسی

campus area network, CAN

[رایانه و فن.] شبکه‌ای حاصل از اتصال شبکه‌های محلی در فضای محدود جغرافیایی، مانند مدرسه یا پایگاه نظامی

شبکه تار عنکبوتی

spider web,

spider network, simplified network

[حمل - شهری] سامانه بزرگراهی شبیه‌سازی شده برای محدوده‌ای مشخص که، بدون توجه به ترکیب فیزیکی خیابان‌ها، تنها دسترسی‌های اصلی را ملاک تحلیل قرار می‌دهد

شبکه جهانی

global area network, GAN

[رایانه و فن.] شبکه‌ای متشکل از شبکه‌های مختلف رایانه‌ای متصل که گستره جغرافیایی

نامحدودی را پوشش دهد

شبکه خانگی

home area network, HAN

[رایانه و فن.] شبکه‌ای درون خانه کاربر که افزاره‌های رقیمی شخص را به هم متصل می‌کند

شبکه خصوصی مجازی، شبکه خم

virtual private network

[مخابرات] شبکه‌ای که ساختار و عملکرد و ایمنی آن مانند شبکه‌ای خصوصی است، ولی درون شبکه‌ای عمومی مانند اینترنت قرار دارد

شبکه خم

← شبکه خصوصی مجازی

شبکه درمیان‌یاخته‌ای

endoplasmic reticulum, ER

[زیست.] شبکه‌ای کیسه‌ای در باخته‌های نمایز یافته که در سنتز و انتقال پروتئین‌ها و همچنین واکنشهای دگرگشتی، از جمله سنتز فسفولیپیدها و اسیدهای چرب، نقش دارد

شبکه شخصی

personal area network, PAN

[رایانه و فن.] شبکه‌ای که در آن همه رایانه‌های متصل به هم به صورت محلی قرار گرفته باشند

شبکه شهری

metropolitan area network, MAN



[رایانه و فن.] شبکه‌ای که برای یک شهر یا شهرک طراحی شده باشد
[ه.نمایشی] فردی که در اثر نمایشی خلق
تأسیس ۷۶ می‌شود و نقش او را بازیگری ایفا می‌کند
کتابخانه تخصصی ادبیات

شبکه عمومی تلفن, public telephone network, public switched telephone network, public switched network
[ه.نمایشی] به تصویر کشیدن شخصیت‌های
نمایشنامه بر روی صحنه از طریق بازیگری رفتار و حرکات و گفتار آنان

[مخابرات] شبکه عمومی ارتباطات صوتی که برای خدمات دسترسی تلفنی از آن استفاده می‌شود

شفق دائمی permanent aurora
← هوادرخش

شبکه وارون reciprocal lattice
[فیزیک] شبکه‌ای متناظر با شبکه اصلی، برای توصیف پراکندگی امواج در بلورها

شکل دهی اپتیکی، شکل دهی نوری optical figuring
[اپتیک] فرایند صیقل یا پرداخت نهایی اجزای شیشه‌ای وسایل اپتیکی، برای دادن شکل دلخواه به آنها

شب‌نمایی day-for-night, night effect, day-for-night filming, D/N
[سینما و تلو.] فیلمبرداری در روز به گونه‌ای که به نظر برسد در شب فیلمبرداری شده است

شکل دهی نوری ← شکل دهی اپتیکی

شتاب دهنده ذرات particle accelerator, accelerator
[فیزیک] ابزاری برای شتاب دادن ذرات باردار تا انرژی‌های زیاد

شماره فراگیر universal access number
[مخابرات] شماره منفردی متعلق به واحد ارائه‌کننده خدمات که با گرفتن آن مشترک می‌تواند از هر جای شبکه به نزدیکترین محل دریافت خدمات متصل شود

شتاب زاویه‌ای angular acceleration
[فیزیک] آهنگ تغییر سرعت زاویه‌ای جسم چرخان که یکای آن رادیان بر مجذور ثانیه است

شماره‌گیری dial-up
[مخابرات] ویژگی خدماتی که در آن کاربر اینترنت ابتدا از طریق شماره‌گیری به کمک مودم، به مرکز تلفن متصل و از آنجا به مودم شرکت ارائه‌کننده خدمات اینترنتی مرتبط می‌شود

شتاب لحظه‌ای instantaneous acceleration
[فیزیک] آهنگ تغییر سرعت جسم متحرک بر حسب زمان در هر لحظه

شماره‌گیری کوتاه abbreviated dialing, speed dialing, memory dialing

شخصیت character

identification**شناسایی**

[مخابرات] فرایند شناخته شدن هستار در شبکه

SIM card,**شناس کارت****subscriber identity module card**

[مخابرات] کارتتی که درون تلفن همراه قرار

می‌گیرد و مشترک تلفن همراه را به شبکه تلفن

همراه معرفی می‌کند

PIN 1,**شناسه ۱****personal identification number 1**

[مخابرات] رمزی که اگر آن را فعال کنیم، در هر بار

روشن کردن دستگاه تلفن همراه باید آن را وارد

کنیم تا دستگاه کار کند

PIN 2,**شناسه ۲****personal identification number 2**

[مخابرات] رمزی که پس از سه بار اشتباه وارد

کردن شناسه ۱ باید به دستگاه وارد کرد

شناسه حرفی عددی ← کد حرفی عددی

شناسه دسترسی ← کد دسترسی

شوخی بازیگر ← بازیگر کمدی

شوخناک ← کمدی ۲

شوخنانه ← کمدی ۱

شوخنانه‌ای ← کمدی ۲

شوخنانه نویسی ← کمدی نویسی

[مخابرات] امکانی در دستگاه‌های تلفن رومیزی

که به کاربر اجازه می‌دهد با شماره‌گیری یک رقم یا

با اشاره به دکمه‌ای خاص روی دستگاه تلفن یا

گوشی خود، شماره مقصد مکالمه را بگیرد،

بی‌آنکه نیازی به شماره‌گیری عادی باشد

شماره‌گیری مستقیم از بیرون، از بیرون

direct inward dialing

[مخابرات] امکان برقراری تماس از بیرون با

شماره "خدمات خاص مرکز تلفن"، بدون دخالت کارور

شماره‌گیری مستقیم به بیرون، به بیرون

direct outward dialing

[مخابرات] امکان برقراری تماس از داخل، با

شماره‌ای خارج از حوزه "خدمات خاص مرکز

تلفن"، بدون دخالت کارور

شماره‌گیری مستقیم راه دور، شمارد

direct distance dialing

[مخابرات] یکی از خدمات شرکت‌های مخابراتی

که امکان برقراری تماس با خارج از محدوده شبکه

داخلی را فراهم می‌سازد

شماره‌نمایی incoming call identification

[مخابرات] یکی از امکانات سامانه سودهی که

شناسایی برخوان را ممکن می‌سازد

شمارد ← شماره‌گیری مستقیم راه دور

identifier**شناسانه**

[مخابرات] مجموعه‌ای از نویسه‌ها که برای

شناسایی در پیام گنجانده می‌شود

[تغذیه و ص.] شیری که در اثر انعقاد، دَلْمَهٴ سفت ایجاد می‌کند

whole milk شیر کامل

[تغذیه و ص.] شیری که هیچ‌یک از ترکیبات، از جمله چربی آن گرفته نشده باشد

low-fat milk شیر کم‌چربی

[تغذیه و ص.] شیری که مقداری از چربی آن گرفته شده و معمولاً بین ۵/۰ تا ۲/۵ درصد چربی داشته باشد

low sodium milk شیر کم‌سدیم

[تغذیه و ص.] شیری که ۹۰٪ نمک طبیعی آن با فرایند تبادل یونی جدا شده باشد

low-lactose milk شیر کم‌لاکتوز

[تغذیه و ص.] شیری که مقداری از لاکتوز آن جدا یا با زی‌مایه تجزیه شده باشد

lactovegetarian شیر گیاهخوار

[تغذیه و ص.] گیاهخواری که شیر و فراورده‌های آن را نیز مصرف می‌کند

soft-curd milk شیر نرم‌دَلْمَهٴ

[تغذیه و ص.] شیری که در اثر انعقاد، دَلْمَهٴ نرم ایجاد می‌کند

recombined milk شیر نوترکیب

[تغذیه و ص.] شیری که از آمیختن شیر خشک بدون چربی و آب و چربی شیر به دست می‌آید

continental slope شیب قاره

[زمین.] بخشی از حاشیهٴ قاره، بین خیز قاره و فلات قاره، با شیبی بسیار کم

skim milk, skimmed milk, nonfat milk شیر بی‌چربی

[تغذیه و ص.] شیری که با جدا کردن تمام یا بخش اعظم چربی شیر کامل به دست می‌آید

irradiated milk شیر پرتودیده

[تغذیه و ص.] شیری که مقدار ویتامین «د» فعال آن با پرتو فرابنفش افزایش یافته باشد

evaporated milk شیر تبخیری

[تغذیه و ص.] شیری که با حرارت دادن، بخشی از آب آن تبخیر و پس از بسته‌بندی در قوطی، در دم‌فشار سترون شود

fermented milk شیر تخمیری

[تغذیه و ص.] شیری که با باکتری یا مخمر تخمیر و در نتیجه، لاکتوز آن به اسید لاکتیک تبدیل شده باشد

condensed milk شیر چگال

[تغذیه و ص.] شیری که با تبخیر نسبی غلیظ شده باشد

lacto-ovovegetarian شیرخاک گیاهخوار

[تغذیه و ص.] گیاهخواری که تخم مرغ و شیر و فراورده‌های آن را نیز مصرف می‌کند

hard-curd milk شیر سفت‌دَلْمَهٴ

[زیست.] خودپروردی که انرژی خود را از واکنش‌های شیمیایی به دست می‌آورد

chemoorganotroph شیمی‌آلی پرورد

[زیست.] شیمی‌پروردی که منبع تأمین الکترون آن ماده‌آلی است

chemoheterotroph شیمی‌دگرپرورد

[زیست.] دگرپروردی که انرژی و کربن خود را از اکسید کردن ترکیبات آلی به دست می‌آورد

chemotroph شیمی‌پرورد ۱

[زیست.] اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از واکنش‌های شیمیایی تأمین می‌کند

chemolithotroph شیمی‌کانی پرورد

[زیست.] شیمی‌پروردی که منبع تأمین الکترون آن ماده معدنی است

chemotrophic شیمی‌پرورد ۲

[زیست.] ویژگی اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از واکنش‌های شیمیایی تأمین می‌کند

gradient, descendent شیو

[علوم جو] آهنگ کاهش هر کمیت در فضا

chemotrophy شیمی‌پروردگی

[زیست.] فرایندی که در آن، اندامگان انرژی مورد نیاز خود را از واکنش‌های شیمیایی تأمین می‌کند

manner of articulation شیوه تولید

[زبان.] نحوه عبور هوا از مجرای آوایی هنگام تولید همخوان‌ها

chemoautotroph شیمی‌خودپرورد

ص ، ض

به سمت پرفشار آن خورانده می‌شود و بر اثر خلأ یا فشار کم در سمت دیگر، مایع از صافی عبور می‌کند و لایه‌ای از جامد روی صافی باقی می‌ماند

filtrate, mother liquor, strong liquor صافیده

[م. شیمی] سیال خروجی در فرایند صافش

filter press صافی فشاری

[م. شیمی] دستگاهی متشکل از چند قاب صافی که سیال با فشار از آنها می‌گذرد و صاف می‌شود

scene 1 صحنه ۱

[ه. نمایشی] واحد تقسیم پرده یا نمایشنامه که مبنای آن ورود و خروج شخصیت‌های نمایشنامه یا تغییر در زمان و مکان رویدادهای نمایش است

stage, scene 2 صحنه ۲

[ه. نمایشی] عرصه نمایش در تماشاخانه، معمولاً بالاتر از سطح زمین

scenic 1 صحنه‌ای

[ه. نمایشی] مربوط به صحنه

blimp صداگیر

filtration صافش

[م. شیمی] فرایند جدا کردن یا جدا شدن مواد معلق از سیال با عبور آن از محیطی که ذرات را عبور نمی‌دهد

filterable صافش‌پذیر

[م. شیمی] ویژگی مخلوط جامد-سیالی که بتوان آن را صاف کرد

filterability صافش‌پذیری

[م. شیمی] قابلیت صافش مخلوط جامد-سیال

contact filtration صافش تماسی

[م. شیمی] نوعی فرایند جداسازی که در آن ذرات جاذب با مایع مخلوط و پس از جذب مواد مورد نظر، مایع صاف می‌شود

صافی ← پالایه

vacuum filter صافی خلأ

[م. شیمی] نوعی صافی که مخلوط جامد-مایعی

load factor

ضریب بار

[حمل - شهری] نسبت بهره‌برداری به ظرفیت کل
تجهیزات در زمان معین

[سینما و تلو.] نوعی پوشش سبک دوربین، از
جنس فیبر یا آلیاژ آلومینیوم، برای جلوگیری از
ضبط صدای موتور دوربین

ضریب توزیع غشا

membrane partition coefficient,
membrane distribution coefficient

[م. شیمی] نسبت غلظت تعادلی یک جزء در غشا
به غلظت تعادلی همان جزء در فاز بیرونی و در
تماس با سطح غشا

indigenous sound

صدای صحنه

[سینما و تلو.] صدایی که منبع ایجاد آن شیء یا
شخص حاضر در صحنه فیلمبرداری است، خواه
در قاب تصویر دیده شود یا نشود

coquina

صدف سنگ

[زمین.] سنگ آهکی آواری که به طور کامل یا
عمدتاً از قطعات فسیلی تشکیل شده باشد

separation coefficient ضریب جداسازی

[م. شیمی] نسبت ترکیب درصدهای A و B در
جریان خروجی تقسیم بر نسبت ترکیب درصدهای
A و B در جریان ورودی

principal plane 1

صفحه اصلی

[اپتیک] هر یک از دو صفحه عمود بر محور اصلی
که شیء واقع بر یکی از آنها تصویری با
بزرگنمایی جانبی واحد روی دیگری ایجاد کند

separation factor

ضریب جداشدگی

[م. شیمی] نسبت ترکیب درصدهای A و B در
محصول تراویده از غشا تقسیم بر نسبت
ترکیب درصدهای A و B در جریان باقی‌مانده روی غشا

affine plane

صفحه همگر

[ریاضی] صفحه‌ای در هندسه تصویری که در آن
سه خصوصیت زیر برقرار باشد: هر دو نقطه فقط
روی یک خط قرار داشته باشند و فقط یک خط
وجود داشته باشد که از نقطه‌ای معین خارج یک
خط مشخص بگذرد و این خط را قطع نکند و سه
نقطه ناهم خط نیز موجود باشد

peak-hour factor, ضریب ساعت اوج
peak-hour conversion factor

[حمل - شهری] نسبت حجم تردد در ساعت اوج
به حداکثر شدت جریان در طول یک دوره انتخابی
(معمولاً ۱۵ دقیقه) در ساعت اوج

ضخامت اپتیکی، ضخامت نوری

optical thickness

[اپتیک] حاصل ضرب ضخامت ماده نوری در
ضریب شکست آن

adjacent sides

ضلع‌های مجاور

[ریاضی] دو ضلع منتهی به یک رأس در یک
چندضلعی

ضخامت نوری ← ضخامت اپتیکی

ط ، ظ

reserve capacity

ظرفیت ذخیره

[حمل - شهری] تفاوت ظرفیت خط عبور نسبت به حجم گذر

design capacity

ظرفیت طرح

[حمل - شهری] حداکثر تعداد وسایل نقلیه‌ای که از یک خط یا یک سواره‌رو در مدت یک ساعت عبور کند، بی‌آنکه بر عملکرد و طراحی خیابان تأثیر بگذارد

practical capacity

ظرفیت عملی

[حمل - شهری] حداکثر تعداد خودرویی که در مدت یک ساعت از نقطه‌ای عبور کند و در جریان تردد تأخیر و ناامنی ایجاد ننماید

possible capacity

ظرفیت ممکن

[حمل - شهری] حداکثر تعداد وسایل نقلیه همسنگ سواری که از یک خط عبور و در محل و زمان مشخص امکان گذر داشته باشد

fleet capacity

ظرفیت ناوگان

[حمل - شهری] حداکثر گنجایش ناوگان هر سامانه حمل و نقل برای جابه‌جایی مسافر

site planning

طراحی موقعیت

[حمل - شهری] نوعی طراحی بر اساس اندازه و شکل ساختمان و نحوه استقرار آن

annulus

طوق

[ریاضی] ناحیه حلقه‌مانندی که بین دو دایره هم‌مرکز قرار دارد

طول ← طول نقطه

abscissa, x-coordinate

طول نقطه، طول

[ریاضی] مختص x (افقی) یک نقطه (x و y) در دستگاه مختصات دوبعدی

ideal capacity

ظرفیت آرمانی

[حمل - شهری] شرایطی که در آن تردد در راه اصلی منجر به مسدود شدن تردد در خیابان فرعی نشود، تردد در تقاطع نزدیک مداوم نباشد، خط عبور مجزایی برای حرکت در هر جهت تخصیص یافته باشد و هیچ حرکت دیگری مانع حرکت موردنظر نشود

movement capacity

ظرفیت حرکت

[حمل - شهری] ظرفیت تردد وسایل نقلیه در یک خط عبور معین

ع ، غ

amicable numbers عددهای متحاب

[ریاضی] دو عدد که هر یک برابر مجموع همه مقسوم علیه‌های مثبت عدد دیگر، به جز خود عدد باشد

عرض ← عرض نقطه

ordinate of a point, عرض نقطه، عرض
y-coordinate of a point, y-coordinate

[ریاضی] مختص y (عمودی) یک نقطه (x و y) در دستگاه مختصات قائم

عضو ← اندام

عضوی ← اندامی

counter-bleeding عکس زمینه‌برچینی

[زبان]. عملکرد ترتیب‌مند قاعده‌های واجی برای جلوگیری از تأثیر زمینه‌برچینی قواعد

counter-feeding عکس زمینه‌چینی

[زبان]. عملکرد ترتیب‌مند قاعده‌های واجی برای جلوگیری از تأثیر زمینه‌چینی قواعد

mean life, lifetime عمر میانگین

traffic impact analysis, عارضه‌سنجی تردد
impact analysis

[حمل - شهری] مطالعه تأثیر کاربری زمین بر تردد اطراف

algebraic expression عبارت جبری

[ریاضی] عبارت حاصل از تعدادی متناهی از اعمال جمع و تفریق و ضرب و تقسیم و به توان رساندن بر روی نمادهایی که معرف اعدادند

algebraic number عدد جبری

[ریاضی] هر عددی که ریشه یک چندجمله‌ای با ضرایب گویا (rational) باشد

abundant number, عدد زائد
superfluous number

[ریاضی] عدد صحیح بزرگتر از یک که مجموع همه مقسوم علیه‌های مثبت آن به جزء خودش، از آن بیشتر باشد

defective number, عدد ناقص
deficient number

[ریاضی] عدد صحیح مثبتی که مجموع همه مقسوم علیه‌های آن، شامل ۱ و به جز خودش، از خودش کمتر شود

غذای آماده readymeal

[تغذیه و ص.] غذای از پیش تهیه شده‌ای که پس از کمی حرارت دادن می‌توان آن را مصرف کرد

غذای فوری fast food, fast service food

[تغذیه و ص.] مجموعه‌ای از انواع غذاهای نسبتاً ارزان قیمت مانند پیتزا و ساندویچ که در مدت کوتاهی تهیه و عرضه می‌شود

غذای ملکه royal jelly

[تغذیه و ص.] ماده‌ای که زنبور کارگر جوان (۳ تا ۱۲ روزه) تولید می‌کند و برای تغذیه لاروهای جوان و ملکه استفاده می‌شود

غشا membrane

[م. شیمی] لایه‌ای نازک که نسبت ابعاد جانبی به ضخامت آن بسیار زیاد است و جداسازی با عبور سیال از آن، بر اثر نیروهای رانشی انجام می‌شود

غشاسازی درجا**dynamic membrane formation**

[م. شیمی] فرایند تشکیل لایه فعال بر سطح غشا، بر اثر رسوب مواد موجود در سیال مورد استفاده

غشای بی تقارن asymmetric membrane

[م. شیمی] نوعی غشا با دو یا چند لایه که بافت‌های متفاوتی دارند

غشای چگال dense membrane, non-porous membrane

[م. شیمی] غشایی با منافذ غیر قابل تشخیص و تراوایی کم

[فیزیک] میانگین مدت زمان ماندگاری هسته یا ذره بنیادی ناپایدار قبل از واپاشی آن

عمل operation

[ریاضی] تابعی که هر مقدار مفروض از اعضای یک مجموعه را به عضوی از آن نظیر کند

عمل دوتایی binary operation

[ریاضی] قاعده‌ای برای ترکیب دو عضو یک مجموعه که حاصل این ترکیب، عضوی از آن مجموعه باشد

عملگر operator 1

[ریاضی] نگاشتی از یک مجموعه بر مجموعه دیگر که هر یک از آنها دارای ساختار معینی هستند

عملگر خطی linear operator

[ریاضی] تابعی که تحت آن هر ترکیب خطی از دو بردار، برابر با همان ترکیب خطی از تبدیل‌های آن دو بردار باشد

عملگر کراندار bounded operator

[ریاضی] عملگری چون T از یک فضای توپولوژیک به فضای برداری توپولوژیک دیگر، که به ازای هر زیرمجموعه کراندار M از فضای اول، $T(M)$ زیرمجموعه‌ای کراندار از فضای دوم است

عناصرهای جبری مستقل**algebraically independent elements**

[ریاضی] عنصرهایی مفروض از یک حلقه جابه‌جایی را هنگامی نسبت به زیرحلقه‌ای از آن جبری مستقل گویند، که هیچ چندجمله‌ای ناصفری که ضرایبش متعلق به آن زیرحلقه باشد، به ازای آن عناصرها صفر نشود

- انتقال‌دهندگی یکسان در تمام ضخامت آن
- غیرخاکی** **non-edaphic**
- [کشاورزی > زراع.] ویژگی موادی که به خاک زراعی مربوط نیستند
- غیردستوری، نادرستی** **ungrammatical**
- [زبان.] ویژگی جمله‌ای که با قواعد دستور زبان مطابقت نداشته باشد
- غشای چندلایه** **composite membrane**
- [م. شیمی] نوعی غشا که از نظر ساختار فیزیکی یا شیمیایی لایه‌های مختلفی دارد
- غشای مصنوعی** **synthetic membrane, artificial membrane**
- [م. شیمی] غشایی که فرایند تشکیل آن طبیعی نباشد
- غشای همگن** **homogeneous membrane**
- [م. شیمی] غشایی با ساختار و ویژگی‌های

ف ، ق

logical subject

فاعل منطقی

[زبان.] واژه یا عبارتی که بر انجام‌دهندهٔ رویداد فعل دلالت دارد

interplanar spacing

فاصلهٔ بین صفحه‌ای [فیزیک] فاصلهٔ بین دو صفحهٔ متوالی در خانوادهٔ صفحه‌های موازی

chromosome

فام‌تن

[زیست.] ساختاری رشته‌ای که در هستهٔ یاخته‌های در حال تقسیم مشاهده می‌شود و حامل اطلاعات ژنی است

angular distance

فاصلهٔ زاویه‌ای

[ریاضی] زاویهٔ بین دو خطی که از نقطهٔ مشاهده به دو نقطهٔ مفروض وصل می‌شود

chromosomal

فام‌تنی

[زیست.] مربوط به فام‌تن

base headway

فاصلهٔ زمانی پایه

[حمل - شهری] فاصلهٔ زمانی برنامه‌ریزی‌شده برای ناوگان حمل‌ونقل انبوه در زمان غیر اوج

ultraviolet

فرابنفش

[فیزیک] ویژگی تابشی که طول موج آن در گسترهٔ ۴ تا ۴۰۰ نانومتر باشد

فاعل ← فاعل دستوری

فاعل دستوری، فاعل، نهاد

grammatical subject, subject

[زبان.] آنچه گزاره دربارهٔ آن است و در زبان فارسی معمولاً فعل با آن مطابقت می‌کند

anafront

فراجبهه

[علوم جو] جبهه‌ای که در آن هوای گرم روی سطح جبهه تا ارتفاع زیاد بالا می‌رود

psychological subject

فاعل روان‌شناختی [زبان.] واژه یا عبارتی که پیام دربارهٔ آن است

large intestine 1

فراخ‌روده

seed mat

فرش بذر

[کشاورزی] زراع. [صفحه‌ای که روی آن با بذر و کود پوشیده شده باشد]

[زیست.] بخشی از لوله گوارش پستانداران که بین باریک‌روده و مخرج قرار دارد و شامل کورروده و پس‌روده و راست‌روده است

fermion

فرمیون

[فیزیک] هر ذره که اسپین نیم‌درست داشته باشد و از آمار فرمی-دیراک تبعیت کند

large intestinal

فراخ‌روده‌ای

[زیست.] مربوط به فراخ‌روده

disintegration

فروپاشی

[فیزیک] هرگونه تغییر خواص خودبه‌خودی یا تحریکی هسته که منجر به آزادسازی ذره یا پرتو گاما شود

ascent

فرازش

[علوم جو] فرایند بالاسو

ascendent

فرازه

[علوم جو] آهنگ افزایش هر کمیت در فضا

photodisintegration

فروپاشی فوتونی

[فیزیک] تجزیه هسته بر اثر جذب پرتو گاما

barometric altimeter, pressure altimeter

فرازیاب فشاری

[علوم جو] فشارسنجی فلزی که فشار جو را به ارتفاع تبدیل می‌کند

downburst

فروپیکش

[علوم جو] جریان هوای کوچک مقیاس پایین‌سوی تند و خسارت‌بار، همراه با توفندر شدید، که به سطح زمین می‌رسد

ultrafiltration

فراصافش

[م. شیمی] جداسازی مواد جامد کلئیدی یا بسیار ریز با صاف کردن و عبور دادن سیال از محیط‌های ریز‌منفذ یا نیمه‌تراوا

katafront

فروجبهه

[علوم جو] جبهه‌ای که در آن هوای گرم روی سطح جبهه پایین می‌رود

فراگو ← اندام تولید

infrared

فروسرخ

[فیزیک] ویژگی تابشی که طول موج آن بین ۷۵۰ نانومتر تا یک میلیمتر باشد

فراگویی ← تولید

phonological process

فرایند واجی

[زبان.] هر نوع دگرگونی واجی شامل تغییر در مشخصه‌های آوایی، افزایش آوا، حذف یا جابه‌جایی آواها

downwash

فروشست

[علوم جو] حرکت پایین‌سوی آلاینده‌ها یا پره‌های

دود، درست در پشت موانع شارش

[زیست.] فرایند رشد اندامگان در محیط سرشار از مواد غذایی

فرونشان

repressor

[زیست.] مولکولی معمولاً پروتئینی که به وسیلهٔ ژن ترازگر (regulator) ساخته می‌شود و با اتصال به ورزگر، مانع رونویسی ورزهٔ مربوط می‌شود

neutron excess فزونی نوترون

[فیزیک] اختلاف عددی بین نوترون‌ها و پروتون‌های هسته

فرونشانی

repression, repressing

[زیست.] جلوگیری از رونویسی یا ترجمه در نتیجهٔ اتصال فرونشان به ورزگر

فشار اشباع بی‌درو

adiabatic saturation pressure

[علوم جو] فشاری که در آن بسته‌هوای مرطوب، با انبساط به صورت بی‌درو خشک، به سیری می‌رسد

فرونشانی اپتیکی، فرونشانی نوری

optical quenching

[اپتیک] کاهش شدت رخشانی تابش با تابش طول موج بلند مرئی یا فروسرخ

condensation pressure فشار میعان

← فشار اشباع بی‌درو

فرونشانی نوری ← فرونشانی اپتیکی

فروهنج

downdraft

[علوم جو] جریان هوای کوچک مقیاس پایین‌سو در ابر کومه‌ای‌بارا

فشار میعان بی‌درو

adiabatic condensation pressure

← فشار اشباع بی‌درو

membrane compaction فشردگی غشا

[م. شیمی] تراکم ساختار غشا بر اثر اختلاف فشار وارد بر دو سمت آن

فزونی پرورد ۱

copiotroph

[زیست.] اندامگانی که در محیط سرشار از مواد غذایی قادر به رشد است

measurable space فضای اندازه‌پذیر

[ریاضی] مجموعه‌ای همراه با یک سیگماجبر از زیرمجموعه‌های آن مجموعه

فزونی پرورد ۲

copiotrophic

[زیست.] ویژگی اندامگانی که در محیط سرشار از مواد غذایی قادر به رشد است

continental shelf فلات قاره

[زمین.] بخشی از حاشیهٔ قاره، بین خط ساحلی و شیب قاره، با شیبی بسیار کم

فزونی پروردگی

copiotrophy

photronics	فوتونیک	carbonate shelf	فلات قاره کربناتی
[اپتیک] شاخه‌ای از علم که به گسیل و عبور و تقویت و ثبت نور به وسیله ابزار نوری می‌پردازد		[زمین.] نوعی سکوی کربناتی که در آن سنگ آهک زیادی نهشته می‌شود	
photonic	فوتونیک	ampulla, ampulla ossea	فنجان
[اپتیک] مربوط به علم فوتونیک		[زیست.] برآمدگی فنجانی‌شکل در یکی از دو سر مجاری نیم‌دایره‌ای گوش داخلی	
photoionization, atomic photoelectric effect	فوتوایونش	cupula	فنجانک
[فیزیک] فرایندی که در آن بر اثر جذب فوتون، الکترون‌های اتم یا مولکول از آن جدا می‌شود		[زیست.] ساختاری فنجانی‌شکل و ژلاتینی در درون فنجان گوش که یاخته‌های حسی را در بر می‌گیرد	
particle physics, high-energy physics	فیزیک ذرات	cupular	فنجانکی
[فیزیک] شاخه‌ای از فیزیک که به بررسی خواص ذرات زیراتمی، به خصوص به ذرات ناپایداری می‌پردازد که در شتاب‌دهنده‌های ذرات یافت می‌شوند		[زیست.] مربوط به فنجانک	
single perforation, single perforated film, single perf.	فیلم تک‌آژ	photoconductor	فوتورسانا
[سینما و تلو.] فیلمی که تنها یکی از حاشیه‌های آن سوراخ‌دار است		[فیزیک] هر جامد غیرفلزی که رسانندگی آن بر اثر تابش الکترومغناطیسی افزایش یابد	
reversal film, reversal	فیلم خودمثبت، خودمثبت	photoconduction	فوتورسانش
[سینما و تلو.] فیلم خامی که با نوردهی و پردازش، تصویری مثبت از آن به دست می‌آید		[فیزیک] پدیده‌ای که در آن رسانندگی الکتریکی ماده به علت تابش الکترومغناطیسی، معمولاً در ناحیه نور مرئی طیف، افزایش پیدا می‌کند	
double perforation, double perforated film, double perf stock, double perf.	فیلم دواژ	photoconductivity	فوتورسانندگی
[سینما و تلو.] فیلمی که هر دو حاشیه آن سوراخ‌دار است		[فیزیک] میزان افزایش رسانندگی الکتریکی بعضی جامدهای غیرفلزی بر اثر جذب تابش الکترومغناطیسی	
		photon	فوتون
		[اپتیک] کوانتوم میدان الکترومغناطیسی	

قاب ← قاب تصویر

هر تغییر واجی یا آوایی استثنائپذیر

قدرمطلق absolute value

[ریاضی] فاصله یک عدد حقیقی یا مختلط از صفر

قرارداد اینترنت Internet Protocol, IP

[رایانه و فن.] قراردادی که قالب بستک‌ها و نحوه

نشانی‌دهی را مشخص سازد

قرارداد پیام‌گزینی

Internet Message Access Protocol, IMAP

[رایانه و فن.] قراردادی برای بازیابی پیام‌نگارها، با

قابلیت جست‌وجو میان آنها، روی کارسازِ نامه و

بارگیری دلخواه هر یک از پیام‌نگارها

قرارداد ساده نامه‌رسانی

Simple Mail Transfer Protocol, SMTP

[رایانه و فن.] استاندارد غیررسمی برای ارسال

پیام‌نگار از طریق اینترنت

قرارداد هدایت انتقال

Transmission Control Protocol, TCP

[رایانه و فن.] قراردادی که بر اساس آن دو میزبان

می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند و به مبادله داده

بپردازند

قطار تک‌ریل monorail train, monorail

[حمل - ریلی] قطاری که روی یک ریل حرکت می‌کند

قطار سبک ← قطار سبک شهری

قطار سبک شهری، قطار سبک

light rail transit, LRT

قاب ایستا freeze frame 2, fixed frame, stop frame

[سینما و تلو.] نما یا تصویر ثابت و بی‌حرکت که با

چاپ مکرر قاب تصویری مشخص به دست می‌آید

قاب‌ایستانی ← ایستا کردن قاب تصویر

قاب‌بندی framing

[سینما و تلو.] گزینش مناسب‌ترین قاب تصویر با

تنظیم زاویه عدسی و دوربین

قاب تصویر، قاب frame

[سینما و تلو.] ۱. تک‌تصویرهای روی نوار فیلم ۲.

حد و مرز هر تصویر

قاب صافی filter leaf

[م. شیمی] هر یک از قاب‌ها یا چارچوب‌های

نگه‌دارنده پارچه صافی در صافی فشاری

قاعده ساخت گروهی phrase structure rule

[زبان.] قاعده‌ای در دستور ساخت گروهی برای

تولید جمله

قاعده واجی phonological rule

[زبان.] در دستور زایشی، هر یک از قواعدی که

نمود واجی را با نمود آوایی مربوط می‌سازد

قانون آوایی sound law

[زبان.] در زبان‌شناسی تاریخی و مکتب نودستوریان،

قطعه واسط اپتیکی، قطعه واسط نوری
optical-to-optical interface device, OTTO
 [اپتیک] ابزاری که تصویر ناهمدوس را تبدیل به شیء همدوس کند

قطعه واسط نوری ← قطعه واسط اپتیکی
metathesis قلب
 [زبان]. فرایند جابه‌جایی جایگاه دو آوای مجاور

قلم نوری
light pen
 [رایانه و فن.]. افزاره‌ای ورودی با آشکارساز حساس به نور، برای انتخاب نمادهای (icon) روی پرده نمایش

قندکافت
glycolysis
 [زیست.]. فرایند تجزیه بی‌هوازی گلوکز به ترکیبات ساده‌تر که با آزاد شدن انرژی و تشکیل آت.پ. (ATP) همراه است

قندکافتی
glycolytic
 [زیست.]. ۱. مربوط به قندکافت ۲. ویژگی آنچه باعث قندکافت می‌شود

قهرمان
hero, heroine
 [ه.نمایشی]. ۱. شخصیت اصلی سوگنامه‌های یونان باستان و دوره کلاسیک که کم و بیش از صفاتی چون دل‌آوری، اشراف‌زادگی، زیبایی، جوانی و آشنایی با آداب عاشقی برخوردار است ۲. شخصیت اصلی نمایش

قهرمانی
heroic
 [ه.نمایشی]. مربوط و منسوب به قهرمان

[حمل - ریلی] نوعی قطار برقی، دارای یک یا چند واگن، که در شهر یا حومه برای حمل مسافر در سطح خیابان یا حریم خاص به کار می‌رود

قطار کابلی، قطار بافه‌ای
funicular railway
 [حمل - ریلی] نوعی قطار مخصوص مسیرهای کوتاه با شیب تند که نیروی کشش آن با موتوری ثابت و به کمک بافه و ایجاد موازنه بین قطارهای رفت و برگشت یا وزنه تعادل تأمین می‌شود

قطار مغناطیسی
maglev train
 [حمل - ریلی] قطاری که با استفاده از انرژی برق و رانش مغناطیسی حرکت می‌کند و هیچ‌گونه تماس و اصطکاکی با ریل ندارد

قطبش سنج
polarimeter
 [اپتیک] وسیله‌ای برای اندازه‌گیری چرخش صفحه قطبش با استفاده از محیط فعال نوری

قطبش‌سنجی
polarimetry
 [اپتیک] اندازه‌گیری چرخش صفحه قطبش موج تابشی

قطبیده
polarizer
 [اپتیک] ابزاری که نور را قطبیده می‌کند

قطع ← قطع فیلم

قطع فیلم، قطع
film gauge, gauge
 [سینما و تلو.]. پهنای فیلم بر حسب میلیمتر

قطعه تکثیر
propagulum, propagule
 [زیست.]. بخشی از گیاه، مانند جوانه‌ها یا شاخه‌های جانبی، که در تکثیر دخالت دارد

ک

کابل هم محور ← بافه هم محور

غذایی فقیر رشد کند

oligotrophy کاستی پروردگی
[زیست.] فرایند رشد اندامگان در محیط غذایی فقیر

mass defect کاستی جرم
[فیزیک] تفاوت میان جرم اتم و مجموع جرم‌های اجزای تشکیل‌دهنده آن که در محاسبه انرژی بستگی هسته مورد استفاده قرار می‌گیرد

filter paper کاغذ صافی
[م. شیمی] نوعی کاغذ متخلخل سلولزی که برای صافش استفاده می‌شود

palatable کام‌پذیر
[تغذیه و ص.] ویژگی غذای خوش طعم و دلچسب

palatability کام‌پذیری
[تغذیه و ص.] خوش طعم و دلپذیر بودن غذا

gamete کامه
[زیست.] یاخته جنسی که در فرایند لقاح و تشکیل تخم شرکت می‌کند

gametic کامه‌ای

cistron, structural gene کارایه
[زیست.] واحد ژنی رمزگذار یک زنجیره پلی‌پپتیدی ویژه که با آزمون تکمیل‌سازی (سپس و ترانس) تعریف می‌شود

کاربری ← کاربری زمین

landuse کاربری زمین، کاربری
[حمل - شهری] نوعی کاربری که از طرف مرجع معتبر برای زمینی در نظر گرفته می‌شود

debit card , prepaid card 1, prepaid telephone card, calling card کارت تلفن
[مخابرات] نوعی کارت اعتباری که می‌توان با آن بدون پرداخت نقدی از خدمات تلفن شهری، بین‌شهری یا بین‌المللی بهره‌مند شد

oligotroph کاستی پرورد ۱
[زیست.] اندامگانی که می‌تواند در محیط غذایی فقیر رشد کند

oligotrophic کاستی پرورد ۲
[زیست.] ویژگی اندامگانی که قادر است در محیط

lithotrophic**کاني پرورد ۲**

[زیست.] مربوط به کامه

[زیست.] ویژگی اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد معدنی تأمین می‌کند

lithotrophy**کاني پروردگی**

[زیست.] فرایندی که در آن، اندامگان انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد معدنی تأمین می‌کند

کد حرفی عددی، شناسه حرفی عددی**alphanumeric code**

[مخابرات] مجموعه‌ای متشکل از حروف و اعداد یک‌رقمی و علائمی که برای ارائه داده‌ها به صورت رقمی استفاده می‌شود

attention code, attention signal**کد خدمات خواهی**

[مخابرات] سیگنال ارسالی به واحد پردازش برای درخواست خدمات

access code **کد دسترسی، شناسه دسترسی**

[مخابرات] ۱. ارقامی که پیش از پیش‌شماره‌های اتصال به شبکه بین شهری یا بین‌المللی گرفته می‌شود تا کاربر به شرکت ارائه‌دهنده خدمات موردنظر متصل شود و بعد از این اعداد، شماره مخاطب گرفته می‌شود ۲. در ساختمان‌هایی که دارای تلفن مرکزی هستند، رقمی که برای آزاد شدن خط گرفته می‌شود

opacity**کدري**

[اپتیک] توانایی جسم یا ماده در جلوگیری از عبور تابش که به صورت نسبت شار تابش فرودی به شار گذرنده از آن نشان داده می‌شود

gametophore**کامه‌بر**

[زیست.] رشته یا شاخه‌ای که کامه‌دان را حمل می‌کند

gametangium**کامه‌دان**

[زیست.] یاخته یا اندامی نزد برخی از گیاهان و جلبک‌ها و قارچ‌ها که یاخته‌های جنسی تولید می‌کند

gametophyte**کامه‌رست**

[زیست.] مرحله تک‌لادی در گیاهان که در طی آن کامه‌ها ایجاد می‌شوند

gametogenic**کامه‌زایشی**

[زیست.] مربوط به کامه‌زایی

gametogenesis**کامه‌زایی**

[زیست.] فرایند تشکیل کامه یا یاخته‌های جنسی

gametocyte**کام‌یاخته**

[زیست.] یاخته تمایزنیافته‌ای که از تقسیم آن کامه ایجاد می‌شود

focus**کانون**

[زبان.] در ساخت اطلاع جمله، سازه‌ای که گوینده با استفاده از آهنگ یا نشانه‌ای دیگر آن را با تأکید بیان می‌کند

lithotroph**کاني پرورد ۱**

[زیست.] اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از دگرگشت مواد معدنی تأمین می‌کند

کد قفل‌گشای شخصی

personal unblocking key code, PUK code

[مخابرات] کدی که پس از سه بار ورود اشتباه شناسه، قادر به رفع مسدودیت از گوشی تلفن همراه است

کدنشانی

codress

[مخابرات] پیامی که در آن کل نشانی، درون متن رمزبندی‌شده‌ای گنجانده شده باشد

کره آب پنیر

whey butter

[تغذیه و ص.] کره‌ای که از چربی آب پنیر به دست می‌آید

کره بادام‌زمینی

peanut butter

[تغذیه و ص.] نوعی پنشینه که از بادام‌زمینی بوداده و آسیاب‌شده تهیه می‌شود و برای جلوگیری از جدا شدن روغن آن ترکیبات نامیزه‌ساز (emulsifier) به آن اضافه می‌کنند

کره گیاهی، کره نباتی

margarine, butterine

[تغذیه و ص.] نوعی چربی خوارکی عمدتاً گیاهی که بافت و ظاهری شبیه به کره دارد

کره نباتی ← کره گیاهی

کشش

length

[زبان.] در آواشناسی، طولانی کردن زمان تولید آوا که در برخی زبان‌ها ارزش واجی دارد

کفه قلیایی

alkali flat

[زمین.] دشت یا پشته‌ای مسطح در منطقه خشک

یا نیم‌خشک که بستر آن بر اثر تبخیر و زهکشی ضعیف از نمک‌های قلیایی پوشیده شده باشد

کفه نمک

salt flat

[زمین.] سطحی تخت با قشری از نمک

کفیر

kefir

[تغذیه و ص.] نوشیدنی گازدار و اسیدی که از تخمیر آب پنیر به کمک مخمری موسوم به دانه‌های کفیر به دست می‌آید

کلان هواشناسی

macrometeorology

[علوم جو] مطالعه هواشناختی بزرگ‌مقیاس، معمولاً برای منطقه جغرافیایی وسیع یا قاره یا حتی کل کره زمین

کلاهدک ریل، تاج ریل

railhead, head of rail

[حمل - ریلی] قسمت بالایی ریل که چرخ‌های قطار روی آن حرکت می‌کند

کمبود تغذیه

undernutrition, undernourishment

[تغذیه و ص.] نوعی سوء تغذیه ناشی از دریافت کمتر از حد مواد مغذی

کم‌پرورد

hypotrophic

[زیست.] دارای کم‌پروردگی یا مربوط به آن

کم‌پروردگی

hypotrophy, abiotrophy

[زیست.] رشد ناکافی یاخته‌ها در نتیجه تغذیه ناقص

کمدی ۱، شوخنامه

comedy

- نوترون بتواند در هسته جذب شود
- wander** **کُندلغزش**
[مخابرات] نوعی لغزش سیگنال که در بسامدهای کمتر از ده هرتز رخ می‌دهد و بیش از یک ثانیه دوام می‌آورد
- slow motion, overcranking** **کُندنمایی**
[سینما و تلو.] نوعی جلوه که در آن فیلمبرداری با سرعتی بیشتر از حد معمول انجام می‌شود و سپس فیلم با سرعت عادی به نمایش در می‌آید تا حرکات عناصر صحنه روی پرده کُند به نظر آید
- nowcast** **کنون‌بینی**
[علوم جو] پیش‌بینی وضع هوا تا چند ساعت آینده
- quantization** **کوانتتش**
[فیزیک] محدود بودن و محدود کردن اندازه بعضی از کمیت‌های فیزیکی به اعضای مجموعه گسسته‌ای از مقادیر
- quantized** **کوانتتیده**
[فیزیک] ویژگی کمیت‌های فیزیکی که می‌توانند تنها اندازه‌های گسسته داشته باشند
- fertigation, ferti-irrigation** **کودآبیاری**
[کشاورزی] زراعت. وارد کردن محلول کود در آب آبیاری
- night soil** **کود انسانی**
[کشاورزی] مدفوع و ادرار انسان که به عنوان کود در زمین‌های کشاورزی مصرف می‌شود
- [ه. نمایشی] اثر نمایشی سرگرم‌کننده‌ای که عیب‌ها و جنبه‌های مضحک رسوم و عادات طبقات گوناگون جامعه را برجسته‌تر می‌نماید
- comic** **کمدی ۲، شوخنامه‌ای، شوخناک**
[ه. نمایشی] مربوط به شوخنامه .
- comedian 2** **کمدی‌نویس، شوخنامه‌نویس**
[ه. نمایشی] نویسنده شوخنامه
- beam waist** **کمر باریکه**
[اپتیک] نقطه‌ای در باریکه گاوسی (Gaussian beam) که در آنجا سطح موج تخت است و قطر باریکه کمترین مقدار را دارد
- filter aid** **کمک‌صافی**
[م. شیمی] پودر یا دانه‌های بی‌اثر، مثل خاک یا ماسه، که با افزودن آن به محلول بر سرعت و کیفیت صافش افزوده می‌شود
- کنترل پذیرش اتصال**
connection admission control
[مخابرات] کنترل کمیت ظرفیت‌های مورد نیاز، متناسب با سطح کیفیت خدمات کاربران جدید و کاربران فعلی
- access control** **کنترل دسترسی**
[مخابرات] نظارت خودکار یا دستی بر دسترسی به خدمات خاص یا بخش معینی از شبکه
- moderator** **کندساز**
[فیزیک] ماده‌ای که از سرعت نوترون می‌کاهد تا

colonoscope, کولونبین، پس روده بین
coloscope

[زیست]. نوعی درون بین برای معاینهٔ پس روده

colonoscopy کولونبینی، پس روده بین

[زیست]. معاینهٔ پس روده با درون بین

کولون پایین رو، پس رودهٔ پایین رو
descending colon, colon descendens,
left colon

[زیست]. بخشی از پس روده، از خمیدگی موجود
در زیر طحال تا خمیدگی خم روده در سمت چپ

colonalgia کولون درد، پس روده درد

[زیست]. درد پس روده

colonic کولونی، پس روده ای

[زیست]. مربوط به پس روده

colluvium کوهرفت

[زمین]. تودهٔ سست ناهمگن و نامنسجم خاک و
خرده سنگ که در پای دامنهٔ تپه و کوه انباشته شود

colluvial کوهرفتی

[زمین]. وابسته یا مربوط به کوهرفت

kavir 2 کویر

[زمین]. زمین وسیعی که خاک آن شور و آهکی
است و مناسب کشاورزی نیست

membrane physical aging کهنگی غشا

[م. شیمی]. تغییر خاصیت تراوایی غشا در طول زمان و
بر اثر تغییرات ساختاری فیزیکی و شیمیایی

fast-release fertilizer, کود تندرہا
quick-release fertilizer

[کشاورزی & زراع]. کودی که سرعت انحلال آن
در آب زیاد است

slow-release fertilizer, کود کندرہا
slow-acting fertilizer

[کشاورزی & زراع]. کودی که سرعت انحلال آن
در آب کمتر از کودهای دیگر است

cecum, blindgut کورروده

[زیست]. بخش آغازین فراخ روده

cecal کورروده ای

[زیست]. مربوط به کورروده

colon, large intestine 2, کولون، پس روده
mega colon, segmented intestine

[زیست]. ۱. بخشی از فراخ رودهٔ مهره داران که بین
کورروده و راست روده قرار دارد ۲. بخش دوم
رودهٔ حشرات

transverse colon, کولون افقی، پس رودهٔ افقی
colon transversum

[زیست]. بخشی از پس روده که میان خمیدگی های
چپ و راست قرار دارد

کولون بالارو، پس رودهٔ بالارو

ascending colon, colon ascendens,
right colon

[زیست]. بخشی از پس روده، از کورروده تا خمیدگی
موجود در سمت راست و زیر کبد

گ

گاز

gas

[فیزیک] حالتی از ماده که شکل و حجم آن را ظرف دربرگیرنده‌اش تعیین می‌کند

گاز آرمانی

ideal gas 1

[فیزیک] گازی که ذرات آن بی‌نهایت کوچک و بدون برهم‌کنش محسوس باشد

گاز حقیقی

real gas, imperfect gas

[فیزیک] گازی که به علت برهم‌کنش بین مولکولی، خواص آن با خواص گاز آرمانی متفاوت است

گازفشاری بافه، گازفشاری کابل

cable pressurisation

[مخابرات] فن خشک نگهداشتن کابل کارگذاشته‌شده در محیط مرطوب، با دمیدن گاز یا هوای خشک، تحت فشار زیاد، به درون غلاف کابل

گازفشاری کابل ← گازفشاری بافه

گاز کامل

perfect gas, ideal gas 2

[فیزیک] گاز حقیقی بسیار رقیقی که نیروهای بین مولکولی آن بسیار کم است

گذار

transition

[فیزیک] ۱. تغییر هر سامانه کوانتومی از یک حالت انرژی به حالت دیگر ۲. تغییر حالت ماده از یکی از حالت‌های سه‌گانه به حالت دیگر

گذار درون‌نواری intraband transition

[فیزیک] گذار الکترون از تراز انرژی در یک نوار به تراز در همان نوار

گذار میان‌نواری interband transition

[فیزیک] گذار الکترون از تراز انرژی در یک نوار به تراز در نوار دیگر

گذشته‌نما

flashback

[سینما و تلو.] نما یا صحنه‌ای که نشان‌دهنده رویدادی است که در گذشته روایت فیلم اتفاق افتاده است

گراف بی‌دور

acyclic graph

[ریاضی] گرافی که دور نداشته باشد

گرایش فشار

pressure tendency, barometric tendency

[علوم جو] مقدار و چگونگی تغییر فشار در دوره زمانی معین

گرد آب‌پنیر

whey powder, dried whey

ganglionated, gangliated	گره‌دار	[تغذیه و ص.] پودری با کمتر از ۱۵٪ پروتئین که از تغلیظ و خشک کردن آب‌پنیر به روش افشانه‌ای تولید می‌شود
ganglion	گره عصبی، گره	گرفته [زبان.] در آواشناسی و واج‌شناسی، مشخصه آوایی که تولید آن با نوعی گرفتگی در مسیر جریان هوا همراه است
ganglionic	گره‌هی	obstruent [فیزیک] مربوط به پدیده‌های ترمودینامیکی ناشی از تغییر شکل ماده کشسان
gangliocyte	گره‌یاخته	thermoelastic [فیزیک] مربوط به پدیده‌های ترمودینامیک که در آن تراکم‌پذیری مواد بررسی می‌شود
infrared emission	گسیل فروسرخ	thermoelasticity [فیزیک] مبحثی در ترمودینامیک که در آن تراکم‌پذیری مواد بررسی می‌شود
transformation	گشتار	platoon [حمل - شهری] دسته‌ای از وسایل نقلیه که به دلیل وضعیت چراغ‌های راهنمایی یا هندسه راه با یکدیگر حرکت می‌کنند
transformationalist	گشتارگرا، گشتاری ۱	Abelian group [ریاضی] هر گروه که عمل دوتایی آن جابه‌جایی باشد
transformationalism	گشتارگرایی	commutative group گروه جابه‌جایی ← گروه آبدلی
transformational	گشتاری ۲	گره ← گره عصبی
		گره‌آماس [زیست.] التهاب گره

[زمین.] جریانی از مواد خاکی ریزدانه بسیار سیال

glucogenic **گلوکز زایشی**

[زیست.] ویژگی آنچه باعث ایجاد و افزایش گلوکز می شود

glucogenesis **گلوکز زایی**

[زیست.] تشکیل گلوکز از فراورده های قند کافتی در بدن جانوران

glycogenesis **گلیکوژن انباشت**

[زیست.] انباشته شدن بیش از حد گلیکوژن در بافت ها

glycogenetic, glycogenic **گلیکوژن زایشی**

[زیست.] دخیل در فرایند نوگل زایی یا مربوط به آن

glycogenesis, glycogeny **گلیکوژن زایی**

[زیست.] تشکیل گلیکوژن از گلوکز یا سایر تک قندی ها

glycogenolysis **گلیکوژن کافت**

[زیست.] فرایند تبدیل گلیکوژن به گلوکز در بافت های بدن

glycogenolytic **گلیکوژن کافتی**

[زیست.] ویژگی آنچه باعث تحریک یا افزایش گلیکوژن کافت می شود

caryopsis **گندمه**

[کشاورزی] «زراع.» میوه خشک و یکدانه ای در گندمیان که پوسته آن به دانه چسبیده است

sperm 2 **گُشناب**

[زیست.] مایع سفید غلیظ شامل زامه و ترشحات غدد دستگاه جنسی نر

seminal vesicle **گُشناب دان**

[زیست.] اندامی در مهره داران و برخی از بی مهره گان که محل ذخیره گُشناب است

spermiduct **گُشناب راه**

[زیست.] مجرای خروج گُشناب

spermatism **گُشناب ریزی**

[زیست.] فرایند تشکیل یا تخلیه گُشناب

starvation **گشنه مانی**

[تغذیه و ص.] وضعیتی ناشی از محرومیت از غذا که به کمبود انرژی و مواد مغذی و در نتیجه اختلال در سوخت و ساز و رشد و کاهش شدید وزن و در نهایت مرگ منجر می شود

cell starvation **گشنه مانی یاخته ای**

[تغذیه و ص.] وضعیتی که در آن یاخته های بدن دچار کمبود مواد مغذی می شوند

mud crack **گِل ترک**

[زمین.] ترک های چند ضلعی حاصل از انقباض گِل به هنگام خشک شدن

chalk **گِل سفید**

[زمین.] سنگ آهکی نرم، خالص، ریزدانه، سفید تا خاکستری با منشأ دریایی

mudflow **گِل شار**

antherozoid	گیازامه، زامه ۲	گوارد	assimilation 1, magmatic assimilation, magmatic dissolution
	[زیست.] کامه نر متحرک در گیاهان پست		[زمین.] یکی شدن بیگانه سنگ‌ها (xenolith) و اجزای شیمیایی آنها با توده‌ای از ماگما و هضم آنها در ماگما
antherozoidal	گیازامه‌ای، زامه‌ای		
	[زیست.] مربوط به گیازامه		
vegetarian	گیاهخوار	گوارده	assimilated 1
	[تغذیه و ص.] فردی که به هر دلیل از خوردن گوشت و فراورده‌های گوشتی پرهیز می‌کند		[زمین.] ویژگی سنگ یا ماده‌ای که فرایند گوارد بر آن انجام شده باشد
vegan, strict vegetarian, pure vegetarian	گیاهخوار مطلق	گوشی	handset
	[تغذیه و ص.] گیاهخواری که به هیچ‌وجه غذاهای با منشأ حیوانی مصرف نمی‌کند		[مخابرات] ۱. بخشی از دستگاه تلفن که کاربر به واسطه آن مکالمه می‌کند ۲. (کاربرد عمومی) دستگاه تلفن
vegetarianism	گیاهخواری	گوی تن	spherosome, oleosome
	[تغذیه و ص.] شیوه‌ای از تغذیه که در آن فرد به هر دلیل از خوردن گوشت و فراورده‌های گوشتی پرهیز می‌کند		[زیست.] اندامک تک‌غشایی و تقریباً کروی شکل در یاخته‌های هویسته‌ای که وظیفه آن ساخت و ذخیره چربی است
capture	گیراندازی	گوی تنی	spherosomal
	[فیزیک] فرایندی که در آن یک نوترون جذب هسته هدف می‌شود و با تشکیل هسته مرکب، انرژی اضافی به صورت تابش گاما گسیل می‌شود		[زیست.] مربوط به گوی تن
		گویزه	coccus
			[زیست.] نوعی باکتری کروی شکل
		گویزه‌ای	coccal
			[زیست.] مربوط به گویزه

ل ، م

همچون اشاره کردن و هدایت کردن و طراحی در رایانه به کار می‌رود

لَتِ لمسی touchpad

[رایانه و فن.] قطعه کوچک حساس به تماس که به عنوان افزاره اشاره در برخی از رایانه‌های قابل حمل به کار می‌رود، و با حرکت انگشت یا شیء دیگری بر سطح آن، می‌توان اشاره‌گر را روی پرده نمایش به حرکت درآورد و با زدن ضربه‌ای بر آن، عمل کلیک کردن را انجام داد

لجن sludge

[م. شیمی] مواد جامد نامطلوب که در فرایند جداسازی یا آمایش (treatment) ته‌نشین شود

لجن اسیدی acid sludge

[م. شیمی] آنچه پس از آمایش روغن‌های نفتی با اسید سولفوریک و جدا شدن ناخالصی‌ها باقی می‌ماند

لجن فعال activated sludge

[م. شیمی] لجنی که از فاضلاب گرفته و برای آمایش میکروبی هوادهی می‌شود

لغزش jitter

[مخابرات] تغییرات کوتاه‌مدت و اتفاقی در

لای silt

[کشاورزی < زراعت.] ۱. ذرات ریز معدنی خاک، حد فاصل رُس و شن، با قطر بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۰۲ میلی‌متر ۲. طبقه‌ای از بافت خاک که کمتر از ۱۲٪ رس و بیشتر از ۸۰٪ لای دارد

لایه bed

[زمین.] کوچکترین واحد در سنگ‌های رسوبی چینه‌ای

لایه‌ای bedded

[زمین.] ویژگی سنگ‌هایی که از لایه‌های مختلف تشکیل شده باشد

لایه‌بندی bedding, layering

[زمین.] چگونگی استقرار سنگ‌های رسوبی در لایه‌هایی با ضخامت و ویژگی متفاوت

لایه‌بندی همساز concordant bedding, parallel bedding

[زمین.] ساختاری رسوبی که مشخصه آن وجود لایه‌های موازی است

لَت pad 2

[رایانه و فن.] صفحه‌ای لوح‌مانند که معمولاً به عنوان زیردستی یا محلی ویژه برای انجام کارهایی

- زمانبندی و فاز سیگنال‌های ارسالی که منجر به
خطا و اختلال در هم‌زمان‌سازی می‌شود
- لغزیده jittered**
[مخابرات] مربوط به فرایند لغزش
- ماشوره کام siphonogamous, siphonogamic
[زیست.] مربوط به ماشوره کامی
- لکوموتیو ترکیبی hybrid locomotive
[حمل - ریلی] قطار برقی با موتور دیزلی که از دو
امکان استفاده از نیروی برق و سوخت فسیلی
برخوردار است
- ماشوره کامی siphonogamy
[زیست.] باروری کامه ماده از طریق لوله گرده
- لور whey cheese
[تغذیه و ص.] پنیری که با حرارت دادن آب پنیر و
انعقاد پروتئین‌های آن تولید می‌شود
- ماشین جوش ریل rail-welding machine
[حمل - ریلی] ماشین ویژه جوش الکتریکی ریل
که با گذاشتن و فشردن دو انتهای ریل آنها را به
یکدیگر متصل می‌کند
- لوله فالوپ Fallopian tube
[زیست.] هر یک از لوله‌هایی که تخمک را از
تخمدان به زهدان منتقل می‌کند
- ماشین خط‌آرا، خط‌آرا ballast regulator
[حمل - ریلی] ماشین برای صاف و یک‌نواخت
کردن لایه پاژسنگ
- لپید ← چربی
- ماشین روکوب ballast compactor,
ballast consolidator
[حمل - ریلی] دستگاهی برای کوبیدن و متراکم
کردن پاژسنگ سست از روی خط
- ماتریس الحاقی adjoint matrix
[ریاضی] ماتریسی که هر درایه (entry) آن برابر
هم‌عامل (cofactor) متناظر آن درایه در ماتریس
ترانپاده‌اش (transposed matrix) باشد
- ماده حجم‌افزا، حجم‌افزا bulking agent
[تغذیه و ص.] ماده غیر مغذی که برای افزایش
حجم به مواد غذایی افزوده می‌شود
- ماشین ریل ساب، ریل ساب rail-grinding machine, rail grinding train
[حمل - ریلی] دستگاهی که با سایش ناهمواری‌های
سطحی تاج ریل، رویه آن را صیقل می‌دهد
- ماده سردساز، سردساز refrigerant
[فیزیک] ماده‌ای با ویژگی‌هایی مثل دمای تبخیر

که با تقسیم رشتتمانی تبدیل به مام‌یاخته می‌شود

oogenetic مامه‌زایشی
[زیست.] مربوط به مامه‌زایی

oogenesis مامه‌زایی
[زیست.] فرایند تشکیل و رشد یاخته تخم در تخمدان جانوران

ootid مام‌یاختک
[زیست.] یاخته‌ای تک‌لاد که از تقسیم کاستمانی مام‌یاخته به وجود می‌آید

oocyte مام‌یاخته
[زیست.] یاخته‌ای در تخمدان پستانداران که پس از تقسیم کاستمانی، مامه تولید می‌کند

piscitarian ماهی-گیاخوار
[تغذیه و ص.] گیاخواری که گوشت ماهی نیز مصرف می‌کند

liquid مایع
[فیزیک] حالتی از ماده که حجم ثابتی دارد و شکل آن را ظرف دربرگیرنده‌اش تعیین می‌کند

seed inoculation مایه‌زنی بذر
[کشاورزی] زراعت. [تیمار بذر بقولات با مواد تثبیت‌کننده نیتروژن

topic مبتدا
[زبان.] در ساخت اطلاع جمله، شخص یا چیزی که خبر درباره آن است و نخستین سازه اصلی

track-laying machine ماشین ریل‌گذار
[حمل - ریلی] جرثقیل دروازه‌ای ریلی برای نصب ریل‌بست در خطوط جدید

ballast tamper, ballast tamping machine ماشین زیرکوب
[حمل - ریلی] دستگاهی برای متراکم کردن پاژسنگ از زیر ریل‌بند

ovum, egg cell, egg مامه
[زیست.] یاخته‌ی زایشی ماده که پس از لقاح به تخم تبدیل می‌شود و موجودی مشابه همان گونه را به وجود می‌آورد

archegonium, oogonium 1 مامه‌دان
[زیست.] اندامی در برخی نهان‌زادان (cryptogams) که در آن یاخته جنسی ماده تولید می‌شود

archegoniophore مامه‌دان‌بر
[زیست.] پایه حامل مامه‌دان

archegoniate مامه‌دان‌دار
[زیست.] دارای مامه‌دان

archegonial مامه‌دانی
[زیست.] مربوط به مامه‌دان

oogonial مامه‌زا ۱
[زیست.] مربوط به یاخته جنسی نابالغ

oogonium 2 مامه‌زا ۲
[زیست.] یاخته جنسی نابالغ در تخمدان جانوران

جمله به شمار می‌رود	متوسط سالیانه تردد روز کاری
مبتداسازی	annual average weekday traffic
[زبان.] حرکت یک سازه به آغاز جمله	[حمل - شهری] میانگین تردد شمارش شده در روزهای کاری
مبتداسازی شده، مبتداشده	مثلت‌تند
[زبان.] ویژگی سازه‌ای که در جمله مبتدا واقع شده است	acute triangle, acute-angle triangle
مبتداشده ← مبتداسازی شده	مجرای آوایی
متخصص نحو، نحوی ۱	vocal tract
[زبان.] کسی که در علم نحو تخصص دارد	[زبان.] حفره‌های پس از تارآواها تا دو لب که در جریان تولید آوا، هوا از میان آنها عبور می‌کند
متلاطم	مجموع
[علوم جو] حالت تلاطم در هوا یا هر شاره دیگر	sum
متوالی، سری	مجموعه کراندار
[زبان و فن.] ویژگی کاری که بر روی داده‌ها به صورت پشت سر هم انجام می‌شود	bounded set
متوت ← مدار تعادل و تطبیق	[ریاضی] مجموعه‌ای از نقاط که در یک گوی مفروض قرار داشته باشد
متوسط تردد روزانه	محدودساز برخوانی
[حمل - شهری] تعداد متوسط وسایل نقلیه عبوری از نقطه‌ای مشخص در طول یک شبانه‌روز	call restrictor
متوسط سالیانه تردد روزانه	محدودسازی برخوانی
annual average daily traffic	call restriction
[حمل - شهری] میانگین تردد شمارش شده در تمام روزهای سال	[مخابرات] یکی از "خدمات خاص مرکز تلفن" که باعث محدود شدن برخی از ارتباطات کاربران می‌شود

fading	محوشدگی	محدوده تجاری مرکزی
[مخابرات] افت قدرت سیگنال بر اثر تغییر شرایط انتشار		central business district [حمل - شهری] محدوده مرکزی شهرها که عمدتاً دارای کاربری اداری و تجاری است و تردد در آنها زیاد است
transparent medium	محیط شفاف	محدوده مرکز ← محدوده مرکز تلفن
[اپتیک] محیطی که نور مرئی یا بخشی از پرتوهای الکترومغناطیسی از آن عبور کند		
opaque medium	محیط کدر	محدوده مرکز تلفن، محدوده مرکز مخابرات، محدوده مرکز exchange area
[اپتیک] محیطی که نور مرئی از آن عبور نکند		[مخابرات] محدوده‌ای جغرافیایی که مشترکان هر مرکز در آن قرار می‌گیرند و می‌توانند از مرکز، خط تلفن و خدمات مربوط به آن را دریافت کنند
translucent medium	محیط نیم‌شفاف	محدوده مرکز مخابرات ← محدوده مرکز تلفن
[اپتیک] محیطی که نور مرئی از آن عبور کند، اما نتوان از پشت آن تصویر واضحی از شیء مشاهده کرد		
cone of silence	مخروط سکوت	محور اپتیکی، محور نوری optical axis 1, principal axis 1
[مخابرات] منطقه مخروطی شکل فضای بالای آنتن‌ها که در آن سیگنال‌های رادیویی ارسال شده ضعیف می‌شوند یا شنیده نمی‌شوند		[اپتیک] خطی فرضی که از مرکز انحنای سطوح در یک سامانه اپتیکی می‌گذرد
mixer-settler, mixer-settler extractor	مخلوط - ته‌نشین‌کن	محور اصلی اپتیکی، محور اصلی نوری principal axis 2, optical axis 2, optic axis
[م. شیمی] تعدادی مخلوط‌کن و ته‌نشین‌کن که با آرایش خاصی در امتداد هم قرار می‌گیرند و نوعی سامانه استخراج با حلال تشکیل می‌دهند		[اپتیک] امتدادی در محیط‌های دوشکستی (birefringent) که در آن سرعت پرتوهای عادی و غیرعادی یکسان است
anode circuit, plate circuit	مدار آند	محور اصلی نوری ← محور اصلی اپتیکی
[فیزیک] اجزای بین آند و کاتد در لامپ‌های الکترونی		محور نوری ← محور اپتیکی

[فیزیک] پردازش عمدی حامل سیگنال به گونه‌ای که دامنه آن مطابق تغییرات سیگنال مدوله کننده تغییر کند

مرجع

authority, telecommunications authority

[مخابرات] نهادی ملی برای سامان بخشیدن به مخابرات هر کشور و وضع مقررات مخابراتی برای تشویق شرکت‌های مخابرات به رقابت بیشتر و حمایت از مشتریان و کاربران خدمات مخابراتی

exit pupil

مردمک خروجی

[اپتیک] تصویر دهانه‌بند (aperture stop) یک سامانه نوری در فضای تصویر

entrance pupil

مردمک ورودی

[اپتیک] تصویر دهانه‌بند یک سامانه نوری در فضای شیء

boundary of a set

مرز مجموعه

[ریاضی] مجموعه همه نقاط مرزی یک مجموعه در فضای توپولوژیک

مرکز ← مرکز تلفن

مرکز تلفن، مرکز مخابرات، مرکز

exchange centre, exchange

[مخابرات] مجموعه ساختمان و تأسیسات و تجهیزاتی که وظیفه اصلی آن اتصال خطوط تلفن به یکدیگر از طریق سودهی است

مرکز مخابرات ← مرکز تلفن

balun, balanced converter, line-balance converter, balun transformer, balanced-to-unbalanced transformer

[مخابرات] افزاره متعادل‌کننده و تطبیق‌دهنده دو رسانه مختلف

dwel time

مدت ایست

[حمل - شهری] زمان معین توقف وسیله نقلیه همگانی یا قطار که شامل زمان لازم برای پیاده و سوار کردن مسافر و باز و بسته شدن درها و استقرار مسافران در جای خود است

call duration

مدت برخوانی

[مخابرات] مدت زمانی که از برداشتن گوشی توسط برخوانده آغاز می‌شود و تا هنگامی که یکی از طرفین گوشی را بگذارد و ارتباط قطع شود، ادامه می‌یابد

down time

مدت خواب

[حمل - شهری] وقفه در خدمات‌دهی وسایل نقلیه برای تعویض یا تعمیر یا تأمین قطعات آنها

journey time

مدت سفر

[حمل - شهری] مدت زمان صرف‌شده در سفر بین دو حوزه، از لحظه خروج از توقفگاه تا توقف در مقصد

travel time, journey duration

[حمل - شهری] مدت زمان سفر وسیله نقلیه در مسیری با مبدأ و مقصد معین

مدوله‌سازی دامنه

amplitude modulation, AM

changeback	مسیر واگردانی	central office	مرکز مخابراتی
[مخابرات] فرایند بازگرداندن شدآمد (ترافیک) از مسیر فرعی به مسیر اصلی		[مخابرات] مرکز تلفن محلی که مشترکان به آن متصل اند	
single track line	مسیر یک خطه	mean free path	مسافت آزاد میانگین
[حمل - ریلی] مسیر راه‌آهنی که در آن رفت و برگشت فقط در یک خط صورت گیرد		[فیزیک] میانگین مسافتی که هر ذره در فاصله زمانی بین برخوردهای پیاپی با ذرات دیگر می‌پیماید	
feature	مشخصه	commuter	مسافر حومه - شهری
[زبان] کوچکترین واحد آوایی، صرفی، نحوی یا معنایی		[حمل - شهری] مسافری که برای مراجعه به منزل یا رفتن به محل کار خود از حومه به داخل شهر یا برعکس سفر می‌کند	
semantic feature	مشخصه معنایی	call barring	مسدودسازی برخوانی
← مؤلفه		[مخابرات] امکانی در دستگاه‌های تلفن رومیزی یا همراه که به مشترک اجازه می‌دهد از زنگ خوردن تلفن جلوگیری کند	
prognostic equation	معادله پیش‌یابی	diverted traffic, diverted demand	مسیر تغییر یافته
[علوم جو] هر معادله حاکم بر سامانه جوی، دارای مشتق زمانی		[حمل - شهری] مسیری که تحت تأثیر تغییر کاربری زمین یا هر دلیل دیگر تغییر کند، بی‌آنکه مبدأ و مقصد و وسیله سفر عوض شود	
continuity equation, equation of continuity	معادله پیوستگی	double track line	مسیر دو خطه
[علوم جو] معادله هیدرودینامیکی بیانگر اصل پایستگی جرم در شار		[حمل - ریلی] مسیر راه‌آهنی که در آن رفت و برگشت در دو خط جداگانه امکان‌پذیر باشد	
algebraic equation, polynomial equation	معادله جبری	changeover	مسیرگردانی
[ریاضی] تساوی بین دو چندجمله‌ای شامل یک یا چند متغیر که به ازای مقادیر خاصی از متغیرها برقرار است		[مخابرات] فرایند جابه‌جا کردن شدآمد (ترافیک) از مسیر اصلی به مسیر فرعی به علت خرابی مسیر اصلی یا منظوری دیگر	

معنی‌شناسی، معناشناسی semantics

[زبان]. شاخه‌ای از زبان‌شناسی که به مطالعه معنی در زبان می‌پردازد

معنی‌شناسی زایشی، معناشناسی زایشی
generative semantics

[زبان]. رویکردی معناشناختی در زبان‌شناسی زایشی که در آن بخش معنایی دستور به عنوان پایه‌ای برای اشتقاق ساخت نحوی تلقی می‌شود

معنی‌شناسی شناختی، معناشناسی شناختی
cognitive semantics

[زبان]. نظریه‌ای معناشناختی که بخشی از دستور شناختی است و معنا را با مفهوم‌سازی مرتبط می‌داند

معنی‌شناسی صوری، معناشناسی صوری
formal semantics

[زبان]. مطالعه معنای عبارات یا جملات در چارچوب نظام‌های منطقی یا ریاضی

مغز دانه kernel 2

[کشاورزی «زراعت»]. بخشی از بذر که درون پوسته بذر قرار دارد

مغناطش magnetization

[فیزیک] ۱. فرایند تبدیل ماده مغناطیسی به آهن‌ریا ۲. میزان آهن‌رباشدگی ماده مغناطیسی

مغناطنده magnetizing

[فیزیک] ویژگی میدان یا جریانی که ماده را مغناطیده می‌کند

معادله شارش flow equation

[فیزیک] معادله‌ای برای محاسبه جریان شاره در لوله‌ها یا کانال‌ها که به صورت رابطه میان خواص شاره (چگالی و چسبندگی)، شرایط محیط (دما یا فشار) و شرایط و هندسه لوله و کانال (قطر و شکل سطح مقطع و میزان همواری سطح داخلی) بیان می‌شود

معادله فرایابی diagnostic equation

[علوم جو] هر معادله حاکم بر سامانه جوی، بدون مشتق زمانی

معناشناختی ← معنایی

معناشناس ← معنی‌شناس

معناشناسی ← معنی‌شناسی

معناشناسی زایشی ← معنی‌شناسی زایشی

معناشناسی شناختی ← معنی‌شناسی شناختی

معناشناسی صوری ← معنی‌شناسی صوری

معنایی، معنی‌شناختی، معناشناختی semantic

[زبان]. مربوط به معنا و معنی‌شناسی

معنی‌شناختی ← معنایی

معنی‌شناس، معناشناس semanticist

[زبان]. متخصص در علم معنی‌شناسی

matter wave	موج ماده ← موج دوبروی	magnetized	مغناطیده [فیزیک] ویژگی هر جسم که بردار مغناطش آن غیر صفر باشد
complex wave	موج مرکب [فیزیک] موجی که شامل چند بسامد باشد	magnetics	مغناطیس ۱ [فیزیک] شاخه‌ای از فیزیک که در آن پدیده‌های مغناطیسی بررسی می‌شود
modem, modulator-demodulator	مودم [رایانه و فن.] وسیله‌ای برای تبدیل اطلاعات رقمی دوگانی به علامت‌های صوتی در خطوط تلفن	magnetism	مغناطیس ۲ [فیزیک] هر پدیده‌ی مربوط به میدان‌های مغناطیسی و اثر آنها بر ماده
component 2, sense component	مؤلفه [زبان.] کوچکترین واحد معنایی سازنده معنای واژه	Perl interpreter	مفسر پرل [رایانه و فن.] برنامه‌ای که گزاره‌های زبان برنامه‌نویسی پرل را خط به خط (یک خط در هر مرحله) ترجمه و اجرا می‌کند
dewaxing	موم‌زدایی [م. شیمی] فرایند جدا کردن موم‌های هیدروکربنی جامد از ترکیبات آلی	principal section, principal plane 2	مقطع اصلی [اپتیک] صفحه‌ای شامل پرتو و محور نوری در بلورهای تک‌محوری
dewaxed	موم‌زدوده [م. شیمی] ویژگی ماده‌ای که موم آن گرفته شده باشد	metathesized	مقلوب [زبان.] ویژگی آوایی که دچار قلب شده است
interfacing	میان‌سازی [رایانه و فن.] عمل ایجاد ارتباط با محیط بیرون به وسیله میانه	dispersing prism	منشور پاشان [اپتیک] منشوری که نور مرکب را به اجزای آن تجزیه کند
intercut, intercutting	میان‌برش [سینما و تلو.] قرار دادن نما یا نماهایی در مجموعه نماهای یک صحنه برای بسط تحولات رویداد	parallel	موازی [رایانه و فن.] ویژگی دو یا چند نرم‌افزار یا سخت‌افزار که هم‌زمان کار می‌کنند
strudel	میان‌پُر [تغذیه و ص.] نوعی خوراکی که از چند ورقه نازک خمیر تهیه می‌شود و معمولاً درون آن را با میوه و گاه با گوشت یا سبزیجات پر می‌کنند	de Broglie wave	موج دوبروی [فیزیک] موج مکانیک کوانتومی وابسته به هر ذره
centre stage, centre	میان‌صحنه		

هسته آنها، برای تشکیل توده‌ای چندهسته‌ای

[هـ. نمایشی] قسمت مرکزی محوطه صحنه

میدان ← هیأت

centrosphere, attraction-sphere میان‌گوی

[زیست.] لایه‌ای تمایز یافته از میان‌یاخته که میانک

را دربرمی‌گیرد

میدان جبری بسته ← هیأت جبری بسته

rate of flow میزان جریان

[حمل - شهری] تعداد مسافر یا وسیله نقلیه

عبوری از نقطه‌ای معلوم که در یک دوره زمانی

معین بر حسب ساعت شمارش شوند

centrospheric میان‌گویی

[زیست.] مربوط به میان‌گوی

insert shot, insert میان‌نما

[سینما و تلو.] نوعی نمای جزئیات که در مرحله

تدوین در میان رویداد اصلی گنجانده می‌شود

web hosting میزبانی وب

[رایانه و فن.] ایجاد و اداره فضایی که دارای یک یا

چند کارساز یا وب‌گاه باشد تا کاربران بتوانند

صفحات وب خود را در آن درج کنند

intertitle, inserted title میان‌نویس

[سینما و تلو.] نوشته‌ای که در فاصله بین نماهای

فیلم برای ارائه اطلاعات تکمیلی یا گفتگو

و گفتار ظاهر می‌شود

condensation میعان

[علوم جو] فرایند تبدیل حالت آب از بخار به مایع

intron میانه

[زیست.] توالی‌های ژنی که رمزگذار فراورده ژنی

نیستند

microfiltration میکروصافش

[م. شیمی] نوعی فرایند صافش که در آن ذراتی با

اندازه میکرونی را می‌توان صاف کرد

intronic میانه‌ای

[زیست.] مربوط به میانه

bacillus میلزه

[زیست.] نوعی باکتری میله‌ای شکل که طول آن

دو یا چند برابر قطر آن است

epenthesis میان‌هشت

[زبان.] فرایند افزودن یک واحد آوایی در میان دو

آوای متوالی برای جدا کردن آنها از یکدیگر

bacillary میلزه‌ای

[زیست.] مربوط به میلزه

epenthetic میان‌هشتی

[زبان.] مربوط به فرایند میان‌هشت

bacilliform میلزه‌شکل

[زیست.] به شکل میلزه

plasmogamy میان‌یاخته‌کامی

[زیست.] فرایند ترکیب دو پیش‌یاخته، بدون ترکیب

ن

نابودی زوج pair annihilation, annihilation

[فیزیک] پدیده‌ای که در آن ذره‌ای با پادذره (antiparticle) متناظرش برخورد می‌کند و هر دو ناپدید می‌شوند و انرژی آنها به دو یا چند فوتون تبدیل می‌شود

ناجور تخم ۱ heterozygote

[زیست]. موجودی دارای یک جفت دگره متفاوت برای بروز یک صفت

ناجور تخم ۲ heterozygous

[زیست]. مربوط به موجود ناجور تخم

ناجور تخمی heterozygosis, heterozygosity

[زیست]. برخورداری از دگره‌های نامشابه در یک یا چند جایگاه از قطعات فام‌تنی همساخت

ناجور فام‌تن heterosome

[زیست]. فام‌تن‌های جنسی هر یاخته

ناجور فام‌تنی heterosomal

[زیست]. مربوط به ناجور فام‌تن

ناجور کام heterogamous

[زیست]. مربوط به ناجور کامی

ناجور کامه heterogamete, anisogamete

[زیست]. کامه‌ای که از نظر اندازه و ظاهر و ساختار یا محتوای فام‌تن جنسی از کامه جنس مخالف متمایز است

ناجور کامه‌ای heterogametic, anisogametic

[زیست]. مربوط به ناجور کامه

ناجور کامی heterogamy

[زیست]. تولیدمثل جنسی از طریق ترکیب کامه‌هایی که از نظر شکل و اندازه متفاوت‌اند

نادستوری ← غیردستوری

نارسا non-sonorant

← گرفته

نافرجامی abort

[مخابرات] به نتیجه نرسیدن ارتباط در اثر عمل کارور یا واکنش خودکار دستگاه‌های برقرارکننده ارتباط، به دلیل وجود نوفه بیش از حد یا خرابی یا ازدحام در خط انتقال

ناهمگونی، ناهمگون‌شدگی **dissimilation**

[زبان.] فرایندی که از طریق آن، مشخصه یا مشخصه‌های یک واحد آوایی با مشخصه یا مشخصه‌های واحد آوایی پیش یا پس از آن متفاوت می‌شود

نحو **syntax**

[زبان.] شاخه‌ای از مطالعات زبانی که به مطالعه قواعد تشکیل سازه‌های بزرگ‌تر از واژه در جمله‌سازی اختصاص دارد

نحوی ۱ ← متخصص نحو

نحوی ۲ **syntactic**

[زبان.] مربوط به نحو

نخینه **hypha, fungal filament**

[زیست.] هر یک از رشته‌های تشکیل دهنده جُلینه در قارچ‌های عالی

نخینه‌ای **hyphal**

[زیست.] مربوط به نخینه

نرم‌افزار بسته‌ای **packaged software**

[رایانه و فن.] هر محصول نرم‌افزاری که بتوان آن را به صورت آماده و در صورت نیاز با تغییرات و سفارشی‌سازی (customization) محدود از فروشندگان نرم‌افزار تهیه کرد

نرم‌نبات **toffee**

[تغذیه و ص.] نوعی آبنبات که از کره و شیر و شکر تهیه و با مکیدن یا جویدن نرم می‌شود

ناقهرمان **antihero**

[هـ. نمایشی] شخصیت اصلی نمایش که فاقد ویژگی‌ها و ارزش‌های سنتی قهرمان است

نانمایش **antitheatre, antidrama**

[هـ. نمایشی] نمایشی که تقریباً تمامی معیارهای نمایش سنتی به ویژه قهرمان سنتی را نفی می‌کند

نانوصافش **nanofiltration**

[م. شیمی] نوعی فرایند صافش که در آن ذراتی با اندازه نانویی را می‌توان صاف کرد

ناوگان **fleet, rolling stock**

[حمل - شهری] تعداد وسایل نقلیه در یک سامانه حمل و نقل

ناهمکام **apogamous**

[زیست.] مربوط به ناهمکامی

ناهمکامی **apogamy**

[زیست.] تشکیل رویان بدون انجام لقاح

ناهمگون‌شدگی ← ناهمگونی

ناهمگون شدن **dissimilate**

[زبان.] تغییر مشخصه یا مشخصه‌های یک واحد آوایی برای متفاوت شدن با مشخصه یا مشخصه‌های واحد آوایی دیگر پیش یا پس از آن

ناهمگون شده، ناهمگون **dissimilated**

[زبان.] ویژگی یک واحد آوایی که مشخصه یا مشخصه‌های آن دچار ناهمگونی شده باشد

[سینما و تلو.] نسخه کامل و نهایی فیلم که برای توزیع و پخش آماده است

first answer print, answer print, final trial print نسخه پیش پخش

[سینما و تلو.] نسخه نهایی و ناطق فیلم که معمولاً نسخه پخش از روی آن تهیه می شود

dupe نسخه دوم

[سینما و تلو.] نسخه منفی یا مثبت فیلم یا نوار که از روی نسخه اصلی تکثیر شده باشد

film print, print نسخه فیلم، نسخه

[سینما و تلو.] ۱. تصویر مثبت فیلم منفی (negative)
۲. نمونه چاپ شده کل فیلم

director's cut, director's fine cut نسخه کارگردان

[سینما و تلو.] نسخه تدوین شده مورد تأیید کارگردان

composite print, married print, composite 2, composite master نسخه ناطق

[سینما و تلو.] نسخه ای از فیلم با صدا و تصویر هم زمان

نشانی اشغال ← سیگنال اشغال

نشانی انسداد ← سیگنال انسداد

uniform resource locator, universal resource locator, URL نشانی وب

[رایانه و فن.] مجموعه ای از نویسه ها که مکان یا

soft light نرم نور

[سینما و تلو.] نور پراکنده ای که تصویر را تلطیف می کند

نسبت استاندارد ← نسبت استاندارد آکادمی

نسبت استاندارد آکادمی، نسبت استاندارد

Academy ratio

[سینما و تلو.] نسبت ۴ به ۳ یا ۱/۳۳ به ۱ در دهانه دوربین یا فراتاب که ابعاد تصویر را به همین نسبت بر فیلم ثبت می کند یا بر پرده نشان می دهد و آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آن را تعیین کرده است

Galilean relativity نسبیت گالیله

[فیزیک] مفهومی مبنی بر یکسان بودن شتاب حرکت هر ذره در تمام چارچوب های مرجع لخت

نسخه ← نسخه فیلم

نسخه اصلی

master, original, master negative

[سینما و تلو.] نسخه ای که از روی آن نسخه های پخش بعدی تهیه می شود

submaster نسخه اصلی دوم، اصلی دوم

[سینما و تلو.] دومین نسخه اصلی که، گاه به جای نسخه اصلی، از آن برای تهیه نسخه های پخش بعدی استفاده می شود

release print, release نسخه پخش

نشانی منبعی در اینترنت و راه دست‌یابی به آن
منبع را نشان می‌دهد

نظام آوایی sound system

[زبان.] شبکهٔ تقابل‌های آوایی در نظام واجی هر زبان

نظریهٔ ثبات انواع، ثبات انواع fixity of species

[زیست.] دیدگاهی در تکامل مبتنی بر عدم تغییر
موجودات زنده

نظریهٔ دگرگونی انواع، دگرگونی انواع

transformation hypothesis

[زیست.] دیدگاهی در تکامل مبتنی بر تغییر
تدریجی موجودات زنده و تبدیل آنها به
موجودات جدید

نظریهٔ تحلیلی اعداد analytic number theory

[ریاضی] شاخه‌ای از نظریهٔ اعداد که به مطالعهٔ
خاصیت‌های هیأت یا میدان گسستهٔ اعداد صحیح
به کمک مفهوم پیوستگی می‌پردازد

نظریهٔ جبری اعداد

algebraic number theory, algebraic theory of numbers

[ریاضی] شاخه‌ای از نظریهٔ اعداد که به مطالعهٔ
ویژگی‌های اعداد حقیقی، به خصوص اعداد
صحیح، با استفاده از روش‌های جبر مجرد
می‌پردازد

نظریهٔ نسبیت عام general relativity theory, general relativity

[فیزیک] نظریهٔ اینشتین که نسبیت خاص را با

اصل هم‌ارزی (جرم‌های لختی و گرانشی) درهم
می‌آمیزد و در آن نظریه، رویدادها در فضای
خمیده رخ می‌دهند

نفت پالیده refined oil, burning oil

[م. شیمی] نفت خام پالایش‌شده که برای مصارف
خانگی و صنعتی از آن استفاده می‌شود

نفوذ intrusion 2

[زمین‌.] جایگیری ماگما در سنگ‌های قدیمی‌تر

نفوذی intrusive

[زمین‌.] ۱. مربوط به فرایند نفوذ ۲. ویژگی
سنگ‌های حاصل از نفوذ

نقش role

[ه. نمایشی] بخشی از نمایشنامه که مربوط به یک
شخصیت نمایشی است و بازیگری آن را اجرا می‌کند

نقش تداخل interference pattern

[اپتیک] شکلی که بر اثر تداخل پرتوهای نوری به
وجود می‌آید

نقطهٔ اصلی principal point, principal points of a lens

[اپتیک] محل برخورد صفحهٔ اصلی با محور نوری

نقطهٔ چسبیده adherent point, point of adherence

[ریاضی] نقطه‌ای برای مجموعه‌ای در فضای
توپولوژیک، که هر همسایگی آن شامل نقطه‌ای از
آن مجموعه باشد

[رایانه و فن.] استاندارد قالب پرونده و الگوریتم استاندارد سازمان جهانی استاندارد و اتحادیه بین‌المللی مخابرات برای تصاویر ثابت، که به دلیل قابلیت‌های عالی فشرده‌سازی بسیار رایج است

نماوا ← نماوادیس

نماوادیس، نماوا

Moving Picture Experts Group, Motion Picture Experts Group, MPEG

[رایانه و فن.] مجموعه‌ای از استانداردهای سازمان جهانی استاندارد و اتحادیه جهانی مخابرات برای فشرده‌سازی اصوات و تصاویر متحرک

high-angle shot, high shot نمای از بالا

[سینما و تلو.] نمایی که در آن دوربین از محلی بالاتر از خط دید به موضوع در پایین نگاه می‌کند

low-angle shot, low shot نمای از پایین

[سینما و تلو.] نمایی که در آن دوربین از محلی پایین‌تر از خط دید به موضوع در بالا نگاه می‌کند

overhead shot نمای بالاسر

[سینما و تلو.] نمایی که در آن دوربین مستقیماً و از بالای سر موضوع به آن نگاه می‌کند

نمای تراز چشم، تراز چشم

eye-level shot, eye-level, eye line, eye level angle shot, eye level angle

[سینما و تلو.] نمایی که در آن دوربین همسطح و هم‌ارتفاع چشم بازیگر باشد

boundary point, frontier point نقطه مرزی

[ریاضی] نقطه‌ای برای مجموعه‌ای در فضای توپولوژیک، که هر همسایگی آن شامل نقاطی از آن مجموعه و متممش باشد

antipodal points نقطه‌های متقاطع

[ریاضی] دو نقطه از کره یا دایره که روی قطری از آن قرار داشته باشند

mapping, map نگاشت

[ریاضی] رابطه‌ای که هر نقطه از یک مجموعه را بر نقطه‌ای از مجموعه دیگر می‌نگارد

linear mapping, linear map نگاشت خطی

← عملگر خطی

antipodal map نگاشت متقاطع

[ریاضی] نگاشتی که مقدار آن برای هر نقطه روی کره یا دایره نقطه متقاطع آن است

affine mapping نگاشت همگر

← تبدیل همگر

نماب ← نمایشگر بلورماین

camera card, shot list, shot sheet, crib card نمابرگه

[سینما و تلو.] برگه‌ای شامل فهرست نماهای صحنه که راهنمای تصویربردار است

نمادیس

Joint Photographic Experts Group, JPEG

نمای ترکیبی نقابی composite matte shot

[سینما و تلو.] نوعی نما که با نوردهی دو یا چندگانه و نقاب‌گذاری (matting) در هر نوردهی به دست می‌آید

[سینما و تلو.] نوعی نمای دوربین‌متحرک که برای فیلمبرداری آن، پایه دوربین بر ریل‌های مخصوص حرکت می‌کند

نمایش theatre 2, play 1, drama 1

[ه. نمایشی] بیان رشته رویدادهایی داستان‌گونه بر اساس ضوابطی معین در برابر تماشاگران با استفاده از گفتار و حرکات چهره و بدن

نمای جرثقیلی crane shot

[سینما و تلو.] نوعی نمای دوربین‌متحرک، به صورت افقی یا عمودی یا رو به جلو یا عقب، که با دوربین نصب‌شده بر بالای جرثقیل فیلمبرداری می‌شود

نمایش افتتاحیه premiere

[سینما و تلو.] نخستین نمایش فیلم، معمولاً در مراسمی رسمی و با حضور کارگردان و ستارگان فیلم و جمعی از دست‌اندرکاران صنعت سینما

نمای دوربین‌متحرک traveling shot, trucking shot

[سینما و تلو.] نمایی که برای فیلمبرداری آن، دوربین بر وسیله متحرکی مانند خودرو یا جرثقیل یا روانه نصب می‌شود و با موضوع حرکت می‌کند

نمایش اول first run

[سینما و تلو.] نمایش فیلم برای بار اول در سینماها

نمای دید پرنده، دید پرنده bird's eye view

[سینما و تلو.] نوعی نمای دور که از نقطه‌ای بسیار مرتفع از موضوع گرفته شود

نمایش برهم‌کنشی، interaction representation, interaction picture

[فیزیک] نوعی توصیف مکانیک کوانتومی که در آن رفتار زمانی از دو بخش عملگرها و بردارهای حالت تشکیل می‌شود

نمای دید خزنده، دید خزنده worm's eye view, ground angle shot, ground shot

[سینما و تلو.] نوعی نما که از نقطه‌ای بسیار پایین از موضوع گرفته شود

نمایش پرداختی dramaturgie, dramaturgical

[ه. نمایشی] مربوط به نمایش‌پردازی

نمای روانه‌ای dolly shot

[سینما و تلو.] نوعی نمای دوربین‌متحرک که با دوربین نصب‌شده بر روانه فیلمبرداری شده باشد

نمایش‌پرداز dramaturge, dramaturgist

[ه. نمایشی] ۱. نمایشنامه‌نویس ۲. مشاور ادبی و نمایشی که با کارگردان نمایش همکاری می‌کند و ممکن است تغییراتی در متن نمایشنامه ایجاد کند

نمای ریلی tracking shot, tracking, track shot**نمایش‌پردازی dramaturgy**

- اجرا بر روی صحنه نوشته شود
- نمایشنامه‌نویسی **playwrighting**
- [هـ. نمایشی] عمل نوشتن نمایشنامه
- نمایش سرا ← تماشاخانه
- نمایش شناختی **theatrollogical**
- [هـ. نمایشی] مربوط به نمایش‌شناسی
- نمایش‌شناسی **theatrology**
- [هـ. نمایشی] مطالعه همه جنبه‌های نمایش
- نمایش‌گرا **theatricalist**
- [هـ. نمایشی] نمایشنامه‌نویس یا نمایش‌پرداز که به نمایش‌گرایی باور دارد
- نمایش‌گرایی **theatricalism**
- [هـ. نمایشی] دیدگاهی که برخلاف نمایش واقع‌گرایی ابتدای قرن بیستم بر جدایی نمایش از زندگی واقعی تأکید می‌ورزد
- نمایشگر بلورمایی، نماب **liquid crystal display, LCD**
- [رایانه و فن.] نوعی نمایشگر متشکل از دو ورقه ماده قطبیده که محلول بلورمایی میان آن دو قرار دارد
- نمایشنامه **play 2, drama 2, theatre 3**
- [هـ. نمایشی] اثری ادبی که برای نمایش بر روی صحنه می‌نویسند
- نمایشنامه‌نویس **dramatist, playwright**
- [هـ. نمایشی] نویسنده اثر ادبی-نمایشی که برای
- نمای کج‌زاویه
- dutch tilt shot, dutch angle shot, off-angle shot, canted shot**
- [سینما و تلو.] نمایی که در آن زاویه دوربین به صورتی است که عناصر بصری صحنه مایل دیده می‌شود
- نمای مادر **master shot**
- [سینما و تلو.] نمای دور یا زاویه‌بازی که کل رویداد صحنه را دربرمی‌گیرد و اغلب برای ایجاد پوشش تصویری از چند نمای نزدیک یا متوسط نیز استفاده می‌شود
- نمودار زمان-فاصله **time space diagram**
- [حمل-شهری] نمودار دوبعدی به صورت تابعی از رنگ چراغ و فاصله بین چراغ‌های تقاطع‌های متوالی مسیر شریانی، برای هماهنگی آنها، به نحوی که بیشتر از زمان سبز استفاده شود
- نواژانه ← رانه نوار
- نوار راهنمای استاندارد ← نوار راهنمای استاندارد آکادمی

<p>key light نور اصلی</p> <p>[سینما و تلو.] منبع اصلی نور صحنه که بر موضوع می‌تابد و شکل و بافت آن را مشخص می‌کند</p>	<p>نوار راهنمای استاندارد آکادمی، نوار راهنمای استاندارد</p> <p>Academy leader</p> <p>[سینما و تلو.] تکه فیلم استاندارد شده‌ای که در دو انتهای نسخه پخش چسبانده می‌شود و در آن دستورهای فیلم‌گذاری و اطلاعات مفیدی برای تدوینگر و مسئول نمایش فیلم آمده است؛ این استاندارد را آکادمی علوم و هنرهای سینمایی تعیین کرده است</p>
<p>low-key lighting نورپردازی مایه تیره</p> <p>[سینما و تلو.] نوعی نورپردازی که در آن نسبت نواحی تیره به روشن بیشتر و نسبت تباين (contrast ratio) تصویر بالا است</p>	<p>fettuccine نواری</p> <p>[تغذیه و ص.] نوعی خمیراک به شکل نوارهای تخت و باریک</p>
<p>high-key lighting نورپردازی مایه روشن</p> <p>[سینما و تلو.] نوعی نورپردازی که در آن نسبت نواحی روشن به تیره بیشتر و نسبت تباين تصویر پایین است</p>	<p>camp-on, camp-on-busy, camp نوبت‌گیری</p> <p>[مخابرات] تسهیلات یا خدماتی که به برخوان امکان می‌دهد تا زمانی که خط یا تجهیزات ارتباطی مورد درخواست مشغول است، در نوبت قرار گیرد</p>
<p>phototroph نورپرورد ۱</p> <p>[زیست.] اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از نور تأمین می‌کند</p>	<p>recon نو ترکیبه</p> <p>[زیست.] کوچکترین واحد دنا (DNA) که قابلیت نو ترکیبی دارد</p>
<p>phototrophic نورپرورد ۲</p> <p>[زیست.] ویژگی اندامگانی که انرژی مورد نیاز خود را از نور تأمین می‌کند</p>	<p>neogrammarians نودستوریان</p> <p>[زبان.] پیروان مکتبی از زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی در قرن نوزدهم که معتقد بودند قواعد آوایی هیچ استثنایی ندارند</p>
<p>phototrophy نورپروردگی</p> <p>[زیست.] فرایندی که در آن، اندامگان انرژی مورد نیاز خود را از نور تأمین می‌کند</p>	<p>photoorganotroph نورآلی‌پرورد</p> <p>[زیست.] نورپروردی که منبع تأمین الکترون آن ماده آلی است</p>
<p>background light نور پس‌زمینه</p> <p>[سینما و تلو.] نوری که پس‌زمینه نما یا صحنه را روشن می‌کند</p>	
<p>photoautotroph نورخودپرورد</p> <p>[زیست.] خودپروردی که انرژی خود را از نور به دست می‌آورد</p>	

[زیست.] دخیل در فرایند نوگلوکززایی یا مربوط به آن

gluconeogenesis, نوگلوکززایی
glyconeogenesis, neoglucogenesis

[زیست.] تشکیل گلوکز از ترکیبات غیرکربوهیدراتی

نهاد ← فاعل دستوری

mesosome نیام‌تن

[زیست.] ساختار غشایی در برخی باکتری‌ها که حاصل فرورفتگی غشای یاخته‌ای است

mesosomal نیام‌تنی

[زیست.] مربوط به نیام‌تن

electroweak interaction نیروی الکتروضعیف

[فیزیک] برهم‌کنشی که نتیجه ترکیب برهم‌کنش ضعیف و برهم‌کنش الکترومغناطیسی است

restoring force نیروی بازگرداننده

[فیزیک] نیرو یا مجموعه‌ای از نیروها که در جهت عکس یک نیرو یا مجموعه‌ای از نیروها و به اندازه آن(ها) اثر می‌کند تا سامانه‌ای را که جابه‌جا شده است به وضعیت تعادل بازگرداند

intramolecular force نیروی درون‌مولکولی

[فیزیک] نیرویی ربایشی که اتم‌ها درون هر مولکول بر یکدیگر وارد می‌کنند

half-barrier نیم‌راه‌بند

[حمل - ریلی] راه‌بندی که فقط نصف عرض راه را در هر طرف تقاطع سواره‌رو و راه‌آهن می‌بندد

exposure نوردهی

[سینما و تلو.] نور دادن به فیلم یا ویدئو در دوربین یا چاپگر فیلم، برای ثبت قیاسی یا رقمی تصویر روی آن

exposed نور دیده

[سینما و تلو.] ویژگی فیلم یا ویدئویی که برای ثبت قیاسی یا رقمی تصویر بر آن، نوردهی شده باشد

fill light, fill-in light, نور سایه‌کاه
filler light, filler

[سینما و تلو.] نوری که سایه‌های به وجود آمده بر اثر نور اصلی را تا حدی محو می‌کند

photolithotroph نورکانی‌پرورد

[زیست.] نورپروردهی که منبع تأمین الکترون آن ماده معدنی است

ambient light نور محیط

[سینما و تلو.] نور فراگیری که صحنه را تا حدی روشن می‌کند و منبع آن دیده نمی‌شود

نوسانگر پارامتری اپتیکی، نوسانگر پارامتری
optical parametric oscillator نوری

[اپتیک] ابزاری که با استفاده از دی‌الکتریک غیرخطی و با دمش لیزری می‌تواند نور همدوس کوک‌پذیر ایجاد کند

نوسانگر پارامتری نوری ← نوسانگر پارامتری اپتیکی

gluconeogenetic, نوگلوکززایشی
glyconeogenetic, neoglucogenetic

partial half-life

نیم عمر جزئی

[فیزیک] زمان لازم برای نصف شدن میزان پرتوایی یک نمونه پرتوزا از طریق یکی از حالت‌های واپاشی

demi-vegetarian

نیم گیاهخوار

[تغذیه و ص.] گیاهخواری که به ندرت گوشت مصرف می‌کند یا فقط گوشت مرغ می‌خورد

نیمساز ← نیمساز زاویه

نیمساز زاویه، نیمساز
angle bisector,
bisector, bisectrix

[ریاضی] خطی که از رأس یک زاویه می‌گذرد و آن را به دو زاویه مساوی تقسیم می‌کند

depolarization

واقطبش

[اپتیک] از بین بردن قطبش با واقطبندۀ نوری

voice

واک

[زبان.] ارتعاش تارآواها در تولید گفتار

phonation

واک‌سازی

[زبان.] یکی از عمده‌ترین فرایندهای تولید آواکه با قرار گرفتن تارآواها در وضعیت‌های مختلف ایجاد می‌شود

membrane reactor

واکنشگاه غشایی

[م. شیمی] دستگاهی که در آن واکنش و جداسازی غشایی مواد به طور هم‌زمان انجام می‌شود

thermonuclear reaction

واکنش گرماهسته‌ای

[فیزیک] نوعی واکنش گداخت هسته‌ای بین ایزوتوپ‌های هیدروژن، در فشار و دمای فوق‌العاده زیاد

ablaut, vowel gradation, gradation, apophony

واکه‌گشت

[زبان.] تغییرات واکه‌ای در ستاک با انگیزش ساختنوازی

atrophic

واپرورد

[زیست.] ۱. مربوط به واپروردگی ۲. دارای یاخته یا بافت یا اندام تحلیل‌رفته

atrophy, atrophia

واپروردگی

[زیست.] تحلیل یاخته یا بافت یا اندام در اثر بیماری یا جراحت یا از کارافتادگی

centrifugal distortion

واپیشش مرکزگریز

[فیزیک] افزایش اندک طول شعاعی جسمی که در حال چرخش است

deallocation

واتخصیص

[مخابرات] ۱. برداشتن و خارج کردن پهنای باند تخصیص داده‌شده به سازمان یا دستگاهی خاص از آن سازمان ۲. برداشتن بخشی از اطلاعات از حافظه رایانه برای استفاده در برنامه‌ای دیگر

blocking anticyclone

واچرخند بندالی

← پرفشار بندالی

anticyclogenesis

واچرخندزایی

[علوم جو] فرایند تقویت یا توسعه گردش واچرخندی در جو

سامانه‌های گرمایشی قطار	waɡon, car 1, vehicle	واگن
ballast wagon, ballast car	واگن پازسنگ	
اچمل - ریلی] واگنی برای حمل و تخلیه و پخش مناسب پازسنگ بر روی بستر خط	اچمل - ریلی] وسیله‌ای برای حمل مسافر یا بار که بر روی ریل حرکت می‌کند	
crane wagon, derrick car	واگن جرثقیل دار	
اچمل - ریلی] واگنی که در یک سر آن جرثقیلی برای بارگیری و تخلیه نصب شده باشد	test wagon, test vehicle, geometry car, evaluation car	واگن آزمون
sleeping-wagon, sleeping car	واگن خواب	
اچمل - ریلی] واگنی دارای میل‌های تختخواب‌شو برای استراحت مسافران	اچمل - ریلی] واگنی مجهز به تجهیزات لازم برای اندازه‌گیری تعدادی از مشخصه‌های خط و سازه‌های فنی	
car-carrier wagon	واگن خودروبر	
اچمل - ریلی] واگن یک یا چند طبقه با مهاربندی ویژه برای حمل خودرو	ambulance wagon, hospital car, ambulance coach	واگن آمبولانس
hopper wagon, hopper car	واگن قیفی	
اچمل - ریلی] واگن باری با کف شیب‌دار، برای حمل مصالح دانه‌ای که بار آن از کف واگن تخلیه می‌شود	اچمل - ریلی] واگن حمل بیماران و مصدومان	
wagonnet, small wagon, spoil car, hand car	واگنک	
اچمل - ریلی] واگن کوچکی ویژه حمل و جابه‌جایی ابزار و مصالح برای تعمیر و نگهداری خطوط	tilting wagon, tilting coach	واگن آونگی
flat wagon, flat car	واگن کفی	
اچمل - ریلی] واگن باری بدون دیوار و سقف با کف مسطح، برای جابه‌جایی بارهای بزرگ	اچمل - ریلی] نوعی واگن مسافری با فنربندی خاص که تراز نسبی واگن را در پیچ‌ها حفظ می‌کند	
	saloon coach	واگن اتوبوسی
	اچمل - ریلی] واگن مسافری غیرکوپه‌ای که صندلی‌های آن ردیفی چیده شده است	
	cattle wagon, stock car	واگن احشام
	اچمل - ریلی] نوعی واگن مسقف با دیواره‌های مشبک برای حمل دام	
	freight wagon, freight car, goods wagon	واگن باری
	اچمل - ریلی] واگنی برای حمل بار	
	steam wagon, heating wagon	واگن بخار
	اچمل - ریلی] واگنی برای تأمین بخار مورد نیاز	

- و توزیع برق مصرفی قطار
- refrigerator wagon, reefer** واگن یخچال
[حمل - ریلی] واگنی با دمای مناسب برای حمل مواد فاسدشدنی و دارویی
- demagnetization** وامغناطش
[فیزیک] فرایندی که از مغناطش جسم فرومغناطیس می‌کاهد یا آن را از بین می‌برد
- demagnetized** وامغناطیده
[فیزیک] وضعیت هر ماده که بردار مغناطش آن کاهش یافته یا از بین رفته باشد
- bounded variation** وردش کراندار
[ریاضی] خاصیت تابع حقیقی مقداری (real-valued) که مجموع قدرمطلق نوسان‌های (oscillation) آن کراندار است
- operator 2** ورزگر
[زیست.] توالی‌ای در یکی از دو انتهای ورزه که با عمل فرونشانی، رونویسی ورزه را تنظیم می‌کند
- operon** ورزه
[زیست.] واحد عملکردی متشکل از گروهی از ژن‌های ساختاری پیوسته در پیش‌هسته‌ای‌ها
- lac operon** ورزه لاکتوز
[زیست.] مجموعه سه ژن که سنتز زی‌مایه‌های مورد نیاز برای مصرف لاکتوز در بسیاری از باکتری‌ها را بر عهده دارند
- compartment coach** واگن کوپه‌ای
[حمل - ریلی] واگنی که به اتاقک‌های متعدد تقسیم شده باشد
- high side wagon** واگن لبه بلند
[حمل - ریلی] واگنی با کف تخت و دیواره‌های جانبی بلند برای حمل سنگ معدن
- low side wagon, gondola car** واگن لبه کوتاه
[حمل - ریلی] واگنی با دیواره‌های کوتاه و بدون سقف برای حمل بارهای با چگالی بالا
- tank wagon, tank car** واگن مخزنی
[حمل - ریلی] واگنی با محفظه فلزی برای حمل مایعات و گازها
- passenger wagon, passenger car 2, car 2** واگن مسافری
[حمل - ریلی] واگنی برای حمل مسافر
- covered wagon, covered car, box car** واگن مسقف
[حمل - ریلی] واگنی برای حمل بارهای بسته‌بندی‌شده و قطعات صنعتی فلزات و مواد غذایی
- articulated wagon, articulated coach** واگن مفصلی
[حمل - ریلی] واگنی متشکل از چند قسمت که به وسیله مفصل به هم متصل شده باشند
- energy distribution wagon, generator wagon** واگن مولد
[حمل - ریلی] واگنی با تجهیزات لازم برای تولید

eigenfrequency	ویژه بسامد	weight	وزن
(characteristic frequency) [فیزیک] مشخصه بسامدی که سامانه ارتعاشی با آن به نوسان درمی آید		[فیزیک] نیروی گرانشی وارد بر جسم در سطح زمین یا در میدان گرانشی دیگر	
eigenstate	ویژه حالت	fishplate, rail splice, splice bar	وصله ریل
[فیزیک] حالتی دینامیکی که بردار حالت آن، ویژه بردار عملگری مربوط به یک کمیت فیزیکی مشخص است		[حمل - ریلی] صفحه‌ای فولادی برای اتصال دو انتهای ریل در محل درز جوشکاری نشده	
proper length	ویژه طول	weather	وضع هوا، هوا
[فیزیک] طولی از هر جسم که در چارچوب همراه جسم اندازه گیری می شود		[علوم جو] حالت جو آنچنان که با عنصرهای مختلف هواشناختی تعیین می شود	
		eigenvector	ویژه بردار
		[فیزیک] بردار غیر صفری که جهت آن با تبدیل خطی تغییر نمی کند	



شماره پستی ۱۳۷۶
کتابخانه تخصصی ادبیات

ه، ی

اتصال‌ی اختصاصی به دیگر گره‌ها دارد

bus topology

هم‌بندی خطی

[مخابرات] نوعی آرایش شبکه که در آن گره‌ها به کابل منفردی متصل می‌شوند که در هر دو انتها دارای پایانه است

tree topology

هم‌بندی درختی

[مخابرات] نوعی آرایش شبکه که در آن شبکه‌های خطی با دیگر انواع پیکر بندی نظیر ستاره‌ای یا حلقوی تلفیق می‌شوند

star topology

هم‌بندی ستاره‌ای

[مخابرات] نوعی آرایش شبکه‌های داخلی که در آن تمام افزاره‌های شبکه با کابلی اختصاصی به افزاره مرکزی شبکه متصل می‌شوند

point-to-point topology **هم‌بندی نقطه‌به‌نقطه**

[مخابرات] نوعی آرایش شبکه که در آن هر گره به‌طور مستقیم به گره دیگر متصل می‌شود

replisome

هم‌تاتن

[زیست]. مجموعه‌ای زی‌مایه‌ای در پیش‌هسته‌ای‌ها که در هم‌تاسازی دنا (DNA) شرکت دارد

access charge

هزینه دسترسی

[مخابرات] هزینه‌ای که شرکت مخابرات محلی، برای استفاده از خطوط دسترسی، از مشترکان به صورت ماهیانه و در ازای مدت‌زمان استفاده از آن خطوط اخذ می‌کند

junk food

هله خوراک

[تغذیه و ص.] هر یک از انواع خوراکی‌های با ارزش تغذیه‌ای کم که اغلب به عنوان تنقلات مصرف می‌شود

هم‌ارزی جرم و انرژی

mass-energy equivalence

[فیزیک] اصلی که بنا بر آن انرژی و جرم می‌توانند به هم تبدیل شوند

هم‌بندی تمام‌اتصال

**fully-interconnected topology,
fully conncted network**

[مخابرات] نوعی آرایش شبکه که در آن تمام گره‌ها به‌طور مستقیم به یکدیگر متصل می‌شوند

mesh topology

هم‌بندی توری

[مخابرات] نوعی آرایش شبکه که در آن هر گره،

homomorphism

همریختی

[ریاضی] تابعی از یک دستگاه جبری به دستگاهی جبری از همان نوع که عمل‌های جبری را حفظ می‌کند

passenger car equivalence

همسنگ سواری

[حمل - شهری] ضریب معادل‌سازی انواع خودروهای بزرگ نظیر اتوبوس با خودروهای سواری؛ محاسبه این ضریب به اندازه و وزن و سرعت خودروها و همچنین خصوصیات جاده نظیر شیب آن بستگی دارد

confluent

همشار

[علوم جو] ویژگی خطوط جریانی که در راستای شارش بیش از پیش به هم نزدیک شده باشد

confluence

همشاری

[علوم جو] به هم نزدیک شدن بیش از پیش خطوط جریان در راستای شارش

coarticulation

هم‌فراگویی، تولید هم‌زمان

[زبان] هم‌زمانی تولید دو واحد واجی یا یک واحد واجی با یک مشخصه آوایی

syngamous, syngamic

همکام

[زیست] مربوط به همکامی

syngamy

همکامی

[زیست] تشکیل رویان با انجام لقاح

absolute convergence

همگرایی مطلق

[ریاضی] ویژگی یک سری که سری قدرمطلق جملات آن همگرا باشد

همتاساختی ← همتاشده

replicator

همتاساز

[زیست] بخشی از دنا (DNA) که محل شروع همتاسازی در هر همتایه است

replication

همتاسازی

[زیست] فرایند دوتا شدن به طوری که نسخه‌ای دقیق از نسخه اولیه بازسازی شود، مانند آنچه در مورد دنا (DNA) و رنا (RNA) اتفاق می‌افتد

replicative

همتاشده، همتاساختی

[زیست] ۱. مربوط به همتاسازی ۲. ویژگی آنچه در فرایند همتاسازی شرکت کرده است

replicon

همتایه

[زیست] عنصر ژنی که در خلال همتاسازی دنا (DNA) به عنوان واحدی خودمختار عمل می‌کند

coherent

همدوس

[اپتیک] مربوط به همدوسی

coherence

همدوسی

[اپتیک] همبستگی فازی بین دو یا چند موج

همراه کارت اعتباری ← همراه کارت پیش‌پرداختی

همراه کارت پیش‌پرداختی، همراه کارت اعتباری

prepaid card 2

[مخابرات] کارتی اعتباری که مربوط به تلفن همراه است و متناسب با مبلغ خرید آن، می‌توان با آن مکالمه تلفنی انجام داد

partial assimilation	همگونی جزئی	affinity	همگری
[زبان]. همگون شدن برخی از مشخصه‌های یک واحد آوایی با مشخصه‌های واحد آوایی دیگر		← تبدیل همگر همگون ← همگون‌شده	
complete assimilation	همگونی کامل		همگون‌شدگی ← همگونی
← همگونی کلی		assimilate	همگون شدن
total assimilation	همگونی کلی	[زبان]. تغییر مشخصه یا مشخصه‌های یک واحد آوایی برای مطابقت با مشخصه یا مشخصه‌های واحد آوایی دیگر پیش یا پس از آن	
[زبان]. همگون شدن تمام مشخصه‌های یک واحد آوایی با مشخصه‌های واحد آوایی دیگر			
incomplete assimilation	همگونی ناقص	assimilated	همگون‌شده، همگون
← همگونی جزئی		[زبان]. ویژگی یک واحد آوایی که در مشخصه یا مشخصه‌های آن همگونی ایجاد شده باشد	
Universal Serial Bus, USB	همه‌گذر	assimilation 2	همگونی، همگون‌شدگی
[رایانه و فن]. استاندارد برای گذرگاه خارجی که امکان انتقال ۱۲ مگابیت بر ثانیه را فراهم می‌کند		[زبان]. فرایندی که از طریق آن مشخصه یا مشخصه‌های یک واحد آوایی برای مطابقت با مشخصه یا مشخصه‌های واحد آوایی دیگر پیش یا پس از آن تغییر می‌کند	
conjugate 1	همیوغ	regressive assimilation, anticipatory assimilation	همگونی پس‌رو
[زیست]. هر یک از دو باخته به‌هم‌پیوسته در نرایند همیوخی		[زبان]. همگون شدن مشخصه یا مشخصه‌های یک واحد آوایی با مشخصه یا مشخصه‌های واحد آوایی پس از آن	
conjugate 2	همیوغ شدن، همیوغ کردن		
[زیست]. شرکت داشتن در فرایند همیوخی		progressive assimilation	همگونی پیش‌رو
همیوغ کردن ← همیوغ شدن		[زبان]. همگون شدن مشخصه یا مشخصه‌های یک واحد آوایی با مشخصه یا مشخصه‌های واحد آوایی پیش از آن	
conjugon	همیوغه		
[زیست]. عامل ژنی ضروری در فرایند همیوخی			
conjugation	همیوخی		

هواشناسی کشاورزی
agricultural meteorology,
agrometeorology

[علوم جو] مطالعه روابط میان هواشناسی و کشاورزی و استفاده از داده‌های هواشناختی در بهبود کمیت و کیفیت محصولات کشاورزی

هواشناسی همدیدی **synoptic meteorology**
[علوم جو] شاخه‌ای از هواشناسی که به تحلیل و مطالعه داده‌های جوی هم‌زمان گردآوری شده از منطقه‌ای وسیع می‌پردازد

هواشناسی هواپیمایی **aviation meteorology**
← هواشناسی هوانوردی

هواشناسی هوانوردی
aeronautical meteorology
[علوم جو] شاخه‌ای از هواشناسی که به مطالعه تأثیر وضع هوا بر ناوبری هوایی می‌پردازد

هوپرورد **eutrophic**
[زیست]. دارای هوپروردگی یا مربوط به آن

هوپروردگی **eutrophy, eutrophia**
[زیست]. ۱. رشد متناسب اندام‌ها و بافت‌ها در نتیجه تغذیه کامل ۲. رشد و ازدیاد موجودات زنده در اثر تغذیه مطلوب در یک زیست‌بوم

هوپرورش **eutrophication**
[زیست]. غنی شدن محیط‌های آبی از ترکیبات محلول که منجر به رشد بیش از حد برخی از موجودات زنده می‌شود

[زیست]. به هم پیوستگی گذرای دو باخته هوشته‌ای برای تبادل مواد ژنی

هندسه تحلیلی **analytic geometry**
[ریاضی] مبحثی که به مطالعه اشکال هندسی و منحنی‌ها با استفاده از دستگاه مختصات و روش‌های جبری می‌پردازد

هندسه جبری **algebraic geometry**
[ریاضی] مبحثی که به مطالعه خواص هندسی اشکال با استفاده از روش‌های جبر مجرد می‌پردازد

هندسه مشخصه‌ها **feature geometry**
[زبان]. نظریه‌ای در واج‌شناسی غیر خطی که بر اساس آن میان مشخصه‌ها روابط سلسله‌مراتبی وجود دارد

هنرپیشه، بازیگر ۲ **actor 2, actress 2**
[ه. نمایشی] فردی که نقش سینمایی اجرا می‌کند

هوا ← وضع هوا
هوا درخش **airglow**
[علوم جو] گسیل تابش شبه پایدار گازهای جو بالا به عرض‌های میانی و پایین

هوازدگی شیمیایی **chemical weathering**
[زمین]. نوعی هوازدگی که در آن واکنش‌های شیمیایی سبب تغییر سنگ‌ها و کانی‌ها و تبدیل آنها به ترکیب‌های جدید می‌شود

هواشناسی توصیفی **descriptive meteorology**
[علوم جو] ← جونگاری

- هیات، میدان **field**
[ریاضی] دستگاهی جبری، دارای دو عمل که تمام خصوصیات جمع و ضرب اعداد حقیقی را دارند
- هیات جبری بسته، میدان جبری بسته
algebraically closed field, algebraically complete field
[ریاضی] هیات یا میدانی مثل F به طوری که هر چندجمله‌ای درجه ۱ یا بیشتر، که ضرایبش در آن هیات یا میدان باشد، دارای ریشه‌ای در F باشد
- یاخته‌های بینابینی ← یاخته‌های لیدیگ
- یاخته‌های بینابینی بیضه ← یاخته‌های لیدیگ
- یاخته‌های سرتولی، یاخته‌های غذادهنده
Sertoli's cells
[زیست.] یاخته‌های طویل در لوله‌های گشناب‌بر که در تکوین زامه دخالت دارند
- یاخته‌های غذادهنده ← یاخته‌های سرتولی
- یاخته‌های لیدیگ، یاخته‌های بینابینی بیضه، یاخته‌های بینابینی
Leydig's cells
[زیست.] گروهی از یاخته‌های بیضه که در تولید هورمون‌های آندروژن دخالت دارند
- یاخته‌گرهی **ganglion cell**
← گره‌یاخته
- یاخته‌نگهبان **guard cell**
[زیست.] یکی از دو یاخته‌روپوستی تمایز یافته که
- باز و بسته شدن دهانه روزنه را تنظیم می‌کند
- یاخته‌یادسپار **memory cell**
[زیست.] تنابه یاخته‌های B و T که پس از برخورد اولیه با پادگن بیگانه اطلاعات ایمنی را به خاطر می‌سپرد و در برخورد دوم با همان پادگن، پاسخ‌های ایمنی سریع‌تر و مؤثرتری می‌دهد
- یخچال طبیعی ← یخسار
- یخ‌زنی هواگرد **aircraft icing**
[علوم جو] تشکیل یخ بر روی هواگرد
- یخسار، یخچال طبیعی **glacier**
[زمین.] توده بزرگی از یخ که روی خشکی تشکیل می‌شود و به پایین شیب می‌خزد
- یخسارش **glaciation**
[زمین.] تشکیل و پیشروی و پسروی یخسارها یا ورقه‌های یخ
- یکپارچگی داده‌پیام **data message integrity**
[رایانه و فن.] وضعیت یکپارچه بودن پیام داده‌ای
- یکپارچه ← یکپارچه‌شده
- یکپارچه‌سازی **integration**
[رایانه و فن.] تبدیل یک یا چند مجموعه به محیطی یکپارچه
- یکپارچه‌سازی تلفن و رایانه ← تلفیق تلفن و رایانه

یک‌سوسازی اپتیکی، یک‌سوسازی نوری
optical rectification

[اپتیک] اثر ناشی از برهم‌کنش یک یا چند میدان
 الکترومغناطیسی در محیط غیرخطی که به
 برقراری میدان غیرنوسانی انجامد

یک‌سوسازی نوری ← یک‌سوسازی اپتیکی

یکپارچه‌شده، یکپارچه **integrated**

[رایانه و فن.] ویژگی مجموعه‌ای که یکپارچه‌سازی
 شده باشد

یکریختی **isomorphism**

[ریاضی] تابعی یک‌به‌یک از یک دستگاه جبری به
 روی دستگاه جبری از همان نوع

playwrighting	نمایشنامه‌نویسی	theatre 3 → play 2	
prompt side → stage left		theatrical	نمایشی
PS → stage left		theatricalism	نمایش‌گرایی
purgation → catharsis		theatricalist	نمایش‌گرا
purification → catharsis		theatricalological	نمایش‌شناختی
role	نقش	theatricalology	نمایش‌شناسی
scene 1	صحنه ۱	theatron 1 → auditorium	
scene 2 → stage		theatron 2	تماشاخانه یونانی
scenic 1	صحنه‌ای	tragedian 1	سوگ‌بازیگر
scenic 2 → theatrical		tragedian 2	سوگنامه‌نویس
stage	صحنه ۲	tragedy	سوگنامه
stage left	چپ صحنه	tragic	سوگنامه‌ای، سوگناک
stage right	راست صحنه	tragicomedy	خوش‌سوگنامه
theatre 1	تماشاخانه، نمایش‌سرا	upstage	پس‌صحنه
theatre 2	نمایش	wing	بال
		wings → backstage	

هنرهای نمایشی			
		comic player → comedian 1	
		confidant	رازدار
act	پرده	confidante → confidant	
acting	بازیگری	downstage	پیش صحنه
actor 1 → player		drama 1 → theatre 2	
actor 2	هنرپیشه، بازیگر ۲	drama 2 → play 2	
actress 1 → player		dramatist	نمایشنامه نویس
actress 2 → actor 2		dramaturge	نمایش پرداز
amphitheatre 1	تالار پلکانی، تالار ۱	dramaturgical → dramaturgic	
amphitheatre 2	تماشاخانه رومی	dramaturgic	نمایش پرداختی
antidrama → antitheatre		dramaturgist → dramaturge	
antihero	ناقهرمان	dramaturgy	نمایش پردازی
antitheatre	نانمایش	forestage → apron	
apron	جلو صحنه	Greek theatre → theatron 2	
auditorium	تالار نمایش، تالار ۲	hero	قهرمان
backstage	پشت صحنه	heroic	قهرمانی
catharsis	روان پالایی	heroine → hero	
cathartic	روان پالا	house → auditorium	
centre → centre stage		house left → stage right	
centre stage	میان صحنه	house right → stage left	
character	شخصیت	OP → stage right	
characterization	شخصیت پردازی	opposite prompt side → stage right	
comedian 1	بازیگر کمدی، شوخ بازیگر	play 1 → theatre 2	
comedian 2	کمدی نویس، شوخنامه نویس	play 2	نمایشنامه
comedy	کمدی ۱، شوخنامه	player	بازیگر ۱
comic	کمدی ۲، شوخنامه ای، شوخناک	play house → theatre 1	
comic actor → comedian 1		playwright → dramatist	

filter press	صافی فشاری	permeator	تراوشگر
good oil → raffinate		pervaporation	تراوش تبخیری
homogeneous membrane	غشای همگن	pressure distillation	تقطیر فشاری
liquid-liquid extraction	استخراج مایع-مایع	raffinate	پالیده
membrane	غشا	reboiler	بازجوش‌آور
membrane compaction	فشرده‌گی غشا	refined oil	نفت پالیده
membrane distillation	تقطیر غشایی	refinery	پالایشگاه
membrane distribution coefficient → membrane partition coefficient		refining	پالایش
membrane partition coefficient	ضریب توزیع غشا	selective membrane skin	پوسته‌گزینای غشا، پوسته‌گزینا
membrane physical aging	کهنگی غشا	separation	جداسازی
membrane reactor	واکنشگاه غشایی	separation coefficient	ضریب جداسازی
microfiltration	میکروصافش	separation factor	ضریب جداسازی
mixer-settler	مخلوط-ته‌نشین‌کن	separator	جداساز
mixer-settler extractor → mixer-settler		sieve plate	سینی غربالی
molecular distillation	تقطیر مولکولی	sieve tray → sieve plate	
mother liquor → filtrate		sludge	لجن
nanofiltration	نانو صافش	solvent extraction	استخراج با حلال
non-porous membrane → dense membrane		sparger	حباب‌ساز
packed column → packed tower		sparging	حباب‌سازی
packed tower	برج آکنده	steam distillation	تقطیر بخار آبی
perforated pipe distributor → sparger		strong liquor → filtrate	
perforated plate → sieve plate		synthetic membrane	غشای مصنوعی
permeance	تراوندگی	tray tower	برج سینی‌دار
permeate	تراویده	ultrafiltration	فراصافش
permeation	تراوش	vacuum filter	صافی خلأ

unified messaging 1	پیام‌رسانی جامع ۱	burning oil → refined oil	
unified messaging 2 → unified messaging service		centrifuge refining	پالایش گریزان‌ه‌ای
unified messaging 3 → unified messaging system		composite membrane	غشای چندلایه
unified messaging service		contact filtration	صافش تماسی
خدمات پیام‌رسانی جامع، پیام‌رسانی جامع ۲		continuous distillation	تقطیر پیوسته
unified messaging system		continuous membrane column	ستون غشادار پیوسته
سامانه پیام‌رسانی جامع، پیام‌رسانی جامع ۳		countercurrent extraction, counter-	استخراج ناهم‌سو
universal access number	شماره فراگیر	current separation →	
veryhigh frequency	بسامد بسیار بالا	countercurrent extraction	
very low frequency	بسامد بسیار پایین	crosscurrent extraction	استخراج متقاطع
VHF → veryhigh frequency		dense membrane	غشای چگال
virtual private network		dewaxed	موم‌زدوده
شبکه خصوصی مجازی، شبکه خم		dewaxing	موم‌زدایی
VLF → very low frequency		distillation column	ستون تقطیر
voice mail	پست صوتی	distillation tower	برج تقطیر
voice messaging system		dynamic membrane formation	
سامانه پیام‌رسانی صوتی			غشاسازی درجا
wander	کُندلغزش	extraction column	ستون استخراج
		filter	پالایه، صافی
مهندسی شیمی		filterability	صافش‌پذیری
		filterable	صافش‌پذیر
acid sludge	لجن اسیدی	filtrate	صافیده
activated sludge	لجن فعال	filtration	صافش
artificial membrane → synthetic membrane		filter aid	کمک‌صافی
asymmetric membrane	غشای بی‌تقارن	filter cloth	پارچه صافی
atmospheric distillation	تقطیر جوی	filter leaf	قاب صافی
batch distillation	تقطیر ناپیوسته	filter paper	کاغذ صافی

identifier	شناسانه	poll	داده خواهی کردن
in-band signaling → bit robbing		polling	داده خواهی
incoming call identification	شماره نمایی	premium rate service	خدمات نرخ افزوده
jabber	ژاژه	prepaid card 1 → debit card	
jabbering	ژاژدهی	prepaid telephone card → debit card	
jack	جافیشی	prepaid card 2	همراه کارت پیش پرداختی، همراه کارت اعتباری
jitter	لغزش	public switched network → public telephone network	
jittered	لغزیده	public switched telephone network → public telephone network	
LF → low frequency		public telephone network	شبکه عمومی تلفن
line-balance converter → balun		PUK code → personal unblocking key code	
line conditioner	اصلاح کننده خط	redirected call	برخوانی هدایت شده
line conditioning	اصلاح خط	robbed-bit signaling → bit robbing	
low frequency	بسامد پایین	SHF → super high frequency	
medium frequency	بسامد متوسط	SIM card	شناس کارت
memory dialing → abbreviated dialing		speed dialing → abbreviated dialing	
mesh topology	همبندی توری	stand-alone	خود اتکا
MF → medium frequency		standalone → stand-alone	
number portability	حفظ شماره	star topology	همبندی ستاره ای
personal identification number → PIN 1		subscriber identity module card → SIM card	
personal identification number → PIN 2		superhigh frequency	بسامد اُتر بالا
personal number service	خدمات شماره شخصی	telecommunications authority → authority	
personal unblocking key code	کد قفل گشای شخصی	tree topology	همبندی درختی
PIN 1	شناسه ۱	UHF → ultrahigh frequency	
PIN 2	شناسه ۲	ultrahigh frequency	بسامد فرا بالا
PNS → personal number service		unbundling	جداسازی خدمات
point-to-point topology	همبندی نقطه به نقطه		

clear	پاک کردن	data communications	ارتباطات داده‌ها
coaxial cable	بافه هم‌محور، کابل هم‌محور	data sink	ستانه داده
code dependent system	سامانه کدوابسته	deallocation	واتخصیص
code independent system	سامانه کدناسته	debit card	کارت تلفن
codress	کدنشانی	delay	تاخیر
completed call	برخوانی کامل	dial tone	بوق آزاد
computer telephone integration → computer telephony integration		dial-up	شماره‌گیری
computer telephony → computer telephony integration		direct distance dialing	شماره‌گیری مستقیم راه دور، شمراد
computer telephony integration		direct inward dialing	شماره‌گیری مستقیم از بیرون، از بیرون
تلفیق تلفن و رایانه، یکپارچه‌سازی تلفن و رایانه		direct outward dialing	شماره‌گیری مستقیم به بیرون، به بیرون
conditioning → line conditioning		exchange → exchange centre	
cone of silence	مخروط سکوت	exchange area	محدوده مرکز تلفن، محدوده مرکز مخابرات، محدوده مرکز
conference call add-on → call add-on		exchange centre	مرکز تلفن، مرکز مخابرات، مرکز
conformance	انطباق	fading	محوشدگی
conformance test → conformance testing		free-phone service	خدمات شماره رایگان
conformance testing	آزمون انطباق	fully conncted network → fully-interconnected topology	
conformity testing → conformance testing		fully-interconnected topology	هم‌بندی تمام‌اتصال
congestion avoidance	ازدحام‌پرهیزی	gateway	درواره
connection admission control	کنترل پذیرش اتصال	handset	گوشی
connectionless mode transmission	انتقال بی‌اتصال	HF → high frequency	
connectionless transmission → connectionless mode trasmission		high frequency	پسامد بالا
connection mode transmission	انتقال با اتصال	identification	شناسایی
connection-oriented mode transmission → connection mode transmission			
CPP → calling party pays			

attention signal → attention code	هم‌بندی خطی	bus topology
authentication	اصالت‌سنجی	busy
authority	مرجع	busy hour
autoanswer	خودپاسخ	busy signal
autopolling → polling		سیگنال اشغال، نشانک اشغال
available line	خط آماده واکذار، خط آماده	cable franchise
backhaul → backhauling		امتیاز بافه، امتیاز کابل
backhauled	دورگشته	cable pressurisation
backhauling, backhaul	دورگشت	گازفشاری بافه، گازفشاری کابل
balanced converter → balun		call add-on
balanced-to-unbalanced transformer → balun		برخوان‌افزایی
balun	مدار تعادل و تطبیق، متوت	call attempt
barrier code	خط‌گشا	اقدام به برخوانی
base station	ایستگاه پایه	callback
basic services	خدمات پایه	برگردان برخوانی، برگردان
balun transformer → balun		call barring
batched transmission → batch transmission		مسدودسازی برخوانی
batch transmission	ارسال دسته‌ای	call blocking
bit masking	بیت‌پوشی	انسداد برخوانی
bit robbing	بیت‌ربایی	call duration
bit slip	بیت‌لغزی	مدت برخوانی
bit stripping	بیت‌برداری	call establishment
block	بستک	برقراری برخوانی
blocking 1	انسداد	calling card → debit card
blocking 2	بستک‌بندی	برخوان‌پردازی
blocking signal	سیگنال انسداد، نشانک انسداد	call restriction
bundling	خدمات‌دهی درهم	محدودسازی برخوانی
		call restrictor
		محدودساز برخوانی
		camp → camp-on
		camp-on
		نوبت‌گیری
		camp-on-busy → camp-on
		central office
		مرکز مخابراتی
		centrex
		خدمات خاص مرکز تلفن، خدمت
		challenge and reply system
		سامانه چالش-پاسخ
		changeback
		مسیرواگردانی
		changeover
		مسیرگردانی
		churn
		رویگردانی

night soil	کود انسانی	sprinkler irrigation	آبیاری بارانی
non-edaphic	غیرخاکی	seed stock	بذر ذخیره
organic soil	خاک آلی	stubble mulch	خاکپوش کُشی
orthodox seed	بذر ماندگار	subsoil	زیرخاک
overhead irrigation → sprinkler irrigation		supplemental irrigation	آبیاری تکمیلی
overirrigation	بیش آبیاری	surge irrigation	آبیاری قطع و وصلی
pelleted seed → coated seed		testa → seed coat	
quick-release fertilizer → fast-release fertilizer		topsoil	رو خاک
registered seed	بذر ثبت شده	trickle irrigation → drip irrigation	
saline soil	خاک شور	مخابرات	
scarification	بذر خراشی		
scarified seed	بذر خراشیده	abbreviated dialing	شماره گیری کوتاه
seedbed 1	بستر بذر	abort	نافرجامی
seedbed 2	خزانه	access	دسترسی
seed coat	پوسته بذر	access barred	دسترسی مسدود
seed dressing	پوشش دادن بذر	access barred!	دسترسی مسدود!
seed inoculation	مایه زنی بذر	access charge	هزینه دسترسی
seed mat	فرش بذر	access code	کد دسترسی، شناسه دسترسی
seed scarification → scarification		access control	کنترل دسترسی
seed treatment	تیمار بذر	access line	خط دسترسی
selected seed	بذر گزیده	access time	زمان دسترسی
silt	لای	add-on conference → call add-on	
slow-acting fertilizer → slow-release fertilizer		alphanumeric code	کد حرفی عددی، شناسه حرفی عددی
slow-release fertilizer	کود کندرها	answerback	پاسخک
soil aeration	تهویه خاک	assigned frequency	بسامد واگذار شده
soil aggregate	خاکدانه	attention code	کد خدمات خواهی

self-diffusion	خودپخشی	brackish water	آب لب شور
shake	آن	caryopsis	گندمه
shell structure	ساختار پوسته‌ای	certified seed	بذر گواهی شده
solid	جامد	clay	رُس
spacelike vector	بردار فضاگونه	coated seed	بذر پوشش دار
stability	پایداری	drip irrigation	آبیاری قطره‌ای
stabilization	پایدارسازی	dusting → seed dressing	
stable	پایدار	dust mulch	خاکپوش گردی
steradiancy → radiance		earthing up	خاک دهی
synchrotron	سنکروترون	edaphic	خاکی
thermoelastic	گرماکشسان	edaphology	خاکشناسی زراعی، خاکشناسی
thermoelasticity	گرماکشسانی	elite seed	بذر بهین
thermonuclear reaction	واکنش گرما هسته‌ای	fast-release fertilizer	کود تندرّها
timelike vector	بردار زمان گونه	ferti-irrigation → fertigation	
transition	گذار	fertigation	کودآبیاری
ultraviolet	فرابنفش	flood irrigation	آبیاری غرقابی
weight	وزن	foundation seed	بذر مادر
weightless	بی وزن	furrow irrigation	آبیاری جویچه‌ای
weightlessness	بی وزنی	grain	دانه
zero gravity → weightlessness		hard seed	بذر سخت
		hydrotropism	آبگرایی
کشاورزی - شاخه زراعت و اصلاح نباتات		insectigation	سم آبیاری
		irrigation	آبیاری
aggregate → soil aggregate		kernel 1	دانه غلات
basin irrigation	آبیاری کرتی	kernel 2	مغز دانه
bog → bog soil		living mulch	خاکپوش زنده
bog soil	خاک باتلاقی	mulch	خاکپوش

mass-energy conservation	پایستگی جرم-انرژی	plate circuit → anode circuit	
mass-energy equivalence	هم‌ارزی جرم و انرژی	postive rays → anode rays	
mass-energy relation	رابطه جرم-انرژی	proper length	ویژه طول
matter wave	موج ماده	quadrupole	چارقطبی
mean free path	مسافت آزاد میانگین	quantization	کوانتاش
mean free time	زمان آزاد میانگین	quantized	کوانتیده
mean life	عمر میانگین	quantum entanglement	درهم تافتگی کوانتومی
microscopic reversibility	برگشت پذیری ریزمقیاس	quantum jump	پرش کوانتومی
mid-infrared radiation → intermediate infrared radiation		real gas	گاز حقیقی
moderator	کندساز	reciprocal lattice	شبکه وارون
neutron excess	فزونی نوترون	rectilinear motion	حرکت راست خط
pair annihilation	نابودی زوج	redshift	انتقال به سرخ
pair production	تولید زوج	refrigerant	ماده سردساز، سردساز
partial decay constant	ثابت واپاشی جزئی	refrigeration	سردسازی
partial half-life	نیم عمر جزئی	resonant detector	آشکارساز تشدیدی
particle accelerator	شتاب دهنده ذرات	rest energy	انرژی سکون
particle physics	فیزیک ذرات	rest mass	جرم سکون
perfect gas	گاز کامل	restoring force	نیروی بازگرداننده
photoconduction	فوتورسانش	reversibility	برگشت پذیری
photoconductivity	فوتورسانندگی	reversibility principle	اصل برگشت پذیری
photoconductor	فوتورسانا	reversible	برگشت پذیر
photodisintegration	فروپاشی فوتونی	scintillation	سوسوزنی
photoionization	فوتیونش	scintillation detector	آشکارساز سوسوزن
photomultiplier	تکثیرکن فوتونی	scintillator	سوسوزن
		scintillometer	سوسوسنج
		self-consistent field method	روش میدان خودسازگار

eigenstate	ویژه حالت	imperfect gas → real gas	
eigenvector	ویژه بردار	infrared	فروسرخ
electric hysteresis → ferroelectric hysteresis		infrared emission	گسیل فروسرخ
electroweak interaction	نیروی الکتروضعیف	instantaneous acceleration	شتاب لحظه‌ای
elementary charge	بار بنیادی	interaction	برهم‌کنش
elementary particle	ذره بنیادی	interaction picture → interaction representation	
escape velocity	سرعت فرار	interaction representation	نمایش برهم‌کنشی
far-ultraviolet radiation	تابش فرابنفش دور	interband transition	گذار میان‌نواری
fermion	فرمیون	interferogram	تداخل نگاشت
ferroelectric hysteresis	پسماند فزوالکتریکی	interferometer	تداخل سنج
flow equation	معادله شارش	intermediate infrared radiation	
fundamental interaction	برهم‌کنش بنیادی		تابش فروسرخ میانی
fundamental particle → elementary particle		interplanar spacing	فاصله بین صفحه‌ای
FUV radiation → far-ultraviolet radiation		intraband transition	گذار درون‌نواری
Galilean relativity	نسبیت گالیلئ	intramolecular force	نیروی درون‌مولکولی
gas	گاز	irreversible	برگشت ناپذیر
general relativity theory	نظریه نسبیت عام	laser cooling	سرمایش لیزری
general relativity → general relativity theory		lifetime → mean life	
grazing angle	زاویه خراش	liquid	مایع
Hartree method	روش هارتری	low vacuum	خلأ پایین
high vacuum	خلأ بالا	magic numbers	اعداد جادویی
high-energy particle	ذره پرانرژی	magnetics	مغناطیس ۱
high-energy physics → particle physics		magnetism	مغناطیس ۲
Hubble effect	اثر هابل	magnetization	مغناطش
ideal gas 1	گاز آرمانی	magnetized	مغناطیده
ideal gas 2 → perfect gas		magnetizing	مغناطنده
		mass defect	کاستی جرم

route forecast	پیش بینی مسیر	annihilation → pair annihilation	
short-range forecast	پیش بینی کوتاه مدت	anode circuit	مدار آند
synoptic meteorology	هواشناسی همدیدی	anode rays	پرتوهای آندی
tailwind	باد موافق	anomalous Zeeman effect	اثر بی هنجار زمین
turbulence	تلاطم	atomic photoelectric effect → photoionization	
turbulence closure	بستار تلاطم	Bohr's correspondence principle	اصل همخوانی بور، اصل همخوانی
turbulent	متلاطم	capture	گیراندازی
upslope wind	باد فراشیب	centrifugal distortion	واپیش مرکزگرز
very short-range forecast	پیش بینی بسیار کوتاه مدت	Chadwick-Goldhaber effect	اثر چادویک-گلدهابر
weather	وضع هوا، هوا	complex wave	موج مرکب
weather forecast	پیش بینی وضع هوا	constructive interference	تداخل سازنده
weather observation	دیدبانی وضع هوا	correspondence principle → Bohr's correspondence principle	
weather prediction → weather forecast		crystal lattice	شبکه بلور
wind shear	چینش باد	de Broglie wave	موج دو بروی
zonal wind	باد زُناری	demagnetization	وامغناطش
		demagnetized	وامغناطیده
		destructive interference	تداخل ویرانگر
		dielectric hysteresis → ferroelectric hysteresis	
		disintegration	فروپاشی
		dispersion	پاشش
		dispersive	پاشنده
		dispersive power	توان پاشش
		displacement	جابجایی
		Doppler broadening	پهن شدگی دوپلری
		eigenfrequency	ویژه بسامد

فیزیک

accelerator → particle accelerator	
alternating-gradient synchrotron	سنکروترون با شیب متفاوت
AM → amplitude modulation	
ampere-turn	آمپر-دور
amplitude	دامنه
amplitude modulation	مدوله سازی دامنه
amp-turn → ampere-turn	
angular acceleration	شتاب زاویه ای

continuity equation	معادله پیوستگی	hot wind	تَشباد
contour	پَر بند	katafront	فروجبهه
contour line	خط پَر بند	lightning	آذرخش
cyclogenesis	چرخندزایی	lightning channel	آذرخش راه
cyclostrophic wind	باد چرخگرد	long-range forecast	پیش بینی بلندمدت
data assimilation	داده گزاری	macrometeorology	کلان هواشناسی
dayglow	روزدرخش	mathematical forecasting	پیش بینی ریاضی وضع هوا، پیش بینی ریاضی
decendent → gradient		medium-range forecast	پیش بینی میان مدت
descriptive meteorology	هواشناسی توصیفی	nightglow	شبدرخش
diagnostic equation	معادله فرایابی	nowcast	کنون بینی
disturbance	آشفتگی	numerical forecasting → numerical weather prediction	
disturbed	آشفته	numerical weather prediction	پیش بینی عددی وضع هوا
downburst	فروپُکش	NWP → numerical weather prediction	
downdraft	فروهنج	observation	دیدبانی
downslope wind	باد فروشیب	observed	دیدبانی شده
downwash	فروشست	observer	دیدبان
drainage wind	باد زهکش	opposing wind → headwind	
equation of continuity → continuity equation		pearl lightning	آذرخش مرواریدی
evaporation gauge → atmometer		permanent aurora	شفق دائمی
evaporimeter → atmometer		perturbation	پَریشیدگی
evapotranspiration	تبخیر- تعرق	perturbed	پَریشیده
evapotranspirometer	تبخیر- تعرق سنج	physical forecasting	پیش بینی فیزیکی وضع هوا، پیش بینی فیزیکی
evapotranspirometry	تبخیر- تعرق سنجی	pressure altimeter → barometric altimeter	
following wind → tailwind		pressure tendency	گرایش فشار
geostrophic wind	باد زمینگرد	prognostic equation	معادله پیش یابی
gradient	شیو		
headwind	باد مخالف		

علوم جو		atmidometer → atmometer	
		atmidometry → atmometry	
actinometer	تابه سنج	atmometer	تبخير سنج
actinometry	تابه سنجی	atmometry	تبخير سنجی
adiabatic condensation pressure	فشار میعان بی دررو	atmosphere 1	اتمسفر
adiabatic saturation pressure	فشار اشباع بی دررو	atmosphere 2	جو
aerogram	جونگاشت	atmospheric attenuation	تضعیف جوی
aerograph	جونگار	atmospheric window	دریچه جو
aerography	جونگاری	aviation meteorology	هواشناسی هواپیمایی
aerology	جوشناسی	barometric altimeter	فرازیاب فشاری
aeronautical meteorology	هواشناسی هوانوردی	barometric tendency → pressure tendency	
agricultural meteorology	هواشناسی کشاورزی	beaded lightning	آذرخش دانه تسییحی
agrometeorology → agricultural meteorology		blocking anticyclone	واچرخند بندالی
air parcel	بسته هوا	blocking high	پرفشار بندالی
aircraft icing	یخ زنی هواگرد	bulk method	روش کپه ای
airglow	هوا درخش	chain lightning	آذرخش زنجیره ای
anafront	فراجبهه	cloud	ابر
anemogram	بادنگاشت	cloudage → cloudiness	
anemograph	بادنگار	cloud classification	رده بندی ابرها
anemological	بادشناختی	cloud cover	پوشش ابر
anemology	بادشناسی	cloudiness	ابرناکي
anticyclogenesis	واچرخندزایی	cloudy	ابرناک، ابری
ascendant → ascendent		coastal front	جبهه ساحلی
ascendent	فرازه	condensation	میعان
ascent	فرازش	condensation pressure	فشار میعان
		confluence	همشاری
		confluent	همشار

insert → insert shot		release <i>print</i>	نسخهٔ پخش
inserted titles → intertitle		reversal → reversal film	
insert <i>shot</i>	میان نما	reversal <i>film</i>	فیلم خود مثبت، خود مثبت
intercut	میان برش	rough cut	برش اولیه
intercutting → intercut		self-blimped camera → blimped camera	
intertitle	میان نویس	separation light → back light	
key light	نور اصلی	shot list → camera card	
low-angle shot	نمای از پایین	shot sheet → camera card	
low-key lighting	نورپردازی مایه تیره	single perf. → single perforation	
low shot → low-angle shot		single perforated film → single perforation	
married print → composite print		single perforation	فیلم تک آثر
master	نسخهٔ اصلی	slow motion	کُند نمایی
master negative → master		soft light	نرم نور
master shot	نمای مادر	soft lite → soft light	
Movietone frame → Academy aperture		spotlight	خال نور
night effect → day-for-night		still frame → freeze frame 1	
off-angle shot → dutch tilt shot		stop frame → freeze frame 2	
original → master		submaster	نسخهٔ اصلی دوم، اصلی دوم
Oscars → Academy Awards		subtitle	زیرنویس
over cranking → slow motion		subtitled	زیرنویس دار
overhead shot	نمای بالاسر	tracking → tracking shot	
parallel editing	تدوین موازی	tracking <i>shot</i>	نمای ریلی
premiere	نمایش افتتاحیه	track shot → tracking shot	
preview	پیش نمایش	traveling shot	نمای دوربین متحرک
print → film print		trucking shot → traveling shot	
rear projection → back projection		undercranking → fast motion	
release → release print		worm's eye view	نمای دید خزنده، دید خزنده

dupe	نسخه دوم	flashback	گذشته نما
duplication	تکثیر	flash forward	آینده نما
dutch angle shot → dutch tilt shot		flood → floodlight	
dutch tilt shot	نمای کج زاویه	floodlight	پخشاتور
dye-transfer process → imbibition printing		follow spotlight → spotlight	
exposed	نوردیده	foreground	پیش زمینه
exposure	نوردهی	frame	قاب تصویر، قاب
eye-level → eye-level shot		frame bar → frame line	
eye level angle → eye-level shot		frame line	خط قاب
eye level angle shot → eye-level shot		framing	قاب بندی
eye-level shot	نمای تراز چشم، تراز چشم	freeze frame 1	ایستا کردن قاب تصویر، ایستا کردن قاب، قاب ایستانی
eye line → eye-level shot		freeze frame 2	قاب ایستا
fast motion	تندنمایی	freezing → freeze frame 1	
filler → fill light		front projection	پیش تابش
filler light → fill light		front-projection process → front projection	
fill-in light → fill light		gauge → film gauge	
fill light	نور سایه کاه	ground angle shot → worm's eye view	
film gauge	قطع فیلم، قطع	ground shot → ground angle shot	
film print	نسخه فیلم، نسخه	hard light	سخت نور
final cut	برش نهایی	high-angle shot	نمای از بالا
final trial print → first answer print		high-key lighting	نورپردازی مایه روشن
fine cut → final cut		high shot → high-angle shot	
first answer print	نسخه پیش پخش	hold frame → freeze frame 1	
first run	نمایش اول	hydtype process → imbibition printing	
fixed frame → freeze frame 2		imbibition printing	چاپ رنگ آشام
flash ahead → flash forward		indigenous sound	صدای صحنه

Academy leader	نوار راهنمای استاندارد آکادمی، نوار راهنمای استاندارد	composite master → composite print	
Academy mask → Academy aperture		composite matte shot	نمای ترکیبی نقابی
Academy ratio	نسبت استاندارد آکادمی، نسبت استاندارد	composite picture → composite 1	
Academy standards	استانداردهای آکادمی	composite print	نسخه ناطق
accelerated motion → fast motion		coverage 1	پوشش
ambient light	نور محیط	coverage 2	پوشش تصویری
answer print → first answer print		coverage 3	پوشش خبری
backdrop	پساویز	crane shot	نمای جرثقیلی
background	پس زمینه	crib card → camera card	
background light	نور پس زمینه	crop → cropping	
back light	پس نور	cropped	حاشیه گرفته
back lighting	پس نورپردازی	cropping	حاشیه گیری
back projection	پس تابش	cross-cut	برش متقاطع
back screen prejection → back projection		day-for-night	شب نمایی
barney	دوربین پوش	day-for-night filming → day-for-night	
bird's eye view	نمای دید پرنده، دید پرنده	director's cut	نسخه کارگردان
blimp	صداگیر	director's fine cut → director's cut	
blimped camera	دوربین بی صدا	D/N → day-for-night	
boom	بازو	dolly	روانه
boom man	بازوبان	dolly pusher	روانه‌بر
camera card	نمابرگه	dolly shot	نمای روانه‌ای
canted shot → dutch tilt shot		double perf. → double perforation	
caption	برنگاشت	double perforated film → double perforation	
composite 2 → composite print		double perforation	فیلم دواژ
composite 1	تصویر ترکیبی	double perf stock → double perforation	
		double printing	چاپ دوتایی
		drop → backdrop	

sperm 1 → spermatozoid		Thallophyta	ریسه‌داران
sperm 2	گُشناب	thallophyte	ریسه‌رُست
spermatid	زام یا ختک	thallus	ریسه
spermatism	گُشناب‌ریزی	transcript	رونوشت
spermatocyte	زام یاخته	transcription	رونویسی
spermatogenesis	زآم‌زایی	transcriptional	رونوشتی
spermatogenetic	زآم‌زایشی	transformation hypothesis	نظریهٔ دگرگونی انواع، دگرگونی انواع
spermatogonium	زآم‌زا	translation	ترجمه
spermatozoid	زآم ۱	translational	ترجمه‌ای
spermiduct	گُشناب‌راه	transverse colon	کولون افقی، پس‌رودهٔ افقی
spherosomal	گوی تنی	tympanic membrane	پردهٔ گوش، پردهٔ صماخ
spherosome	گوی تن	tympanum → tympanic membrane	
sphincter	بنداره	vagina	زِه‌راه
sphincteral	بنداره‌ای	vaginal	زِه‌راهی
sphincteralgia	بنداره‌درد	vaginate	زِه‌راه‌دار
sphincterectomy	بنداره‌برداری	vaginectomy	زِه‌راه‌برداری
sphincteritis	بنداره‌آماس	vaginitis	زِه‌راه‌آماس
sphincterotome	بنداره‌شکاف، بنداره‌بر	vaginotomy	زِه‌راه‌بری، زِه‌راه‌شکافی
sphincterotomy	بنداره‌شکافی، بنداره‌بری	vibrio	خمیزه
sphincteric → sphincteral		vibrioid	خمیزه‌وار
spiral	پیچیزه‌ای	yellow body → yellow body of ovary	
spirillum	پیچیزه	yellow body of ovary → corpus luteum	
straight intestine → rectum			
structural gene → cistron			
syngamic → syngamous			سینما و تلویزیون
syngamous	همکام		
syngamy	همکامی	Academy aperture	دهانهٔ استاندارد آکادمی، دهانهٔ استاندارد
Thallobionta → Thallophyta			
thalloid	ریسه‌سا	Academy Awards	جوایز اسکار، اسکار

proembryonic	پیش‌رویانی	replication	همتاسازی
promoter	پیش‌بر	replicative	همتاساده، همتاساختی
propagate	تکثیر کردن	replicator	همتاساز
propagation	تکثیر	replicon	همتایه
propagative	تکثیری	replisome	همتاتن
propagator	تکثیرگر	repressing → repression	
propagule → propagulum		repression	فرونشانی
propagulum	قطعه تکثیر	repressor	فرونشان
prostate gland	پروستات	reproduce	تولیدمثل کردن، زادآوری کردن، زاد آوردن
prostate → prostate gland		reproduction	تولیدمثل، زادآوری
prostatic	پروستاتی	reproductive	تولیدمثلی، زادآوردی
prostatitis	پروستات‌آماس	rhizoma → rhizome	
prothallial	پیش‌ریسه‌ای	rhizome	زمین‌ساقه
prothalliform	پیش‌ریسه‌ریخت	rhizomorph	زمین‌ساقه‌ریخت
prothallium → prothallus		right colon → ascending colon	
prothalloid	پیش‌ریسه‌سا	saprophage	پوده‌خوار
prothallus	پیش‌ریسه	saprophyte	پوده‌رُست
prototroph	تک‌کانی‌پرورد ۱	saprophytic	پوده‌رُستی
prototrophic	تک‌کانی‌پرورد ۲	segmented intestine → colon	
prototrophy	تک‌کانی‌پروردگی	seminal vesicle	گُشناب‌دان
recon	نوترکیبه	Sertoli's cells	یاخته‌های سِر‌تولی، یاخته‌های غذا‌دهنده
rectal	راست‌روده‌ای	siphonogamic → siphonogamous	
rectalgia	راست‌روده‌درد	siphonogamous	ماشوره‌کام
rectectomy	راست‌روده‌برداری	siphonogamy	ماشوره‌کامی
rectitis	راست‌روده‌آماس	small intestinal	باریک‌روده‌ای
rectum	راست‌روده	small intestine	باریک‌روده
regulon	ترازه		

oogenetic	مامه‌زایشی	ovulatory	تخمک‌گذاشتی
oogenetic cycle → ovarian cycle		ovule 1	تخمک جانوری، تخمک ۱
oogonial	مامه‌زا ۱	ovule 2	تخمک گیاهی، تخمک ۲
oogonium 1 → archegonium		ovum	مامه
oogonium 2	مامه‌زا ۲	peat	پوده
ootid	مام‌یاختک	perforatorium → acrosome	
operator	ورزگر	periosteal	برون‌استی
operon	ورزه	periosteitis → periostitis	
organ	اندام، عضو	periosteous → periosteal	
organogenic → organogenetic		periosteum	برون‌است
organelle	اندامک	periostitis	برون‌است‌آماس
organic 1	اندامگانی	peroxisomal	پراکسی‌تنی
organic 2	اندامی، عضوی	peroxisome	پراکسی‌تن
organism	اندامگان	photoautotroph	نورخود‌پرورد
organogenesis	اندام‌زایی	photolithotroph	نورکانی‌پرورد
organogenetic	اندام‌زایشی	photoorganotroph	نورآلی‌پرورد
organogeny → organogenesis		phototroph	نورپرورد ۱
organography	اندام‌نگاری	phototrophic	نورپرورد ۲
organoid	اندام‌سا	phototrophy	نورپروردگی
organotroph	آلی‌پرورد ۱	plasmogamy	میان‌یاخته‌کامی
organotrophic	آلی‌پرورد ۲	polygamous	چندکام، چندهمسر
organotrophy	آلی‌پروردگی	polygamy	چندکامی، چندهمسری
ovarian cycle	چرخه تخمدانی	primer	آغازگر
ovarian follicle	انباتک تخمدان	proctalgia → rectalgia	
ovular	تخمکی	proctectomy → rectectomy	
ovulate 1	تخمکدار	proctitis → rectitis	
ovulate 2	تخمک‌گذاشتن	proembryo	پیش‌رویوان
ovulation	تخمک‌گذاری		

kinetosome	جُنباتَن	micropropagation	ریز تکثیری
kinosphere → aster		microsomal	خُرْدَتَنی
lac operon	ورزَه لاکتوز	microsome	خُرْدَتَن
large intestinal	فراخ‌روده‌ای	mixotroph	آمیزه پرورد ۱
large intestine 1	فراخ‌روده	mixotrophic	آمیزه پرورد ۲
large intestine 2 → colon		mixotrophy	آمیزه پروردگی
left colon → descending colon		monogamous	تک‌کام، تک‌همسر
Leydig's cells	یاخته‌های لیدِیگ، یاخته‌های بینابینی بیضه، یاخته‌های بینابینی	monogamy	تک‌کامی، تک‌همسری
lipid	چربی، لیپید	mutagen	جهش‌زا ۱
lipin → lipid		mutagenesis	جهش‌زایی
lipoid → lipid		mutagenic	جهش‌زا ۲
lithotroph	کانی‌پرورد ۱	mutant	جهش‌یافته
lithotrophic	کانی‌پرورد ۲	mutation	جهش
lithotrophy	کانی‌پروردگی	muton	جهشه
locus	جابگاه	mycelial	جُلینه‌ای
macrogamete	درشت‌کامه	mycelium	جُلینه
mass extinction	انقراض جمعی	myceloid	جُلینه‌سا
mega colon → colon		neoglucogenesis → gluconeogenesis	
megagamete → macrogamete		neoglucogenetic → glycogenesis	
memory cell	یاخته یادسپار	oleosome → spherosome	
mesosomal	نیام‌تنی	oligotroph	کاستی‌پرورد ۱
mesosome	نیام‌تن	oligotrophic	کاستی‌پرورد ۲
microbody	ریز‌تن	oligotrophy	کاستی‌پروردگی
microgamete	ریز‌کامه	oocyte	مام‌یاخته
microorganic	ریزاندامگانی	oogamete	تخمک‌کامه
microorganism	ریزاندامگان	oogamous	تخمک‌کام
microorganismal → microorganic		oogamy	تخمک‌کامی
		oogenesis	مامه‌زایی

ganglion	گره عصبی، گره	heterogamous	ناجورکام
ganglionated	گره‌دار	heterogamy	ناجورکامی
ganglion cell	یاخته گرهی	heterosomal	ناجورفام‌تنی
ganglionic	گرهی	heterosome	ناجورفام‌تن
ganglionitis	گره‌آماس	heterotroph	دگرپرورد ۱
gene expression	بیان ژن	heterotrophic	دگرپرورد ۲
glucogenesis	گلوکززایی	heterotrophy	دگرپروردگی
glucogenic	گلوکززایشی	heterozygosity → heterozygosis	
glucolysis → glycolysis		heterozygosis	ناجور تخمی
gluconeogenesis	نوگلوکززایی	heterozygote	ناجور تخم ۱
gluconeogenetic	نوگلوکززایشی	heterozygous	ناجور تخم ۲
glycogenesis	گلیکوژن‌زایی	homozygosity → homozygosis	
glycogenetic, glycogenic	گلیکوژن‌زایشی	homozygosis	جور تخمی
glycogenic → glycogenetic		homozygote	جور تخم ۱
glycogenolysis	گلیکوژن‌کافت	homozygous	جور تخم ۲
glycogenolytic	گلیکوژن‌کافتی	hypertrophic	بیش‌پرورد
glycogenesis	گلیکوژن‌انباشت	hypertrophy	بیش‌پروردگی
glycogeny → glycogenesis		hypha	نخینه
glycolysis	قندکافت	hyphal	نخینه‌ای
glycolytic	قندکافتی	hypotrophic	کم‌پرورد
glyconeogenesis → gluconeogenesis		hypotrophy	کم‌پروردگی
glyconeogenetic → gluconeogenetic		intron	میانه
Graafian follicle → ovarian follicle		intronic	میانه‌ای
Graafian vesicle → ovarian follicle		isogamete	جورکامه
guard cell	یاخته نگهبان	isogametic	جورکامه‌ای
heterogamete	ناجورکامه	isogamous	جورکام
heterogametic	ناجورکامه‌ای	isogamy	جورکامی

eardrum → tympanic membrane	هوپرورش	eutrophication
ectoplasm بر میان‌یاخته	هوپروردگی	eutrophy
ectoplasmatic بر میان‌یاخته‌ای	بیانه	exon
ectosarc → ectoplasm	بیانه‌ای	exonic
egg → ovum	انقراض	extinction
egg cell → ovum	لوله فالوپ	Fallopian tube
embryo رویان	جنینی، زهسانی	fetal
embryogenesis رویان‌زایی	جنین‌بین، زهسان‌بین	fetoscope
embryogenetic رویان‌زایشی	جنین‌بینی، زهسان‌بینی	fetoscopy
embryology رویان‌شناسی	جنین، زهسان	fetus
embryonal → embryonic	نظریه ثبات انواع، ثبات انواع	fixity of species
embryonic رویانی	foetus → fetus	
embryophore رویان‌بر	انبانک	follicle
endoplasm در میان‌یاخته	انبانکی	follicular
endoplasmic در میان‌یاخته‌ای	انبانکی‌شده	folliculate
endoplasmic reticulum شبکه در میان‌یاخته‌ای	انبانک‌دار	folliculose
endosomal درون‌تنی	fungus filament → hypha	
endosome درون‌تن	کامه‌دان	gametangium
endosteal درون‌استی	کامه	gamete
endosteitis → endostitis	کامه‌ای	gametic
endosteum درون‌است	کام‌یاخته	gametocyte
endostitis درون‌است‌آماس	کامه‌زایی	gametogenesis
epididymis خاگ	کامه‌زایشی	gametogenic
epididymitis خاگ‌آماس	کامه‌بر	gametophore
ER → endoplasmic reticulum	کامه‌رست	gametophyte
eutrophia → eutrophy	gangliated → ganglionated	
eutrophic هوپرورد	گره‌یاخته	gangliocyte

blindgut → cecum		colonalgia	کولون درد، پس‌روده درد
cecal	کوروده‌ای	colonic	کولونی، پس‌روده‌ای
cecum	کوروده	colonoscope	کولون‌بین، پس‌روده‌بین
centrosphere	میان‌گوی	colonoscopy	کولون‌بینی، پس‌روده‌بینی
centrospheric	میان‌گویی	coloscope → colonoscope	
chemoautotroph	شیمی خودپرورد	conjugate 1	همیوغ
chemoheterotroph	شیمی دگرپرورد	conjugate 2	همیوغ شدن، همیوغ کردن
chemolithotroph	شیمی کانی پرورد	conjugation	همیوخی
chemoorganotroph	شیمی آلی پرورد	conjugon	همیوغه
chemotroph	شیمی پرورد ۱	copiotroph	فزونی پرورد ۱
chemotrophic	شیمی پرورد ۲	copiotrophic	فزونی پرورد ۲
chemotrophy	شیمی پروردگی	copiotrophy	فزونی پروردگی
chromosomal	فام‌تنی	corpus albicans	جسم سفید
chromosomal duplication → duplication		corpus fibrosum → corpus albicans	
chromosome	فام‌تن	corpus luteum	جسم زرد
cistron	کارابه	cupula	فتجانک
clonal	تاگی	cupular	فتجانکی
clone	تاگ	cytaster → aster	
cloned	تاگ‌سازی شده	descending colon	
clonning	تاگ‌سازی		کولون پایین‌رو، پس‌روده پایین‌رو
coccal	گویزه‌ای	doubling → duplication	
coccus	گویزه	duplicate 1	دو تا شدن
codon	رّمزه	duplicate 2	دو تا شده
colon ascendens → ascending colon		duplication	دو تا شدگی
colon descendens → descending colon		dystrophia → dystrophy	
colon transversum → transverse colon		dystrophic	دُش پرورد
colon	کولون، پس‌روده	dystrophy	دُش پروردگی

subactive volcano → dormant volcano	ناهمکام	apogamous
submetallic luster جلای شبه فلزی	ناهمکامی	apogamy
takir → playa	مامه‌دانی	archegonial
vitreous luster جلای شیشه‌ای	مامه‌دان‌دار	archegoniate
	مامه‌دان‌بر	archegoniophore
	مامه‌دان	archegonium
	کولون بالارو، پس‌روده بالارو	ascending colon
	اخترک	aster
abiotrophy → hypotrophy		astral sphere → astrosphere
acrosomal تازک‌تنی	اخترگویی	astrosphere
acrosome تازک‌تن		atrophia → atrophy
allogamic → allogamous		atrophic واپرورد
allogamous دگرگام		atrophy واپروردگی
allogamy دگرگامی		attraction-sphere → centrosphere
ampulla ossea → ampulla		autosomal جورفام‌تنی
ampulla فنجان		autosome جورفام‌تن
anisogamete → heterogamete		autotroph خودپرورد ۱
anisogametic → heterogametic		autotrophic خودپرورد ۲
anther بساک		autotrophy خودپروردگی
antherid → antheridium		auxotroph تک‌آلی پرورد ۱
antheridial زامه‌دانی		auxotrophic تک‌آلی پرورد ۲
antheridiophore زامه‌دان‌بر		auxotrophy تک‌آلی پروردگی
antheridium زامه‌دان		bacillary میلزیه‌ای
antheriferous بساک‌بر		bacilliform میلزیه‌شکل
antherozoid گیازمه، زامه ۲		bacillus میلزیه
antherozoidal گیازامه‌ای، زامه‌ای		basal body → kinetosome
anticodon پاد‌رمز		basal granule → kinetosome
apical body → acrosome		

زیست‌شناسی

exfoliated	پوسته پوسته شده، پوسته پوسته ۲	kavir 1 → playa	
exfoliation	پوسته پوسته شدن، پوسته پوسته ۱	kavir 2	کویر
extinct volcano	آتشفشان منقرض	layering → bedding	
extinction 1	انقراض	magmatic assimilation → assimilation	
extinction 2	خاموشی	magmatic dissolution → assimilation	
extrusion	برون‌ریزی	mass extinction	انقراض جمعی
extrusive	برونی	metallic luster	جلای فلزی
extrusive rock	سنگ بیرونی	mud crack	گِل‌تَرک
fiord → fjord		mudflow	گِل‌شار
firestone → flint		nacreous luster → pearly luster	
fjord	آبدره	nonmetallic luster	جلای غیرفلزی
flint	سنگ چخماق	parallel bedding → concordant bedding	
flood plain	سیلاب‌دشت، دشت سیلابی	pearly luster	جلای صدفی
flood-plain → flood plain		phaneritic texture	بافت ویدا
floodplain → flood plain		playa	دَغ
fyord → fjord		proluvial	سیل‌رُفتی
geyser	آبفشان	proluvium	سیل‌رُفت
glaciation	یخسارش	recharge	تغذیه
glacier	یخسار، یخچال طبیعی	replenishment → recharge	
greasy → greasy luster		resinous luster	جلای رزینی
greasy luster	جلای چرب	sabkha → playa	
increment → recharge		salt flat	کفه‌نمک
intake → recharge		scaling → exfoliation	
intrusion 1	توده نفوذی	sheeting → exfoliation	
intrusion 2	نفوذ	sheet jointing → exfoliation	
intrusive	نفوذی	silky luster	جلای ابریشمی
intrusive rock	سنگ نفوذی، سنگ درونی	spalling → exfoliation	

زمین‌شناسی		cemented	آژندیده
		chalk	گل سفید
active volcano	آتشفشان فعال	chemical weathering	هوازدگی شیمیایی
adamantine luster	جلای الماسی	cleavage	رخ
alkali flat	کفه قلیایی	colluvial	کوهرفتی
alluvial	آبرفتی	colluvium	کوهرفت
alluvial deposit → alluvium		concordant bedding	لایه‌بندی همساز
alluviation	آبرفت‌گذاری	continental apron → continental rise	
alluvion → alluvium		continental displacement → continental drift	
alluvium	آبرفت	continental drift	رانۀ قاره‌ای
aphanitic texture	بافت ناویدا	continental rise	خیز قاره
aseismic ridge	پشته بی‌لرزه	continental shelf	فلات قاره
assimilated	گوارده	continental slope	شیب قاره
assimilation	گوارد	coquina	صدف سنگ
bed	لایه	decementation	آژندزدایی
bedded	لایه‌ای	depth of compensation → carbonate compensation depth	
bedding	لایه‌بندی	desquamation → exfoliation	
biomineral	زیست‌کانی	discharge	آبدهی
biomineralization	زیست‌کانی‌سازی	discordant fold	چین ناهم‌ساز
biomineralogy	زیست‌کانی‌شناسی	dormant volcano	آتشفشان خاموش
calcium-carbonate compensation depth → carbonate compensation depth		dry lake → playa	
carbonate compensation depth	ژرفای موازنۀ کربنات، ژمک	dull luster	جلای مات
carbonate platform	سکوی کربناتی	dune	تلماسه
carbonate shelf	فلات قارۀ کربناتی	earthy → dull luster	
cement	آژند	earthy luster → dull luster	
cementation	آژندش	effusion → extrusion	

secondary articulation	تولید دومین، تولید فرعی	topicalized	مبتداسازی شده، مبتداساده
semantic	معنایی، معنی‌شناختی، معناشناختی	total assimilation	همگونی کلی
semantic component	بخش معنایی	transformation	گشتار
semantic feature	مشخصه معنایی	transformational	گشتاری ۲
semanticist	معنی‌شناس، معناشناس	transformational component	بخش گشتاری
semantics	معنی‌شناسی، معناشناسی	transformational generative grammar → generative transformational grammar	
sense component → component 2		transformational grammar → generative transformational grammar	
sonorant	رسا	transformationalism	گشتارگرایی
sonority	رسایی	transformationalist	گشتارگرا، گشتاری ۱
sound change	تغییر آوایی	umlaut	پیشین‌شدگی
sound law	قانون آوایی	underlying structure → deep structure	
sound shift	تحول آوایی	ungrammatical	غیردستوری، نادرستی
sound system	نظام آوایی	vocal band → vocal cords	
speech organs → vocal organs		vocal bands → vocal cords	
subject → grammatical subject		vocal cord → vocal cords	
surface structure	روساخت	vocal cords	تارآواها، تارآوا
syncope	حذف میانی	vocal fold → vocal cords	
syntactic	نحوی ۲	vocal folds → vocal cords	
syntactic component	بخش نحوی	vocal lip → vocal cords	
syntactician	متخصص نحو، نحوی ۱	vocal lips → vocal cords	
syntax	نحو	vocal organs	اندام‌های آوایی
thematic	پذیرنده ۱	vocal tract	مجرای آوایی
thematization	آغازگرسازی	voice	واک
theme 1	آغازگر	voice onset time	زمان آغاز واک
theme 2	پذیرنده ۲	vowel gradation → ablaut	
topic	مبتدا	vowel mutation → umlaut	
topicalization	مبتداسازی		

grammatician	دستوری ۱، دستورنویس	oral	دهانی
grammatical	دستوری ۲	oral cavity	حفرة دهان، دهان
grammatical subject	فاعل دستوری، فاعل، نهاد	oral chamber → oral cavity	
grammaticality	دستوری بودن	partial assimilation	همگونی جزئی
grammaticalization	دستوری شدن، دستوری‌شدگی	pharyngeal	حلقی
grammaticalized	دستوری‌شده	pharyngeal cavity	حفرة حلق، حلق
grounding	زمینه‌سازی	pharyngealization	حلقی شدن، حلقی‌شدگی
hapology	حذف هجای مکرر، حذف هجا	phonation	واک‌سازی
incomplete assimilation	همگونی ناقص	phonological component	بخش واجی
information structure	ساخت اطلاع، ساختار اطلاع	phonological process	فرایند واجی
initiation	آغازش	phonological rule	قاعده واجی
initiator	آغازش‌گر	phrase structure	ساخت گروهی
length	کشش	phrase structure grammar	دستور ساخت گروهی
logical subject	فاعل منطقی	phrase structure rule	قاعده ساخت گروهی
manner of articulation	شیوه تولید	place of articulation	جایگاه تولید
metathesis	قلب	presupposed	پیش‌انگاشته
metathesized	مقلوب	presupposition	پیش‌انگاشت
modular	حوزه‌ای	presuppositional	پیش‌انگاشتی
modularity	حوزه‌ای بودن	primary articulation	تولید نخستین، تولید اصلی
module	حوزه	progressive assimilation	همگونی پیش‌رو
nasal cavity	حفرة خیشوم، خیشوم	prothesis	پیش‌هشت
neogrammarians	نودستوریان	prothetic	پیش‌هستی
new information	اطلاع نو	psychological subject	فاعل روان‌شناختی
non-sonorant	نارسا	regressive assimilation	همگونی پس‌رو
obstruent	گرفته	rheme	پایان‌بخش
old information	اطلاع کهنه		

assimilation	همگونی، همگون‌شدگی	duality of structure → double articulation 1	
background	پس‌زمینه	duration	دیرش
backgrounded	پس‌زمینه‌سازی شده	elision	حذف آوایی
backgrounding	پس‌زمینه‌سازی	epenthesis	میان‌هشت
base component	بخش پایه	epenthetic	میان‌هستی
bleed	زمینه‌برچینی کردن	feature	مشخصه
bleeding	زمینه‌برچینی	feature geometry	هندسه مشخصه‌ها
coarticulation	هم‌فراگویی، تولید هم‌زمان	feed	زمینه‌چینی کردن
cognitive grammar	دستور شناختی	feeding	زمینه‌چینی
cognitive semantics	معنی‌شناسی شناختی، معناشناسی شناختی	focus	کانون
comment	خبر	foreground	پیش‌زمینه
complete assimilation	همگونی کامل	foregrounded	پیش‌زمینه‌سازی شده
component 1	بخش	foregrounding	پیش‌زمینه‌سازی
component 2	مؤلفه	formal semantics	معنی‌شناسی صوری، معناشناسی صوری
componential analysis	تجزیه مؤلفه‌ای	functional grammar	دستور نقش‌گرا
counter-bleeding	عکس زمینه‌برچینی	generative grammar	دستور زایشی
counter-feeding	عکس زمینه‌چینی	generative semantics	معنی‌شناسی زایشی، معناشناسی زایشی
deep structure	ژرف‌ساخت	generative transformational grammar	دستور زایشی-گشتاری، دستور گشتاری
deletion	حذف	given information	اطلاع مفروض
dissimilate	ناهمگون شدن	glottal	چاکنایی
dissimilated	ناهمگون شده، ناهمگون	glottalization	چاکنایی شدن، چاکنایی‌شدگی
dissimilation	ناهمگونی، ناهمگون‌شدگی	glottalized	چاکنایی شده
double articulation 1	تجزیه دوگانه	glottis	چاکنای
double articulation 2	تولید دوگانه	gradation → ablaut	
duality → double articulation 1		grammar	دستور زبان، دستور
duality of patterning → double articulation 1			

commutative group	گروه جابه‌جایی	OR function	تابع "یا"
defective number	عدد ناقص	point of adherence → adherent point	
deficient number → defective number		polynomial equation → algebraic equation	
differential calculus	حساب دیفرانسیل	primitive function	تابع اولیه
field	هیأت، میدان	sum	مجموع
frontier point → boundary point		summand	جمع‌وند
function	تابع	summation	مجموع‌یابی
functional	تابعک	superfluous number → abundant number	
functor	تابعگون	uniformly convergent series	سری یکنواخت همگرا
homomorphism	همریختی	variational calculus → calculus of variations	
indefinite integral	انتگرال نامعین	x-coordinate → abscissa	
inscribed angle	زاویه محاطی	y-coordinate → y-coordinate of a point	
integral calculus	حساب انتگرال	y-coordinate of a point → ordinate of a point	
isomorphism	یکریختی	زبان‌شناسی	
linear function	تابع خطی		
linear map → linear mapping		ablaut	راکه‌گشت
linear mapping	نگاشت خطی	anticipatory assimilation → regressive assimilation	
linear operator	عملگر خطی	apocope	حذف پایانی
linear transformation	تبدیل خطی	apophony → ablaut	
map → mapping		articulation	تولید، فراگویی
mapping	نگاشت	articulator	اندام تولید، فراگو
measurable space	فضای اندازه‌پذیر	articulatory	تولیدی
measure	اندازه	assimilate	همگون شدن
obtuse angle	زاویه باز	assimilated	همگون‌شده، همگون
operation	عمل		
operator	عملگر		
ordinate of a point	عرض نقطه، عرض		

algebraically closed field	هیأت جبری بسته، میدان جبری بسته	analytic number theory	نظریه تحلیلی اعداد
algebraically complete field → algebraically closed field		AND function	تابع "و"
algebraically independent elements	عنصرهای جبری مستقل	angle	زاویه
algebraic closure → algebraic closure of a field		angle at a circumference → inscribed angle	
algebraic closure of a field	بستار جبری یک هیأت، بستار جبری یک میدان، بستار جبری	angle bisector	نیمساز زاویه، نیمساز
algebraic curve	خم جبری	angular distance	فاصله زاویه‌ای
algebraic equation, polynomial equation	معادله جبری	annihilator	پوچساز
algebraic expression	عبارت جبری	annular domain	حوزه طوقی
algebraic geometry	هندسه جبری	annulator → annihilator	
algebraic identity	اتحاد جبری	annulus	طوق
algebraic manifold	خمینه جبری	antiderivative	پادمشتق
algebraic number	عدد جبری	anti-isomorphism	پادیکریختی
algebraic number theory	نظریه جبری اعداد	antipodal map	نگاشت متقاطر
algebraic surface	رویه جبری	antipodal points	نقطه‌های متقاطر
algebraic system	دستگاه جبری	binary operation	عمل دوتایی
algebraic theory of numbers → algebraic number theory		bisector → angle bisector	
algebraic variety	چندگونای جبری	bisectrix → angle bisector	
almost everywhere	تقریباً همه جا	boundary of a set	مرز مجموعه
amicable numbers	عددهای متحاب	boundary point	نقطه مرزی
analytic function	تابع تحلیلی	bounded function	تابع کراندار
analytic geometry	هندسه تحلیلی	bounded operator	عملگر کراندار
		bounded sequence	دنباله کراندار
		bounded set	مجموعه کراندار
		bounded variation	وردش کراندار
		calculus	حسابان
		calculus of residues	حساب مانده‌ها
		calculus of variations	حساب وردش‌ها

software package	بسته نرم‌افزاری	ریاضی	
tape drive	رانه نواز، نواررانه		
TCP → Transmission Control Protocol		Abelian group	گروه آبدلی
telematics	دورورزی	abscissa	طول نقطه، طول
text telephone	تلفن پیام‌نما	absolute continuity	پیوستگی مطلق
touch display screen → touch screen		absolute convergence	همگرایی مطلق
touch pad → touchpad		absolute error	خطای مطلق
touchpad	لَب لمسی	absolute value	قدرمطلق
touch screen	پرده لمسی	absolutely convergent series	سری مطلقاً همگرا
trackball	توپک	abstract algebra	جبر مجرد
Transmission Control Protocol		abundant number	عدد زائد
	قرارداد هدایت انتقال	acute angle	زاویه تند
USB port	درگاهی همه‌گذر	acute-angle triangle → acute triangle	
USB → Universal Serial Bus		acute triangle	مثلث تند
uniform resource locator	نشانی وب	acyclic graph	گراف بی‌دور
URL → uniform resource locator		addition	جمع
universal resource locator → uniform resource locator		adherent point	نقطه چسبیده
Universal Serial Bus	همه‌گذر	adjacent angles	زاویه‌های مجاور
update 1	روزآمد	adjacent sides	ضلع‌های مجاور
update 2	روزآمد کردن	adjacent vertices	رأسهای مجاور
updating	روزآمدسازی	adjoint matrix	ماتریس الحاقی
upgrade	ارتقا دادن	affine mapping	نگاشت همگر
upgraded	ارتقایافته	affine plane	صفحه همگر
upgrading	ارتقا	affine transformation	تبدیل همگر
web hosting	میزبانی وب	affinity	همگری
		algebraic addition	جمع جبری

enciphered data	داده پوشیده	MPEG → Motion Picture Experts Group	
external drive	رانه خارجی	Motion Picture Experts Group → Moving Picture Experts Group	
GAN → global area network			
global area network	شبکه جهانی	metropolitan area network	شبکه شهری
HAN → home area network		minimum configuration	پیکربندی کمینه
home area network	شبکه خانگی	modem	مودم
IMAP → Internet Message Access Protocol		modulator-demodulator → modem	
IP → Internet Protocol		packaged software	نرم افزار بسته ای
integrated	یکپارچه شده، یکپارچه	pad	لِت
integration	یکپارچه سازی	PAN → personal area network	
integrity test	آزمون یکپارچگی	parallel	موازی
interfacing	میاناسازی	Perl interpreter	مفسرِ پرل
internal drive	رانه داخلی	personal area network	شبکه شخصی
Internet Message Access Protocol		plug-in	افزایه
	قرارداد پیام‌گزینی	point of presence	بودگاه
Internet Protocol, IP	قرارداد اینترنت	pointer	اشاره گر
JPEG → Joint Photographic Experts Group		pointing device	افزاره اشاره
Joint Photographic Experts Group	نمادیس	pop → point of presence	
joystick	اهرمک	port	درگاهی
LCD → liquid crystal display		query	پُرسمان
light pen	قلم نوری	query processing	پُرسمان‌پردازی
liquid crystal display		SMTP → Simple Mail Transfer Protocol	
	نمایشگر بلورمایع، نماب	screen saver	پرده بان
MAN → metropolitan area network		screen → display screen	
Motion Picture Experts Group Layer 3 → MP3		sequential → serial	
MP3	آوا-۳	serial	متوالی، سری
Moving Picture Experts Group		Simple Mail Transfer Protocol	
	نماوادیس، نماوا		قرارداد ساده نامهرسانی

رایانه و فناوری اطلاعات			
stock rail joint	درز ریل سوزن	add-in	درازا
switch	سوزن	add-on 1 → plug-in	
switch heel	پاشنه تیغه سوزن، پاشنه سوزن	add-on 2	برافزا
switch rail	تیغه سوزن	application package	بسته کاربردی
tank car → tank wagon		assembly language program	برنامه به زبان همگذاری
tank wagon	واگن مخزنی	assembly program	برنامه همگذاری
test vehicle → test wagon		Bluetooth	دندان آبی، بلوتوث
test wagon	واگن آزمون	bug	اشکال
third rail	ریل سوم	CAN → campus area network	
three piece bogie	بوژی سه تکه	campus area network	شبکه پردیسی
tilting coach → tilting wagon		clipboard	بُریده دان
tilting wagon	واگن آونگی	data dictionary management system	سامانه مدیریت داده نامه، سامیدان
tongue rail → switch rail		data filing	پرونده بندی داده ها
track	خط آهن	data message integrity	یکپارچگی داده پیام
track crossing → diamond crossing		DDMS → data dictionary management system	
track-laying machine	ماشین ریل گذار	debug	اشکال زدایی کردن
track scale → wagon weighbridge		debugger	اشکال زدا
truck → bogie		debugging	اشکال زدایی
universal crossover → double crossover		device	افزاره
vehicle → wagon		device driver	افزاره ران
wagon	واگن	device manager	افزاره گردان
wagon elevator → wagon lift		display screen	پرده نمایش
wagon lift	بالابر واگن	drive	رانه
wagonnet	واگنک	driver	راننده
wagon weighbridge	باسکول خط		
welded rail → continuous welded rail			
wing rail	ریل بالی		

hopper car → hopper wagon		rail-grinding machine	
hopper wagon	واگن قیفی		ماشین ریل ساب، ریل ساب
hospital car → ambulance wagon		rail-grinding train → rail-grinding machine	
hybrid locomotive	لکوموتیو ترکیبی	railhead	کلاهک ریل، تاج ریل
lead rail → guide rail		rail pad	بالشتک
level crossing	تقاطع هم سطح	rail splice → fishplate	
light rail	ریل سبک	rail web	جان ریل
light rail transit	قطار سبک شهری، قطار سبک	rail-welding machine	ماشین جوش ریل
locomotive crane	جرثقیل ریلی	reefer → refrigerator wagon	
long rail	ریل بلند	refrigerator wagon	واگن یخچال
long welded rail → continuous welded rail		ribbon rail → continuous welded rail	
low side wagon	واگن لبه کوتاه	saloon coach	واگن اتوبوسی
LRT → light rail transit		scissors crossover → double crossover	
maglev train	قطار مغناطیسی	self steering bogie	بوژی خودفرمان
make up rail	ریل بریده	shortened rail → make up rail	
monorail → monorail train		short rail	ریل کوتاه
monorail train	قطار تک ریل	single track line	مسیر یک خطه
pad → rail pad		sleeping car → sleeping-wagon	
passenger car → passenger wagon		sleeping-wagon	واگن خواب
passenger wagon	واگن مسافری	slide chair	زینچه لغزنده
people mover	پیاده بر	small wagon → wagonnet	
point → switch		splice bar → fishplate	
rail base → rail foot		spoil car → wagonnet	
rail chair	زینچه	standard rail	ریل استاندارد
rail clip → rail fastener		stock car → cattle wagon	
rail fastener	پابند	steam wagon	واگن بخار
rail foot	پایه ریل	stock rail	ریل پهلویی

cattle wagon	واگن احشام	evaluation car → test wagon	
chair → rail chair		fastener → rail fastener	
closure rail → guide rail		fishplate	وصله ریل
compartment coach	واگن کوپه‌ای	flat car → flat wagon	
conductor rail → third rail		flat wagon	واگن کفی
contact rail → third rail		freight car → freight wagon	
continuous welded rail	ریل ممتد	freight car scale → wagon weighbridge	
continuous welded track	خط آهن بی‌درز	freight wagon	واگن باری
covered car → covered wagon		frog	تکه مرکزی
covered wagon	واگن مسقف	funicular railway	قطار کابلی، قطار بانده‌ای
crane wagon	واگن جرثقیل‌دار	generator wagon → energy distribution wagon	
crossing	تقاطع	geometry car → test wagon	
crossover → crossing		girder rail → grooved rail	
current collector rail → third rail		gondola car → low side wagon	
CWR → continuous welded rail		goods wagon → freight wagon	
derrick car → crane wagon		grade crossing → level crossing	
diamond crossing	تقاطع چلیپا، چلیپا	grade separated crossing	تقاطع ناهم‌سطح
diamond crossover → double crossover		grooved rail	ریل قاشقی
diesel multiple unit	خودکشند دیزلی	guide rail	ریل هادی
DMU → diesel multiple unit		half-barrier	نیم‌راه‌بند
double crossover	تقاطع دوگانه	hand car → wagonnet	
double track line	مسیر دوخطه	head of rail → railhead	
dynamic track stabilizer	ماشین پایدارساز خط، پایدارساز خط	heating wagon → steam wagon	
electric multiple unit	خودکشند برقی	heavy rail	ریل سنگین
EMU → electric multiple unit		heel of point → switch beel	
energy distribution wagon	واگن مولد	high side wagon	واگن لب‌بلند
		highway-rail grade crossing → level crossing	

recovery time → layover time	
relay time → layover time	
reserve capacity	ظرفیت ذخیره
rolling stock → fleet	
running speed	سرعت سیر
simplified network → spider web	
site planning	طراحی موقعیت
spacing	سرفاصله
speed limit	حد سرعت
speed zone	حوزه محدودیت سرعت
spider network → spider web	
spider web	شبکه تار عنکبوتی
statutory speed	سرعت مقرر
through put	حجم گذر
tidal flow	جریان غالب
tidal traffic → tidal flow	
time space diagram	نمودار زمان - فاصله
traffic congestion	ازدحام تردد
traffic density	چگالی تردد
traffic generating → traffic generation	
traffic generation	ایجاد تردد
traffic generator	ایجادکننده تردد
traffic impact analysis	عارضه سنجی تردد
transportation system	سامانه حمل و نقل
travel time	مدت مسافرت
trip	سفر
trip attraction	جذب سفر

trip generating → trip generation

trip generation	ایجاد سفر
vehicular trip	سفر سواره
walking speed	سرعت عابر پیاده، سرعت پیاده

حمل و نقل ریلی

ambulance coach → ambulance wagon	
ambulance wagon	واگن آمبولانس
articulated coach → articulated wagon	
articulated wagon	واگن مفصلی
ballast car → ballast wagon	
ballast compactor	ماشین روکوب
ballast consolidator → ballast compactor	
ballast regulator	ماشین خط‌آرا، خط‌آرا
ballast tamper	ماشین زیرکوب
ballast tamping machine → ballast tamper	
ballast wagon	واگن پاژسنگ
barrier	راه‌بند
binder rail → wing rail	
blade heel → switch heel	
blade rail → switch rail	
bogie	بوژی
box car → covered wagon	
car 1 → wagon	
car 2 → passenger wagon	
car-carrier wagon	واگن خودروبر

excess time	اضافه زمان	median speed	سرعت میانه
fleet	ناوگان	minor street	خیابان فرعی
fleet capacity	ظرفیت ناوگان	mixed flow traffic → mixed traffic	
high occupancy vehicle	خودروی چندسرنشین	mixed traffic	تردد مختلط
high occupancy vehicle lane	خط خودروی چندسرنشین	modal speed	سرعت معمول
hold time → allowance time		modal split	تفکیک وسایط سفر
home based trip	سفر یکسرنمزل	mode split → modal split	
ideal capacity	ظرفیت آرمانی	movement capacity	ظرفیت حرکت
impact analysis → traffic impact analysis		non-home based trip	سفر غیر یکسرنمزل
induced demand → induced traffic		operating speed	سرعت عملی
induced traffic	تردد افزوده	overall speed → overall travel speed	
interzonal trip	سفر بین حوزه‌ای	overall travel speed	سرعت کلی
intrazonal travel time	زمان سفر درون حوزه‌ای	overall trip speed → cycle speed	
intrazonal trip	سفر درون حوزه‌ای	pad time	زمان جبران
journey duration → travel time		passenger car	سواری
journey speed → overall travel speed		passenger car equivalence	همسنگ سواری
journey time	مدت سفر	peak-hour conversion factor → peak-hour factor	
landuse	کاربری زمین، کاربری	peak-hour factor	ضریب ساعت اوج
layover time	توقف ایستگاهی	penalty time	زمان تاوان
level of service	سطح کارایی	platoon	گروه
load factor	ضریب بار	possible capacity	ظرفیت ممکن
local access → local access street		posted speed	سرعت اعلام شده
local access street	دسترسی محلی	practical capacity	ظرفیت عملی
main street → major street		premium time → pad time	
major street	خیابان اصلی	public transportation	حمل و نقل همگانی
make up time → pad time		rate of flow	میزان جریان
mass transportation	حمل و نقل انبوه	reaction time	زمان واکنش

strudel	میان‌پُر	average day	روز عادی
taffy → toffee		base headway	فاصله زمانی پایه
toffee	نرم‌نبات	bonus time → allowance time	
undernourishment → undernutrition		central business district	محدوده تجاری مرکزی
undernutrition	کمبود تغذیه	commute	سفر حومه-شهری
vegan	گیاهخوار مطلق	commuter	مسافر حومه-شهری
vegetarian	گیاهخوار	converted traffic	تردد تبدیلی
vegetarianism	گیاهخواری	corridor	دالان
whey	آب پنیر	crawl speed	سرعت خزش
whey butter	کره آب پنیر	critical lane	خط پرگذر
whey cheese	لور	critical movement	حرکت بحرانی
whey granules	آب پنیر ریزدانه	crossing time	زمان گذر عرضی
whey powder	گرد آب پنیر	cycle speed	سرعت رفت و برگشت
white rice → wholly milled rice		dead time → allowance time	
whole milk	شیر کامل	design capacity	ظرفیت طرح
wholly milled rice	برنج سفید	design hourly volume → design volume	
حمل و نقل درون‌شهری - جاده‌ای		design speed	سرعت طرح
		design vehicle	خودروی طرح
		design volume	حجم طرح
85 percentile speed	سرعت ۸۵ درصد	diverted demand → diverted traffic	
access time	زمان دسترسی	diverted traffic	مسیر تغییر یافته
advisory speed	سرعت توصیه‌ای	double deck bus	اتوبوس دوطبقه
allowance time	زمان مجاز، زمان مجاز	double decked → double deck bus	
annual average daily traffic	متوسط سالیانه تردد روزانه	down time	مدت خواب
annual average weekday traffic	متوسط سالیانه تردد روز کاری	dwell time	مدت ایست
average daily traffic	متوسط تردد روزانه	egress time	زمان پیاده‌روی
		emergency transfer	انتقال اضطراری مسافر، انتقال اضطراری

demi-vegetarian	نیم گیاهخوار	palatability	کام پذیری
dried whey → whey powder		palatable	کام پذیر
evaporated milk	شیر تبخیری	peanut butter	کره بادام زمینی
fast food	غذای فوری	piscitarian	ماهی - گیاهخوار
fast service food → fast food		polished rice → wholly milled rice	
fermented milk	شیر تخمیری	pure vegetarian → vegan	
fettuccine	نواری	rancidity	تندشدگی
ghee	روغن حیوانی	rancid	تندشده
hard-curd milk	شیر سفت دَلَمه	readymeal	غذای آماده
irradiated milk	شیر پرتودیده	recombined milk	شیر نوترکیب
junk food	هله خوراک	rennet	پنیر مایه
kefir	کفیر	ripened cream → sour cream	
lacto-ovovegetarian	شیرخاک گیاهخوار	royal jelly	غذای ملکه
lactoserum → whey		semi milled rice	برنج نیم سفید
lactovegetarian	شیر گیاهخوار	shrink film → shrink wrap	
low-fat milk	شیر کم چربی	shrink pack → shrink wrap	
low fat milk → low-fat milk		shrink packaging → shrink wrapping	
low-lactose milk	شیر کم لاکتوز	shrink wrap	بسته چسبان
low sodium milk	شیر کم سدیم	shrink wrapping	بسته بندی چسبان
malnourishment → malnutrition		skim milk	شیر بی چربی
malnutrition	سوء تغذیه	skimmed milk → skim milk	
malnutrition cycle	چرخه سوء تغذیه	soft-curd milk	شیر نرم دَلَمه
margarine	کره گیاهی، کره نباتی	sour buttermilk	دوغ کره ترش
marshmallow	پف نبات	sour cream	خامه ترش
modified whey	آب پنیر تغییر یافته	spread	پخشینه
nonfat milk → skim milk		starvation	گشنه مانی
overnutrition	بیش بود تغذیه	strict vegetarian → vegan	

optical rotatory dispersion	تابشی	radiant 1
پاشش چرخش اپتیکی، پاشش چرخش نوری	جسم تابشی	radiant 2
optical thickness	تابیدن	radiate
ضخامت اپتیکی، ضخامت نوری		radiating → radiative
optical-to-optical interface device	تابش	radiation
قطعه واسط اپتیکی، قطعه واسط نوری	تابنده	radiative
optical train	پرتو	ray
ریسه اپتیکی، ریسه نوری	توان تفکیک	resolution
optical window		resolving power → resolution
پنجره اپتیکی، پنجره نوری		steradiancy → radiance
optic axis → principal axis 2		translucent medium
ORD → optical rotatory dispersion	محیط نیم شفاف	transparent medium
OTTO → optical-to-optical interface device	محیط شفاف	
photon	فوتون	تغذیه
photonic	فوتونیک	
photonics	فوتونیک	
polarimeter	قطبش سنج	aromatic tea
polarimetry	قطبش سنجی	چای عطری
polarizer	قطبنده	brown rice
principal axis 1 → optical axis 1		برنج سبوس دار
principal axis 2		bulking agent
محور اصلی اپتیکی، محور اصلی نوری		ماده حجم افزا، حجم افزا
principal plane 1	صفحه اصلی	butterfat → ghee
principal plane 2 → principal section		butter oil → ghee
principal point	نقطه اصلی	butterine → margarine
principal points of a lens → principal point		buttermilk
principal ray 1	پرتو اصلی	دوغ کره
principal ray 2 → principal visual ray		calipers
principal section	مقطع اصلی	ستراسنج
principal visual ray	پرتو دیداری اصلی	callipers → calipers
radiance	تابندگی	cell starvation
		گشنه مانی یاخته ای
		condensed milk
		شیر چگال
		cultured buttermilk
		دوغ کره کشت شده
		curd
		دلمه

اپتیک		interferometry	تداخل سنجی
		laser trap	تله لیزری
beam combiner	باریکه آمیز	laser tweezers	انبرک لیزری
beam damage	آسیب باریکه	magnification	بزرگنمایی
beam expander	باریکه گستر	magnifying power	توان بزرگنمایی
beam resonator	تشدیدگر باریکه	opacity	کدری
beam splitter	باریکه شکاف	opaque medium	محیط کدر
beam splitting	باریکه شکافی	open resonator → beam resonator	
beam waist	کمر باریکه	optical axis 1	محور اپتیکی، محور نوری
coherence	همدوسی	optical axis 2 → principal axis 2	
coherent	همدوس	optical distance → optical path	
depolarization	واقطبش	optical figuring	شکل دهی اپتیکی، شکل دهی نوری
diffraction	پراش	optical flat 1	تخت اپتیکی، تخت نوری
diffractive	پراشنده	optical flat 2	تختی سنج اپتیکی، تختی سنج نوری
diffractometer	پراش سنج	optical harmonic generation	تولید هماهنگ اپتیکی، تولید هماهنگ نوری
diffractometry	پراش سنجی	optical interference → interference	
dispersing prism	منشور پاشان	optical length → optical path	
dispersive power	توان پاشش	optical lever	اهرم اپتیکی، اهرم نوری
entrance pupil	مردمک ورودی	optical parametric oscillator	نوسانگر پارامتری اپتیکی، نوسانگر پارامتری نوری
exit pupil	مردمک خروجی	optical path	راه اپتیکی، راه نوری
hologram	تمام نگاشت	optical pumping	دمش اپتیکی، دمش نوری
holographic	تمام نگاشتی	optical quenching	فرونشانی اپتیکی، فرونشانی نوری
holography	تمام نگاری	optical rectification	یک سوسازی اپتیکی، یک سوسازی نوری
interference	تداخل	optical rotation	چرخش اپتیکی، چرخش نوری
interference of light → interference			
interference pattern	نقش تداخل		
interferometer	تداخل سنج		

فهرست واژه‌ها بر اساس حوزه
به ترتیب الفبای لاتینی

vocal lip → vocal cords

vocal lips → vocal cords

vocal organs اندام‌های آوایی [زبان]

vocal tract مجرای آوایی [زبان]

voice واک [زبان]

voice mail پست صوتی [مخابرات]

voice messaging system سامانه پیام‌رسانی صوتی [مخابرات]

voice onset time زمان آغاز واک [زبان]

vowel gradation → ablaut

vowel mutation → umlaut

W

wagon واگن [حمل-ریلی]

wagon elevator → wagon lift

wagon lift بالابر واگن [حمل-ریلی]

wagonnet واگنک [حمل-ریلی]

wagon weighbridge باسکول خط [حمل-ریلی]

walking speed

سرعت عابر پیاده، سرعت پیاده [حمل-شهری]

wander گندلغزش [مخابرات]

weather وضع هوا، هوا [علوم جو]

weather forecast پیش‌بینی وضع هوا [علوم جو]

weather observation دیدبانی وضع هوا [علوم جو]

weather prediction → weather forecast

web hosting میزبانی وب [رایانه و فن]

weight وزن [فیزیک]

weightless بی‌وزن [فیزیک]

weightlessness بی‌وزنی [فیزیک]

welded rail → continuous welded rail

whey آب پنیر [تغذیه و ص]

whey butter کره آب پنیر [تغذیه و ص]

whey cheese لور [تغذیه و ص]

whey granules آب پنیر ریزدانه [تغذیه و ص]

whey powder گرد آب پنیر [تغذیه و ص]

white rice → wholly milled rice

whole milk شیر کامل [تغذیه و ص]

wholly milled rice برنج سفید [تغذیه و ص]

wind shear چینش باد [علوم جو]

wing بال [هوا-نمایشی]

wing rail ریل بالی [حمل-ریلی]

wings → backstage

worm's eye view نمای دید خزنده، دید خزنده [سینما و تلویزیون]

X

x-coordinate → abscissa

Y

y-coordinate → ordinate of a point

y-coordinate of a point → ordinate of a point

yellow body → corpus luteum

yellow body of ovary → corpus luteum

Z

zero gravity → weightlessness

zonal wind باد ژناری [علوم جو]

unified messaging system	سامانهٔ پیام‌رسانی جامع، پیام‌رسانی جامع ۳ [مخابرات]
uniform resource locator	نشانی وب [رایانه و فن.]
uniformly convergent series	سری یکنواخت همگرا [ریاضی]
universal access number	شمارهٔ فراگیر [مخابرات]
universal crossover → double crossover	
universal resource locator → uniform resource locator	
Universal Serial Bus	همه‌گذر [رایانه و فن.]
update 1	روزآمد [رایانه و فن.]
update 2	روزآمد کردن [رایانه و فن.]
updating	روزآمدسازی [رایانه و فن.]
upgrade	ارتقا دادن [رایانه و فن.]
upgraded	ارتقایافته [رایانه و فن.]
upgrading	ارتقا [رایانه و فن.]
upslope wind	باد فراشیب [علوم جو]
upstage	پس‌صحنه [هد. نمایشی]
URL → uniform resource locator	
USB → Universal Serial Bus	
USB port	درگاهی همه‌گذر [رایانه و فن.]
V	
vacuum filter	صافی خلأ [م. شیمی]
vagina	زهره [زیست.]
vaginal	زهره‌ای [زیست.]
vaginate	زهره‌دار [زیست.]
vaginectomy	زهره‌برداری [زیست.]
vaginitis	زهره‌آماس [زیست.]
vaginotomy	زهره‌شکافی [زیست.]
variational calculus → calculus of variations	
vegan	گیاهخوار مطلق [تغذیه و ص.]
vegetarian	گیاهخوار [تغذیه و ص.]
vegetarianism	گیاهخواری [تغذیه و ص.]
vehicle → wagon	
vehicular trip	سفر سواره [حمل-شهری]
veryhigh frequency	بسامد بسیار بالا [مخابرات]
very low frequency	بسامد بسیار پایین [مخابرات]
very short-range forecast	پیش‌بینی بسیار کوتاه‌مدت [علوم جو]
VHF → veryhigh frequency	
vibrio	خمیزه [زیست.]
vibrioid	خمیزه‌وار [زیست.]
virtual private network	شبکهٔ خصوصی مجازی، شبکهٔ خم [مخابرات]
vitreous luster	جلای شیشه‌ای [زمین.]
VLF → very low frequency	
vocal band → vocal cords	
vocal bands → vocal cords	
vocal cord → vocal cords	
vocal cords	تارآواها، تارآوا [زبان.]
vocal fold → vocal cords	
vocal folds → vocal cords	

transformation hypothesis

نظریه دگرگونی انواع، دگرگونی انواع [زیست.]

transformationalism [گشتارگرایی [زبان.]

transformationalist [گشتارگرا، گشتاری ۱ [زبان.]

transition [گذار [فیزیک]

translation [ترجمه [زیست.]

translational [ترجمه‌ای [زیست.]

translucent medium [محیط نیم‌شفاف [اپتیک]

Transmission Control Protocol

قرارداد هدایت انتقال [رایانه و فن.]

transparent medium [محیط شفاف [اپتیک]

transportation system

سامانه حمل‌ونقل [حمل - شهری]

transverse colon

کولون افقی، پس‌روده افقی [زیست.]

traveling shot

نمای دوربین متحرک [سینما و تلو.]

travel time [مدت مسافرت [حمل - شهری]

tray tower [برج سینی‌دار [م. شیمی]

tree topology [هم‌بندی درختی [مخابرات]

trickle irrigation → drip irrigation

trip [سفر [حمل - شهری]

trip attraction [جذب سفر [حمل - شهری]

trip generating → trip generation

trip generation [ایجاد سفر [حمل - شهری]

truck → bogie

trucking shot → traveling shot

turbulence [تلاطم [علوم جو]

turbulence closure [بستار تلاطم [علوم جو]

turbulent [متلاطم [علوم جو]

tympanic membrane

پرده گوش، پرده صماخ [زیست.]

tympanum → tympanic membrane

U

UHF → ultrahigh frequency

ultrafiltration [فراصافش [م. شیمی]

ultrahigh frequency

بسامد فرابالا [مخابرات]

ultraviolet [فرابنفش [فیزیک]

umlaut [پیشین‌شدگی [زبان.]

unbundling [جداسازی خدمات [مخابرات]

undercranking → fast motion

underlying structure → deep structure

undernourishment → undernutrition

undernutrition [کمبود تغذیه [تغذیه و ص.]

ungrammatical [غیردستوری، نادرستی [زبان.]

unified messaging 1

پیام‌رسانی جامع ۱ [مخابرات]

unified messaging 2 → unified
messaging service

unified messaging 3 → unified
messaging system

unified messaging service

خدمات پیام‌رسانی جامع،

پیام‌رسانی جامع ۲ [مخابرات]

thermonuclear reaction

واکنش گرما هسته‌ای [فیزیک]

third rail

ریل سوم [حمل-ریلی]

three piece bogie

بوژی سه تکه [حمل-ریلی]

through put

حجم گذر [حمل-شهری]

tidal flow

جریان غالب [حمل-شهری]

tidal traffic → tidal flow

tilting coach → tilting wagon

tilting wagon

واگن آونگی [حمل-ریلی]

timelike vector

بردار زمان‌گونه [فیزیک]

time space diagram

نمودار زمان-فاصله [حمل-شهری]

toffee

نرم‌نات [تغذیه و ص.]

tongue rail → switch rail

topic

مبتدا [زبان.]

topicalization

مبتداسازی [زبان.]

topicalized

مبتداسازی‌شده، مبتدأشده [زبان.]

topsoil

روخاک [کشاورزی و زراعت.]

total assimilation

همگونی کلی [زبان.]

touch display screen → touch screen

touch pad → touchpad

touchpad

لَبّ لمس [رایانه و فن.]

touch screen

پرده لمس [رایانه و فن.]

track

خط آهن [حمل-ریلی]

trackball

توپک [رایانه و فن.]

track crossing → diamond crossing

tracking → tracking shot

tracking shot

نمای ریلی [سینما و تلو.]

track-laying machine

ماشین ریل‌گذار [حمل-ریلی]

track scale → wagon weighbridge

track shot → tracking shot

traffic congestion

ازدحام تردد [حمل-شهری]

traffic density

چگالی تردد [حمل-شهری]

traffic generating → traffic generation

traffic generation

ایجاد تردد [حمل-شهری]

traffic generator

ایجادکننده تردد [حمل-شهری]

traffic impact analysis

عارضه‌سنجی تردد [حمل-شهری]

tragedian 1

سوگ‌بازیگر [ه. نمایشی]

tragedian 2

سوگنامه‌نویس [ه. نمایشی]

tragedy

سوگنامه [ه. نمایشی]

tragic

سوگنامه‌ای، سوگناک [ه. نمایشی]

tragicomedy

خوش سوگنامه [ه. نمایشی]

transcript

رونوشت [زیست.]

transcription

رونویسی [زیست.]

transcriptional

رونوشتی [زیست.]

transformation

گشتار [زبان.]

transformational

گشتاری ۲ [زبان.]

transformational component

بخش گشتاری [زبان.]

transformational generative grammar →

generative transformational grammar

transformational grammar →

generative transformational grammar

switch سوزن [حمل-ریلی]
 switch heel پاشنه تیغه سوزن، پاشنه سوزن [حمل-ریلی]
 switch rail تیغه سوزن [حمل-ریلی]
 synchrotron سنکروترون [فیزیک]
 syncope حذف میانی [زبان]
 syngamic → syngamous
 syngamous همکام [زیست]
 syngamy همکامی [زیست]
 synoptic meteorology هواشناسی همدیدی [علوم جو]
 syntactic نحوی ۲ [زبان]
 syntactic component بخش نحوی [زبان]
 syntactician متخصص نحو، نحوی ۱ [زبان]
 syntax نحو [زبان]
 synthetic membrane غشای مصنوعی [م. شیمی]

T

taffy → toffee
 tailwind باد موافق [علوم جو]
 takir → playa
 tank car → tank wagon
 tank wagon واگن مخزنی [حمل-ریلی]
 tape drive رانۀ نوار، نوازرانه [رایانه و فن]
 TCP → Transmission Control Protocol
 telecommunications authority → authority

telematics دورورزی [رایانه و فن]
 test vehicle → test wagon
 test wagon واگن آزمون [حمل-ریلی]
 testa → seed coat
 text telephone تلفن پیام‌نما [رایانه و فن]
 Thallobionta → Thallophyta
 thalloid ریشه‌سا [زیست]
 Thallophyta ریشه‌داران [زیست]
 thallophyte ریشه‌رست [زیست]
 thallus ریشه [زیست]
 theatre 1 تماشاخانه،
 نمایش سرا [ه. نمایشی]
 theatre 2 نمایش [ه. نمایشی]
 theatre 3 → play 2
 theatrical نمایشی [ه. نمایشی]
 theatricalism نمایش‌گرایی [ه. نمایشی]
 theatricalist نمایش‌گرا [ه. نمایشی]
 teatrological نمایش‌شناختی [ه. نمایشی]
 teatrology نمایش‌شناسی [ه. نمایشی]
 theatron 1 → auditorium
 theatron 2 تماشاخانه یونانی [ه. نمایشی]
 thematic پذیرنده ۱ [زبان]
 thematization آغازگر سازی [زبان]
 theme 1 آغازگر ۱ [زبان]
 theme 2 پذیرنده ۲ [زبان]
 thermoelastic گرماکشسان [فیزیک]
 thermoelasticity گرماکشسانی [فیزیک]

spiral	پیچیده‌ای [زیست.]	stock rail joint	درز ریل سوزن [حمل-ریلی]
spirillum	پیچیده [زیست.]	stop frame → freeze frame 2	
splice bar → fishplate		straight intestine → rectum	
spoil car → wagonnet		strict vegetarian → vegan	
spotlight	خالنور [سینما و تلو.]	strong liquor → filtrate	
spread	پخشینه [تغذیه و ص.]	structural gene → cistron	
sprinkler irrigation	آبیاری بارانی [کشاورزی < زراع.]	strudel	میان‌پر [تغذیه و ص.]
stability	پایداری [فیزیک]	stubble mulch	خاکپوش گلشی [کشاورزی < زراع.]
stabilization	پایدارسازی [فیزیک]	subactive volcano → dormant volcano	
stable	پایدار [فیزیک]	subject → grammatical subject	
stage left	چپ صحنه [ه. نمایشی]	submaster	نسخه اصلی دوم، اصلی دوم [سینما و تلو.]
stage right	راست صحنه [ه. نمایشی]	submetallic luster	جلای شبه فلزی [زمین.]
stage	صحنه ۲ [ه. نمایشی]	subscriber identity module card → SIM card	
stand-alone	خوداتکا [مخابرات]	subsoil	زیرخاک [کشاورزی < زراع.]
standalone → stand-alone		subtitle	زیرنویس [سینما و تلو.]
standard rail	ریل استاندارد [حمل-ریلی]	subtitled	زیرنویس دار [سینما و تلو.]
star topology	هم‌بندی ستاره‌ای [مخابرات]	sum	مجموع [ریاضی]
starvation	گشنه‌مانی [تغذیه و ص.]	summand	جمع‌وند [ریاضی]
statutory speed	سرعت مقرر [حمل-شهری]	summation	مجموع‌یابی [ریاضی]
steam distillation	تقطیر بخار آبی [م. شیمی]	superfluous number → abundant number	
steam wagon	واگن بخار [حمل-ریلی]	superhigh frequency	بسامد آتربالا [مخابرات]
steradiancy → radiance		supplemental irrigation	آبیاری تکمیلی [کشاورزی < زراع.]
still frame → freeze frame 1		surface structure	روساخت [زبان.]
stock car → cattle wagon		surge irrigation	آبیاری قطع و وصلی [کشاورزی < زراع.]
stock rail	ریل پهلویی [حمل-ریلی]		

sludge	لجن [م. شیمی]	speed dialing → abbreviated dialing	
small intestinal	باریک روده ای [زیست.]	speed limit	حد سرعت [حمل - شهری]
small intestine	باریک روده [زیست.]	speed zone	حوزه محدودیت سرعت [حمل - شهری]
small wagon → wagonnet		sperm 1 → spermatozoid	
SMTP → Simple Mail Transfer Protocol		sperm 2	گُشناب [زیست.]
soft light	نرم نور [سینما و تلوی.]	spermatid	زام یا ختک [زیست.]
soft lite → soft light		spermatism	گُشناب ریزی [زیست.]
soft-curd milk	شیر نرم دَلَمه [تغذیه و ص.]	spermatocyte	زام یا خته [زیست.]
software package	بسته نرم افزاری [رایانه و فن.]	spermatogenesis	زاده زایی [زیست.]
soil aeration	تهویه خاک [کشاورزی و زراعت.]	spermatogenetic	زاده زایشی [زیست.]
soil aggregate	خاکدانه [کشاورزی و زراعت.]	spermatogonium	زاده زایا [زیست.]
solid	جامد [فیزیک]	spermatozoid	زاده ۱ [زیست.]
solvent extraction	استخراج با حلال [م. شیمی]	spermiduct	گُشناب راه [زیست.]
sonorant	رسا [زبان.]	spherosomal	گوی تنی [زیست.]
sonority	رسایی [زبان.]	spherosome	گوی تن [زیست.]
sound change	تغییر آوایی [زبان.]	sphincter	بنداره [زیست.]
sound law	قانون آوایی [زبان.]	sphincteral	بنداره ای [زیست.]
sound shift	تحول آوایی [زبان.]	sphincteralgia	بنداره درد [زیست.]
sound system	نظام آوایی [زبان.]	sphincterectomy	بنداره برداری [زیست.]
sour buttermilk	دوغ کره ترش [تغذیه و ص.]	sphinctreic → sphincteral	
sour cream, acidified cream, ripened cream	خامه ترش [تغذیه و ص.]	sphincteritis	بنداره آماس [زیست.]
spacelike vector	بردار فضاگونه [فیزیک]	sphincterotome	بنداره شکاف، بنداره بُر [زیست.]
spacing	سرفاصله [حمل - شهری]	sphincterotomy	بنداره شکافی، بنداره بُری [زیست.]
spalling → exfoliation		spider network → spider web	
sparger	حباب ساز [م. شیمی]	spider web	شبکه تار عنکبوتی [حمل - شهری]
sparging	حباب سازی [م. شیمی]		
speech organs → vocal organs			

- semantics [معنی‌شناسی، معناشناسی] [زبان]
- semi milled rice [برنج نیم‌سفید] [تغذیه و ص.]
- seminal vesicle [گُشناب‌دان] [زیست]
- sense component → component 2
- separation [جداسازی] [م. شیمی]
- separation coefficient [ضریب جداسازی] [م. شیمی]
- separation factor [ضریب جداشدگی] [م. شیمی]
- separation light → back light
- separator [جداساز] [م. شیمی]
- sequential → serial
- serial [متوالی، سری] [رایانه و فن.]
- Sertoli's cells [یاخته‌های سرتولی،
یاخته‌های غذادهنده] [زیست]
- shake [آن] [فیزیک]
- sheeting → exfoliation
- sheet jointing → exfoliation
- shell structure [ساختار پوسته‌ای] [فیزیک]
- SHF → super high frequency
- shortened rail → make up rail
- short rail [ریل کوتاه] [حمل-ریلی]
- short-range forecast [پیش‌بینی کوتاه‌مدت] [علوم جو]
- shot list → camera card
- shot sheet → camera card
- shrink film → shrink wrap
- shrink pack → shrink wrap
- shrink packaging → shrink wrapping
- shrink wrap [بسته‌چسبان] [تغذیه و ص.]
- shrink wrapping [بسته‌بندی چسبان] [تغذیه و ص.]
- sieve plate [سینی غربالی] [م. شیمی]
- sieve tray → sieve plate
- silky luster [جلای ابریشمی] [زمین.]
- silt [لای] [کشاورزی] [زراعت]
- SIM card [شناس‌کارت] [مخابرات]
- Simple Mail Transfer Protocol [قرارداد ساده‌نامه‌رسانی] [رایانه و فن.]
- simplified network → spider web
- single perf. → single perforation
- single perforated film → single perforation
- single perforation [فیلم تک‌آژ] [سینما و تلوی.]
- single track line [مسیر یک‌خطه] [حمل-ریلی]
- siphonogamic → siphonogamous
- siphonogamous [ماشوره‌کام] [زیست]
- siphonogamy [ماشوره‌کامی] [زیست]
- site planning [طراحی موقعیت] [حمل-شهری]
- skim milk [شیر بی‌چربی] [تغذیه و ص.]
- skimmed milk → skim milk
- sleeping car → sleeping-wagon
- sleeping-wagon [واگن خواب] [حمل-ریلی]
- slide chair [زینچه لغزنده] [حمل-ریلی]
- slow-acting fertilizer → slow-release fertilizer
- slow motion [کُندنمایی] [سینما و تلوی.]
- slow-release fertilizer [کود کُندرها] [کشاورزی] [زراعت]

royal jelly غذای ملکه [تغذیه و ص.]

running speed سرعت سیر [حمل - شهری]

S

sabkha → playa

saline soil خاک شور [کشاورزی - زراع.]

saloon coach واگن اتوبوسی [حمل - ریلی]

salt flat کفه نمک [زمین]

saprophage پوده خوار [زیست.]

saprophyte پوده رُست [زیست.]

saprophytic پوده رُستی [زیست.]

scaling → exfoliation

scarification بذرخراشی [کشاورزی - زراع.]

scarified seed بذرخراشیده [کشاورزی - زراع.]

scene 1 صحنه ۱ [ه. نمایشی]

scene 2 → stage

scenic 1 صحنه‌ای [ه. نمایشی]

scenic 2 → theatricl

scintillation سوسوزنی [فیزیک]

scintillation detector آشکارساز سوسوزن [فیزیک]

scintillator سوسوزن [فیزیک]

scintillometer سوسوسنج [فیزیک]

scissors crossover → double crossover

screen saver پرده بان [رایانه و فن.]

screen → display screen

secondary articulation تولید دومین،
تولید فرعی [زبان.]

seedbed 1 بستر بذّر [کشاورزی - زراع.]

seedbed 2 خزانه [کشاورزی - زراع.]

seed coat پوسته بذّر [کشاورزی - زراع.]

seed dressing پوشش دادن بذّر [کشاورزی - زراع.]

seed inoculation مایه زنی بذّر [کشاورزی - زراع.]

seed mat فرش بذّر [کشاورزی - زراع.]

seed scarification → scarification

seed stock بذّر ذخیره [کشاورزی - زراع.]

seed treatment تیمار بذّر [کشاورزی - زراع.]

segmented intestine → colon

selected seed بذّر گزیده [کشاورزی - زراع.]

selective membrane skin پوسته گزینای غشا،
پوسته گزینا [م. شیمی]

self-blipped camera → blipped camera

self-consistent field method روش میدان خودسازگار [فیزیک]

self-diffusion خودپخش [فیزیک]

self steering bogie بوژی خودفرمان [حمل - ریلی]

semantic معنایی، معنی شناختی،
معناشناختی [زبان.]

semantic component بخش معنایی [زبان.]

semantic feature مشخصه معنایی [زبان.]

semanticist معنی شناس، معناشناس [زبان.]

refined oil	نفت پالیده [م. شیمی]	reserve capacity	ظرفیت ذخیره [حمل - شهری]
refinery	پالایشگاه [م. شیمی]	resinous luster	جلای رزینی [زمین]
refining	پالایش [م. شیمی]	resolusion	توان تفکیک [اپتیک]
refrigerant	مادهٔ سردساز، سردساز [فیزیک]	resolving power → resolucion	
refrigeration	سردسازی [فیزیک]	resonant detector	آشکارساز تشدید [فیزیک]
refrigerator wagon	واگن یخچال [حمل - ریلی]	rest energy	انرژی سکون [فیزیک]
registered seed	بذر ثبت شده [کشاورزی > زراعت]	rest mass	جرم سکون [فیزیک]
regressive assimilation	همگونی پس رو [زبان]	restoring force	نیروی بازگرداننده [فیزیک]
regulon	ترازه [زیست]	reversal → reversal film	
relay time → layover time		reversal film	فیلم خودمثبت، خودمثبت [سینما و تلویزیون]
release → release print		reversibility	برگشت پذیری [فیزیک]
release print	نسخهٔ پخش [سینما و تلویزیون]	reversibility principle	اصل برگشت پذیری [فیزیک]
rennet	پنیرمایه [تغذیه و صنایع]	reversible	برگشت پذیر [فیزیک]
replenishment → recharge		rheme	پایان بخش [زبان]
replication	همتاسازی [زیست]	rhizoma → rhizome	
replicative	همتاسازنده، همتاساختی [زیست]	rhizome	زمین ساقه [زیست]
replicator	همتاساز [زیست]	rhizomorph	زمین ساقه ریخت [زیست]
replicon	همتایه [زیست]	ribbon rail → continuous welded rail	
replisome	همتاتن [زیست]	right colon → ascending colon	
repressing → repression		ripened ceram → sour cream	
repression	فرونشانی [زیست]	robbed-bit signaling → bit robbing	
repressor	فرو نشان [زیست]	role	نقش [هد. نمایشی]
reproduce	تولیدمثل کردن، زادآوری کردن، زاد آوردن [زیست]	rolling stock → fleet	
reproduction	تولیدمثل، زادآوری [زیست]	rough cut	برش اولیه [سینما و تلویزیون]
reproductive	تولیدمثلی، زادآوری [زیست]	route forecast	پیش بینی مسیر [علوم جوی]

quantum entanglement

درهم تافتگی کوانتومی [فیزیک]

quantum jump

پرش کوانتومی [فیزیک]

query

پُرسمان [رایانه و فن.]

query processing

پُرسمان پردازشی [رایانه و فن.]

quick-release fertilizer → fast-release fertilizer

R

radiance

تابندگی [اپتیک]

radiant 1

تابشی [اپتیک]

radiant 2

جسم تابشی [اپتیک]

radiate

تابیدن [اپتیک]

radiating → radiative

radiation

تابش [اپتیک]

radiative

تابنده [اپتیک]

raffinate

پالیده [م. شیمی]

rail base → rail foot

rail chair

زینچه [حمل-ریلی]

rail clip → rail fastener

rail fastener

پابند [حمل-ریلی]

rail foot

پایه ریل [حمل-ریلی]

rail-grinding machine

ماشین ریل ساب، ریل ساب [حمل-ریلی]

rail-grinding train → rail-grinding machine

railhead

کلاهک ریل، تاج ریل [حمل-ریلی]

rail pad

بالشتک [حمل-ریلی]

rail splice → fishplate

rail web

جان ریل [حمل-ریلی]

rail-welding machine

ماشین جوش ریل [حمل-ریلی]

rancid

تندشده [تغذیه و ص.]

rancidity

تندشدگی [تغذیه و ص.]

rate of flow

میزان جریان [حمل-شهری]

ray

پرتو [اپتیک]

reaction time

زمان واکنش [حمل-شهری]

readymeal

غذای آماده [تغذیه و ص.]

real gas

گاز حقیقی [فیزیک]

rear projection → back projection

reboiler

بازجوش‌آور [م. شیمی]

recharge

تغذیه [زمین.]

reciprocal lattice

شبکه وارون [فیزیک]

recombined milk

شیر نو ترکیب [تغذیه و ص.]

recon

نو ترکیبه [زیست.]

recovery time → layover time

rectal

راست‌روده‌ای [زیست.]

rectalgia

راست‌روده‌درد [زیست.]

rectectomy

راست‌روده‌برداری [زیست.]

rectilinear motion

حرکت راست خط [فیزیک]

rectitis

راست‌روده‌آماس [زیست.]

rectum

راست‌روده [زیست.]

redirected call

برخوانی هدایت‌شده [مخابرات]

redshift

انتقال به سرخ [فیزیک]

reefer → refrigerator wagon

principal visual ray	پرتو دیداری اصلی [اپتیک]
print → film print	
proctalgia → rectalgia	
proctectomy → rectectomy	
proctitis → rectitis	
proembryo	پیش‌رویان [زیست.]
proembryonic	پیش‌رویانی [زیست.]
prognostic equation	معادله پیش‌یابی [علوم جو]
progressive assimilation	همگونی پیش‌رو [زبان.]
proluvial	سیل‌رفتی [زمین.]
proluvium	سیل‌رفت [زمین.]
promoter	پیش‌بر [زیست.]
prompt side → stage left	
propagate	تکثیر کردن [زیست.]
propagation	تکثیر ۲ [زیست.]
propagative	تکثیری [زیست.]
propagator	تکثیرگر [زیست.]
propagule → propagulum	
propagulum	قطعه تکثیر [زیست.]
proper length	ویژه طول [فیزیک]
prostate → prostate gland	
prostate gland	پروستات [زیست.]
prostatic	پروستاتی [زیست.]
prostatitis	پروستات‌آماس [زیست.]
prothallial	پیش‌ریسه‌ای [زیست.]
prothalliform	پیش‌ریسه‌ریخت [زیست.]
prothallium → prothallus	
prothalloid	پیش‌ریسه‌سا [زیست.]
prothallus	پیش‌ریسه [زیست.]
prothesis	پیش‌هشت [زبان.]
prothetic	پیش‌هشتی [زبان.]
prototroph	تک‌کانی پرورد ۱ [زیست.]
prototrophic	تک‌کانی پرورد ۲ [زیست.]
prototrophy	تک‌کانی پروردگی [زیست.]
PS → stage left	
psychological subject	فاعل روان‌شناختی [زبان.]
public switched network → public telephone network	
public switched telephone network → public telephone network	
public telephone network	شبکه عمومی تلفن [مخابرات]
public transportation	حمل و نقل همگانی [حمل - شهری]
pure vegetarian → vegan	
purgation → catharsis	
purification → catharsis	
PUK code → personal unblocking key code	
Q	
quadrupole	چارقطبی [فیزیک]
quantization	کوانتتش [فیزیک]
quantized	کوانتیده [فیزیک]

play house → theatre 1

playwright → dramatist

playwrighting [هـ. نمایشی]

plug-in [افزایه | رایانه و فن.]

PNS → personal number service

point → switch

pointer [اشاره گر | رایانه و فن.]

pointing device [افزاره | اشاره | رایانه و فن.]

point of adherence → adherent point

point of presence [بودگاه | رایانه و فن.]

point-to-point topology
هم بندی نقطه به نقطه [مخابرات]

polarimeter [قطبش سنج | اپتیک]

polarimetry [قطبش سنجی | اپتیک]

polarizer [قطبنده | اپتیک]

polished rice → wholly milled rice

poll [داده خواهی کردن | مخابرات]

polling [داده خواهی | مخابرات]

polygamous [چندکام، چندهمسر | زیست.]

polygamy [چندکامی، چندهمسری | زیست.]

polynomial equation → algebraic equation

pop → point of presence

port [درگاهی | رایانه و فن.]

possible capacity [ظرفیت ممکن | حمل - شهری]

posted speed [سرعت اعلام شده | حمل - شهری]

postive rays → anode rays

practical capacity [ظرفیت عملی | حمل - شهری]

premiere [نمایش افتتاحیه | سینما و تلو.]

premium rate service

خدمات نرخ افزوده [مخابرات]

premium time → pad time

prepaid card 1 → debit card

prepaid card 2
همراه کارت پیش پرداختی،
همراه کارت اعتباری [مخابرات]

prepaid telephone card → debit card

pressure distillation [تقطیر فشاری | م. شیمی]

pressure altimeter → barometric altimeter

pressure tendency [گرایش فشار | علوم جو]

presupposed [پیش انگاشته | زبان.]

presupposition [پیش انگاشت | زبان.]

presuppositional [پیش انگاشتی | زبان.]

preview [پیش نمایش | سینما و تلو.]

primary articulation
تولید نخستین،
تولید اصلی [زبان.]

primer [آغازگر ۲ | زیست.]

primitive function [تابع اولیه | ریاضی]

principal axis 1 → optical axis 1

principal axis 2
محور اصلی اپتیکی، محور اصلی نوری [اپتیک]

principal plane 1 [صفحه اصلی | اپتیک]

principal plane 2 → principal section

principal point [نقطه اصلی | اپتیک]

principal points of a lens →
principal point

principal ray 1 [پرتو اصلی | اپتیک]

principal ray 2 → principal visual ray

principal section [مقطع اصلی | اپتیک]

peroxisomal	پراکسی تلی [زیست.]	photolithotroph	نورکانی پرورد [زیست.]
peroxisome	پراکسی تن [زیست.]	photomultiplier	تکثیرکن فوتونی [فیزیک]
personal area network	شبکه شخصی [رایانه و فن.]	photon	فوتون [اپتیک]
personal identification number → PIN 1		photonic	فوتونیک [اپتیک]
personal identification number → PIN 2		photonics	فوتونیک [اپتیک]
personal number service		photoorganotroph	نورآلی پرورد [زیست.]
خدمات شماره شخصی [مخابرات]		phototroph	نورپرورد ۱ [زیست.]
personal unblocking key code		phototrophic	نورپرورد ۲ [زیست.]
کد قفل‌گشای شخصی [مخابرات]		phototrophy	نورپروردگی [زیست.]
perturbation	پریشیدگی [علوم جو]	phrase structure	ساخت گروهی [زبان.]
perturbed	پریشیده [علوم جو]	phrase structure grammar	دستور ساخت گروهی [زبان.]
pervaporation	تراوش تبخیری [م. شیمی]	phrase structure rule	قاعده ساخت گروهی [زبان.]
phaneritic texture	بافت ویدا [زمین.]	physical forecasting	پیش‌بینی فیزیکی وضع هوا، پیش‌بینی فیزیکی [علوم جو]
pharyngeal	حلقی [زبان.]	PIN 1	شناسه ۱ [مخابرات]
pharyngeal cavity	حفره حلق، حلق [زبان.]	PIN 2	شناسه ۲ [مخابرات]
pharyngealization	حلقی شدن، حلقی‌شدگی [زبان.]	piscitarian	ماهی-گیاخوار [تغذیه و ص.]
phonation	واک‌سازی [زبان.]	place of articulation	جایگاه تولید [زبان.]
phonological component	بخش واجی [زبان.]	plasmogamy	میان‌یاخته‌کامی [زیست.]
phonological process	فرایند واجی [زبان.]	plate circuit → anode circuit	
phonological rule	قاعده واجی [زبان.]	platoon	گروه [حمل-شهری]
photoautotroph	نورخودپرورد [زیست.]	play 1 → theatre 2	
photoconduction	فوتورسانش [فیزیک]	play 2	نمایشنامه [ه. نمایشی]
photoconductivity	فوتورسانندگی [فیزیک]	playa	دغ [زمین.]
photoconductor	فوتورسانا [فیزیک]	player	بازیگر ۱ [ه. نمایشی]
photodisintegration	فروپاشی فوتونی [فیزیک]		
photoionization	فوتو یونش [فیزیک]		

P

85 percentile speed

سرعت ۸۵ درصد [حمل - شهری]

packaged software

نرم افزار بسته ای [رایانه و فن.]

packed column → packed tower

packed tower برج آکنده [م. شیمی]

pad 1 → rail pad

pad 2 لت [رایانه و فن.]

pad time زمان جبران [حمل - شهری]

pair annihilation نابودی زوج [فیزیک]

pair production تولید زوج [فیزیک]

palatability کام پذیری [تغذیه و ص.]

palatable کام پذیر [تغذیه و ص.]

PAN → personal area network

parallel موازی [رایانه و فن.]

parallel bedding → concordant bedding

parallel editing تدوین موازی [سینما و تلو.]

partial assimilation همگونی جزئی [زبان]

partial decay constant

ثابت واپاشی جزئی [فیزیک]

partial half-life نیم عمر جزئی [فیزیک]

particle accelerator

شتاب دهنده ذرات [فیزیک]

particle physics فیزیک ذرات [فیزیک]

passenger car 1 سواری [حمل - شهری]

passenger car 2 → passenger wagon

passenger car equivalence

همسنگ سواری [حمل - شهری]

passenger wagon واگن مسافری [حمل - ریلی]

peak-hour conversion factor → peak-hour factor

peak-hour factor

ضریب ساعت اوج [حمل - شهری]

peanut butter کره بادام زمینی [تغذیه و ص.]

pearl lightning آذرخش مرواریدی [علوم جو]

pearly luster جلای صدفی [زمین.]

peat پوده [زیست.]

pelleted seed → coated seed

penalty time زمان تاوان [حمل - شهری]

people mover پیاده تر [حمل - ریلی]

perfect gas گاز کامل [فیزیک]

perforated pipe distributor → sparger

perforated plate → sieve plate

perforatorium → acrosome

periosteal برون آستی [زیست.]

periosteitis → periostitis

periosteous → periosteal

periosteum برون آست [زیست.]

periostitis برون آست آماس [زیست.]

Perl interpreter مفسر پرل [رایانه و فن.]

permanent aurora شفق دائمی [علوم جو]

permeance تراوندگی [م. شیمی]

permeate تراویده [م. شیمی]

permeation تراوش [م. شیمی]

permeator تراوشگر [م. شیمی]

optical rotatory dispersion	اندام سا [زیست.]
پاشش چرخش اپتیکی، پاشش چرخش نوری [اپتیک]	
optical thickness	آلی پرورد ۱ [زیست.]
ضخامت اپتیکی، ضخامت نوری [اپتیک]	
optical-to-optical interface device	آلی پرورد ۲ [زیست.]
قطعه واسط اپتیکی، قطعه واسط نوری [اپتیک]	
optical train	آلی پروردگی [زیست.]
ریسه اپتیکی، ریسه نوری [اپتیک]	
optical window	original → master
پنجره اپتیکی، پنجره نوری [اپتیک]	
optic axis → principal axis 2	بذر ماندگار [کشاورزی ← زراع.]
orthodox seed	Oscars → Academy Awards
dehāni [زبان.]	OTTO → optical-to-optical interface device
oral	چرخه تخمدانی [زیست.]
oral cavity	ovarian follicle
حفره دهان، دهان [زبان.]	انبانک تخمدان [زیست.]
oral chamber → oral cavity	overall speed → overall travel speed
ORD → optical rotatory dispersion	overall travel speed, journey speed
ordinate of a point	سرعت کلی [حمل - شهری]
عرض نقطه، عرض [ریاضی]	overall trip speed → cycle speed
OR function	over cranking → slow motion
تابع "یا" [ریاضی]	overhead irrigation → sprinkler irrigation
organ	نمای بالاسر [سینما و تلو.]
اندام، عضو [زیست.]	overhead shot
organelle	بیش آبیاری [کشاورزی ← زراع.]
اندامک [زیست.]	overirrigation
organic 1	بیش بود تغذیه [تغذیه و ص.]
اندامگانی [زیست.]	overnutrition
organic 2	ovular
اندامی، عضوی [زیست.]	تخمکی [زیست.]
organic soil	ovulate 1
خاک آلی [کشاورزی ← زراع.]	تخمکدار [زیست.]
organism	ovulate 2
اندامگان [زیست.]	تخمک گذاشتن [زیست.]
organogenic → organogenetic	ovulation
	تخمک گذاری [زیست.]
organogenesis	ovulatory
اندام زایی [زیست.]	تخمک گذاشتی [زیست.]
organogenetic	ovule 1
اندام زایشی [زیست.]	تخمک جانوری، تخمک ۱ [زیست.]
organogeny → organogenesis	ovule 2
	تخمک گیاهی، تخمک ۲ [زیست.]
organography	ovum
اندام نگاری [زیست.]	مامه [زیست.]

observer	دیدبان [علوم جو]	operator 2	ورزگر [زیست]
obstruent	گرفته [زبان]	operon	ورزه [زیست]
obtuse angle	زاویه باز [ریاضی]	opposing wind → headwind	
off-angle shot → dutch tilt shot		opposite prompt side → stage right	
old information	اطلاع کهنه [زبان]	optical axis 1	محور اپتیکی، محور نوری [اپتیک]
oleosome → spherosome		optical axis 2 → principal axis 2	
oligotroph	کاستی پرورد ۱ [زیست]	optical distance → optical path	
oligotrophic	کاستی پرورد ۲ [زیست]	optical figuring	شکل دهی اپتیکی، شکل دهی نوری [اپتیک]
oligotrophy	کاستی پروردگی [زیست]	optical flat 1	تخت اپتیکی، تخت نوری [اپتیک]
oocyte	مام یاخته [زیست]	optical flat 2	تختی سنج اپتیکی، تختی سنج نوری [اپتیک]
oogamete	تخمک کامه [زیست]	optical harmonic generation	تولید هماهنگ اپتیکی، تولید هماهنگ نوری [اپتیک]
oogamous	تخمک کام [زیست]	optical interference → interference	
oogamy	تخمک کامی [زیست]	optical length → optical path	
oogenesis	مامه زایی [زیست]	optical lever	اهرم اپتیکی، اهرم نوری [اپتیک]
oogenetic	مامه زایشی [زیست]	optical parametric oscillator	نوسانگر پارامتری اپتیکی، نوسانگر پارامتری نوری [اپتیک]
oogenetic cycle → ovarian cycle		optical path	راه اپتیکی، راه نوری [اپتیک]
oogonial	مامه زای ۱ [زیست]	optical pumping	دمش اپتیکی، دمش نوری [اپتیک]
oogonium 1 → archegonium		optical quenching	فرونشانی اپتیکی، فرونشانی نوری [اپتیک]
oogonium 2	مامه زای ۲ [زیست]	optical rectification	یک سوسازی اپتیکی، یک سوسازی نوری [اپتیک]
ootid	مام یاختک [زیست]	optical rotation	چرخش اپتیکی، چرخش نوری [اپتیک]
OP → stage right			
opacity	کدری [اپتیک]		
opaque medium	محیط کدر [اپتیک]		
open resonator → beam resonator			
operating speed	سرعت عملی [حمل - شهری]		
operation	عمل [ریاضی]		
operator 1	عملگر [ریاضی]		

monorail → monorail train

mother liquor → filtrate

movement capacity

ظرفیت حرکت [حمل-شهری]

Movietone frame → Academy aperture

Motion Picture Experts Group → Moving Picture Experts Group

Motion Picture Experts Group Layer 3 → MP3

Moving Picture Experts Group

نماوادیس، نماوا [رایانه و فن.]

MP3 آوا-۳ [رایانه و فن.]

MPEG → Moving Picture Experts Group

mud crack گل ترک [زمین.]

mudflow گل شار [زمین.]

mulch خاکپوش [کشاورزی به زراعت.]

mutagen جهش‌زا ۱ [زیست.]

mutagenesis جهش‌زایی [زیست.]

mutagenic جهش‌زا ۲ [زیست.]

mutant جهش‌یافته [زیست.]

mutation جهش [زیست.]

muton جهشته [زیست.]

mycelial جُلینه‌ای [زیست.]

mycelium جُلینه [زیست.]

myceloid جُلینه‌سا [زیست.]

N

nacreous luster → pearly luster

nanofiltration نانوصافش [م. شیمی]

nasal cavity حفره خیشوم، خیشیوم [زبان.]

neoglucogenesis → gluconeogenesis

neoglucogenetic → gluconeogenetic

neogrammarians نودستوریان [زبان.]

neutron excess فزونی نوترون [فیزیک]

new information اطلاع نو [زبان.]

night effect → day-for-night

nightglow شب‌درخش [علوم جو]

night soil کود انسانی [کشاورزی به زراعت.]

non-edaphic غیرخاکی [کشاورزی به زراعت.]

non-home based trip سفر غیر یکسرمنزل [حمل-شهری]

non-porous membrane → dense membrane

non-sonorant نارسا [زبان.]

nonfat milk → skim milk

nonmetallic luster جلای غیرفلزی [زمین.]

nowcast کنون‌بینی [علوم جو]

number portability حفظ شماره [مخابرات]

numerical weather prediction

پیش‌بینی عددی وضع هوا [علوم جو]

numerical forecasting → numerical weather prediction

NWP → numerical weather prediction

O

observation دیدبانی [علوم جو]

observed دیدبانی‌شده [علوم جو]

membrane partition coefficient

ضریب توزیع غشا [م. شیمی]

membrane physical aging

کهنگی غشا [م. شیمی]

membrane reactor

واکنشگاه غشایی [م. شیمی]

memory cell

یاخته یادسپار [زیست.]

memory dialing → abbreviated dialing

mesh topology

هم‌بندی توری [مخابرات]

mesosomal

نیام‌تنی [زیست.]

mesosome

نیام‌تن [زیست.]

metallic luster

جلای فلزی [زمین.]

metathesis

قلب [زبان.]

metathesized

مقلوب [زبان.]

metropolitan area network

شبکه شهری [رایانه و فن.]

MF → medium frequency

microbody

ریژتن [زیست.]

microfiltration

میکروصافش [م. شیمی]

microgamete

ریزکامه [زیست.]

microorganic

ریزاندامگانی [زیست.]

microorganism

ریزاندامگان [زیست.]

microorganismal → microorganic

micropropagation

ریز تکثیری [زیست.]

microscopic reversibility

برگشت‌پذیری ریزمقیاس [فیزیک]

microsomal

خُرْدَتنی [زیست.]

microsome

خُرْدتن [زیست.]

mid-infrared radiation → intermediate infrared radiation

minimum configuration

پیکربندی کمینه [رایانه و فن.]

minor street

خیابان فرعی [حمل - شهری]

mixed flow traffic → mixed traffic

mixed traffic

تردد مختلط [حمل - شهری]

mixer-settler extractor → mixer-settler

mixer-settler

مخلوط - ته‌نشین‌کن [م. شیمی]

mixotroph

آمیزه‌پرورد ۱ [زیست.]

mixotrophic

آمیزه‌پرورد ۲ [زیست.]

mixotrophy

آمیزه‌پروردگی [زیست.]

modal speed

سرعت معمول [حمل - شهری]

modal split

تفکیک وسایط سفر [حمل - شهری]

mode split → modal split

modem

مودم [رایانه و فن.]

moderator

کندساز [فیزیک]

modified whey

آب‌پنیر تغییر یافته [تغذیه و صن.]

modular

حوزه‌ای [زبان.]

modularity

حوزه‌ای بودن [زبان.]

modulator-demodulator → modem

module

حوزه [زبان.]

molecular distillation

تقطیر مولکولی [م. شیمی]

monogamous

تک‌کام، تک‌همسر [زیست.]

monogamy

تک‌کامی، تک‌همسری [زیست.]

monorail train

قطار تک‌ریل [حمل - ریلی]

magnetics	مغناطیس ۱ [فیزیک]	mass-energy relation	رابطهٔ جرم-انرژی [فیزیک]
magnetism	مغناطیس ۲ [فیزیک]	mass extinction	انقراض جمعی [زمین، زیست]
magnetization	مغناطش [فیزیک]	mass transportation	حمل و نقل انبوه [حمل-شهری]
magnetized	مغناطیده [فیزیک]	master	نسخهٔ اصلی [سینما و تلو.]
magnetizing	مغناطنده [فیزیک]	master negative → master	
magnification	بزرگنمایی [اپتیک]	master shot	نمای مادر [سینما و تلو.]
magnifying power	توان بزرگنمایی [اپتیک]	mathematical forecasting	پیش‌بینی ریاضی وضع هوا، پیش‌بینی ریاضی [علوم جو]
main street → major street		matter wave	موج ماده [فیزیک]
major street	خیابان اصلی [حمل-شهری]	mean free path	مسافت آزاد میانگین [فیزیک]
make up rail	ریل بریده [حمل-ریلی]	mean free time	زمان آزاد میانگین [فیزیک]
make up time → pad time		mean life	عمر میانگین [فیزیک]
malnourishment → malnutrition		measurable space	فضای اندازه‌پذیر [ریاضی]
malnutrition	سوء تغذیه [تغذیه و ص.]	measure	اندازه [ریاضی]
malnutrition cycle	چرخهٔ سوء تغذیه [تغذیه و ص.]	median speed	سرعت میانه [حمل-شهری]
MAN → metropolitan area network		medium frequency	بسامد متوسط
manner of articulation	شیوهٔ تولید [زبان]	medium-range forecast	پیش‌بینی میان‌مدت [علوم جو]
map → mapping		mega colon → colon	
mapping	نگاشت [ریاضی]	megagamete → macrogamete	
margarine	کرهٔ گیاهی، کرهٔ نباتی [تغذیه و ص.]	membrane	غشا [م. شیمی]
married print → composite print		membrane compaction	فشردگی غشا [م. شیمی]
marshmallow	پف‌نبات [تغذیه و ص.]	membrane distillation	تقطیر غشایی [م. شیمی]
mass defect	کاستی جرم [فیزیک]	membrane distribution coefficient → membrane partition coefficient	
mass-energy conservation	پایستگی جرم-انرژی [فیزیک]		
mass-energy equivalence	هم‌ارزی جرم و انرژی [فیزیک]		

light rail ریل سبک [حمل-ریلی]

light rail transit
قطار سبک شهری، قطار سبک [حمل-ریلی]

lightning آذرخش [علوم جو]

lightning channel آذرخش راه [علوم جو]

linear function تابع خطی [ریاضی]

linear map → linear mapping

linear mapping نگاشت خطی [ریاضی]

linear operator عملگر خطی [ریاضی]

linear transformation تبدیل خطی [ریاضی]

line-balance converter → balun

line conditioner اصلاح کننده خط [مخابرات]

line conditioning اصلاح خط [مخابرات]

lipid چربی، لیپید [زیست]

lipin → lipid

lipoid → lipid

liquid مایع [فیزیک]

liquid crystal display
نمایشگر بلور مایع، نماب [رایانه و فن]

liquid-liquid extraction
استخراج مایع-مایع [م. شیمی]

lithotroph کانی پرورد ۱ [زیست]

lithotrophic کانی پرورد ۲ [زیست]

lithotrophy کانی پروردگی [زیست]

living mulch خاکپوش زنده [کشاورزی و زراعت]

load factor ضریب بار [حمل-شهری]

local access → local access street

local access street
دسترسی محلی [حمل-شهری]

locomotive crane جرثقیل ریلی [حمل-ریلی]

locus جایگاه [زیست]

logical subject فاعل منطقی [زبان]

long rail ریل بلند [حمل-ریلی]

long-range forecast
پیش بینی بلندمدت [علوم جو]

long welded rail → continuous welded rail

low-angle shot نمای از پایین [سینما و تلو]

low-fat milk شیر کم چربی [تغذیه و ص]

low fat milk → low-fat milk

low frequency بسامد پایین [مخابرات]

low-key lighting
نورپردازی مایه تیره [سینما و تلو]

low-lactose milk شیر کم لاکتوز [تغذیه و ص]

low shot → low-angle shot

low side wagon واگن لبه کوتاه [حمل-ریلی]

low sodium milk شیر کم سدیم [تغذیه و ص]

low vacuum خلأ پایین [فیزیک]

LRT → light rail transit

M

macrogamete درشت کامه [زیست]

macrometeorology کلان هواشناسی [علوم جو]

magic numbers اعداد جادویی [فیزیک]

maglev train قطار مغناطیسی [حمل-ریلی]

magmatic assimilation → assimilation 1

magmatic dissolution → assimilation 1

J

jabber	ژاژه [مخابرات]
jabbering	ژاژدهی [مخابرات]
jack	جافیشی [مخابرات]
jitter	لغزش [مخابرات]
jittered	لغزیده [مخابرات]
Joint Photographic Experts Group	
	نمادیس [رایانه و فن.]
journey duration → travel time	
journey speed → overall travel speed	
journey time	مدت سفر [حمل - شهری]
joystick	اهرمک [رایانه و فن.]
JPEG → Joint Photographic Experts Group	
junk food	هله خوراک [تغذیه و ص.]

K

katafront	فروجبه [علوم جو]
kavir 1 → playa	
kavir 2	کویر [زمین.]
kefir	کفیر [تغذیه و ص.]
kernel 1	دانه غلات [کشاورزی < زراعت.]
kernel 2	مغز دانه [کشاورزی < زراعت.]
key light	نور اصلی [سینما و تلو.]
kinetosome	جنباتن [زیست.]
kinosphere → aster	

L

lac operon	ورزه لاکتوز [زیست.]
lacto-ovovegetarian	شیرخاک گیاهخوار [تغذیه و ص.]
lactoserum → whey	
lactovegetarian	شیرگیاهخوار [تغذیه و ص.]
landuse	کاربری زمین، کاربری [حمل - شهری]
large intestinal	فراخ روده ای [زیست.]
large intestine 1	فراخ روده [زیست.]
large intestine 2 → colon	
laser cooling	سرمایش لیزری [فیزیک]
laser trap	تله لیزری [اپتیک]
laser tweezers	انبرک لیزری [اپتیک]
layering → bedding	
layover time	توقف ایستگاهی [حمل - شهری]
LCD → liquid crystal display	
lead rail → guide rail	
left colon → descending colon	
length	کشش [زبان.]
level crossing	تقاطع هم سطح [حمل - ریلی]
level of service	سطح کارایی [حمل - شهری]
Leydig's cells	یاخته های لیدیگ، یاخته های بینابینی بیضه، یاخته های بینابینی [زیست.]
LF → low frequency	
lifetime → mean life	
light pen	قلم نوری [رایانه و فن.]

instantaneous acceleration

شتاب لحظه‌ای [فیزیک]

intake → recharge

integral calculus [ریاضی] حساب انتگرال

integrated [ریاضی] یکپارچه‌شده، یکپارچه [فیزیک]

integration [ریاضی] یکپارچه‌سازی

integrity test [ریاضی] آزمون یکپارچگی

interaction [فیزیک] برهم‌کنش

interaction picture → interaction representation

interaction representation

نمایش برهم‌کنشی [فیزیک]

interband transition [فیزیک] گذار میان‌نواری

intercut [سینما و تلو.] میان‌برش

intercutting → intercut

interfacing [ریاضی] میان‌سازی

interference of light → interference

interference pattern [اپتیک] نقش تداخل

interference [اپتیک] تداخل

interferogram [فیزیک] تداخل‌نگاشت

interferometer [اپتیک، فیزیک] تداخل‌سنج

interferometry [اپتیک، فیزیک] تداخل‌سنجی

intermediate infrared radiation

تابش فروسرخ میانی [فیزیک]

internal drive [ریاضی] رانۀ داخلی

Internet Message Access Protocol

قرارداد پیام‌گزینی [ریاضی]

Internet Protocol

قرارداد اینترنت [ریاضی]

interplanar spacing

فاصله بین صفحه‌ای [فیزیک]

intertitle [سینما و تلو.] میان‌نویس

interzonal trip [حمل - شهری] سفر بین حوزه‌ای

intraband transition [فیزیک] گذار درون‌نواری

intramolecular force

نیروی درون‌مولکولی [فیزیک]

intrazonal travel time

زمان سفر درون حوزه‌ای [حمل - شهری]

intrazonal trip

سفر درون حوزه‌ای [حمل - شهری]

intron [زیست.] میانه

intronic [زیست.] میانه‌ای

intrusion 1 [زمین.] توده نفوذی

intrusion 2 [زمین.] نفوذ

intrusive [زمین.] نفوذی

intrusive rock

سنگ نفوذی، سنگ درونی [زمین.]

IP → Internet Protocol

irradiated milk [تغذیه و ص.] شیر پرتودیده

irreversible [فیزیک] برگشت‌ناپذیر

irrigation [کشاورزی و زراعت] آبیاری

isogamete [زیست.] جورکامه

isogametic [زیست.] جورکامه‌ای

isogamous [زیست.] جورکام

isogamy [زیست.] جورکامی

isomorphism [ریاضی] یکرختی

homozygosis	جور تخمی [زیست.]	ideal gas 2 → perfect gas	
homozygote	جور تخم ۱ [زیست.]	identification	شناسایی [مخابرات]
homozygous	جور تخم ۲ [زیست.]	identifier	شناسانه [مخابرات]
hopper car → hopper wagon		IMAP → Internet Message Access Protocol	
hopper wagon	واگن قیفی [حمل-ریلی]	imbibition printing	چاپ رنگ آشام [سینما و تلو.]
hospital car → ambulance wagon		impact analysis → traffic impact analysis	
hot wind	تشباد [علوم جو]	imperfect gas → real gas	
house left → stage right		in-band signaling → bit robbing	
house right → stage left		incoming call identification	شماره‌نمایی [مخابرات]
house → auditorium		incomplete assimilation	همگونی ناقص [زبان.]
Hubble effect	اثر هابل [فیزیک]	increment → recharge	
hybrid locomotive	لکوموتیو ترکیبی [حمل-ریلی]	indefinite integral	انتگرال نامعین [ریاضی]
hydrotropism	آبگرایی [کشاورزی > زراع.]	indigenous sound	صدای صحنه [سینما و تلو.]
hydtype process → imbibition printing		induced demand → induced traffic	
hypertrophia → hypertrophy		induced traffic	تردد افزوده [حمل-شهری]
hypertrophic	بیش پرورد [زیست.]	information structure	ساخت اطلاع، ساختار اطلاع [زبان.]
hypertrophy	بیش پرورده‌گی [زیست.]	infrared	فروسرخ [فیزیک]
hypha	نخینه [زیست.]	infrared emission	گسیل فرسرخ [فیزیک]
hyphal	نخینه‌ای [زیست.]	initiation	آغازش [زبان.]
hypotrophic	کم پرورد [زیست.]	initiator	آغازش‌گر [زبان.]
hypotrophy	کم پرورده‌گی [زیست.]	inscribed angle	زاویه محاطی [ریاضی]
		insectigation	سم‌آیاری [کشاورزی > زراع.]
I		insert → insert shot	
ideal capacity	ظرفیت آرمانی [حمل-شهری]	inserted titles → intertitle	
ideal gas 1	گاز آرمانی [فیزیک]	insert shot	میان‌نما [سینما و تلو.]

hand car → wagonnet

handset [گوشی [مخابرات]

haplology حذف هجای مکرر، حذف هجا [زبان]

hard-curd milk شیر سفت دَلَمه [تغذیه و ص.]

hard light سخت نور [سینما و تلو.]

hard seed بذر سخت [کشاوری به زراع.]

Hartree method روش هارتری [فیزیک]

head of rail → railhead

headwind باد مخالف [علوم جو]

heating wagon → steam wagon

heavy rail ریل سنگین [حمل - ریلی]

heel of point → switch heel

hero قهرمان [ه. نمایشی]

heroic قهرمانی [ه. نمایشی]

heroine → hero

heterogamete ناجورکامه [زیست.]

heterogametic ناجورکامه ای [زیست.]

heterogamous ناجورکام [زیست.]

heterogamy ناجورکامی [زیست.]

heterosomal ناجورفام تنی [زیست.]

heterosome ناجورفام تن [زیست.]

heterotroph دگرپرورد ۱ [زیست.]

heterotrophic دگرپرورد ۲ [زیست.]

heterotrophy دگرپروردگی [زیست.]

heterozygosity → heterozygosis

heterozygosis ناجور تخمی [زیست.]

heterozygote ناجور تخم ۱ [زیست.]

heterozygous ناجور تخم ۲ [زیست.]

HF → high frequency

high-angle shot نمای از بالا [سینما و تلو.]

high-energy particle ذره پرانرژی [فیزیک]

high-energy physics → particle physics

high frequency بسامد بالا [مخابرات]

high-key lighting

نورپردازی مایه روشن [سینما و تلو.]

high occupancy vehicle

خودروی چندسرنشین [حمل - شهری]

high occupancy vehicle lane

خط خودروی چندسرنشین [حمل - شهری]

high shot → high-angle shot

high side wagon واگن لبه بلند [حمل - ریلی]

high vacuum خلأ بالا [فیزیک]

highway-rail grade crossing → level crossing

hold frame → freeze frame 1

hold time → allowance time

hologram تمام نگاشت [اپتیک]

holographic تمام نگاشتی [اپتیک]

holography تمام نگاری [اپتیک]

home area network شبکه خانگی [رایانه و فن.]

home based trip سفر یکسر منزل [حمل - شهری]

homogeneous membrane

غشای همگن [م. شیمی]

homomorphism همریختی [ریاضی]

homozygosity → homozygosis

glottalization	چاکنایی شدن، چاکنایی‌شدگی [زبان].	grade separated crossing	تقاطع ناهم سطح [حمل-ریلی]
glottalized	چاکنایی شده [زبان].	gradient	شیو [علوم جر]
glottis	چاکنای [زبان].	grain	دانه [کشاورزی > زراع].
glucogenesis	گلوکزایی [زیست].	grammar	دستور زبان، دستور [زبان].
glucogenic	گلوکزایشی [زیست].	grammarian	دستوری ۱، دستورنویس [زبان].
glucolysis → glycolysis		grammatical	دستوری ۲ [زبان].
gluconeogenesis	نوگلوکزایی [زیست].	grammaticality	دستوری بودن [زبان].
gluconeogenetic	نوگلوکزایشی [زیست].	grammaticalization	دستوری شدن، دستوری‌شدگی [زبان].
glycogenesis	گلیکوژن‌زایی [زیست].	grammaticalized	دستوری شده [زبان].
glycogenetic	گلیکوژن‌زایشی [زیست].	grammatical subject	فاعل دستوری، فاعل، نهاد [زبان].
glycogenic → glycogenetic		grazing angle	زاویه خراش [فیزیک]
glycogenolysis	گلیکوژن‌کافت [زیست].	greasy → greasy luster	
glycogenolytic	گلیکوژن‌کافتی [زیست].	greasy luster	جلای چرب [زمین].
glycogenesis	گلیکوژن‌انباشت [زیست].	Greek theatre → theatron 2	
glycogeny → glycogenesis		grooved rail	ریل قاشقی [حمل-ریلی]
glycolysis	قندکافت [زیست].	ground angle shot → worm's eye view	
glycolytic	قندکافتی [زیست].	grounding	زمینه‌سازی [زبان].
glyconeogenesis → gluconeogenesis		ground shot → ground angle shot	
glyconeogenetic → gluconeogenetic		guard cell	یاخته نگهبان [زیست].
gondola car → low side wagon		guide rail	ریل هادی [حمل-ریلی]
good oil → raffinate			
goods wagon → freight wagon			
Graafian follicle → ovarian follicle			
Graafian vesicle → ovarian follicle			
gradation → ablaut			
grade crossing → level crossing			

H

half-barrier	نیم‌راه‌بند [حمل-ریلی]
HAN → home area network	

fundamental interaction
برهم‌کنش بنیادی [فیزیک]

fundamental particle → elementary
particle

fungus filament → hypha

funicular railway
قطار کابلی، قطار بافه‌ای [حمل‌ریلی]

furrow irrigation
آبیاری جویچه‌ای [کشاورزی < زراعت]

FUV radiation → far-ultraviolet radiation

fjord → fjord

G

Galilean relativity
نسبیت گالیله [فیزیک]

gametangium
کامه‌دان [زیست]

gamete
کامه [زیست]

gametic
کامه‌ای [زیست]

gametocyte
کام‌باخته [زیست]

gametogenesis
کامه‌زایی [زیست]

gametogenic
کامه‌زایشی [زیست]

gametophore
کامه‌بر [زیست]

gametophyte
کامه‌رست [زیست]

GAN → global area network

gangliated → ganglionated

gangliocyte
گره‌باخته [زیست]

ganglion
گره عصبی، گره [زیست]

ganglionated
گره‌دار [زیست]

ganglion cell
یاخته‌گرهی [زیست]

ganglionic
گرهی [زیست]

ganglionitis
گره‌آماس [زیست]

gas
گاز [فیزیک]

gateway
دروازه [مخابرات]

gauge → film gauge

gene expression
بیان ژن [زیست]

general relativity → general relativity
theory

general relativity theory
نظریه نسبیت عام [فیزیک]

generative grammar
دستور زایشی [زبان]

generative semantics
معنی‌شناسی زایشی،
معناشناسی زایشی [زبان]

generative transformational grammar
دستور زایشی-گشتاری، دستورگشتاری [زبان]

generator wagon → energy distribution
wagon

geometry car → test wagon

geostrophic wind
باد زمینگرد [علوم جو]

geyser
آبشار [زمین]

ghee
روغن حیوانی [تغذیه و ص]

girder rail → grooved rail

given information
اطلاع مفروض [زبان]

glaciation
یخسارش [زمین]

glacier
یخسار، یخچال طبیعی [زمین]

global area network
شبکه جهانی [رایانه و فن]

glottal
چاکتایی [زبان]

flat car → flat wagon	معنی‌شناسی صوری، معناشناسی صوری [زبان].
flat wagon	واگن کفی [حمل-ریلی]
fleet	ناوگان [حمل-شهری]
fleet capacity	ظرفیت ناوگان [حمل-شهری]
flint	سنگ چخماق [زمین].
flood → floodlight	
flood irrigation	آبیاری غرقابی [کشاورزی > زراع].
floodlight	پخش‌انور [سینما و تلو].
floodland → flood plain	
flood plain	سیلاب‌دشت، دشت سیلابی [زمین].
flood-plain → flood plain	
floodplain → flood plain	
flow equation	معادله شارش [فیزیک]
focus	کانون [زبان].
foetus → fetus	
follicle	انبانک [زیست].
follicular	انبانکی [زیست].
folliculate	انبانکی‌شده [زیست].
folliculose	انبانک‌دار [زیست].
following wind → tailwind	
follow spotlight → spotlight	
foreground	پیش‌زمینه [زبان، سینما و تلو].
foregrounded	پیش‌زمینه‌سازی شده [زبان].
foregrounding	پیش‌زمینه‌سازی [زبان].
forestage → apron	
formal semantics	معنی‌شناسی صوری، معناشناسی صوری [زبان].
foundation seed	بذر مادر [کشاورزی > زراع].
frame	قاب تصویر، قاب [سینما و تلو].
frame bar → frame line	
framing	قاب‌بندی [سینما و تلو].
frame line	خط قاب [سینما و تلو].
free-phone service	خدمات شماره رایگان [مخابرات]
freeze frame 1	ایستا کردن قاب تصویر، ایستا کردن قاب، قاب‌ایستانی [سینما و تلو].
freeze frame 2	قاب ایستا [سینما و تلو].
freezing → freeze frame 1	
freight car → freight wagon	
freight car scale → wagon weighbridge	
freight wagon	واگن باری [حمل-ریلی]
frog	تکه مرکزی [حمل-ریلی]
frontier point → boundary point	
front projection	پیش‌تابش [سینما و تلو].
front-projection process → front projection	
fully connected network → fully-interconnected topology	
fully-interconnected topology	هم‌بندی تمام‌اتصال [مخابرات]
function	تابع [ریاضی]
functional	تابعک [ریاضی]
functional grammar	دستور نقش‌گرا [زبان].
functor	تابعگون [ریاضی]

fastener → rail fastener	نسخه فیلم، نسخه [سینما و تلو.]
fast food [غذای فوری [تغذیه و ص.]]	پالایه، صافی [م. شیمی]
fast motion [تندنمایی [سینما و تلو.]]	صافش پذیری [م. شیمی]
fast-release fertilizer	صافش پذیر [م. شیمی]
کود تندرّها [کشاورزی « زراع.]	کمک صافی [م. شیمی]
fast service food → fast food	صافیده [م. شیمی]
feature [مشخصه [زبان.]]	صافش [م. شیمی]
feature geometry [هندسه مشخصه ها [زبان.]]	پارچه صافی [م. شیمی]
feed [زمینه چینی کردن [زبان.]]	قاب صافی [م. شیمی]
feeding [زمینه چینی [زبان.]]	کاغذ صافی [م. شیمی]
fermented milk [شیر تخمیری [تغذیه و ص.]]	صافی فشاری [م. شیمی]
fermion [فرمیون [فیزیک]]	برش نهایی [سینما و تلو.]
ferroelectric hysteresis	final trial print → first answer print
پسماند فروالکتریکی [فیزیک]	fine cut → final cut
fertigation [کودآبیاری [کشاورزی « زراع.]]	fjord → fjord
ferti-irrigation → fertigation	firestone → flint
fetal [جنینی، زهسانی [زیست.]]	first answer print
fetoscope [جنین بین، زهسان بین [زیست.]]	نسخه پیش پخش [سینما و تلو.]
fetoscopy [جنین بینی، زهسان بینی [زیست.]]	نمایش اول [سینما و تلو.]
fettuccine [نواری [تغذیه و ص.]]	وصله ریل [حمل-ریلی]
fetus [جنین، زهسان [زیست.]]	fixed frame → freeze frame 2
field [هیأت، میدان [ریاضی]]	fixity of species
filler → fill light	نظریه ثبات انواع، ثبات انواع [زیست.]
filler light → fill light	fjord [آبدره [زمین.]]
fill-in light → fill light	flash ahead → flash forward
fill light [نور سایه کاه [سینما و تلو.]]	flashback [گذشته نما [سینما و تلو.]]
film gauge [قطع فیلم، قطع [سینما و تلو.]]	flash forward [آینده نما [سینما و تلو.]]

epenthesis	میان‌هشت [زبان]	exfoliated	پوسته پوسته شده، پوسته پوسته ۲ [زمین]
epenthetic	میان‌هشتی [زبان]	exit pupil	مردمک خروجی [اپتیک]
epididymis	خاک [زیست]	exon	بیانه [زیست]
epididymitis	خاک‌آماس [زیست]	exonic	بیانه‌ای [زیست]
equation of continuity → continuity equation		exposed	نوردیده [سینما و تلو.]
ER → endoplasmic reticulum		exposure	نوردهی [سینما و تلو.]
escape velocity	سرعت فرار [فیزیک]	external drive	رانۀ خارجی [رایانه و فن.]
eutrophia → eutrophy		extinct volcano	آتشفشان منقرض [زمین]
eutrophic	هوپرورد [زیست]	extinction 1	انقراض [زمین. زیست]
eutrophication	هوپرورش [زیست]	extinction 2	خاموشی [زمین]
eutrophy	هوپروردگی [زیست]	extraction column	ستون استخراج [م. شیمی]
evaluation car → test wagon		extrusion	برون‌ریزی [زمین]
evaporated milk	شیر تبخیری [تغذیه و ص.]	extrusive	برونی [زمین]
evaporation gauge → atmometer		extrusive rock	سنگ بیرونی [زمین]
evaporimeter → atmometer		eye-level → eye-level shot	
evapotranspiration	تبخیر-تعرق [علوم جو]	eye level angle → eye-level shot	
evapotranspirometer		eye level angle shot → eye-level shot	
	تبخیر-تعرق سنج [علوم جو]	eye-level shot	
evapotranspirometry			نمای تراز چشم، تراز چشم [سینما و تلو.]
	تبخیر-تعرق سنجی [علوم جو]	eye line → eye-level shot	
excess time	اضافه‌زمان [حمل-شهری]		
exchange → exchange centre			
exchange area	محدوده مرکز تلفن، محدوده مرکز مخابرات، محدوده مرکز [مخابرات]	F	
exchange centre	مرکز تلفن، مرکز مخابرات، مرکز [مخابرات]	fading	محوشدگی [مخابرات]
exfoliation		Fallopian tube	لولۀ فالوپ [زیست]
	پوسته پوسته شدن، پوسته پوسته ۱ [زمین]	far-ultraviolet radiation	تابش فرابنفش دور [فیزیک]

dystrophy دُش‌پروردگی [زیست.]

E

eardrum → tympanic membrane

earthing up خاک‌دهی [کشاورزی < زراع.]

earthy → dull luster

earthy luster → dull luster

ectoplasm برمیان‌یاخته [زیست.]

ectoplasmatic برمیان‌یاخته‌ای [زیست.]

ectosarc → ectoplasm

edaphic خاکی [کشاورزی < زراع.]

edaphology خاکشناسی زراعی،
خاکشناسی [کشاورزی < زراع.]

effusion → extrusion

effusive → extrusive

egg → ovum

egg cell → ovum

egress time زمان پیاده‌روی [حمل - شهری]

eigenfrequency ویژه‌بسامد [فیزیک]

eigenstate ویژه‌حالت [فیزیک]

eigenvector ویژه‌بردار [فیزیک]

electric hysteresis → ferroelectric
hysteresis

electric multiple unit

خودکشنند برقی [حمل - ریلی]

electroweak interaction

نیروی الکتروضعیف [فیزیک]

elementary charge بار بنیادی [فیزیک]

elementary particle ذره بنیادی [فیزیک]

elision حذف آوایی [زبان.]

elite seed بذر بهین [کشاورزی < زراع.]

embryo رویان [زیست.]

embryogenesis رویان‌زایی [زیست.]

embryogenetic رویان‌زایشی [زیست.]

embryology رویان‌شناسی [زیست.]

embryonal → embryonic

embryonic رویانی [زیست.]

embryophore رویان‌بر [زیست.]

emergency transfer انتقال اضطراری مسافر،
انتقال اضطراری [حمل - شهری]

EMU → electric multiple unit

enciphered data داده پوشیده [رایانه و فن.]

endoplasm درمیان‌یاخته [زیست.]

endoplasmic درمیان‌یاخته‌ای [زیست.]

endoplasmic reticulum

شبکه درمیان‌یاخته‌ای [زیست.]

endosomal درون‌تنی [زیست.]

endosome درون‌تن [زیست.]

endosteal درون‌استی [زیست.]

endosteitis → endostitis

endosteum درون‌است [زیست.]

endostitis درون‌است‌آماس [زیست.]

energy distribution wagon

واگن مولد [حمل - ریلی]

entrance pupil مردمک ورودی [اپتیک]

double decked → double deck bus	راننده [رایانه و فن.]
double perf. → double perforation	drop → backdrop
double perforated film → double perforation	dry lake → playa
double perforation [فیلم دواژ [سینما و تلو.]	duality → double articulation 1
double perf stock → double perforation	duality of patterning → double articulation 1
double printing [چاپ دوتایی [سینما و تلو.]	duality of structure → double articulation 1
double track line [مسیر دوخطه [حمل-ریلی]	dull luster [جلای مات [زمین.]
doubling → duplication	dune [تلماسه [زمین.]
downburst [فروپیکش [علوم جو]	dupe [نسخه دوم [سینما و تلو.]
downdraft [فروهنج [علوم جو]	duplicate 1 [دوتا شدن [زیست.]
downslope wind [باد فروشیب [علوم جو]	duplicate 2 [دوتا شده [زیست.]
downstage [پیش صحنه [ه. نمایشی]	duplication 1 [تکثیر ۱ [سینما و تلو.]
down time [مدت خواب [حمل-شهری]	duplication 2 [دوتا شدگی [زیست.]
downwash [فروشت [علوم جو]	duration [دیرش [زبان.]
drainage wind [باد زهکش [علوم جو]	dusting → seed dressing
drama 1 → theatre 2	dust mulch [خاکپوش گردی [کشاورزی و زراع.]
drama 2 → play 2	dutch angle shot → dutch tilt shot
dramatist [نمایشنامه نویس [ه. نمایشی]	dutch tilt shot [نمای کج زاویه [سینما و تلو.]
dramaturge [نمایش پرداز [ه. نمایشی]	dwelt time [مدت ایست [حمل-شهری]
dramaturgic [نمایش پرداختی [ه. نمایشی]	dye-transfer process → imbibition printing
dramaturgical → dramaturgic	dynamic membrane formation
dramaturgist → dramaturge	غشاسازی درجا [م. شیمی]
dramaturgy [نمایش پردازی [ه. نمایشی]	dynamic track stabilizer
dried whey → whey powder	ماشین پایدارساز خط، پایدارساز خط [حمل-ریلی]
drip irrigation [آبیاری قطره ای [کشاورزی و زراع.]	dystrophia → dystrophy
drive [رانه [رایانه و فن.]	dystrophic [دش پرورد [زیست.]

device manager	افزاره گردان [رایانه و فن.]	disintegration	فروپاشی [فیزیک]
dewaxed	موم زدوده [م. شیمی]	dispersing prism	منشور پاشان [اپتیک]
dewaxing	موم زدایی [م. شیمی]	dispersion	پاشش [فیزیک]
diagnostic equation	معادله فرایابی [علوم جو]	dispersive	پاشنده [فیزیک]
dial tone	بوق آزاد [مخابرات]	dispersive power	توان پاشش [اپتیک، فیزیک]
dial-up	شماره گیری [مخابرات]	displacement	جابہ جایی [فیزیک]
diamond crossing	تقاطع چلیپا، چلیپا [حمل-ریلی]	display screen	پرده نمایش [رایانه و فن.]
diamond crossover → double crossover		dissimilate	ناهمگون شدن [زبان.]
dielectric hysteresis → ferroelectric hysteresis		dissimilated	ناهمگون شده، ناهمگون [زبان.]
diesel multiple unit	خودکشند دیزلی [حمل-ریلی]	dissimilation	ناهمگونی، ناهمگون شدگی [زبان.]
differential calculus	حساب دیفرانسیل [ریاضی]	distillation column	ستون تقطیر [م. شیمی]
diffraction	پراش [اپتیک]	distillation tower	برج تقطیر [م. شیمی]
diffractive	پراشنده [اپتیک]	disturbance	آشفتگی [علوم جو]
diffractometer	پراش سنج [اپتیک]	disturbed	آشفته [علوم جو]
diffractometry	پراش سنجی [اپتیک]	diverted demand → diverted traffic	
direct distance dialing	شماره گیری مستقیم راه دور، شمارد [مخابرات]	diverted traffic	مسیر تغییر یافته [حمل-شهری]
direct inward dialing	شماره گیری مستقیم از بیرون، از بیرون [مخابرات]	DMU → diesel multiple unit	
director's cut	نسخه کارگردان [سینما و تلو.]	D/N → day-for-night	
director's fine cut → director's cut		dolly	روانه [سینما و تلو.]
direct outward dialing	شماره گیری مستقیم به بیرون، به بیرون [مخابرات]	dolly pusher	روانه بر [سینما و تلو.]
discharge	آبدهی [زمین.]	dolly shot	نمای روانه ای [سینما و تلو.]
discordant fold	چین ناهمساز [زمین.]	Doppler broadening	پهن شدگی دوپلری [فیزیک]
		dormant volcano	آتشفشان خاموش [زمین.]
		double articulation 1	تجزیه دوگانه [زبان.]
		double articulation 2	تولید دوگانه [زبان.]
		double crossover	تقاطع دوگانه [حمل-ریلی]
		double deck bus	اتوبوس دوطبقه [حمل-شهری]

current collector rail → third rail

CWR → continuous welded rail

cycle speed [سرعت رفت و برگشت - حمل - شهری]

cyclogenesis [چرخندزایی - علوم جو]

cyclostrophic wind [باد چرخگرد - علوم جو]

cytaster → aster

D

data assimilation [داده‌گوازی - علوم جو]

data communications
[ارتباطات داده‌ها - مخابرات]

data dictionary management system
[سامانه مدیریت داده‌نامه، سامدان - رایانه و فن.]

data filing [پرونده‌بندی داده‌ها - رایانه و فن.]

data message integrity
[یکپارچگی داده‌پیام - رایانه و فن.]

data sink [ستانه داده - مخابرات]

day-for-night [شب‌نمایی - سینما و تلویزیون]

day-for-night filming → day-for-night

dayglow [روزدرخشش - علوم جو]

DDMS → data dictionary management system

dead time → allowance time

deallocation [واتخصیص - مخابرات]

debit card [کارت تلفن - مخابرات]

de Broglie wave [موج دو بروی - فیزیک]

debug [اشکال‌زدایی کردن - رایانه و فن.]

debugger [اشکال‌زدا - رایانه و فن.]

debugging [اشکال‌زدایی - رایانه و فن.]

decementation [آژندزدایی - زمین.]

decendent → gradient

deep structure [ژرف‌ساخت - زبان.]

defective number [عدد ناقص - ریاضی]

deficient number → defective number

delay [تاخیر - مخابرات]

deletion [حذف - زبان.]

demagnetization [وامغناطش - فیزیک]

demagnetized [وامغناطیده - فیزیک]

demi-vegetarian [نیم‌گیاهخوار - تغذیه و ص.]

dense membrane [غشای چگال - م. شیمی]

depolarization [واقطبش - الکترونیک]

depth of compensation → carbonate
compensation dept

derrick car → crane wagon

descending colon
[کولون پایین‌رو، پس‌روده پایین‌رو - زیست.]

descriptive meteorology
[هواشناسی توصیفی - علوم جو]

design capacity [ظرفیت طرح - حمل - شهری]

design hourly volume → design volume

design speed [سرعت طرح - حمل - شهری]

design vehicle [خودروی طرح - حمل - شهری]

design volume [حجم طرح - حمل - شهری]

desquamation → exfoliation

destructive interference

[تداخل ویرانگر - فیزیک]

device [افزاره - رایانه و فن.]

device driver [افزاره‌ران - رایانه و فن.]

continental slope	شیب قاره [زمین]	coverage 1	پوشش [سینما و تلو.]
continuity equation	معادله پیوستگی [علوم جو]	coverage 2	پوشش تصویری [سینما و تلو.]
continuous distillation	تقطیر پیوسته [م. شیمی]	coverage 3	پوشش خبری [سینما و تلو.]
continuous memberane column	ستون غشادار پیوسته [م. شیمی]	covered car → covered wagon	
continuous welded rail	ریل ممتد [حمل-ریلی]	covered wagon	واگن مسقف [حمل-ریلی]
continuous welded track	خط آهن بی درز [حمل-ریلی]	CPP → calling party pays	
contour	پرند [علوم جو]	crane shot	نمای جرثقیلی [سینما و تلو.]
contour line	خط پرند [علوم جو]	crane wagon	واگن جرثقیل دار [حمل-ریلی]
converted traffic	تردد تبدیلی [حمل-شهری]	crawl speed	سرعت خزش [حمل-شهری]
copiotroph	فزونی پرورد ۱ [زیست]	crib card → camera card	
copiotrophic	فزونی پرورد ۲ [زیست]	critical lane	خط پرگذر [حمل-شهری]
copiotrophy	فزونی پروردگی [زیست]	critical movement	حرکت بحرانی [حمل-شهری]
coquina	صدف سنگ [زمین]	crop → cropping	
corpus albicans	جسم سفید [زیست]	cropped	حاشیه گرفته [سینما و تلو.]
corpus fibrosum → corpus albicans		cropping	حاشیه گیری [سینما و تلو.]
corpus luteum	جسم زرد [زیست]	crosscurrent extraction	استخراج متقاطع [م. شیمی]
correspondence principle → Bohr's		cross-cut	برش متقاطع [سینما و تلو.]
correspondence principle		crossing time	زمان گذر عرضی [حمل-شهری]
corridor	دالان [حمل-شهری]	crossing	تقاطع [حمل-ریلی]
counter-bleeding	عکس زمینه برچینی [زبان]	crossover → crossing	
countercurrent extraction	استخراج ناهمسو [م. شیمی]	crystal lattice	شبکه بلور [فیزیک]
countercurrent separation →		cultured buttermilk	دوغ کره کشت شده [تغذیه و ص.]
countercurrent extraction		cupula	فنجانک [زیست]
counter-feeding	عکس زمینه چینی [زبان]	cupular	فنجانکی [زیست]
		curd	دلمه [تغذیه و ص.]

componential analysis [تجزیه مؤلفه‌ای (زبان)]

composite 1 [تصویر ترکیبی (سینما و تلر)]

composite 2 → composite print

composite master → composite print

composite matte shot

[نمای ترکیبی نقابی (سینما و تلر)]

composite membrane

[غشای چندلایه (م. شیمی)]

composite picture → composite 1

composite print [نسخه ناطق (سینما و تلر)]

computer telephone integration →

computer telephony integration

computer telephony → computer

telephony integration

computer telephony integration

[تلفیق تلفن و رایانه،

یکپارچه‌سازی تلفن و رایانه (مخابرات)]

concordant bedding [لایه‌بندی همساز (زمین)]

condensation [میعان (علوم جو)]

condensation pressure [فشار میعان (علوم جو)]

condensed milk [شیر چگال (تغذیه و ص.)]

conditioning → line conditioning

conductor rail → third rail

cone of silence [مخروط سکوت (مخابرات)]

conference call add-on → call add-on

confidant [رازدار (ه. نمایشی)]

confidante → confidant

confluence [همشاری (علوم جو)]

confluent [همشار (علوم جو)]

conformance [انطباق (مخابرات)]

conformance test → conformance testing

conformance testing [آزمون انطباق (مخابرات)]

conformity testing → conformance testing

congestion avoidance

[ازدحام پرهیزی (مخابرات)]

conjugate 1 [همیوغ (زیست)]

conjugate 2 [همیوغ شدن، همیوغ کردن (زیست)]

conjugation [همیوگی (زیست)]

conjugal [همیوگه (زیست)]

connection admission control

[کنترل پذیرش اتصال (مخابرات)]

connectionless transmission

[انتقال بی‌اتصال (مخابرات)]

connectionless transmission →

connectionless mode trasmission

connection mode transmission

[انتقال با اتصال (مخابرات)]

connection-oriented mode transmission →

connection mode transmission

constructive interference

[تداخل سازنده (فیزیک)]

contact filtration [صافش تماسی (م. شیمی)]

contact rail → third rail

continental apron → continental rise

continental displacement → continental drift

continental drift [رانه قاره‌ای (زمین)]

continental rise [خیز قاره (زمین)]

continental shelf [فلات قاره (زمین)]

closure rail → guide rail

cloud ابر [علوم جو]

cloudage → cloudiness

cloud classification رده‌بندی ابرها [علوم جو]

cloud cover پوشش ابر [علوم جو]

cloudiness ابرناکی [علوم جو]

cloudy ابرناک، ابری [علوم جو]

coarticulation هم‌فراگویی، تولید هم‌زمان [زبان]

coastal front جبهه ساحلی [علوم جو]

coated seed بذر پوشش‌دار [کشاورزی ← زراعت]

coaxial cable بافه هم‌محور، کابل هم‌محور [مخابرات]

coccal گوییزه‌ای [زیست]

coccus گوییزه [زیست]

code dependent system سامانه کدوابسته [مخابرات]

code independent system سامانه کدناسته [مخابرات]

codon رمز [زیست]

codress کدشانی [مخابرات]

cognitive grammar دستور شناختی [زبان]

cognitive semantics معنی‌شناسی شناختی، معناشناسی شناختی [زبان]

coherence همدوسی [اپتیک]

coherent همدوس [اپتیک]

colluvial کوهرفتی [زمین]

colluvium کوهرفت [زمین]

colon کولون، پس‌روده [زیست]

colnalgia کولون‌درد، پس‌روده‌درد [زیست]

colon ascendens → ascending colon

colon descendens → descending colon

colonic کولونی، پس‌روده‌ای [زیست]

colonoscope کولون‌بین، پس‌روده‌بین [زیست]

colonoscopy کولون‌بینی، پس‌روده‌بینی [زیست]

colon transversum → transverse colon

coloscope → colonoscope

comedian 1

شوخی‌باز، شوخیگر [هد. نمایشی]

comedian 2

کمدی‌نویس، شوخ‌نامه‌نویس [هد. نمایشی]

comedy کمدی ۱، شوخ‌نامه [هد. نمایشی]

comic کمدی ۲، شوخ‌نامه‌ای، شوخ‌ناک [هد. نمایشی]

comic actor → comedian 1

comic player → comedian 1

comment خبر [زبان]

commutative group گروه جابه‌جایی [ریاضی]

commute سفر حومه-شهری [حمل-شهری]

commuter مسافر حومه-شهری [حمل-شهری]

compartment coach واگن کوبه‌ای [حمل-ریلی]

complete assimilation همگونی کامل [زبان]

completed call برخوانی کامل [مخابرات]

complex wave موج مرکب [فیزیک]

component 1 بخش [زبان]

component 2 مؤلفه [زبان]

cathartic	روان‌پالا [هـ. نمایشی]	challenge and reply system	سامانه چالش-پاسخ [مخابرات]
cattle wagon	واگن احشام [حمل-ریلی]	changeback	مسیرواگردانی [مخابرات]
cecal	کوروده‌ای [زیست.]	changeover	مسیرگردانی [مخابرات]
cecum	کوروده [زیست.]	character	شخصیت [هـ. نمایشی]
cell starvation	گشته‌مانی یاخته‌ای [تغذیه و ص.]	characterization	شخصیت‌پردازی [هـ. نمایشی]
cement	آژند [زمین.]	chemical weathering	هوازنگی شیمیایی [زمین.]
cementation	آژندش [زمین.]	chemoautotroph	شیمی‌خودپرورد [زیست.]
cemented	آژندیده [زمین.]	chemoheterotroph	شیمی‌دگرپرورد [زیست.]
central business district	محدوده تجاری مرکزی [حمل-شهری]	chemolithotroph	شیمی‌کانی‌پرورد [زیست.]
central office	مرکز مخابراتی [مخابرات]	chemoorganotroph	شیمی‌آلی‌پرورد [زیست.]
centre → centre stage		chemotroph	شیمی‌پرورد ۱ [زیست.]
centre stage	میان‌صحنه [هـ. نمایشی]	chemotrophic	شیمی‌پرورد ۲ [زیست.]
centrex	خدمات خاص مرکز تلفن، خدمت [مخابرات]	chemotrophy	شیمی‌پرورده‌گی [زیست.]
centrifugal distortion	واپیش مرکزگریز [فیزیک]	chromosomal	فام‌تنی [زیست.]
centrifuge refining	پالایش گریزانه‌ای [م. شیمی]	chromosomal duplication → duplication	
centrosphere	میان‌گوی [زیست.]	chromosome	فام‌تن [زیست.]
centrospheric	میان‌گوی [زیست.]	churn	رویگردانی [مخابرات]
certified seed	بذر گواهی‌شده [کشاورزی < زراع.]	cistron	کارایه [زیست.]
Chadwick-Goldhaber effect	اثر چادویک-گلدهابر [فیزیک]	clay	رُس [کشاورزی < زراع.]
chain lightning	آذرخش زنجیره‌ای [علوم جر]	clear	پاک کردن [مخابرات]
chair → rail chair		cleavage	رَخ [زمین.]
chalk	گِل سفید [زمین.]	clipboard	بُریده‌دان [رایانه و فن.]
		clonal	تاگی [زیست.]
		clone	تاگ [زیست.]
		cloned	تاگ‌سازی شده [زیست.]
		clonning	تاگ‌سازی [زیست.]

bundling خدمات‌دهی درهم [مخابرات]

burning oil → refined oil

bus topology هم‌بندی خطی [مخابرات]

busy اشغال، مشغول [مخابرات]

busy hour ساعت شلوغی [مخابرات]

busy signal سیگنال اشغال، نشانک اشغال [مخابرات]

butterfat → ghee

butterine → margarine

butter oil → ghee

buttermilk دوغ کره [تغذیه و ص.]

C

cable franchise امتیاز بافه،
امتیاز کابل [مخابرات]cable pressurisation گازفشاری بافه،
گازفشاری کابل [مخابرات]calcium-carbonate compensation depth →
carbonate compensation depth

calculus حسابان [ریاضی]

calculus of residues حساب مانده‌ها [ریاضی]

calculus of variations حساب وردش‌ها [ریاضی]

calipers ستبراسنج [تغذیه و ص.]

call add-on برخوان‌افزایی [مخابرات]

call attempt اقدام به برخوانی [مخابرات]

callback برگردان برخوانی، برگردان [مخابرات]

call barring مسدودسازی برخوانی [مخابرات]

call blocking انسداد برخوانی [مخابرات]

call duration مدت برخوانی [مخابرات]

call establishment برقراری برخوانی [مخابرات]

calling party pays برخوان‌پردازی [مخابرات]

callipers → calipers

call restriction محدودسازی برخوانی [مخابرات]

call restrictor محدودساز برخوانی [مخابرات]

callilng card → debit card

camera card نمایرگه [سینما و تلو.]

camp → camp-on

camp-on نوبت‌گیری [مخابرات]

camp-on-busy → camp-on

campus area network شبکه پردیسی [رایانه و فن.]

CAN → campus area network

canted shot → dutch tilt shot

caption برنگاشت [سینما و تلو.]

capture گیراندازی

car 1 → wagon

car 2 → passenger wagon

carbonate compensation depth ژرفای موازنه کربنات، ژمک [زمین.]

carbonate platform سکوی کربناتی [زمین.]

carbonate shelf فلات قاره کربناتی [زمین.]

car-carrier wagon واگن خودروبر [حمل-ریلی]

caryopsis گندمه [کشاورزی و زراعت]

catharsis روان‌پالایی [ادب. نمایشی]

beam splitting	باریکه شکافی [اپتیک]	blocking anticyclone	واچرخند بندالی [علوم جو]
beam waist	کمر باریکه [اپتیک]	blocking high	پرفشار بندالی [علوم جو]
bed	لایه [زمین]	blocking signal	سیگنال انسداد، نشانک انسداد [مخابرات]
bedded	لایه‌ای [زمین]	Bluetooth	دندان‌آبی، بلوتوث [رایانه و فن]
bedding	لایه‌بندی [زمین]	bog → bog soil	
binary operation	عمل دوتایی [ریاضی]	bog soil	خاک باتلاقی [کشاورزی و زراعت]
binder rail → wing rail		bogie	بوژی [حمل-ریلی]
biomineral	زیست‌کانی [زمین]	Bohr's correspondence principle	اصل همخوانی بور، اصل همخوانی [فیزیک]
biomineralization	زیست‌کانی‌سازی [زمین]	bonus time → allowance time	
biominerology	زیست‌کانی‌شناسی [زمین]	boom	بازو [سینما و تلو]
bird's eye view	نمای دید پرنده، دید پرنده [سینما و تلو]	boom man	بازویان [سینما و تلو]
bisector → angle bisector		boundary of a set	مرز مجموعه [ریاضی]
bisectrix → angle bisector		boundary point	نقطه مرزی [ریاضی]
bit masking	بیت‌پوشی [مخابرات]	bounded function	تابع کراندار [ریاضی]
bit robbing	بیت‌ربایی [مخابرات]	bounded operator	عملگر کراندار [ریاضی]
bit slip	بیت‌لغزی [مخابرات]	bounded sequence	دنباله کراندار [ریاضی]
bit stripping	بیت‌برداری [مخابرات]	bounded set	مجموعه کراندار [ریاضی]
blade heel → switch heel		bounded variation	وردش کراندار [ریاضی]
blade rail → switch rail		box car → covered wagon	
bleed	زمینه‌برچینی کردن [زبان]	brackish water	آب لب‌شور [کشاورزی و زراعت]
bleeding	زمینه‌برچینی [زبان]	brown rice	برنج سبوس‌دار [تغذیه و صن]
blimp	صداگیر [سینما و تلو]	bug	اشکال [رایانه و فن]
blimped camera	دوربین بی‌صدا [سینما و تلو]	bulking agent	ماده حجم‌افزا، حجم‌افزا [تغذیه و صن]
blindgut → cecum		bulk method	روش کپهای [علوم جو]
block	بستک [مخابرات]		
blocking 1	انسداد [مخابرات]		
blocking 2	بستک‌بندی [مخابرات]		

B

bacillary	میلیزه‌ای [زیست.]	ballast wagon	واگن پارسنگ [حمل-ریلی]
bacilliform	میلیزه‌شکل [زیست.]	balun	مدار تعادل و تطبیق، متوت [مخابرات]
bacillus	میلیزه [زیست.]	balun transformer → balun	
backdrop	پساویز [سینما و تلو.]	barney	دوربین پوش [سینما و تلو.]
background	پس‌زمینه [زبان، سینما و تلو.]	barometric altimeter	فرازیاب فشاری [علوم جو]
backgrounded	پس‌زمینه‌سازی شده [زبان.]	barometric tendency → pressure tendency	
backgrounding	پس‌زمینه‌سازی [زبان.]	barrier	راه‌بند [حمل-ریلی]
background light	نور پس‌زمینه [سینما و تلو.]	barrier code	خط‌گشا [مخابرات]
backhaul → backhauling		basal body → kinetosome	
backhauled	دورگشته [مخابرات]	basal granule → kinetosome	
backhauling	دورگشت [مخابرات]	base component	بخش پایه [زبان.]
back light	پس‌نور [سینما و تلو.]	base headway	فاصله زمانی پایه [حمل-شهری]
back lighting	پس‌نورپردازی [سینما و تلو.]	base station	ایستگاه پایه [مخابرات]
back projection	پس‌تابش [سینما و تلو.]	basic services	خدمات پایه [مخابرات]
back screen prejection → back projection		basin irrigation	آبیاری کرتی [کشاورزی، زراعت]
backstage	پشت‌صحنه [هنر، نمایشی]	batch distillation	تقطیر ناپیوسته [م. شیمی]
balanced converter → balun		batched transmission → batch transmission	
balanced-to-unbalanced transformer → balun		batch transmission	ارسال دسته‌ای [مخابرات]
ballast car → ballast wagon		beaded lightning	آذرخش دانه‌تسبیحی [علوم جو]
ballast compactor	ماشین روکوب [حمل-ریلی]	beam combiner	باریکه‌آمیز [اپتیک]
ballast consolidator → ballast compactor		beam damage	آسیب باریکه [اپتیک]
ballast regulator	ماشین خط‌آرا، خط‌آرا [حمل-ریلی]	beam expander	باریکه‌گستر [اپتیک]
ballast tamper	ماشین زیرکوب [حمل-ریلی]	beam resonator	تشدیدگر باریکه [اپتیک]
ballast tamping machine → ballast tamper		beam splitter	باریکه‌شکاف [اپتیک]

ascent	فرازش [علوم جو]	atomic photoelectric effect → photoionization	
aseismic ridge	پشته بی لرزه [زمین]	atrophia → atrophy	
assembly language program	برنامه به زبان همگذاری [رایانه و فن]	atrophic	واپرورد [زیست]
assembly program	برنامه همگذاری [رایانه و فن]	atrophy, atrophia	واپروردگی [زیست]
assigned frequency	بسامد واگذارشده [مخابرات]	attention code	کد خدمات خواهی [مخابرات]
assimilate	همگون شدن [زبان]	attention signal → attention code	
assimilated 1	گوارده [زمین]	attraction-sphere → centrosphere	
assimilated 2	همگون شده، همگون [زبان]	auditorium	تالار نمایش، تالار ۲ [هد. نمایشی]
assimilation 1	گوارد [زمین]	authentication	اصالت سنجی [مخابرات]
assimilation 2	همگونی، همگون شدگی [زبان]	authority	مرجع [مخابرات]
aster	اخترک [زیست]	autoanswer	خود پاسخ [مخابرات]
astral sphere → astrosphere		autopolling → polling	
astrosphere	اخترگوی [زیست]	autosomal	جورفام تنی [زیست]
asymmetric membrane	غشای بی تقارن [م. شیمی]	autosome	جورفام تن [زیست]
atmidometer → atmometer		autotroph	خودپرورد ۱ [زیست]
atmidometry → atmometry		autotrophic	خودپرورد ۲ [زیست]
atmometer	تبخیرسنج [علوم جو]	autotrophy	خودپروردگی [زیست]
atmometry	تبخیرسنجی [علوم جو]	auxotroph	تک آلی پرورد ۱ [زیست]
atmosphere 1	اتمسفر [علوم جو]	auxotrophic	تک آلی پرورد ۲ [زیست]
atmosphere 2	جو [علوم جو]	auxotrophy	تک آلی پروردگی [زیست]
atmospheric attenuation	تضعیف جوی [علوم جو]	available line	خط آماده واگذاری، خط آماده [مخابرات]
atmospheric distillation	تقطیر جوی [م. شیمی]	average daily traffic	متوسط تردد روزانه [حمل - شهری]
atmospheric window	دریچه جو [علوم جو]	average day	روز عادی [حمل - شهری]
		aviation meteorology	هواشناسی هواپیمایی [علوم جو]

annual average daily traffic	پادیکریختی [ریاضی]
متوسط سالیانه تردد روزانه [حمل - شهری]	
annual average weekday traffic	نگاشت متقاطر [ریاضی]
متوسط سالیانه تردد روز کاری [حمل - شهری]	
annular domain	نقطه‌های متقاطر [ریاضی]
حوزه طوقی [ریاضی]	
annulator → annihilator	نانمایش [ه. نمایشی]
annulus	بافت ناویدا [زمین]
طوق [ریاضی]	
anode circuit	apical body → acrosome
مدار آند [فیزیک]	
anode rays	apocope
پرتوهای آندی [فیزیک]	حذف پایانی [زبان]
anomalous Zeeman effect	apogamous
اثر بی‌هنجار زمین [فیزیک]	ناهمکام [زیست]
answerback	apogamy
پاسخک [مخابرات]	ناهمکامی [زیست]
answer print → first answer print	apophony → ablaut
anther	application package
بساک [زیست]	بسته کاربردی [رایانه و فن]
antherid → antheridium	
antheridial	apron
زامه‌دانی [زیست]	جلو‌صحنه [ه. نمایشی]
antheridiophore	archegonial
زامه‌دان‌بر [زیست]	مامه‌دانی [زیست]
antheridium	archegoniata
زامه‌دان [زیست]	مامه‌دان‌دار [زیست]
antheriferous	archegoniophore
بساک‌بر [زیست]	مامه‌دان‌بر [زیست]
antherozoid	archegonium
گیازامه، زامه ۲ [زیست]	مامه‌دان [زیست]
antherozoidal	aromatic tea
گیازامه‌ای، زامه‌ای [زیست]	چای عطری [تغذیه و ص.]
anticipatory assimilation → regressive assimilation	articulated coach → articulated wagon
anticodon	articulated wagon
پادرمزه [زیست]	واگن مفصلی [حمل - ریلی]
anticyclogenesis	articulation
واچرخندزایی [علوم جو]	تولید، فراگویی [زبان]
antiderivative	articulator
پادمشتق [ریاضی]	اندام تولید، فراگو [زبان]
antidrama → antitheatre	articulatory
	تولیدی [زبان]
antihero	artificial membrane → synthetic membrane
ناقهرمان [ه. نمایشی]	
	ascendant → ascendent
	ascendent
	فرازه [علوم جو]
	ascending colon
	کولون بالارو، پس‌روده بالارو [زیست]

algebraic surface	رویه جبری [ریاضی]	amphitheatre 1	تالار پلکانی، تالار ۱ [ه. نمایشی]
algebraic system	دستگاه جبری [ریاضی]	amphitheatre 2	تماشاخانه رومی [ه. نمایشی]
algebraic theory of numbers → algebraic number theory		amplitude	دامنه [فیزیک]
algebraic variety	چندگونای جبری [ریاضی]	amplitude modulation	مدوله سازی دامنه [فیزیک]
alkali flat	کفه قلیایی [زمین.]	amp-turn → ampere-turn	
alogamic → allogamous		ampulla ossea → ampulla	
allogamous	دگرگام [زیست.]	ampulla	فنجان [زیست.]
alogamy	دگرگامی [زیست.]	anafront	فراجبهه [علوم جو]
allowance time	زمان مجاز یکاری، زمان مجاز [حمل- شهری]	analytic function	تابع تحلیلی [ریاضی]
alluvial	آبرفتی [زمین.]	analytic geometry	هندسه تحلیلی [ریاضی]
alluvial deposit → alluvium		analytic number theory	نظریه تحلیلی اعداد [ریاضی]
alluviation	آبرفت گذاری [زمین.]	AND function	تابع "و" [ریاضی]
alluvion → alluvium		anemogram	بادنگاشت [علوم جو]
alluvium	آبرفت [زمین.]	anemograph	بادنگار [علوم جو]
almost everywhere	تقریباً همه جا [ریاضی]	anemological	بادشناختی [علوم جو]
alphanumeric code	کد حرفی عددی، شناسه حرفی عددی [مخابرات]	anemology	بادشناسی [علوم جو]
alternating-gradient synchrotron	سنکروترون با شیب متفاوت [فیزیک]	angle	زاویه [ریاضی]
AM → amplitude modulation		angle at a circumference → inscribed angle	
ambient light	نور محیط [سینما و تلو.]	angle bisector	نیمساز زاویه، نیمساز [ریاضی]
ambulance coach → ambulance wagon		angular acceleration	شتاب زاویه ای [فیزیک]
ambulance wagon	واگن آمبولانس [حمل- ریلی]	angular distance	فاصله زاویه ای [ریاضی]
amicable numbers	عددهای متحاب [ریاضی]	anisogamete → heterogamete	
ampere-turn	آمپر-دور [فیزیک]	anisogametic → heterogametic	
		annihilation → pair annihilation	
		annihilator	پوچساز [ریاضی]

acyclic graph	گراف بی‌دور [ریاضی]	aggregate → soil aggregate	
adamantine luster	جلای الماسی [زمین]	agricultural meteorology	
add-in	دراغزا [رایانه و فن]	هواشناسی کشاورزی [علوم جو]	
add-on 1 → plug-in		agrometeorology → agricultural meteorology	
add-on 2	برافزا [رایانه و فن]	air parcel	بسته هوا [علوم جو]
add-on conference → call add-on		aircraft icing	یخ‌زنی هواگرد [علوم جو]
addition	جمع [ریاضی]	airglow	هوا درخش [علوم جو]
adherent point	نقطه چسبیده [ریاضی]	algebraic addition	جمع جبری [ریاضی]
adiabatic condensation pressure	فشار میعان بی‌درو [علوم جو]	algebraically closed field	هیأت جبری بسته، میدان جبری بسته [ریاضی]
adiabatic saturation pressure	فشار اشباع بی‌درو [علوم جو]	algebraically complete field → algebraically closed field	
adjacent angles	زاویه‌های مجاور [ریاضی]	algebraically independent elements	عنصرهای جبری مستقل [ریاضی]
adjacent sides	ضلع‌های مجاور [ریاضی]	algebraic closure → algebraic closure of a field	
adjacent vertices	رأسهای مجاور [ریاضی]	algebraic closure of a field	بستار جبری یک هیأت، بستار جبری یک میدان، بستار جبری [ریاضی]
adjoint matrix	ماتریس الحاقی [ریاضی]	algebraic curve	خم جبری [ریاضی]
advisory speed	سرعت توصیه‌ای [حمل-شهری]	algebraic equation	معادله جبری [ریاضی]
aerogram	جوناگشت [علوم جو]	algebraic expression	عبارت جبری [ریاضی]
aerograph	جوناگار [علوم جو]	algebraic geometry	هندسه جبری [ریاضی]
aerography	جوناگاری [علوم جو]	algebraic identity	اتحاد جبری [ریاضی]
aerology	جوشناسی [علوم جو]	algebraic manifold	خمینه جبری [ریاضی]
aeronautical meteorology	هواشناسی هوانوردی [علوم جو]	algebraic number	عدد جبری [ریاضی]
affine mapping	نگاشت همگر [ریاضی]	algebraic number theory	نظریه جبری اعداد [ریاضی]
affine plane	صفحه همگر [ریاضی]		
affine transformation	تبدیل همگر [ریاضی]		
affinity	همگری [ریاضی]		

A

abbreviated dialing

شماره‌گیری کوتاه [مخابرات]

Abelian group

گروه آبلی [ریاضی]

abirotrophy → hypotrophy

ablaut

واکه‌گشت [زبان]

abort

نافرجامی [مخابرات]

abscissa

طول نقطه، طول [ریاضی]

absolute continuity

پیوستگی مطلق [ریاضی]

absolute convergence

همگرایی مطلق [ریاضی]

absolute error

خطای مطلق [ریاضی]

absolute value

قدرمطلق [ریاضی]

absolutly convergent series

سری مطلقاً همگرا [ریاضی]

abstract algebra

جبر مجرد [ریاضی]

abundant number

عدد زائد [ریاضی]

Academy aperture

دهانه استاندارد آکادمی،
دهانه استاندارد [سینما و تلور]

Academy Awards

جوایز اسکار، اسکار [سینما و تلور]

Academy leader

نوار راهنمای استاندارد آکادمی، نوار
راهنمای استاندارد [سینما و تلور]

Academy mask → Academy aperture

Academy ratio

نسبت استاندارد آکادمی،
نسبت استاندارد [سینما و تلور]

Academy standards

استانداردهای آکادمی [سینما و تلور]

accelerated motion → fast motion

accelerator → particle accelerator

access

دسترسی [مخابرات]

access barred

دسترسی مسدود [مخابرات]

access barred!

دسترسی مسدود! [مخابرات]

access charge

هزینه دسترسی [مخابرات]

access code

کد دسترسی، شناسه دسترسی [مخابرات]

access control

کنترل دسترسی [مخابرات]

access line

خط دسترسی [مخابرات]

access time

زمان دسترسی [حمل - شهری، مخابرات]

acid sludge

لجن اسیدی [م. شیمی]

acrosomal

تازکتنی [زیست]

acrosome

تازکتن [زیست]

act

پرده [ه. نمایشی]

acting

بازیگری [ه. نمایشی]

actinometer

تابه‌سنج [علوم جر]

actinometry

تابه‌سنجی [علوم جر]

activated sludge

لجن فعال [م. شیمی]

active volcano

آتشفشان فعال [زمین]

actor 1 → player

actor 2

هنرپیشه، بازیگر ۲ [ه. نمایشی]

actress 1 → player

actress 2 → actor 2

acute angle

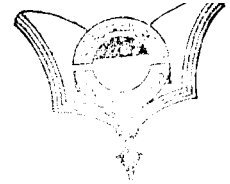
زاویه تند [ریاضی]

acute-angle triangle → acute triangle

acute triangle

مثلث تند [ریاضی]

فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی



تاسیس ۱۳۷۶
کتابخانه تخصصی ادبیات

A Collection of Terms

Approved by
The Academy of Persian
Language and Literature

volume 3

Terminology Department
May 2006